



تحليل هك منتشر شده در رسانه ها
چين در مورد ايران در سال ۲۰۱۵

دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۵

صدك

مؤسسه پژوهشی استراتژی و اقتصاد
نشریه



ايران و روسيه:
رابطه، مبنای بر
تلاش متقابل



نقش «شیخ نمر»
در قطع رابطه،
عربستان و ايران



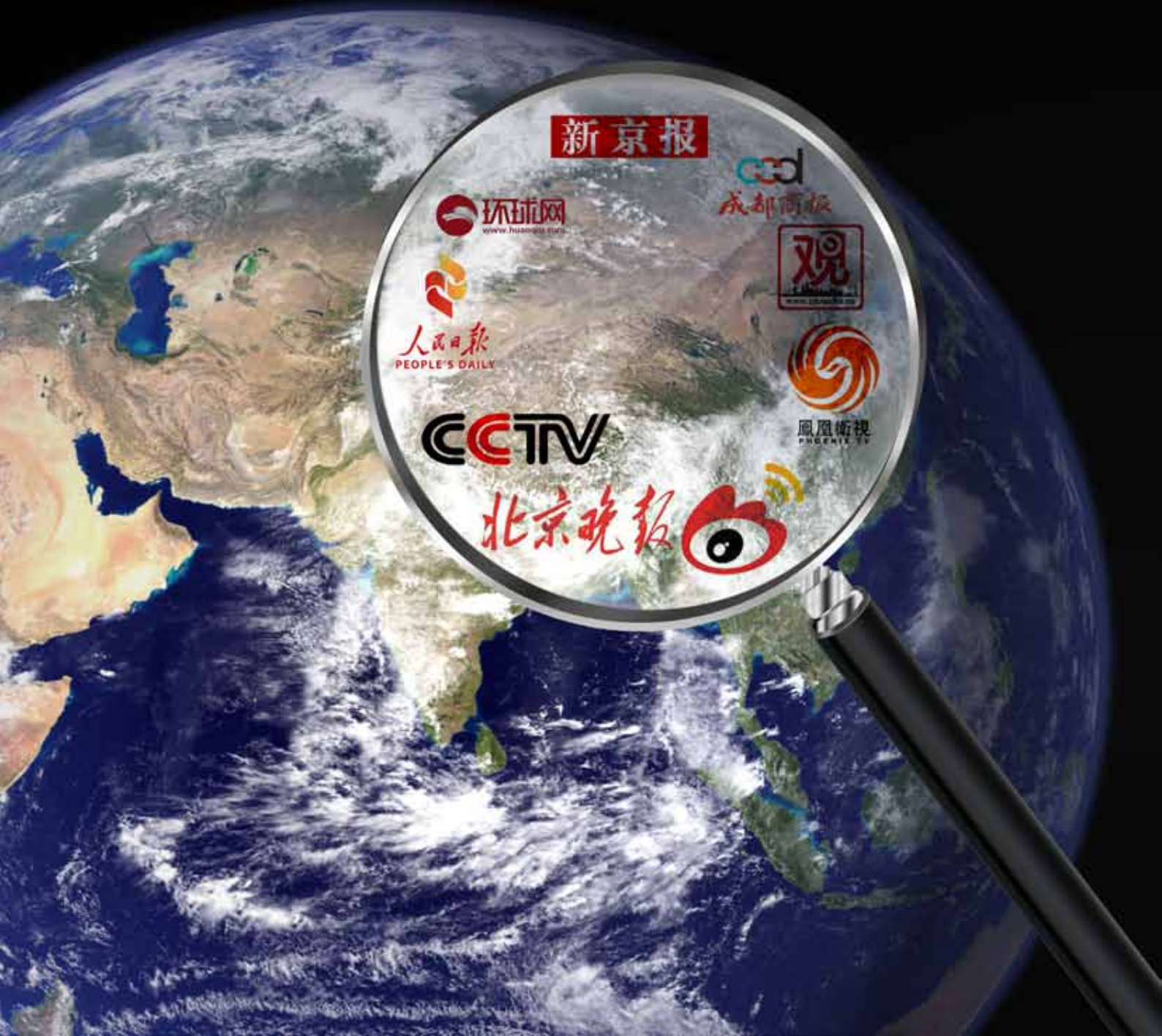
تأثيرات شكرف
توافق هسته‌ای ايران
بر روی چين



فرصت سرمايه، گذارک
در بخش نفت و گاز
ايران پس از رفع تحریم‌ها



منافع چين از
ايران در دوره
پسا تحریم



新京报





شناخت تهدیدها
از راه رصد مسائل بین المللی
حاصل میشود.

امام خامنه ای



بسم الله...
« به نامش، به یادش و این شاء... برایش »



صاحب امتیاز:

انجمن علمی زبان چینی دانشگاه شهید بهشتی

رییس شورای سیاست گذاری:

دکتر رضا میرزایی برزکی

مدیر مسئول:

رضا حیدری

سر دبیر:

محمدعلی احمدی منش

مدیر اجرایی:

امیرحسین رضایپناه

دبیر بخش سیاسی-نظامی: مهدخت نیک اخلاق

دبیر بخش اقتصاد و انرژی: ندا براتی

دبیر بخش فرهنگ و جامعه: ساجده توکلی

اعضای تحریریه:

صبا اسلامی، زهرا اسماعیلی، فاطمه بحرینی، فرانک تک سایه، لادن حبیبوند،

عطاءالله حسین پور، حدیثه درزی، پگاه رستمی نژاد، شیرین شباهنگ، کیانا شیرازی، محمد صالحی،

سوزان السادات صدرالدینی، آریس کیان ارثی، زهرا مختاری، کیمیا معلمی

همکاران این شماره:

حسین امیری، داوود پورمیرزایی

طراح جلد و صفحه آرا:

محمدصادق صفری

سخن مدیرمسئول

سخن سردبیر

بخش اول: اقتصاد و انرژی

- ۴ امکان توسعه آوردگاه انرژی پس از لغو تحریم‌های اقتصادی ایران
۵ فرصت سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران پس از رفع تحریم‌ها
۱۰ اعلام عمومی ۵۲ پروژه حوزه‌ی نفت و گاز با ارزش ۱۸۵ میلیارد دلار توسط ایران
۱۱ بازگشت ایران به بازار نفت خام این بار پررنگ تر از همیشه
۱۲ تبدیل چین به بزرگترین مشتری نفتی ایران: ادامه یافتن خرید سن تونگ یو
۱۳ ایران در انتظار عضویت در سازمان همکاری‌های شانگهای؛ چرا؟
۱۴ ایران آخرین اقتصاد بزرگ ملحق نشده به نظام جهانی

بخش دوم: سیاسی-نظامی

- ۱۶ اسرائیل و ایران: از دوست تا دشمن
۱۹ ایران عامل کلیدی در تغییر وضعیت جنگ سوریه
۲۰ ایران و روسیه: رابطه مبتنی بر تلاش متقابل
۲۲ بازی‌های سیاسی پس از توافق هسته‌ای ایران
۲۴ حمله‌ی ارتش آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۹۸۰، امتناع از پذیرفتن حقیقت یک معما
۲۶ تأثیرات شگرف توافق هسته‌ای ایران بر روی چین
۲۹ خوالی مینگ: گفتگوهای ایران و آمریکا دست کمی از بازدید نیکسون از چین ندارد
۳۳ نقش «شیخ نمر» در قطع رابطه عربستان و ایران
۳۴ تنش ایران و عربستان، فقط به خاطر یک نفر؟
۳۶ مخالفت گروه‌های سنی، مشکل بزرگ ایران
۳۹ منافع چین از ایران در دوره پسا تحریم

بخش سوم: فرهنگ و اجتماع

- ۴۳ تعجب مردان چینی از قانون چندهمسری در ایران؛ تضمین مالی زن توسط مرد
۴۴ خواسته‌های عجیب دختران ایرانی از همسران چینی
۴۷ سطح جدیدی از قوانین عجیب و غریب در ایران؛ هر رابطه عاشقانه‌ای بین دختر و پسر نیاز به سند و مدرک دارد.
۴۹ کارگردان ایرانی برنده خرس طلایی چرا تبدیل به تابو شده است؟



زبان:

فارسی - چینی

اساتید مشاور:

دکتر محمد کدخدایی، سرکار خانم وجیهه سادات پورنجفی

تلفن:

۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۳۳

۰۹۱۲ ۸۵۷ ۷۹۳۹

نشانی:

تهران، بزرگراه چمران، خیابان یمن، بلوار دانشجو، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه زبان چینی

www.sbuchinese.ir

سایت اختصاصی:

sbuchinese1821@gmail.com

نشانی الکترونیک:

@sbuchinese

کانال تلگرام:

Instagram.com/sbuchinese

اینستاگرام:

Aparat.com/sbuchinese

آپارات:



سخن مدیرمسئول

بر دانایان سخت است آن چه را که می‌دانند نگویند و از علم خود دم برنیاورند، نه به این ادعا که ما همان عالمان هستیم؛ خیر، بلکه علمی را فراگرفته ایم که گروه عظیمی از مردم بنا بر اقتضائاتی از یادگیری آن محروم مانده اند، بنا به گفته متخصصان، زبان، هنر و ابزار است و کسی که دانای به استفاده از این ابزار شود قادر خواهد بود پیچ و مهره‌های زیادی از دستگاه عظیم و پیچیده ارتباط دو تمدن را سفت و محکم و حتی این ارتباط را طراحی نماید.

بر کسی که مشکلات را می‌بیند و علت را می‌فهمد سخن نگفتن دشوار است، برای نمونه سردرگمی و جهل گروهی از بازرگانان که منجر به صدمه اساسی به اقتصاد کشور گشته است،

در مسئله سیاسی با نگاه به افق بین‌المللی جمهوری اسلامی متوجه می‌شویم که سیاسیون در پی ریزی ارتباطات بین دو کشور اشتباهاتی داشته‌اند و ناگفته پیداست که تاکتیکی که ما را از استراتژی دور می‌کند، غلط است. در بحث فرهنگی نیز تلقی ناصحیح عوام از تمدن چین که منجر به صدمات عدیده تبادل فرهنگی در عرصه ملی گشته است نیز یکی از مشکلات بزرگ ما در رابطه با چین است که یک نمونه واضح آن مقوله گردشگری است و بالاخره اسلام تقلبی.

از هنگامی که توانستیم تحلیل‌هایی که در چین منتشر می‌شود را به صورت دقیق بخوانیم و بفهمیم، متوجه شدیم آن چه از ایران و دقیق‌تر آن چه از جمهوری اسلامی ایران در چین منتشر می‌شود غالباً سیاه‌نمایی است، اما مهم‌تر این است که بدانیم چه چیز را واژگونه معرفی می‌کنند و چه چیز را همان‌گونه که هست؛ که اگر پی به این ببریم متوجه خواهیم شد دنیا کدام قسمت از نظام ایران را قبول دارد و منافعی اقتضاء میکند در همان زمینه‌ها با ما ارتباط داشته باشد و از کدام قسمت از نظام ایران می‌ترسد و از ترویج آن و این که در اختیار مردمش قرار گیرد تا آن‌ها آگاه شوند نه تنها ممانعت به عمل

می‌آورد بلکه متوسل به دروغ می‌شود؛ که اولی باعث افزایش توان اقتصادی کشورمان می‌گردد چون کشورهای دنیا این بخش از توان ایران را باور کرده‌اند و به آن میل و رغبت دارند یعنی ما برای ارتباط‌گیری در این زمینه مشکلی نداریم، اما دومی باعث افزایش قدرت درونی و اقتدار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌شود به این دلیل که کشورهای دنیا این توانایی‌های ایران را باور کرده‌اند و می‌ترسند آن را در اختیار عموم بگذارند فلذا آنرا تحریف می‌کنند.

پس از مطالعه این تحلیل‌ها در دو جا نگرانی بوجود می‌آید، اول، رصد دقیق و مدام دستگاه‌های اطلاعاتی چین به صورت میدانی و دوم، جای نگرانی است که ما می‌بینیم اسلام تقلبی در چین تبلیغ می‌شود و به دلیل عدم آشنایی مبلغین ایرانی با زبان چینی، تبلیغی که از جانب ایران صورت می‌گیرد پر از نقص بوده و آمار بالا و تکان‌دهنده پیوستن مسلمانان چینی به گروه داعش عدم موفقیت ما در حوزه شرق را نشان می‌دهد.

تحلیل‌هایی که پیش رو دارید می‌کوشد تا دیدی صحیح از آنچه در مورد ایران در سال ۲۰۱۵ در چین منتشر شده به مخاطبان ایرانی نشان دهد. امید است این مطالب موجب آگاهی بخشی و تنویر عمومی گردد.

اینکه برخی جملات و پاراگراف‌ها در این مطالب عیناً تکرار شده است.

در این شماره از نشریه، تمامی مطالب از روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها، اندیشکده‌ها و سایت‌های معتبر چین انتخاب شده است، اما با توجه به این که در جهان امروز شبکه‌های اجتماعی نقش غیرقابل انکاری در جهت‌دهی به افکار عمومی دارند، در شماره‌های بعدی مجله، رصد شبکه‌های اجتماعی نیز در دستور کار مجله قرار خواهد گرفت تا شما مخاطبان عزیز را هرچه بیشتر با مطالب منتشر شده در رسانه‌های رسمی و غیر رسمی چین آشنا کنیم. نظر به سفر بسیار مهم رییس‌جمهور چین به ایران در ابتدای سال جاری میلادی و اهمیت این سفر در روابط آینده‌ی دو کشور، در شماره آتی مجله تحلیل‌های مربوط به سفر رییس‌جمهور چین به ایران را نیز منتشر خواهیم کرد.

امید است که بتوانیم نقشی هرچند کوچک در آگاهی بخشی به هموطنان عزیز خود و به ویژه متخصصان امر ایفا کنیم.

پرهیز از تک‌بعدی‌نگریست، تنها به تحلیل‌های هسته‌ای بسنده نکردیم و سعی کرده‌ایم در اولین شماره از اکثر بخش‌ها مطالبی را در مجله بگنجانیم.

یکی از مسائل مهمی که همواره در رسانه‌ها و حتی بین مسئولان جمهوری اسلامی ایران مغفول مانده، نگاه خارجی‌ها به آداب و رسوم و فرهنگ جامعه‌ی ایرانی و سو تفاهم‌های بسیار زیادی است که در این رابطه وجود دارد. بدیهی است که هنگامی که ما بدانیم دیگران در مورد جامعه و فرهنگ ما چگونه فکر می‌کنند می‌توانیم بر روی جهت‌گیری فکری آن‌ها اثر بگذاریم و راه درست را به آن‌ها نشان دهیم؛ از این رو از بدو کار یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ما جست و جوی مطالب و تحلیل‌های منتشر شده در رابطه با فرهنگ ایران بود ولی متأسفانه مطالبی که در سایت‌های مطرح منتشر شده بود همگی از یک زاویه به فرهنگ و به خصوص مقوله ازدواج در ایران نگاه کرده بودند و جالب‌تر



سخن سردبیر

خداوند را شاکریم که پس از ماه‌ها تلاش توانستیم نخستین شماره نشریه رصد را به مخاطبان عزیز عرضه کنیم. مجموعه‌ای که پیش رو دارید بخشی از تحلیل‌هایی است که در رابطه با ایران در سال ۲۰۱۵ در رسانه‌های چین به چاپ رسیده است، در سال گذشته تحلیل‌هایی که در رسانه‌های چین منتشر شد متأثر از فضای جهانی، غالباً در رابطه با برجام و توافق هسته‌ای ایران و غرب بود؛ البته از آن جایی که هدف ما



اقتصاد و انرژی

بجتنی اول



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۰/۱۶

امکان توسعه آوردگاه انرژی پس از لغو تحریم‌های اقتصادی ایران



مترجم
فاطمه بحرانی

است. وزیر نیروی ایران چیت چیان اظهار داشت، ایران پیش از سال ۲۰۱۸ ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر خود را به ۵ هزار مگاوات افزایش خواهد داد. (در حال حاضر این مقدار ۱۵۰ مگاوات است).

اخیرا شرکت دولتی صنایع با شرکت اسپانیایی پسترف تفاهم نامه‌ای در زمینه انرژی‌های تجدید پذیر امضا کرده است. پسترف قصد دارد در زمینه‌ی تکنولوژی انرژی‌های تجدید پذیر به خصوص انرژی خورشیدی با شرکت صنایع وارد مذاکره شود.

همایون حائری مدیرعامل شرکت توانیر اظهار داشت، بخش اعظمی از نیروی برق ایران با استفاده از سوخت‌های فسیلی تولید می‌شود، اما طبق سیاست‌های وزیر نیرو باید به سمت تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر برویم. با علم بر این که آلمان سابقه تاسیس نیروگاه در ایران را داشته است، ایران امیدوار است که با آلمان نیز همکاری خود را آغاز کند. شرکت‌های آلمانی انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه گذاری خود را در زمینه‌ی انرژی‌های تجدید پذیر ایران به خصوص در زمینه انرژی بادی آغاز کرده اند. یک شرکت سرمایه گذاری مشترک بین ایران و آلمان به نام «اروند» در نظر دارد در منطقه جنوب غربی ایران یک نیروگاه بادی ۴۸ مگاواتی احداث کند. یک شرکت ایرانی به نام آبادان نیز در همان منطقه آزاد تجاری یک نیروگاه خورشیدی ۲۰ مگاواتی ساخته است.

به دنبال قرار گرفتن ایران در مسیر درست توسعه، در آینده نزدیک ایران خواهد توانست با امارت متحده عربی، عربستان سعودی و قطر در مهم ترین بازارهای انرژی‌های تجدیدپذیر رقابت کند.

با در نظر گرفتن تمامی این موارد، بازگشت کامل ایران به اقتصاد جهانی تاثیر عظیمی بر اقتصاد جهان خواهد گذاشت، تاثیری که فراتر از صنعت نفت جهان خواهد بود.

ناشی از تحریم‌های بین المللی بر می‌گردد. با این همه، به دنبال بهره برداری جدید انجام شده در منطقه پارس جنوبی، مقدار تولید گاز طبیعی ایران در سال ۲۰۱۴ افزایش ملموسی داشته است. این پروژه توسط شرکت نفت و گاز پارس اجرا شده و این شرکت در حال حاضر به دنبال منابع سرمایه گذاری خارجی است.

علی اکبر شعبانپور، مدیر عامل اجرایی شرکت نفت پارس به منظور جذب سرمایه گذاری‌های خارجی در منطقه پارس جنوبی، امسال عازم لندن خواهد شد. آغاز سرمایه گذاری شرکت‌های رویال شل هلند و توتال در ایران هدف اصلی از این سفر است.

هندوستان نیز تمایل خود را برای سرمایه گذاری ۱۵ میلیارد دلاری در پروژه‌های جدید ایران اعلام کرده است. حتی آفریقای جنوبی هم در حال برنامه ریزی برای سرمایه گذاری در پروژه‌های آینده گاز طبیعی مایع ایران است. به دنبال افزایش بی وقفه‌ی علاقه مندی کشورهای اروپایی، آفریقای و آسیایی به سرمایه گذاری در ایران، ایران نیز در حال آماده سازی خود برای افزایش میزان تولید گاز طبیعی مایع در منطقه پارس جنوبی است. علاوه بر این، ایران امیدوار است حداقل در سال ۲۰۲۰ صادرات گاز طبیعی مایع خود را به اروپا، آمریکا و سایر نقاط جهان آغاز کند.

با این اوصاف قطر نیز ممکن است کار پروژه‌های متوقف شده در میدان گازی شمال را به سرعت آغاز کند و پس از گذشت مدت کوتاهی شاهد افزایش رقابت بین ایران و قطر در صادرات گاز طبیعی مایع خواهیم بود.

کدام شرکت‌های انرژی‌های تجدید پذیر به ایران علاقه مند به ایران هستند؟

پس از لغو تحریم ها، ایران همچنین به دنبال توسعه‌ی انرژی‌های تجدید پذیر در این کشور

طبق مذاکرات قبلی انجام شده، لغو تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا سال آینده به طور همزمان آغاز خواهد شد و بازار نفت خام که در حال حاضر در آن عرضه بیش از تقاضا وجود دارد با شوک مواجه خواهد شد.

در حال حاضر مقدار تولید روزانه نفت خام در جهان در حدود ۹۶ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه است و با احتساب افزایش تولید ایران، مقدار تولید روزانه نفت خام در جهان باز هم حدود ۵۰۰ هزار بشکه افزایش پیدا می‌کند.

در حالی که صعود ناگهانی عرضه نفت می‌تواند باعث وخیم تر کردن رابطه عرضه و تقاضا در جهان شود، ایران هم چنان ممکن است در دیگر بازارهای کلیدی منابع به خصوص در بازار گاز طبیعی به خاطر سهم خود از بازار، رقابت را آغاز کند.

خلیج فارس، دیگر منبع گاز طبیعی؟

در ابتدا شرایط قطر را بررسی می‌کنیم. اگرچه قطر یکی از کوچک ترین و کم سهم ترین اعضای سازمان کشورهای صادر کننده نفت (اوپک) است، اما این کشور کوچک بزرگ ترین صادر کننده گاز طبیعی مایع به حساب می‌آید. منابع گازی کشف شده‌ی قطر در حال حاضر در حدود ۸۹۰ هزار میلیارد فوت مکعب است که این منابع باعث شده قطر به سومین تولیدکننده‌ی گاز طبیعی در جهان تبدیل شود. تمامی تمرکز منابع گازی قطر تقریباً در میدان گازی «گنبد شمال» و میدان گازی «پارس جنوبی» ایران قرار دارد و این باعث شده که این منطقه به بزرگترین منطقه ذخایر گازی جهان تبدیل شود. در حالی که قطر همواره همکاری‌های موفق با شرکت‌هایی چون توتال، اکسون موبیل، شل و سایر شرکت‌های مطرح جهان در زمینه بهره برداری از منابع گازی خود داشته اما عقب افتادگی ایران تا به امروز در این زمینه به کاهش سرمایه گذاری‌های خارجی و همچنین کمبود تکنولوژی



مترجم
محمد صالحی بادی

فرصت سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران

پس از رفع تحریم‌ها

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۰/۲۰

ایران و شرکت‌های نفتی خارجی را تضمین می‌کند. نخست، زمان قراردادهای تا ۲۰ الی ۳۰ سال تمدید خواهد شد. دوم آن که، شرکت‌های نفتی خارجی این اجازه را خواهند داشت تا با شرکت نفت ایران شراکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک به منظور فعالیت در حوزه اکتشاف و توسعه‌ی صنعت نفت و گاز ایران بپردازند. در این میان، شرکت سرمایه‌گذاری مشترک، توسط شرکت نفت ایران کنترل خواهد شد و هر دو طرف در سود و زیان سرمایه‌گذاری شریک خواهند بود.

مورد دوم، برای شرکت‌های نفتی خارجی در ایران، حق ثبت محفوظ می‌ماند. براساس استاندارد کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا، قوانین فعلی ایران در مورد حق بازخريد سهام سالانه‌ی شرکت‌های سهامی عام رضایت بخش نیست و این گونه شرکت‌های نفتی بین المللی نمی‌توانند در بازار ایران خریداران سهام را به خود جذب کنند، ولی با تغییر قوانین، این شرکت‌ها حق واگذاری سهام به سرمایه‌گذاران را پیدا می‌کنند.

مورد سوم، قرار دادهای نفتی و گازی کارآمد تر می‌گردند. در قراردادهای نفتی ایران در آینده، بین میزان خدمات و بازدهی تفاوت ایجاد شده و میزان سوددهی پیمانکار با توجه به تغییرات قیمت نفت و میزان کلی بازدهی

و نقل، خودرو، انرژی و دیگر تحریم‌ها علیه ایران خواهد کرد. پس از رفع تحریم‌ها، ایران به عنوان چهارمین دارنده‌ی ذخایر نفت به بازار جهانی نفت باز خواهد گشت و شرکت‌های نفتی از این تغییر تاریخی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری حوزه نفت و گاز استقبال خواهند کرد.

ایران قوانین مالی را اصلاح خواهد کرد

صنایع نفت و گاز از مهم‌ترین پایه‌های اقتصاد ایران است. به دنبال دستیابی به توافق هسته‌ای، دولت ایران تمایل به پیشبرد سریع توسعه صنایع نفت و گاز خواهد داشت. از یک سو، میزان توان تولید داخلی نفت و گاز را افزایش خواهد داد تا به سطح تولید روزانه ۲,۳ میلیون بشکه نفت در سال ۲۰۱۲ و قبل از تحریم اتحادیه اروپا بازگردد و از سوی دیگر اصلاحات بسیار جدی در سیستم مالیاتی اجرا خواهد کرد تا در زمینه‌ی پروژه‌های اکتشاف و استخراج، سرمایه‌های خارجی بیشتری جذب کند. پیش‌بینی می‌شود سیاست‌های جدید مالیاتی باعث جذب سرمایه‌گذاری بلند مدت خارجی شده و فضای سرمایه‌گذاری را بسیار بهبود بخشد و این اصلاحات در قوانین مالی در چهار مورد ذیل محدودیت‌ها را از بین خواهد برد:

مورد اول، همکاری‌های بلند مدت شرکت نفت

باراک اوباما رییس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۱۸ اکتبر ۲۰۱۵ فرمان شروع اقدامات مقدماتی جهت رفع تحریم‌ها را به منظور عمل به تعهدات آمریکا در توافق هسته‌ای صادر کرد. همزمان در این روز اتحادیه اروپا چارچوب قانونی برای رفع تحریم‌های هسته‌ای ایران را تصویب کرد. تاکنون آمریکا و اتحادیه اروپا شروع به اجرای تعهدات خود برای لغو تحریم‌های ایران کرده‌اند که این موضوع می‌تواند شرکت‌های نفتی خارجی را برای سرمایه‌گذاری در ایران بسیار تحریک کند.

در ۱۴ جولای ۲۰۱۵ برای چندمین بار ماراتن مذاکرات برای رسیدن به توافق بین ایران و ۵+۱ (آمریکا، بریتانیا، چین، فرانسه، روسیه و آلمان) ادامه یافت و در نتیجه طرفین به بیانیه مشترک برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک دست یافتند که امضای این توافق، ادامه برنامه‌ی صلح آمیز هسته‌ای ایران را تضمین می‌کند. ۲۰ جولای ۲۰۱۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد برجام را تصویب کرد و طبق آن از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواست بر اجرای تعهدات ایران نظارت و راستی‌آزمایی کند. براساس برجام اگر ریاست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تایید کند که ایران به تعهداتش عمل کرده است آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد گام به گام اقدام به لغو تحریم‌های اقتصادی، مالی، حمل



براساس تخمین ها، با افزایش یک درصدی توان تولیدی سه میدان نفتی اهواز، مارون و گچساران، میزان توان تولید ایران از یک میلیارد و هشتصد هزار بشکه نیز فراتر خواهد رفت

از دیاد برداشت نفت از میدان های نفتی قدیمی

در حال حاضر، ایران دارای بیشترین پروژه های ازدیاد برداشت نفت خام در جهان است؛ برای مثال از طریق باز تزریق گاز طبیعی به میدان نفتی آغاچاری ازدیاد برداشت نفت انجام می گیرد و با تزریق روزانه دو میلیارد فوت مکعب گاز از میدان گازی پارس جنوبی به این میدان، روزانه ۵۰۰۰ بشکه نفت تولید می گردد. براساس تجربه پروژه آغاچاری، ایران با استفاده از تکنولوژی های ازدیاد برداشت نفت در مدتی کوتاه میزان تولید نفت از این نوع میدان های نفتی را به سرعت افزایش خواهد داد و بعد از پروژه ای آغاچاری پیش بینی می شود با تزریق گاز به این گونه میدان تا ۲۵ سال آینده دو میلیارد و صد میلیون بشکه نفت تولید گردد. براساس تخمین ها، با افزایش یک درصدی توان تولیدی سه میدان نفتی اهواز، مارون و گچساران، میزان توان تولید ایران از یک میلیارد و هشتصد هزار بشکه نیز فراتر خواهد رفت، اما انجام فعالیت های ازدیاد برداشت مجدد از میادین نفتی قدیمی، در حال حاضر در گرو جبران عقب افتادگی در فناوری ازدیاد برداشت، تجهیزات چاه های نفت، دستگاه های تزریق و سایر عوامل نابسامان است.

پروژه های توسعه گازی

بهره برداری از منابع گازی در ایران نسبتاً کند است و میزان کل بهره برداری ایران از منابع گازی تا ماه می ۲۰۱۵ تنها ۸ درصد بوده است. برای تامین گاز مصرفی داخل کشور و صادرات به کشورهای همسایه، ایران پس از رفع تحریم ها باید بهره برداری بیشتری از منابع گازی خود کند. مهم ترین منبع گاز طبیعی برداشت نشده ای ایران در پارس جنوبی قرار دارد که دارای ۸۴۵ هزار میلیارد متر مکعب گاز

پنج حوزه بزرگ سرمایه گذاری نفتی در ایران

اولویت توسعه ای پروژه های میادین نفتی

مهم ترین پروژه های توسعه شامل میدان های آزادگان جنوبی، آزادگان شمالی، یادگارن، یاران، آذر و چنگوله هستند که بیشتر این میدان ها جزء میادین مشترک ایران و عراق به حساب می آیند که ذخایر بسیار بالایی دارند و در عین حال به دلیل وجود خط لوله سراسری هزینه بهره برداری از این میادین بالا نخواهد بود. در نیمه اول سال ۲۰۱۵ شرکت نفت ایران اعلام کرد هزینه استخراج در بعضی از میادین نفتی حدود ۲/۵ دلار به ازای هر بشکه است. در این میان میادین نفتی آزادگان شمال و جنوب و یادگارن به ترتیب دارای سه میلیارد و صد میلیون بشکه و سه میلیارد و چهارصد میلیون بشکه نفت در جا هستند که خود برای دولت ایران جای امیدواری بسیاری دارد و شرکت نفت ایران در نظر دارد پس از رفع تحریم ها برداشت روزانه از این دو میدان را به هفتصد و پنجاه هزار و سیصد هزار بشکه برساند. بر اساس پیش بینی های موسسه «وود مکنزی» ایران به سرعت می تواند یک میلیون بشکه نفت به تولید روزانه اش اضافه کند.



نسبت به میدان نفتی و دیگر فاکتورها شناور بوده و با گرفتن سهم بیشتری از فروش نفت به سوددهی بیشتری می رسد.

مورد چهارم، اقدامات تشویقی برای پروژه های اکتشاف تعیین می گردد. اگر شرکت نفتی ای در عملیات اکتشاف ناموفق باشد می تواند برای جبران، حوزه ای در نزدیکی حوزه ای اکتشافی قبل را برای عملیات اکتشاف انتخاب کند.

طبق اطلاعات، دولت ایران قبل از دستیابی به توافق هسته ای با بسیاری از شرکت های نفتی از جمله اکسون موبیل، شل، کونوکو فیلیپس، بریتیش پترولیوم و شرکت نفت ژاپن در تماس بوده است و درباره ای دو موضوع بازگشت ایران به بازار نفت و انتظارات شرکت های نفتی برای اصلاح قوانین مالی ایران تبادل نظر کرده اند.



پروژه‌های پالایشگاهی

ایران توان تولید مقدار زیادی گاز مایع را دارد که می‌تواند یک منبع ارزان برای تامین اتان مورد نیاز برای تولید اتیلن باشد. از نظر قیمت، اتیلن تولید شده از اتان ایران در مقایسه با کشورهای دیگر تا ۲۰۰ دلار در هر تن ارزان‌تر است. در مقایسه با اتیلن تولید چین که با نفتا تولید می‌شود در هر تن ۵۰۰ دلار ارزان‌تر است. دولت ایران به خوبی می‌داند که با تولید اتیلن می‌تواند سود خوبی به دست آورد و برنامه دارد تا سال ۲۰۲۵ بتواند به تولید ۳ میلیون تن اتیلن دست یابد.

علاوه بر این، ایران ۹ پالایشگاه دارد که توانایی پالایش روزانه ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه را دارند، اما بیشتر آن‌ها برای مدت طولانی به روز آوری نشده‌اند. پالایشگاه خلیج فارس تنها پالایشگاهی است که به تازگی در ایران ساخته شده است، پیش‌بینی می‌شود طی سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ میزان تولید این پالایشگاه به میزان ۳۶۰ هزار بشکه در روز برسد.

چهار خطر بزرگ سرمایه‌گذاری در ایران

مورد اول، به زودی تحریم‌های نفت و گاز علیه ایران برداشته خواهد شد، اما حضور در صنعت نفت و گاز ایران همچنان ممکن است با خطرات سیاسی مواجه شود. بعد از دستیابی به توافق هسته‌ای، در داخل ایران و آمریکا محافظه کاران به مخالفت و انتقاد از این توافق پرداختند. ۲۳ جولای در جلسه کمیته‌ی روابط خارجی سنای آمریکا تعدادی از سناتورهای جمهوری خواه حملات تندی بر ضد توافق هسته‌ای با ایران داشتند و با تصویب این توافق در کنگره مخالفت کردند، همچنین عده‌ای از محافظه

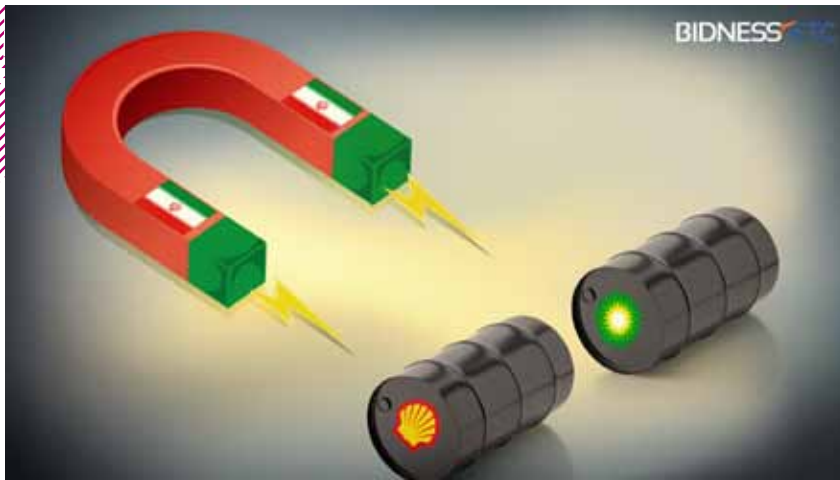
است و میزان نفت استخراج نشده‌ی ایران نیز ۱۴۱ میلیارد و ۴۰۰ بشکه است که ۴۵ درصد از کل تولیدات حال حاضر این کشور را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۱۴ دوازدهمین فاز پارس جنوبی با ظرفیت تولید در حدود ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون متر مکعب در سال به بهره‌برداری رسید، ولی تحریم‌های بین‌المللی باعث شد فازهای ۱۵، ۱۶ و ۱۷ با کمبود تکنولوژی و سرمایه‌گذاری روبرو شود و سرعت پیشرفت این فازها کاهش یابد و تا ۴ سال به تعویق بیفتد و پیش‌بینی می‌شود این فازها در سال ۲۰۱۷ به تولید برسند و میزان تولید گاز طبیعی ایران به ۳۴ میلیارد متر مکعب در سال برسد. برای شش فاز ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ پیمانکارانی قبول مسئولیت کردند ولی به دلیل محدودیت‌های ایجاد شده در پی تحریم‌ها، پروژه‌ها همچنان راكد مانده است. علاوه بر پارس جنوبی، پارس شمالی و میدان گازی کیش و چندین میدان گازی دیگر نیز همچنان در انتظار بهره‌برداری هستند.

پروژه‌های اکتشاف نفت و گاز

در مناطق وسیعی از درون مرزهای ایران تا به حال عملیات اکتشاف انجام نشده و پس از وضع تحریم‌ها نیز بسیاری از شرکت‌های نفتی بین‌المللی ایران را ترک کرده‌اند؛ به طوری که از سال ۲۰۱۱ تاکنون همچنان میدان گازی یا نفتی جدیدی کشف نشده است. طبق اکتشافات سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ می‌توان نتیجه گرفت منطقه خلیج فارس بیشترین پتانسیل برای اکتشافات جدید دارد، همچنین دریای خزر و مناطق مرزی ایران و عراق و مناطق مرزی ایران با ترکمنستان نیز می‌توانند دارای منابع گازی و نفتی باشند.

کاران در ایران نیز نمی‌خواهند لغو تحریم‌ها را ببینند. رییس‌جمهور روحانی نیز در اواخر سال گذشته صریحاً اعتراف کرده بود که عده‌ای در ایران نمی‌خواهند تحریم‌ها لغو شود. البته در مقام مقایسه، مخالفت‌ها با توافق هسته‌ای در داخل ایران کمتر از مخالفت‌ها در داخل آمریکا است. پس از به امضا رسیدن توافق هسته‌ای رهبر ایران خامنه‌ای در نامه‌ای سرگشاده ضمن تمجید از رییس‌جمهور روحانی و تیم مذاکره‌کننده، اشاره کرد، توافق هسته‌ای «یک گام مهم» در تاریخ کشور محسوب می‌شود. اما وی هشدار داد که به برخی از طرف‌های مذاکره‌کننده (اشاره به آمریکا و غرب) به هیچ وجه نمی‌توان به چشم دوست نگاه کرد و به آن‌ها نباید اعتماد کامل داشت. حتی اگر مجالس آمریکا و ایران توافق هسته‌ای را تصویب کنند، در زمان اجرای توافق هم ممکن است آمریکا و ایران برداشت‌های خود را از هر بند توافق داشته باشند و اصطکاک بین طرفین به وجود بیاید و حتی ممکن است آمریکا و اروپا تحریم‌ها را دوباره بر علیه ایران وضع کنند که این شرایط کاملاً امکان‌پذیر است. هرچند توافق هسته‌ای حاصل شده است اما هیچ‌گونه اعتماد سیاسی‌ای بین ایران و آمریکا وجود ندارد. رییس‌جمهور اوباما پس از توافق هسته‌ای بارها تاکید کرده است، توافق هسته‌ای با ایران «براساس اعتماد نیست؛ بلکه بر براساس بازرسی‌های سخت‌گیرانه است» و خصومت بین ایران و آمریکا بسیار عمیق بوده و به راحتی از بین نخواهد رفت. با توجه به این موارد، اگر روزی در اجرای توافق هسته‌ای مشکلی به وجود آید و آمریکا و اروپا دوباره تحریم‌ها را وضع کنند ورود به بازار نفت ایران خطرناک خواهد بود.

مورد دوم، سرمایه‌گذاری در نفت و گاز ایران می‌تواند با ریسک‌های اقتصادی و مالی داخلی مواجه شود. از نقطه نظر تحلیل‌های اقتصادی، رشد اقتصادی ایران به دلیل وجود تحریم‌ها متوقف شده است و دارای میزان تورم بالا و نوسانات شدید ارز است. دستگاه‌های دولتی با یکدیگر هماهنگ نبوده و کارایی کافی را ندارند و سرعت انجام کارهای اداری بسیار کند است که شرکت نفت ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و کارایی زیادی ندارد. براساس «گزارش رقابت‌پذیری جهانی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۳» که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر شده است، رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در بین ۱۴۸ کشور در جایگاه ۸۲ است که از جمله دلایل آن تورم داخلی و نوسانات ارزی و نبود سیاست‌های مالی و مالیاتی با ثبات است. از لحاظ تجزیه و



برای صادرات نفت خام افزایش خواهد یافت که احتمال افزایش تضاد هابین ایران و کشورهای اطراف باعث سرباز کردن خطرات ژئوپلیتیکی بزرگی و حتی جنگ خواهد شد.

در حال حاضر دو شرکت نفت چینی پترو چاینا و ساینو پک در حال انجام پروژه‌های بهره برداری در درون مرزهای ایران هستند. در این میان، پترو چاینا قرار دادهایی به ارزش یک میلیارد و هفتصد و شصت میلیون دلار و یک میلیارد و صد میلیون دلار جهت بهره برداری از نفت و گاز میداین آزادگان شمالی و آزادگان جنوبی با ایران امضا کرده و شرکت ساینو پک نیز پروژه‌ای به ارزش دو میلیارد دلار در میدان نفتی یادآوران در دست دارد، اما به دلیل شرایط قراردادی و همچنین محدودیت‌های جامعه‌ی جهانی، سود به دست آمده از قراردادهای فوق ناچیز بوده است.

براساس آمار موسسه‌ی وود مکنزی میزان درآمد پترو چاینا از دو پروژه فقط ۱,۲ درصد و ۰/۱ درصد بوده است، درآمد ساینو پک از پروژه‌ی یادآوران به نسبت بهتر بوده و ۲,۵ درصد است، اما در پروژه‌های مشابهی که شرکت‌های انی، شل و توتال در ایران داشتند درآمدی بین ۸ تا ۱۰ درصد داشتند؛ در نتیجه شرکت‌های نفتی چینی باید میزان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی را افزایش دهد و همزمان مراقب از مواجه شدن با خطرات احتمالی سرمایه‌گذاری در ایران نیز جلوگیری کنند.

در اولویت قرار داشتن اتمام پروژه‌های فعلی، جست و جوی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدید در صنایع بالادستی

براساس تحلیل‌های فوق، در حال حاضر مشکل اصلی پیش روی توسعه‌ی صنعت نفت ایران منابع و تکنولوژی نبوده و مهم‌ترین مسئله ناکافی بودن سرمایه‌گذاری موثر است. اول این که به دلیل تحریم‌ها، دولت و شرکت‌های

اروپایی به خصوص برندهای قدیمی و مطرح مانند شل، انی و سایر شرکت‌های اروپایی و آمریکایی که توانایی رقابت داشته باشند وارد ایران خواهند شد و البته که شرکت‌هایی مثل اکسون موبیل و کونو کو فیلیپس را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. در آن هنگام، شرکت‌های فعال در صنایع بالادستی صنعت نفت ایران دیگر تنها دو شرکت پترو چاینا و ساینو پک نخواهند بود و شرکت‌های بین‌المللی زیادی برای گرفتن سهمی از بازار ایران وارد رقابت خواهند شد و رقابت بسیار سختی برای سرمایه‌گذاری در صنایع بالادستی در خواهد گرفت.

آخرین مورد، خطرات ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ساختار زیر بنایی و دیگر محدودیت‌ها از دیگر خطراتی است که ممکن است بازار ایران در خود داشته باشد. قبل از تحریم‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا صنایع نفت ایران نسبتاً پیشرفته بود و اکثر پروژه‌ها و شبکه خطوط انتقال در حال تکمیل بود، اما تحریم‌های آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا صنایع نفت ایران را بشدت مورد هدف قرار داد تا جایی که تجهیزات تولید نفت ایران فرسوده گشت، قدرت انتقال خطوط نفت کاهش یافت و تجهیزات پالایش نفت نیز نیاز شدیدی به به روز رسانی پیدا کرده اند؛ چنین تأثیراتی باعث شده که سرمایه‌گذاری در نفت ایران بهره‌وری بالایی نداشته باشد.

خطرات ژئوپلیتیکی: پس از دستیابی به توافق هسته‌ای، اول از همه اسرائیل درباره‌ی امنیت در خاورمیانه ابراز نگرانی کرد، عربستان سعودی، مصر، ترکیه و تعداد دیگری از کشورهای خاورمیانه نیز چنین دیدگاهی داشتند. همزمان ایران و عربستان، ترکیه، عراق و دیگر کشورهای درگیر در مسائل سوریه، یمن، اقلیم کردستان و جنگ با داعش و افراطی‌گری هستند. بنا بر این، در پی قدرت یافتن دوباره‌ی ایران روند افت قیمت نفت ادامه دار خواهد بود و رقابت بین ایران، عربستان سعودی و عراق

تحلیل مالی و مالیاتی، ایران برای به اجرا در آوردن «قراردادهای باز خریدی» و «قراردادهای مشارکت در تولید» بسیار سختگیرانه عمل می‌کند و شرکت نفت ایران در هر پروژه‌ای بیشترین سود را در آن پروژه سهمیم بوده است. هرچند دولت ایران اعلام نموده که اقدامات برای اصلاح قوانین مالی را آغاز کرده، اما برای مشاهده این تغییرات در قوانین باید هم چنان صبر کرد؛ بنابراین حتی اگر تمامی تحریم‌های آمریکا و اروپا علیه ایران لغو شود، حضور در فضای فعالیت‌های اقتصادی ایران همچنان با خطرات بالقوه‌ای مواجه خواهد بود. علاوه بر این، در ایران نیز همچون ونزوئلا و آرژانتین شرکت ملی نفت جایگاه تعیین کننده را در بازار دارد، در صورت انجام فعالیت‌های نفت و گاز در این کشور دگرگونی‌های پی در پی در اوضاع مالی ممکن است حتی منجر به مصادره شدن اموال شرکت‌های خارجی و خطرات نامعلوم دیگری باشد.

سومین خطری که بازار نفت ایران ممکن است در خود داشته باشد، خطر رقابت شدید بین شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در دوره پساتحریم برای ورود به بازار نفت ایران است. شرکت‌های شل، توتال، انی و دیگر شرکت‌های غربی در بازار ایران حضور داشتند که به دلیل تحریم‌ها به ناچار از بازار ایران خارج شدند. براساس پیش‌بینی‌ها، به محض لغو تحریم‌های بانکی و انرژی شرکت‌های شل، انی و دیگر شرکت‌های غربی به ایران باز خواهند گشت، دولت ایران هم امیدوار است شرکت‌های نفتی اروپا و آمریکا به سرمایه‌گذاری و واردات تکنولوژی و تجهیزات به ایران اقدام کنند. براساس گزارش رسانه‌های خارجی، در جریان مذاکرات هسته‌ای در سال ۲۰۱۳ دولت ایران با اشاره به هفت شرکت نفتی غربی، نسبت به بازگشت آن‌ها به ایران پس از رفع تحریم‌ها ابراز امیدواری کرده بود. در حال حاضر، با قوت گرفتن امیدها برای رسیدن به توافق هسته‌ای شرکت‌های انی و شل با مقامات ایران برای همکاری‌های گازی و نفتی مذاکراتی داشته‌اند. پس از مذاکراتی که ایران و شل برای همکاری احتمالی داشته‌اند، شرکت انی نیز اعلام کرده پس از رفع تحریم‌ها بسیار علاقه مند است به بازار ایران بازگردد. به دلیل بسته شدن تجارت با بازار نفت و گاز روسیه در پی تحریم‌ها، در حال حاضر منابع گازی و نفتی ایران برای جایگزینی روسیه‌گزینه‌ای بسیار جذاب به نظر می‌آید. به محض رفع تحریم‌ها و با دعوت ایران بسیاری از شرکت‌های نفتی آمریکایی و

نفتی ایران با کمبود بودجه برای سرمایه گذاری مواجه شده و دلیل دوم آن که به دلیل فشار تحریم‌ها، شرکت‌های بین‌المللی از ایران خارج شدند. پس از دستیابی به توافق، شرکت‌هایی که از ایران خارج شده بودند باز خواهند گشت و همچنین بسیاری از شرکت‌ها به دنبال ورود سریع به بازار نفت و گاز ایران خواهند بود و این می‌تواند رقابت در بازار ایران را بیش تر کند. با توجه به سوابق، شرکت‌های نفتی چینی در گذشته چندان به دنبال دستیابی به پروژه‌های با کیفیت جدید در ایران نبوده‌اند و اکنون حتی اگر بخواهند پروژه‌های جدیدی در دست بگیرند متحمل هزینه‌های زیادی خواهند شد؛ بنا بر این شرکت‌های چینی در ابتدا باید پروژه‌هایی که در حال حاضر در دست دارند را به سرانجام برسانند، مانند پروژه سرمایه‌گذاری ساینوپک در میدان نفتی یادگاران و یا پروژه‌های پتروچاینا در میادین آزادگان شمالی و آزادگان جنوبی. شرکت‌های چینی در ابتدا باید تغییرات قوانین مالی در ایران را با دقت دنبال نموده و تاثیر این اصلاحات بر اجرای مراحل تولید و عملیات قراردادهای نفتی یادگاران و آزادگان شمالی و جنوبی را ارزیابی کنند، دوم اینکه باید از تغییرات قوانین توسط دولت ایران به عنوان یک فرصت استفاده شود و شرکت‌های چینی از طریق برقراری ارتباط مناسب با شرکت ملی نفت ایران در جهت تعدیل محتوای قراردادها، زمان مراحل تولید و عملیات، حجم کار، سطح سرمایه‌گذاری و غیره را در قراردادهای موجود شرکت‌های چینی در ایران کاهش داده و سخت‌گیری‌های ایران را محدود کنند و به سرعت بازدهی پروژه‌های موجود را افزایش دهند. سوم اینکه، پتروچاینا و ساینوپک حق خود را به عنوان شریک وفادار به ایران محفوظ نگه دارند و در صدد تقویت ارتباطات خود با دولت ایران و شرکت ملی نفت ایران بوده و فعالانه به دنبال بیش تر کردن منافع خود در مفاد قرارداد فاز دوم پروژه یادگاران و پروژه‌های آزادگان جنوب و شمال باشند.

دنبال کردن فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در حوزه نفت خام در پی دستیابی ایران به توافق هسته‌ای
در زمینه‌ی تجارت نفت و گاز، چین باید از فرصت‌های ایجاد شده به واسطه‌ی قیمت پایین نفت و فروش بالای نفت موجود ایران در پی رفع تحریم‌ها استفاده کند، تا حد ممکن نفت خام را از ایران ارزان خرید و ذخایر نفتی را افزایش دهد. گام دوم این است که چین قیمت

نفت ایران را مبنای چانه زنی با کشورهای دیگر قرار دهد.

در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری پالایشگاهی، پیشنهاد می‌شود چین تحقیقات خود را برای واردات NGL از ایران به منظور جایگزینی استفاده از نفتا برای تولید اتیلن را آغاز کند، شرکت‌های نفتی چینی امکان سرمایه‌گذاری مستقیم در پروژه‌های تولید اتیلن، گاز و گازوئیل را بررسی نموده و از طریق بهبود فروش صنایع پایین دستی، یک موقعیت امن را برای خود در اقتصاد صنایع بالادستی نفت تضمین کنند.

در زمینه‌ی خطوط لوله، پیشنهاد این است که شرکت‌های نفتی چین در انجام زیرساخت‌های خطوط لوله درون ایران سرمایه‌گذاری کنند، همچنین احتمال گسترش تکنولوژی‌های مهندسی در مقیاس اجرایی ایران را بررسی کنند.

کامل کردن آگاهی در مورد مقابله با خطرات ژئوپلیتیک سرمایه‌گذاری در ایران

براساس تحلیل‌های فوق، مهم‌ترین خطراتی که شرکت‌های نفتی چین برای سرمایه‌گذاری در ایران با آن مواجه‌اند، خطرات تغییرات قوانین مالی و ژئوپلیتیک است. نظر به اعلام صریح دولت ایران مبنی بر نظرخواهی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی و بخشی از شرکت‌های نفتی چینی فعال در ایران در بخش تغییرات قوانین مالیاتی قراردادهای، تنها خطر بالقوه‌ی موجود در زمینه فعالیت در ایران خطرات ژئوپلیتیکی است. هر چند توافق هسته‌ای به نتیجه رسیده است، اما همچنان ایران و آمریکا به دنبال آغاز اعتماد متقابل سیاسی نیستند. روابط خصمانه‌ی آمریکا نسبت به نظام جمهوری اسلامی همچنین هوشیاری ایران نسبت به آمریکا بسیار عمیق و ریشه دار است، اگر در هنگام اجرای توافق هسته‌ای مشکلی به وجود بیاید، اروپا و آمریکا دوباره تحریم‌ها را از سر خواهند گرفت و انجام سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی اروپایی آمریکایی در صنایع بالادستی صنعت نفت با مشکل مواجه خواهد شد. علاوه بر این، خصومت عربستان، اسرائیل و دیگر کشورهای خاور میانه نسبت به ایران برای سال‌های متمادی وجود داشته است. از دید بلند مدت، ادامه‌ی بازیابی قدرت ایران ممکن است باعث درگیری‌های جدیدی بین ایران با کشورهای عربستان، اسرائیل و دیگر همسایگان گردد. بنابراین، نخست پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های نفتی چین به دقت خطرات احتمالی ناشی از سرمایه‌گذاری در ایران را بررسی

نموده و خود را به خوبی برای رو در رو شدن با هر خطر ژئوپلیتیکی در درون ایران آماده سازند. دوم آن که، شرکت‌های نفتی چینی در زمینه‌های سیاست خارجی، ارتباطات، اقتصاد و سایر زمینه‌ها به استراتژی «یک کمربند، یک جاده» ملحق شوند تا این استراتژی از شرکت‌های چینی سرمایه‌گذار در ایران حمایت کند.

آمادگی قدرتمندانه جهت انجام تجارت برون مرزی تحت قیمت پایین نفت

با توجه به کاهش میزان رشد تقاضا و افزایش عرضه‌ی نفت و قدرتمند شدن روز افزون دلار، بازگشت نفت خام ایران به بازار می‌تواند در بلند مدت قیمت نفت را ثابت نگه دارد، پیش بینی می‌شود در چند سال آینده دوباره نفت به بشکه‌ای ۸۰ تا ۱۰۰ دلار و حتی بیشتر برسد. نظر به شدت یافتن وابستگی شرکت‌های نفتی چین به تجارت خارجی، انجام تجارت خارجی نفت در شرایط ارزانی نفت همچنان «شرایط معمول» را حفظ خواهد کرد، پیشنهاد می‌شود شرکت‌های نفتی چینی خود را در چهار زمینه برای تجارت نفت در شرایط ارزانی نفت در بلند مدت به خوبی آماده کنند. نخست، رسیدن به یک نظر واحد، مداومت ورزیدن بر اصل تجاری «ارتقا کیفیت و افزایش سوددهی»، تقویت هوشیاری نسبت به بحران و حس ضرورت در تمامی شرکت‌های نفتی حاضر در بازارهای خارجی نسبت به دوره‌ی «زمستان سرد قیمت نفت». دوم، باید مدیریت قوی تر شود، نظام مدیریتی تکمیل شده و ضمانت اجرایی پیدا کند، بهره‌وری تولید افزایش پیدا کرده و هزینه عملیاتی کاهش یابد، تلاش جهت بالا بردن سطح سوددهی پروژه‌های بزرگ از جمله پروژه‌های در حال اجرا در ایران. سوم، افزایش سرمایه‌گذاری بر روی تحقیق و توسعه فناوری، مطالعه بر روی تجربیات شرکت‌های بین‌المللی در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری بر روی تحقیق و توسعه‌ی فناوری در شرایط ارزانی نفت، استفاده از پیشرفت‌های فناوری برای کاهش هزینه‌های تولید و به دست آوردن سود از تحقیق و توسعه. چهارم، بهبود استراتژی کاری، به خصوص در زمان پایین بودن قیمت نفت، توسعه سازمان، توسعه محدوده و توسعه زنجیره‌ی شرکت‌های فعال در زمینه عملیات نفت و گاز بین‌المللی به منظور جذب و برداشت سرمایه‌های مربوطه صورت گیرد.



اعلام عمومی ۵۲ پروژه حوزه نفت و گاز با ارزش ۱۸۵ میلیارد دلار توسط ایران



مترجم
زهرا اسماعیلی

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۱/۲۲

پس از کشف نفت در ایران، وابستگی اقتصاد ایران به نفت روز به روز عمیق تر شد، اگرچه در سال‌های اخیر به علت اعمال تحریم‌های بین‌المللی، ایران توانایی تنظیم الگوی اقتصادی خود را نداشت اما با نگاهی به شرایط کنونی، آثار این موضوع مطلقاً قابل مشاهده نیست. بنابراین پس از لغو تحریم‌ها، توسعه اقتصادی ایران تا مدت‌های مدیدی متکی به دلارهای حاصل از درآمد نفت خواهد بود.

ولی الله سیف، رئیس بانک مرکزی ایران، چندی پیش در مجمع تجارت فرانکفورت اظهار داشت، دولت ایران بر این باور است که رشد ۳ درصدی اقتصاد کنونی نمی‌تواند پتانسیل حقیقی اقتصاد ایران را نشان دهد، ایران اطمینان دارد که در چهارچوب طرح جدید توسعه ۵ ساله، رشد ۸ درصدی اقتصاد ایران تحقق خواهد یافت. کارشناس مسائل خاورمیانه شائوشین لی اینگونه بیان کرده است که کیک بزرگ اقتصاد ایران هم اکنون بسیاری از سرمایه‌گذاران کشورهای دیگر را به خود جذب کرده است.

شائوشین لی همچنین گفت، علت اینکه در آمریکا عده‌ی کثیری در انتقاد به عملکرد اوباما اظهار داشتند که توافق هسته‌ای ایران یک توافق دو جانبه نیست این است که بهای پرداختی توسط آمریکا در این میان هر چند تنها برای یک بار، در ازای اجرای تعهدات نه‌چندان قابل اعتماد ایران در آینده قرار می‌گیرد، بهای پرداختی مذکور توسط آمریکا این است که به محض امضای توافق هسته‌ای، دروازه‌های ایران رو به بیرون باز خواهد شد. حال اینکه این دروازه چگونه باز می‌شود اهمیتی ندارد، در واقع بسیاری از کشورهای جامعه بین‌الملل اصلاً به این موضوع اهمیت نمی‌دهند و پس از آن آمریکا هر چقدر تلاش کند دیگران را متوجه این موضوع سازد که در اصل او بوده که تحریم‌ها را لغو کرده است، دیگر اهمیتی نخواهد داشت،

اند. قراردادهای جدید بیش از پیش به بررسی توازن میان عناصر ریسک و سود پرداخته که از میان آن‌ها می‌توان به بررسی تأثیر نوسانات قیمت نفت بر توسعه‌ی پروژه‌های مذکور، تأثیر لینک‌های توسعه‌ی مختلف بر میزان سود سرمایه‌گذار و غیره اشاره کرد. علاوه بر این قرارداد مدت زمان اعتبار قرارداد کنونی نفت به ۲۰ و یا حتی ۲۵ سال می‌رسد که این خود باعث جلب هر چه بیشتر اعتماد سرمایه‌گذار می‌گردد. بر اساس اطلاعات مربوطه‌ی منتشر شده توسط ایران، ایران در آینده با بازگنان خارجی از طریق اشتراک سرمایه‌گذاری یک شرکت مشترک تأسیس خواهد کرد و طرفین در سود و زیان به طور مشترک سهیم خواهند بود. این به این معناست که سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند وارد زنجیره‌ی کلی تولیدات نفت و گاز از مرحله‌ی اکتشاف و توسعه‌ی تأسیسات و ساخت و ساز تا پروسه‌ی فروش شود و ایران در مقابل از کارگشایان خارجی خواستار انتقال فناوری‌های لازم است.

اینکه دولت ایران بالاخره چه موقع نسخه‌ی جدید قراردادهای نفتی را به صورت عمومی منتشر می‌کند، همواره دغدغه‌ی سرمایه‌گذاران خارجی بوده است. در حقیقت ایران قصد داشت در نشست نفتی که قرار است در اوایل سال جاری در لندن برگزار کند، قرارداد مذکور را به سرمایه‌گذاران ارائه دهد اما به سبب پیچ و خم‌هایی که در روند مذاکرات هسته‌ای رخ داد، زمان نهایی انجام این کار بارها به تعویق افتاد. به دنبال دست‌یابی ایران به توافق هسته‌ای و ورود به دوره‌ی اجرای توافق مذکور، این نسخه‌ی جدید قرارداد نفتی سرانجام می‌تواند به صورت رسمی منتشر شود. همچنین عجله و اضطراب ایران برای جذب هر چه زودتر سرمایه‌های خارجی به صنعت نفت و گاز با الگوی اقتصادی کنونی ایران ارتباط بسیار نزدیکی دارد. از اوایل قرن گذشته،

۵۲ پروژه‌ی حوزه‌ی نفت و گاز ایران با ارزشی معادل ۱۸۵ میلیارد دلار هم‌اکنون در انتظار جذب سرمایه‌گذار است. به گزارش صدای چین-شبکه‌ی جهانی رادیوی چین در ۲۲ نوامبر، دولت ایران به منظور جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی، به زودی به طور رسمی نسخه‌ی جدید قرارداد نفتی را منتشر خواهد کرد. تفاوت نسخه‌ی ارتقا یافته‌ی قرارداد نفت و گاز با قرارداد پیشین چیست و چرا ایران هم‌اکنون تصمیم به انتشار نسخه‌ی جدید این قرارداد گرفته است؟ به گزارش نیه شو بی، خبرنگار مستقر در ایران رادیوی بین‌المللی چین، رسانه‌های ایران خبر برگزاری دو نشست جامع نفتی توسط وزارت نفت ایران مورخ ۲۸ و ۲۹ ماه جاری در تهران و هم‌چنین ماه فوریه‌ی سال آینده در لندن را تایید کرده‌اند. همچنین قرار است نسخه‌ی جدید قرارداد نفتی ایران در طی این نشست‌ها به صورت رسمی به طرف‌های معامله ارائه گردد. وزارت نفت ایران پیش از این در تاریخ یازدهم ماه جاری از طریق وب‌سایت رسمی خبرگزاری این وزارتخانه خلاصه‌ای از متن قرارداد، منتشر کرده بود. مهدی حسینی، رئیس کمیته بازرگاری قراردادهای نفتی وزارت نفت ایران، روز یازدهم طی مصاحبه‌ای اذعان داشت، قراردادهای جدید نفتی نسبت به قراردادهای پیشین برای سرمایه‌گذاران خارجی شرایط مطلوب‌تری فراهم آورده و جذب عده‌ی کثیری از سرمایه‌گذاران خارجی به صنعت نفت و گاز ایران را در پی خواهد داشت. وی همچنین گفت به شخصه پیش‌بینی می‌کند انتشار رسمی لیست ۵۲ پروژه‌ی حوزه‌ی نفت و گاز با ارزش کلی ۱۸۵ میلیارد دلار توسط دولت ایران در نشستی که به زودی در تهران برگزار خواهد شد، موجب واکنش مثبت سرمایه‌گذاران خارجی خواهد شد.

قراردادهای کنونی نفت در مقایسه با قرارداد پیشین دچار تغییرات و اصلاحات زیادی شده

سایر کشورها مسئله‌ی هسته‌ای ایران را تمام شده تلقی خواهند کرد، چرا که به هر حال ایران یک کیک بزرگ است.

جذب تاجران اروپایی تنها موفقیت عظیم مذاکرات هسته‌ای نیست، بلکه ثبات صلح و آرامش فضای داخلی ایران ناشی از این توافق، برای سرمایه‌گذاران خارجی نیز به منزله‌ی یک قرص آرام بخش خواهد بود.

آقای شائوشین لی بیان کرد: رئیس‌جمهور روحانی پس از روی کار آمدن، به منظور خارج شدن ایران از انزوا خواستار برقراری مذاکرات بود. امضای توافق هسته‌ای در چهاردهم ژوئیه‌ی سال جاری موجب تثبیت جایگاه روحانی در ایران و برداشتن گامی به سوی پیشبرد انعطاف‌پذیری دولت شد. بنابراین ظهور ارتباط خارجی در دولت برای اولین بار در طی سی و چند سال اخیر در ایران احتمالاً تأثیر مثبتی بر نقطه‌ی عطف این سیکل خواهد داشت. ایران در حال حاضر به ثبات

نیاز دارد می‌توان گفت فضای داخلی ایران منظم است. امکان دارد که بسیاری از چینی‌ها درک نکنند که چگونه ممکن است ایرانی که در گذشته آلوده‌ی بازی‌های شیطان‌ی غرب گشته بود امروزه به ثبات و آرامش دست پیدا کرده باشد. چنانکه در حقیقت امنیت و ثبات بسیاری از مناطق ایران مثال زدن نیست. علی‌رغم ساده نبودن مسئله‌ی توسعه‌ی اقتصادی و نیاز به گذر از یک پروسه‌ی معین جهت دست‌یابی به این مهم، هم اکنون روند این توسعه در حال بهبود یافتن است.

حال که در میان هرج و مرج کنونی خاورمیانه، ایران نگین انگشتی این خطه محسوب می‌شود این کشور در همکاری‌های آینده‌ی مربوط به مبارزه‌ی بین‌المللی علیه تروریسم چه نقشی ایفا خواهد کرد؟

شائوشین لی می‌گوید: هم اکنون با توجه به مناسبات ژئوپلیتیکی، ایران توانمندترین و تأثیرگذارترین کشور خاورمیانه محسوب می‌شود. در

ارتباط با این موضوع نمی‌توان تنها به ظاهر مسئله توجه نمود، چرا که هرچند به نظر می‌رسد تأثیرگذارترین کشور عربستان سعودی باشد اما در واقع این کشور از قدرت جامع چندانی برخوردار نبوده و تنها پول زیادی دارد. حال آن که ایران این گونه نیست و به همین سبب امروزه در میان قدرت‌های خاورمیانه، تأثیرگذاری کشور ایران در هر سو قابل رؤیت است. به عنوان مثال ایران در سوریه از نقشی تعیین‌کننده و حائز اهمیت برخوردار است. اتحاد بین‌المللی ضد تروریسمی ذکر شده در بالا، در حال حاضر بر علیه داعش است و این موضوع شدیداً با منافع ایران همخوانی دارد، چنانکه گویی شرایط برای ایران از این بهتر نخواهد شد. پیش از این اتحادیه‌ی مذکور ایران را طرد می‌کرد اما هم اکنون با وجود مسائل پیش آمده، طرف‌های دخیل در مسئله ناگزیر به پذیرش ورود ایران به این اتحادیه خواهند بود.

بازگشت ایران به بازار نفت خام این بار پرنگ‌تر از همیشه



مترجم
پگاه رستمی نژاد

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۰/۲۰

توافق هسته‌ای ایران در روز ۱۸ اکتبر طبق برنامه ریزی به قطعیت رسید. ایران که برای مدت طولانی محدود شده بود اخیراً تصمیم گرفته است که یک بازگشت موفقیت‌آمیز به بازار بین‌المللی نفت خام داشته باشد. ۱۸ اکتبر، نودمین روز پس از تصویب قطع‌نامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل درباره مسئله‌ی هسته‌ای ایران است؛ به این صورت که دوره پذیرش «برنامه جامع اقدام مشترک» که میان ایران و شش کشور درگیر در مسئله هسته‌ای ایران امضا شده است، پایان یافت و پس از آن، توافق به قطعیت رسید. در همان روز کمی زودتر رییس‌جمهور آمریکا، به منظور عمل به تعهدات آمریکا در برجام، دستور اجرای اقدامات مقتضی برای لغو تحریم‌های ایران را به دولت صادر کرد. اتحادیه اروپا هم بلافاصله در آن روز چارچوب قانونی لغو تحریم‌های برنامه‌ی هسته‌ای ایران را تصویب کرد. اما لغو تحریم‌های ایران توسط آمریکا و اروپا اصلاً به این معنی نیست که ایران به طور مطلق رفع محدودیت شده است، در همین زمینه اوباما اظهار داشت: اقدامات رفع تحریم‌ها علیه ایران زمانی اجرا خواهد شد که وزیر امور خارجه اعلام کند ایران به تعهداتش عمل کرده است. اتحادیه اروپا هم تأکید کرد تنها در صورتی برنامه جامع

اقدام مشترک اجرا خواهد شد که ایران موافقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به دست آورد و پس از آن لغو تحریم‌های ایران در یک چارچوب سیاسی اجرا می‌شود.

به زودی با کاهش تدریجی محدودیت‌ها، ایران وارد مرحله‌ی پساتحریم می‌شود و ایران به این مسئله فکر می‌کند که در بازار نفت خام توانایی‌های خودش را نشان دهد، اما زمان بازگشت ایران آنقدرها هم خوب و مناسب به نظر نمی‌رسد. شرکت شلمبرژه بزرگترین شرکت خدمات نفتی جهان به تازگی گزارش‌های مالی سه ماهه سوم سال را اعلام کرد که این آمار نشان می‌دهد سود به دست آمده برای هر سهم ۷۵ سنت بوده است که نسبت به مدت مشابه ۱۱ درصد کاهش داشته است. این داده‌ها چشم‌انداز صنعت انرژی را نشان می‌دهد.

امسال با مواجه شدن با سقوط بهای بین‌المللی نفت، وزیر نفت ایران -بیژن نامدار زنگنه- در چند روز اخیر درباره‌ی قیمت حال حاضر نفت اظهار داشت: «هیچ کس نمی‌تواند راضی باشد»، در واکنش به نرخ بازار، اپک باید درباره‌ی کاهش تولید تصمیم‌گیری کند، تا اینکه قیمت نفت برای هر بشکه به قیمت ۷۰ تا ۸۰ دلار آمریکا افزایش یابد.

برای حفاظت از میزان فروش در شرایطی که تمام جهان در حال عرضه بیش از تقاضای نفت هستند، میزان تولید روزانه‌ی این سازمان برای ۱۶ ماه متوالی از مرز ۳۰ میلیون بشکه که در پیش‌بینی‌های رسمی آمده عبور کرده و به ۹۶ میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است. این باعث شد نفت خام برنت به عنوان شاخص قیمت گذاری در ۱۲ ماه گذشته ۴۱ درصد کاهش پیدا کند و به قیمت کنونی هر بشکه ۵۰ دلار آمریکا برسد.

البته؛ به مجرد اینکه تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا علیه ایران از ابتدای سال ۲۰۱۶ لغو شوند، نفت خام ایران به بازارهای نفت بر می‌گردد که این باعث عرضه‌ی بیش از تقاضا می‌شود و باعث وارد شدن شوک به بازار جهانی خواهد شد. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، جواد پیش از این اظهار داشته، یک هفته بعد از لغو تحریم‌ها صادرات نفت روزانه به ۵۰۰ هزار بشکه می‌رسد و پس از شش ماه نیز این رقم به یک میلیون بشکه در روز خواهد رسید. اگر برنامه‌ی ایران موفقیت‌آمیز باشد تا سال ۲۰۲۱ تولید روزانه نفت خام این کشور می‌تواند تا سقف چهار میلیون و هفتصد هزار بشکه در روز برسد.



تبدیل چین به بزرگترین مشتری نفتی ایران*

ادامه یافتن خرید سن تونگ یو*



مترجم
حدیه درزی

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۲/۳

این منبع خبری اظهار داشت: در صورت تمدید قرارداد ایران و دو مشتری اصلی چینی در سال ۲۰۱۶، پیش بینی می شود حجم واردات شرکت جو هی جن رونگ به طور متوسط به روزانه ۲۴۰ هزار بشکه و ساینو پک به ۲۶۵ هزار بشکه برسد. توافق ساینو پک به طور عمده بر روی نفت خام و مقدار اندکی نفت تغلیظ شده تمرکز دارد.

در سال ۲۰۱۵ ایران ششمین کشور تامین کننده نفت چین بود، اما از سوی دیگر با رقابت عربستان سعودی، عراق و سایر کشورها مواجه شد، یکی از مقامات ارشد شرکت ملی نفت فلات قاره چین اظهار داشت: کیفیت نفت ایران در مقایسه با کیفیت نفت های مشابه سایر کشورهای صادرکننده در خاورمیانه بسیار بهتر است چرا که مقدار سولفور آن کمتر و میزان بنزین استخراجی آن به میزان قابل توجهی بیشتر است.

بر اساس گفته فعالان بازار، شرکت پتروشیمی دراگون آروماتیک یکی از خریداران اصلی نفت تغلیظ شده ی ایران است اما هنوز مشخص نیست که این شرکت پس از وقوع آتش سوزی ماه آوریل چه زمانی فعالیت خود را از سر خواهد گرفت. ایران امیدوار است کره جنوبی، ژاپن و خریداران جدید چینی این خلاء را جبران کنند.

به گفته ی این فعالان بازار، یکی از شرکت های پتروشیمی زیر مجموعه ی شرکت مشترک نفت ملی فلات قاره چین-شسل در استان گوانگ دونگ خریدار جایگزینی برای نفت تغلیظ شده خواهد بود. این شرکت در اواسط سال ۲۰۱۲ به دنبال تحریم معامله ی نفت ایران از سوی اتحادیه اروپا ناگزیر به فسخ یکی از قراردادهای مهم خود شد.

پایان هفته به منظور جذب سرمایه گذار طرح اصلاح شده ی قراردادها را پس از مدت ها انتظار منتشر کرد.

به دنبال خریداران تازه

سه منبع خبری حاضر در مذاکرات ادعا کردند: دو ماه پیش مقامات رسمی وزارت نفت ایران با نمایندگان پترو چاینا و شرکت ملی نفت فلات قاره چین دیدار کرده اند. شرکت ملی نفت فلات قاره چین و شرکت شسل به طور مشترک یک کارخانه ی پتروشیمی را اداره می کنند.

نظر به تحریم های اعمال شده توسط غرب بر ایران، شرکت های ملی انرژی چین همواره توسعه ی روابط تجاری و امضای قراردادهای جدید با ایران را تنها به علت واهمه داشتن از برانگیختن عکس العمل بین المللی، پنهان نگاه داشته اند، اما به دنبال نزدیک شدن تاریخ لغو تحریم ها، نگرانی آن ها نسبت به تأثیرات جنبه های سیاسی نیز کاهش می یابد.

یک مدیر بازرگانی ادعا کرد: «این شرکت ها در انتظار خبر قطعی تری در ارتباط با لغو تحریم های ایران هستند تا دوباره تعهدات خود را از سرگیرند».

یک سخنگوی شرکت جو هی جن رونگ خبر دستیابی به توافق سال ۲۰۱۶ با ایران را تصدیق کرده است در حالی که ساینو پک از اظهار نظر کردن خودداری کرده است. شرکت نفت ایران هنوز پاسخی به این درخواست است.

در حدود ماه اکتبر، پترو چاینا (شرکت ملی نفت چین) استخراج نفت در میدان نفتی آزادگان شمالی را آغاز کرد که حجم تولید روزانه ی آن بالغ بر ۷۵ هزار بشکه برآورد می شود. براساس گفته های یک منبع خبری در شرکت، این شرکت امید دارد که پس از لغو تحریم ها، افزایش میزان تولیدات را آغاز کند.

یک منبع خبری حاضر در مذاکرات اظهار داشت: پیش از لغو تحریم های آمریکا، ایران تدابیری به منظور افزایش حجم صادرات نفت اتخاذ کرده و علاوه بر تمدید قرارداد سال ۲۰۱۶ با دو مشتری اصلی چینی، مذاکره با مشتری های احتمالی خود را نیز آغاز کرده است.

ایران به عنوان دومین صادرکننده ی اصلی نفت اپک، بی صبرانه مشتاق باز پس گیری سهم از دست رفته ی خود به سبب اعمال تحریم توسط آمریکا و اروپا در بازار است و قصد دارد تا اوایل سال ۲۰۱۶ تولید روزانه ی خود را به ۵۰۰ هزار بشکه در روز ارتقا دهد که معادل حدود ۵۰ درصد صادرات کنونیست.

این منبع خبری اظهار داشت: بزرگ ترین تصفیه کننده ی نفت آسیا T ساینو پک (HK.0386) به همراه جو هی جن رونگ شرکت ملی بازرگانی نفت چین، در سال ۲۰۱۶ نیز مشابه امسال روزانه ۵۰۵ هزار بشکه نفت خام واردات خواهند داشت. میزان واردات این دو شرکت در سال جاری معادل نیمی از حجم کلی صادرات نفت ایران است.

میزان خرید نفت خام چین در ده ماه گذشته ۵۳۶ هزار و ۵۰۰ بشکه بوده است که نسبت به زمان مشابه در سال گذشته ۱,۹ درصد کاهش پیدا کرده است. سومین مشتری ثابت ایران، شرکت آروماتیک دراگون در استان فوجی یین چین در ماه آوریل دچار حریق شد و به منظور بازرسی های ایمنی موقتاً خرید خود را متوقف نموده است.

نظر به اینکه انتظار می رود غرب در اوایل سال ۲۰۱۶ به تحریم های ایران پایان دهد، ایران هفته ی گذشته لیستی شامل حدود پنجاه قلم اقلام نفتی و گازی که ظرفیت گسترش سرمایه گذاری خارجی دارند منتشر ساخت، هم چنین در

*سن تونگ یو: سه شرکت بزرگ نفتی چین: (۱) شرکت ملی نفت فلات قاره چین (۲) پتروچاینا(شرکت ملی نفت چین) (۳) ساینو پک

ایران در انتظار عضویت در سازمان همکاری های شانگهای؛ چرا؟



مترجم
آریس کین ارثی

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۹/۹



است. بنابراین، ایران امیدوار است از طریق پیوستن به سازمان همکاری های شانگهای به سرعت مشکلات اقتصادی اش را حل کند. و در نهایت، به دلایل امنیتی؛ میدان مبارزه اصلی با داعش در نزدیکی مرزهای غربی ایران در عراق و سوریه است. در شرق، طالبان افغانستان، القاعده و داعش از یک سو پیوسته در حال اقدام به حملات تروریستی اند و از سوی دیگر دائماً درگیر جنگ های داخلی نیز هستند. وضعیت امنیت هر دو طرف شرق و غرب ایران کاملاً در خطر است، به علاوه بی ثباتی وضعیت امنیت داخلی ترکیه نیز قابل توجه است و به همین دلایل ایران خواهان تقویت قابلیت مبارزه با تروریسم خود و امنیت مرزهایش است. با توجه به اینکه ایران در حال حاضر نمی تواند به اتلاف چند ملیتی موسوم به ضد داعش به رهبری آمریکا بپیوندد، پس باید با تکیه بر قدرت مبارزه با تروریسم بین الملل، خودش را نیرومند سازد، در نتیجه، پیوستن به سازمان همکاری های شانگهای به اولین انتخاب دیپلماسی ایران تبدیل شده است.

۱. کریدور بین المللی حمل و نقل شمال - جنوب: در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۰ در سن پترزبورگ توسط سه کشور ایران، روسیه و هند و به منظور ترویج همکاری های حمل و نقلی بین اعضاء تأسیس شد. این کریدور اقیانوس هند و خلیج فارس را از طریق ایران به دریای خزر سپس از طریق روسیه به سن پترزبورگ و شمال اروپا متصل می کند.

(توضیح مترجم: در نتیجه ایران میتواند به عنوان چهار راه ترانزیتی شرق-غرب و شمال-جنوب واقع شود.)

همکاری های شانگهای ترکیبی از کشورهای صنعتی رو به رشد است که چین، روسیه و هند این سه کشور عضو بریکس همگی عضو دائم سازمان همکاری های شانگهای هستند. ایران امیدوار است همکاری هایش در زمینه منابع انرژی را با هند و چین گسترش دهد و با جلب حمایت های این دو کشور، این منطقه شرقی نسبتاً عقب افتاده را از طریق کریدورهای اقتصادی بین المللی شرق به غرب و شمال به جنوب (۱) توسعه دهد. ایران چندین بار تأکید داشته که خواهان تلفیق استراتژی «یک کمر بند، یک جاده» چین با استراتژی های توسعه ای منطقه ای این کشور است. از لحاظ اهمیت اقتصادی، اگر ایران به سازمان همکاری های شانگهای بپیوندد، برای پیشبرد استراتژی توسعه ای اقتصادی اش از سه موقعیت شرق، جنوب و شمال بسیار سودبخش خواهد بود. آژانس بین المللی نفت تخمین زده است که ذخایر نفتی ایران تا پیش از نیمه دوم سال آینده نمی تواند وارد بازارهای جهانی بشود، همچنین با وجود بازدیدهای فراوان نماینده های شرکت های نفتی غربی در ایران، تصمیم جدی ای برای سرمایه گذاری و همکاری، به ندرت دیده شده

به گزارش ایرنا، رئیس جمهور ایران، روحانی طی ملاقات اخیرش با رئیس جمهور قرقیزستان الماس بیگ اتامبایف اظهار داشته که ایران امیدوار است عضو اصلی سازمان همکاری های شانگهای شود. این اولین بار است که ایران پس از دستیابی به توافق هسته ای، چنین اظهار عقیده ی روشنی داشته است. اکنون ایران قصد خود مبنی بر درخواستش جهت عضویت رسمی در سازمان همکاری های شانگهای را علنی کرده است. نخست، به دلیل سیاست های منطقه ای (ژئوپلیتیکی)؛ اگرچه استراتژی و محیط امنیتی ایران پس از دستیابی به توافق جامع هسته ای بهبود بسیاری یافته اما از سوی دیگر خارج شدن کاملش از انزوای بین المللی ناتمام مانده است. در حال حاضر ایران با به عهده داشتن ریاست دوره ای سازمان همکاری های اسلامی در عرصه ی بین المللی قدرت نفوذ بسیار کمی دارد، همچنین در اوپک هم قدرت اعمال نظر کنونی ایران اندک است؛ بنابراین ایران در روابط سیاسی به عضویت در سازمانی بین المللی نسبتاً قدرتمند، نیاز مبرم دارد. ایران معتقد است که سازمان همکاری های شانگهای یکی از پر نفوذ ترین سازمان های بین المللی و فرا منطقه ای است؛ از این رو عضویت رسمی در سازمان همکاری های شانگهای برای اعتبار ایران امتیاز بسیار بزرگی است. به دنبال عضویت دائم هند و پاکستان و همچنین دستیابی به توافق جامع هسته ای، ایران بر این باور است که شرایط و زمان مناسب برای عضویت دائمش در سازمان همکاری های شانگهای فرارسیده است. دوم، به خاطر منافع اقتصادی؛ سازمان

سازمان همکاری های شانگهای ترکیبی از کشورهای صنعتی رو به رشد است که چین، روسیه و هند این سه کشور عضو بریکس همگی عضو دائم سازمان همکاری های شانگهای هستند. ایران امیدوار است همکاری هایش در زمینه منابع انرژی را با هند و چین گسترش دهد



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۲/۱۷

ایران آخرین اقتصاد بزرگ ملحق نشده به نظام جهانی

مترجم
شرین شاهنگ



در روز افزایش خواهد داد و این روند افزایشی در طول سالیان بعد ادامه خواهد داشت.

در ادامه، رقابت کشورهای غربی بر سر ورود به بازار ایران نیز بالا خواهد گرفت. در ماه‌های اخیر، هیئت‌های تجاری از کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و سایر کشورها یکی پس از دیگری به ایران سفر کرده‌اند که به دلیل افزایش سفرهای تجاری به ایران، از ماه جولای قیمت هتل‌های شیک و مدرن تهران به دو برابر افزایش یافته است. در صنعت هتلداری، گروه هتل داری آکور فرانسه برای ساخت دو هتل در تهران اعلام آمادگی کرده که پیش بینی می‌شود رقابت‌های ایجاد شده در این صنف وضعیت کنونی صنعت هتلداری در تهران را دگرگون کند، در حال حاضر در تهران تنها دو هتل پنج ستاره وجود دارد. در بخش حمل و نقل هوایی، به دلیل فرسودگی ناوگان هوایی ایران، سالانه در حدود ۱۰۰ فروند هواپیمای مسافربری مورد نیاز است که در حال حاضر دوشرکت ایرباس و بویینگ در پی ورود به بازار ایران هستند.

در حال حاضر، اجرای همه جانبه توافق روند آرام و مطلوبی را طی می‌کند و ایران و کشورهای ۱+۵ با انجام اقدامات عملی عزم سیاسی خود برای اجرای این توافقنامه را نشان داده‌اند، دولت چین نیز امیدوار است با همکاری سایر شرکای خود، در راستای اجرای همه جانبه این توافق فعالیت کرده، فعالیت‌های مورد نیاز جهت پیش برد توافق را سرعت بخشیده و در رسیدن هر چه سریع تر به تاریخ اجرای توافق نامه بکوشد.

و سایر تحریم‌ها در بخش‌های اساسی اقتصادی ایران در سال ۲۰۱۱ محدودیت‌های شدیدی در این حوزه‌ها اعمال شد که در نتیجه اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ رشد منفی را تجربه کرد. در حال حاضر، ایران در آستانه‌ی پیوستن به سیستم اقتصاد جهانی است. تحلیل گران پیش بینی می‌کنند در چند سال آینده، اقتصاد ایران تغییرات چشمگیری را تجربه خواهد کرد و اقتصاد جهانی را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

نخست، وضعیت اقتصادی ایران به ثبات و تعادل خواهد رسید. اقتصاد دانان پیش بینی می‌کنند با رفع محدودیت‌ها در صادرات نفت و گاز ایران و نیز با بازگشت بسیاری از دارایی‌های بلوکه شده ایران و هم چنین ورود سرمایه گذاران خارجی، نرخ تورم در ایران به نرخ تک رقمی باز خواهد گشت، هم چنین نرخ ارز بعد از چندین سال نزول، به سمت تعادل پیش خواهد رفت و نیز پیش بینی می‌شود اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۶ رشد مثبتی را تجربه کند.

دوم، افزایش صادرات نفت ایران باعث تمدید فشارهای کنونی بر بازارهای جهانی نفت که منجر به کاهش تاریخی قیمت گردیده، خواهد شد. ایران بزرگ ترین منابع گازی جهان و چهارمین منابع بزرگ نفتی جهان را در اختیار دارد اما تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی غرب، صادرات نفت این کشور به یک تا یک و نیم میلیون بشکه در روز محدود شده است. وزیر نفت ایران، بیژن زنگنه اعلام کرده که پس از رفع تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران، این کشور صادرات نفت خود را به میزان ۵۰۰ هزار بشکه

آژانس بین المللی انرژی اتمی در جلسه فوق العاده‌ی شورای حکام آژانس در روز ۱۵ دسامبر، بر اساس گزارش‌های ارزیابی نهایی در رابطه با مسائل حل نشده در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای ایران و پایان تحقیقات درباره مسئله تلاش مخفیانه ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تصمیم گیری کرد. تحلیل گران اقتصادی پیش بینی می‌کنند در طی چند سال آینده، اقتصاد ایران تغییرات قابل توجهی را تجربه کرده و نیز اقتصاد جهانی را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

این رای باعث درهم شکستن تردیدها در رابطه با لغو تحریم‌های اقتصادی ایران از جانب سازمان ملل متحد و کشورهای غربی می‌شود. وزیر امور خارجه ایران، محمدجواد ظریف از برچیدن سریع تحریم‌های ایران استقبال کرده و اعلام کرد: مادامی که اعضای پنج به علاوه یک به توافق نامه مشترک احترام بگذارند، ایران نیز متقابلاً مفاد قرارداد را به طور کامل اجرا خواهد کرد. براساس این توافق نامه، در صورت تایید اقدامات ایران از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران لغو خواهد شد و طبق پیش بینی‌ها، رفع تحریم‌ها علیه ایران از ماه ژانویه آغاز خواهد شد.

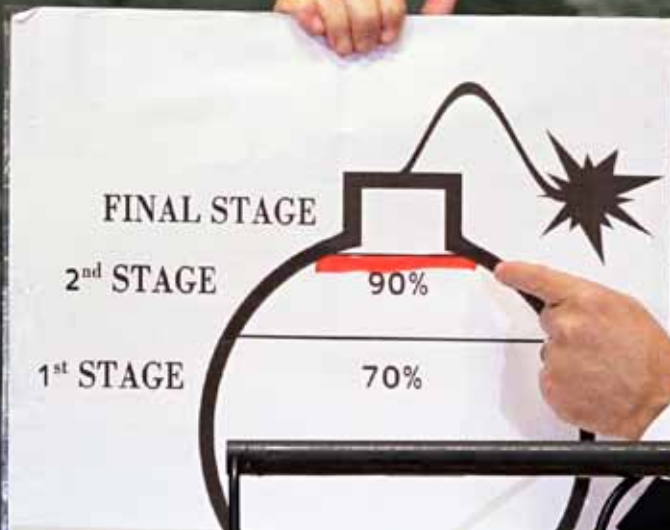
ایران آخرین اقتصاد بزرگی محسوب می‌شود که تا کنون به سیستم اقتصاد جهانی ملحق نشده است. از زمان آغاز اختلافات بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ و شروع تحریم‌های دوازده ساله قدرت‌های غربی علیه ایران و مخصوصاً با شروع تحریم‌ها در بخش صادرات نفت و گاز، معاملات مالی و بانکداری



Kez lham Tohti!

國共黨

پنجشہم سو سالہ تنظیم کی



اسرائیل و ایران : از دوست تادشمن

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۳/۶

تاریخ انتشار مقاله
۱۳۹۴/۵/۲۳

مترجم
مهرداد نیک اخلاقی



بابل را آزاد نمی‌کرد، احتمالاً نسل جدیدی از یهودیان و به عبارتی اسرائیل امروزی نیز به وجود نمی‌آمد. لذا یهودیان از حیث روابط قومیتی، نسبت به ایرانیان با دید مثبتی می‌نگرند.

۳۳۰ سال پیش از میلاد، امپراتوری کامیاب و قدرتمند پارسی توسط اسکندر بزرگ نابود گشت و ایران پیاپی مورد هجوم یونانیان، اعراب، ترک‌ها، مغول‌ها و افغان‌ها قرار گرفت و شاهد حکمرانی آنان بود. کمی بعدتر در دوران مدرن نیز ایران به کشور نیمه مستعمره‌ی انگلستان و روسیه بدل گشت. در ماه فوریه‌ی سال ۱۹۲۱، رضا خان پهلوی با راه اندازی یک کودتا، حکومت را به دست آورده و دوران سلطنت پهلوی را پایه گذاری کرد. یهودیان نیز پس از بازسازی کشور خود مورد تهاجم اسکندر بزرگ و حکمرانی بطلمیوس و سلوکیان (امپراتوری بزرگی که سلوکوس پس از مرگ اسکندر به وجود آورد) قرار گرفتند.

۶۵ سال پیش از میلاد، منطقه‌ی فلسطین توسط امپراتوری رم اشغال شد، چنانکه که گویی دیگر برای یهودیان کشوری وجود نداشت، بنابراین آن‌ها دیار خود را ترک گفته و دوره‌ی طولانی سرگردانی و آوارگی آنان از همان زمان تا تأسیس اسرائیل مدرن ادامه داشت.

رابطه‌ی شبه اتحادی بین دو کشور

در طی یک دوره‌ی سی و چند ساله، از هنگام تأسیس اسرائیل تا سرنگونی سلطنت پهلوی در ایران، ایران و اسرائیل از ارتباط بسیار

میلاد، کوروش، امپراتوری پارس را بنیان گذاری کرد. کوروش پس از فتح پادشاهی بابل، تمامی افرادی که پادشاهان بابل به اسارت گرفته بودند را آزاد نمود و همچنین گروهی از سربازان خود را با آنان همراه ساخت تا به کشور خود بازگردند. وی همچنین از حیث مالی و نیروی انسانی از آن‌ها حمایت کرد تا تمدن و زادگاه خود را بازسازی کنند. در این میان یهودیانی که طی حادثه‌ی «به اسارت بردن یهودیان به بابل» اسیر شده بودند از سیاست آزادی تمامی قومیت‌های کوروش بیشترین سود را بردند. آن‌ها از این طریق به کشور خود بازگشته و آن را احیا و بازسازی نمودند.

کوروش آزادی خواه همچنین اموال غارت شده توسط نبوکد نصر را که شامل ۵۴۰۰ قطعه ظروف زرین و مسیمین از معبد بیهوه (خدای بنی اسرائیل) بود، به یهودیان بازگرداند و باعث شد تا یهودیان بیش از پیش قدر دان او گردند. بنابراین به راحتی می‌توان تصور کرد که کوروش نزد یهودیان از جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. یهودیان پس از بازگشت به کشور خود، بر روی خرابه‌های معبد پیشین، از نو معبدی ساختند که در تاریخ معبد دوم نامیده شد. آن‌ها همزمان کشور را نیز احیا نموده و حکومت خود مختار ۴۰۰ ساله‌ی خود را از سر گرفتند.

امپراتوری پارس بدون شک ناجی اسیران بابل بود، بنابراین حتی می‌توان اظهار داشت که اگر جد بزرگ ایرانیان امروزی - کوروش - اسیران

در طی چند سال اخیر، به دنبال شدت گرفتن مشکل هسته‌ای ایران و زوال بی‌وقفه‌ی وضعیت امنیت خاورمیانه، مردم در رابطه با آینده‌ی ارتباط اسرائیل و ایران حدس و گمان‌های فراوان زده‌اند.

در طول تاریخ، اقوام یهودی و پارسیان (ایرانیان) هیچ‌گاه رابطه‌ی صمیمی و نزدیکی نداشته‌اند. ارتباط اسرائیل مدرن با ایران از سال ۱۹۴۸ یعنی هنگام تأسیس کشور اسرائیل آغاز گشته و تا امروز ادامه یافته است.

گذری بر تاریخ ایران و اسرائیل

مبدأ تاریخی اجداد یهودیان اسرائیل و اجداد ایرانیان که اقوام پارسی بودند به ۲۵۰۰ سال پیش بر می‌گردد. در قرن یازدهم پیش از میلاد، داوود، پادشاه اسرائیل قدیم بانی وحدت تمامی اقوام یهود شد، کشور پادشاهی اسرائیل را پایه گذاری نمود و اورشلیم را به عنوان پایتخت برگزید. این پادشاهی بعدها به دو پادشاهی شمالی و جنوبی تقسیم شد که پادشاهی شمالی اسرائیل و پادشاهی یهودا نامیده می‌شدند.

در سال ۵۸۶ قبل از میلاد، پادشاه بابل جدید نبوکدنصر، اورشلیم، پایتخت پادشاهی یهودا را تسخیر نمود و تمامی اموال شهر را غارت کرد. بابلیان معبد سلیمان را سوزاندند و یهودیان را به اسارت گرفتند، در تاریخ این حادثه را «به اسارت بردن یهودیان به بابل» می‌نامند.

۲۰۰۰ سال پیش از میلاد، پارسیان وارد مرزهای ایران کنونی شدند. ۵۵۰ سال پیش از



نزدیکی برخوردار بودند. عده‌ای بر این باورند که ارتباط ایران و اسرائیل در این دوره در واقع یک رابطه‌ی شبه اتحادی بوده است، حال آنکه عده‌ای نیز این دوره را دوره‌ی اتحاد استراتژیک تاریخ ارتباط دو کشور تلقی می‌کنند.

پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، اسرائیل از ایران به عنوان قطب انتقال بهره برده و جا به جایی یهودیان عراق به اسرائیل از طریق ایران صورت می‌گرفت. در ماه مارس سال ۱۹۵۰، ایران جایگاه کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت اما تلاش دو کشور برای ایجاد روابط خارجی به طور رسمی، با مخالفت شدید قدرت‌های شیعه مذهب گروه محافظه کار دین اسلام در ایران روبرو شد.

ایران به عنوان یک کشور اسلامی غیر عربی در خاورمیانه تا حدودی وضعیت اسرائیل را درک می‌کرد و علی‌رغم این که در سازمان ملل متحد، ایران به مسئله‌ی پیوستن اسرائیل به سازمان رأی منفی داد اما همزمان نیز اظهار داشت که قصد ندارد در کشمکش میان اسرائیل و عربستان دخالت کند.

در سال ۱۹۵۷ ایران و اسرائیل دوستی قدیمی خود را احیا نمودند و ارتباط دو کشور به سرعت توسعه یافت. به دلیل مخالفت قدرت‌های اسلامی در داخل ایران و همچنین رادیکال‌های کشورهای عربی، در آن زمان شاه پهلوی تنها می‌توانست رابطه با اسرائیل را در چهارچوب به رسمیت شناختن آن حفظ کند و این خود باعث ایجاد یک الگوی پایه‌ای در روابط ایران و اسرائیل گشت.

هرچند در دهه‌ی ۵۰ از قرن گذشته اسرائیل در جنگ با فلسطین و جنگ کانال سوئز، از حیث نظامی پیروز شد، اما این موضوع در واقع به هیچ وجه برای اسرائیل امنیت حقیقی را به ارمغان نیاورد. در سال ۱۹۵۸ اسرائیل استراتژی سیاسی اتحادیه‌ی محیطی را مطرح نمود در حالی که امیدوار بود با کشورهای غیر عربی

منطقه‌ی خاورمیانه که ایران را نیز شامل می‌شد متحد شود.

پادشاه پهلوی تمرکز خود را بر روی وضعیت امنیتی منطقه قرار داده و به این موضوع واقف بود که امنیت ایران در چهارچوب اتحادیه‌ی محیطی اسرائیل به بهترین نحو حفظ خواهد شد. علاوه بر آن نظام پهلوی در سال ۱۹۶۳ انقلاب سفید را که اصلاحات ارضی رکن اصلی آن بود، آغاز کرد و این خود به بی‌ثباتی اوضاع داخلی ایران منجر شد، در همین اثنا روابط ایران و کشورهای عربی نیز روز به روز بدتر می‌شد.

در مواجهه با مشکلات داخلی و خارجی، شاه توسعه‌ی قدرتمند ارتباط با اسرائیل را سرعت بخشید. ایران مقادیر فراوانی نفت به اسرائیل صادر کرد و اسرائیل نیز علاوه بر صادر کردن سلاح و تجهیزات نظامی به ایران، ایران را در توسعه‌ی صنعت کشاورزی یاری کرد. می‌توان گفت که امنیت دو جانبه و منافع اقتصادی مشترک، انگیزه‌ی بنیادین شکوفایی و توسعه‌ی روابط ایران و اسرائیل در این دوره‌ی زمانی بود. سال ۱۹۷۳ در طی چهارمین دوره‌ی جنگ‌های خاورمیانه، استفاده‌ی کشورهای عربی از سلاح نفت باعث شد تا پادشاه پهلوی قدرت کشورهای عربی را بار دیگر بازشناسد. شاه پی برد که حفظ نظم و آرامش در دراز مدت و همچنین تحقق دست یابی به جایگاه کشوری قدرتمند در منطقه، در گرو به دست آوردن تأیید کشورهای عربی است.

همزمان، در دهه‌ی ۷۰ قرن گذشته، روابط بین‌المللی در سراسر جهان به طور کلی رنگ و بوی آرامش داشت. هرچند اسرائیل هنوز در نقطه نظرهای استراتژیک شاه پهلوی از جایگاه مهمی برخوردار بود اما همانند قبل نیز مبرم و ضروری به نظر نمی‌رسید. بنابراین ایران همزمان با تحکیم روابط پیشین خود با اسرائیل، از سوی دیگر ایجاد روابط دوستانه با کشورهای عربی را مهم انگاشته و تلاش برای دست یابی به این مهم را آغاز نمود. اما با این حال در آن زمان مشی و فضای سیاسی دو کشور که تحت نفوذ عوامل فیزیکی چون جغرافیا بود، تغییر ماهیتی چندانی نداشت. در دراز مدت چنان به نظر می‌رسید که هر دو کشور گویی تمایل به قطع کامل ارتباط خود ندارند و بنابراین همچنان در زمینه‌های جدید بسیاری همکاری داشتند.

نابسامان شدن تدریجی روابط ایران و اسرائیل ماه ژانویه‌ی سال ۱۹۷۹، انقلاب اسلامی ایران رخ داد، شاه ناگزیر کشور را ترک نمود و آیت‌الله خمینی رهبر دینی آن زمان جمهوری اسلامی ایران - که پیوستگی دین و دولت از

ارکان اصلی آن است - را پایه‌گذاری نمود، پایه‌گذاری کرد. به دلیل وجود رابطه‌ی به خصوص آمریکا و سلطنت پهلوی در آن زمان و همچنین حمایت و جانبداری آمریکا از اسرائیل در مسئله‌ی عربستان و اسرائیل، آیت‌الله خمینی همواره مخالفت با سلطنت پهلوی را با مخالفت با آمریکا و اسرائیل در هم می‌آمیخت، بدین ترتیب درک و شناخت آیت‌الله خمینی از اسرائیل در تعیین روابط بین دو کشور نقش تعیین‌کننده و به‌سزایی داشت. بنابر اعتقاد آیت‌الله خمینی روی دادن یک تغییر بنیادین و ماهیتی در رابطه‌ی ایران و اسرائیل در مقایسه با دوران پهلوی، بسیار ضروری به نظر می‌رسید.

ارتباط ایران و اسرائیل در یک قرن اخیر دو گره‌ی کلیدی دارد. گره اول در واقع حادثه‌ی یازده سپتامبر است. پس از وقوع حادثه‌ی یازده سپتامبر آمریکا مبارزه‌ی جهانی علیه تروریسم آغاز کرد. آمریکا ایران را اولین کشور در لیست سیاه کشورهای حامی تروریسم قرار داد و همچنین ایران را محور شرارت خواند.

از حیث مناسبات سیاسی-جغرافیایی، وقوع حادثه‌ی یازده سپتامبر، جنگ افغانستان و همینطور جنگ عراق در واقع موجب شد آمریکا و اسرائیل در مقابله با ایران موضعی محاصره‌کننده اتخاذ کنند و این موضوع باعث نامساعد گشتن ناگهانی فضای امنیتی ایران شد. به دنبال تضعیف فضای امنیتی ایران، قدرت جناح محافظه‌کار در داخل کشور، بیش از پیش تقویت شد.

به دلیل وجود خط مشی فکری متحدی در دنیای عرب مبنی بر حمایت مغرضانه و همیشگی آمریکا از اسرائیل در پروسه‌ی صلح خاورمیانه، ایران نیز باور داشت که اسرائیل در واقع نماینده‌ی آمریکا در خاورمیانه است. جناح محافظه‌کار داخل ایران نیز که رفته رفته قدرت یافته بود مدام از این موضوع انتقاد کرده و اشاره داشت که سوء عمل آشکارای آمریکا در خاورمیانه در واقع در جهت سود و منفعت اسرائیل است. بنابراین میتوان به سادگی دریافت که زوال روابط ایران و اسرائیل پس از دوره‌ی حادثه‌ی یازده سپتامبر دیگر تنها به روابط بین دو کشور محدود نمی‌شد. پیچیدگی الگوی امنیت منطقه‌ای و دینی و همچنین پاره‌ای از عوامل خارجی دیگر در نهایت باعث زوال بی‌وقفه‌ی ارتباطات ایران پس از یازدهم سپتامبر شد.

گره کلیدی دوم در روابط ایران و اسرائیل در قرن حاضر مسئله‌ی هسته‌ای ایران است.

ایران به عنوان یک کشور اسلامی غیر عربی در خاورمیانه تا حدودی وضعیت اسرائیل را درک می‌کرد و علی‌رغم این که در سازمان ملل متحد، ایران به مسئله‌ی پیوستن اسرائیل به سازمان رأی منفی داد اما همزمان نیز اظهار داشت که قصد ندارد در کشمکش میان اسرائیل و عربستان دخالت کند.

آمریکا، تصور حمله‌ی نظامی اسرائیل به ایران بدون برخورداری از حمایت و موافقت آمریکا بسیار دور از ذهن است. به عبارت دیگر اگر اسرائیل قصد حمله همه جانبه به ایران، مشابه آن چه که در جنگ با عراق انجام داد را داشته باشد، تحقق آن بدون مشارکت همه جانبه‌ی آمریکا کاملاً غیر ممکن خواهد بود.

با این حال با در نظر گرفتن قدرت و خواسته‌ی کشور اسرائیل، فرضیه‌ی حمله‌ی یک جانبه‌ی اسرائیل به مناطق و تأسیسات هسته‌ای ایران، در صورت موافقت آمریکا در آینده‌ی نزدیک را نمی‌توان کاملاً رد کرد. مسلماً شرط لازم انجام چنین کاری ادامه یافتن روند نامطلوب مسئله‌ی هسته‌ای ایران به صورتیست که تعادل وضعیت منطقه‌ای را کاملاً بر هم زند. هم چنین تبدیل شدن ایران به تهدیدی مستقیم و واقعی برای امنیت اسرائیل نیز شرطی لازم خواهد بود.

حمله‌ی همه جانبه‌ی اسرائیل به ایران، نه تنها تأثیر به‌سزایی بر وضعیت خاورمیانه خواهد گذاشت بلکه تأثیر آن بر مناسبات سیاسی-جغرافیایی منطقه و همچنین امنیت جهانی بسیار تکان دهنده و عظیم خواهد بود. مسائل مربوط به رابطه‌ی ایران و اسرائیل هیچگاه به سادگی به روابط دو کشور محدود نمی‌شود چرا که در این منطقه، مناسبات سیاسی-جغرافیایی و همچنین عنصر بازی کشورهای قدرتمند همواره نقشی برجسته دارد.

نتواند برنامه‌ی سلاح هسته‌ای ایران را متوقف کند، اسرائیل به صورت یک جانبه به قدرت جنگی متوسل شده و به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله خواهد کرد. اما در مقابل، ایران نیز حاضر نبود از خود ضعف نشان دهد، لذا اسرائیل را محکوم کرده و از دیکتاتوری و استبداد آن انتقاد کرد.

در مواجهه با تهدیدات نظامی اسرائیل، وزیر دفاع ایران نیز در مقابل با لحنی صریح هشدار داد، اگر اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند ایران نیز مقابله به مثل می‌کند، پایگاه هسته‌ای دیمونای اسرائیل را نابود خواهد کرد و اجازه نخواهد داد که این کشور یهودی روی زمین باقی بماند.

با توجه به موقعیت کنونی، آیا رو در رویی ارتش ایران و اسرائیل در آینده‌ای نه چندان دور حقیقتاً اتفاق خواهد افتاد؟ در پاسخ به این سوال، علاوه بر بررسی خواسته و قدرت ایران و اسرائیل که دو قطب این مسئله هستند، باید به عنصر کشورهای قدرتمند و به خصوص کشور آمریکا نیز توجه داشت، چرا که کشور آمریکا در مسئله‌ی جنگ و صلح ایران و اسرائیل نقشی تعیین کننده دارد.

آمریکا در رابطه با مسئله‌ی جنگ و صلح ایران با دو مشکل پیچیده مواجه است و این مسئله ایست که اسرائیل نیز باید با آن مواجه شود. با در نظر گرفتن رابطه‌ی به خصوص اسرائیل و

در آغاز سال ۲۰۰۳ ایران صریحاً مسئله‌ی انبارهای اورانیوم نیروگاه‌های هسته‌ای خود را عنوان کرد. اواخر سال ۲۰۰۴ در ماه نوامبر، ایران اعلام کرد که عملیات غنی سازی اورانیوم را معلق کرده است و این موضوع برای مدتی خطر مسئله‌ی هسته‌ای ایران را فرو نشاند، اما در اوایل سال ۲۰۰۶ ایران مجدداً تحقیقات هسته‌ای خود را که به مدت بیش از دو سال متوقف کرده بود، از سر گرفت که مسئله‌ی هسته‌ای ایران بار دیگر وضعیت را متشنج ساخت.

نگرانی حاصل از مسئله‌ی برخورداری ایران از سلاح هسته‌ای باعث نا آرامی اسرائیل شد. مقامات و ژنرال‌های نظامی اسرائیل در مناسبت‌های عمومی به دفعات جامعه‌ی جهانی را به اعمال فشار اقتصادی و سیاسی بر روی ایران فراخواندند و همچنین اشاره کردند که اگر اعمال فشار از طرف جامعه‌ی جهانی

آیا رو در رویی ارتش ایران و اسرائیل در آینده‌ای نه چندان دور حقیقتاً اتفاق خواهد افتاد؟ در پاسخ به این سوال، علاوه بر بررسی خواسته و قدرت ایران و اسرائیل که دو قطب این مسئله هستند، باید به عنصر کشورهای قدرتمند و به خصوص کشور آمریکا نیز توجه داشت، چرا که کشور آمریکا در مسئله‌ی جنگ و صلح ایران و اسرائیل نقشی تعیین کننده دارد.





مترجم
فرانک تک سایه

ایران عامل کلیدی در تغییر وضعیت جنگ سوریه

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۰/۱۰

لبنان و نیروهای چند ملیتی را برای پاسخ گویی به حملات داعش هماهنگ و متحد سازند و همزمان به نیروهای ارتش آزاد سوریه نیز حمله کنند. بنابر گزارش چند روز اخیر رسانه ها، حداقل پانصد تن از نیروهای ارتش آزاد سوریه به نیروهای دولتی پیوسته اند. به دنبال افزایش حملات و گسترده کردن مقیاس حملات هوایی روسیه، نیروهای متحد چند ملیتی نیز ضد حملات خود به داعش را قوی تر کردند که در این میان ایران نقش غیر قابل جایگزینی داشت.

پس از امضای توافق هسته‌ای ایران، روحانی و ظریف اظهار تمایل خود را برای مذاکره با آمریکا بر سر مسائل سوریه ابراز داشتند، اما بالاترین تصمیم گیرنده ایران، آیت الله خامنه‌ای این کار را رد کرد، در واقع خامنه‌ای هیچ گاه حمایت رسمی خود را نسبت به توافق هسته‌ای اعلام نکرده است. در گزارش رویترز در روز ۷ اکتبر آمده است، آیت الله خامنه‌ای ایران را از هر گونه مذاکره با آمریکا منع کرده است که این نمایانگر مواضع و اراده محکم ضد آمریکایی اوست.

پس از به بن بست خوردن مذاکرات ایران و آمریکا، ایران مواضع حمایت خود از روسیه را از طریق حمایت‌های نیروی برون مرزی سپاه پاسداران از سوریه، حزب الله لبنان، حماس فلسطین و حوثیون یمن تقویت کرد.

دولت این کشور هم چنان استوار باقی بماند. بر اساس افشاگری‌های رسانه‌های غربی، ایران کشور اصلی در ترغیب روسیه برای تصمیم گیری در رابطه با حمله‌ی هوایی در سوریه بوده است. قهرمان مشهور جنگ‌های برون مرزی ایران، سردار سلیمانی فرمانده تکاوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شخصا به روسیه سفر کرد و وضعیت را برای پوتین تشریح کرد و به او اعلام کرد ارتش دولتی سوریه به زودی شکست خواهد خورد و در آن صورت حفاظت از پایگاه دریایی سوریه در بندر طرطوس سخت شده و منافع روسیه و ایران در سوریه به خطر خواهد افتاد.

پس از حملات هوایی روسیه به به گروه‌های افراطی، ایران نیز تعداد زیادی از مستشاران نظامی و نیروهای باتجربه خود را راهی سوریه کرد تا نیروهای مختلف حاضر در سوریه شامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش سوریه، نیروهای شیعه‌ی عراقی، سربازان حزب الله

بر اساس گزارش رسانه‌های ایرانی، در چند روز اخیر سردار همدانی یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در جنگ سوریه توسط نیروهای مسلح دولت اسلامی کشته شده است. شورای عالی امنیت ملی ایران اظهار داشت: شهادت سردار حسین همدانی، ضایعه‌ای سنگین به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جبهه‌ی مقابله با داعش و افراطی گری است و ایران انتقام شهادت سردار حسین همدانی را خواهد گرفت. گفته می‌شود که سردار همدانی در ناحیه‌ی حلب در شمال سوریه به شهادت رسیده. بنا بر گفته‌های مقامات ایرانی، سردار همدانی نقش مستشاری بسیار مهمی در مبارزه با داعش در سوریه، به خصوص در جبهه‌های نبرد و هماهنگ کردن نیروهای سوری در حمله به داعش ایفا می‌کرده است.

پیش از آغاز حمله هوایی روسیه به سوریه، ایران مهم ترین دولت حامی سوریه به حساب می‌آمد. ایران نه تنها سه هزار نیروی حزب الله لبنان را به سوریه انتقال داد، بلکه نیروهای شجاع و چابک شیعه در عراق را نیز که داوطلب حضور در جنگ سوریه بودند به این کشور انتقال داد. ایران همچنین به رئیس جمهور سوریه، بشار اسد در امر تجهیز و آموزش ارتش ده هزار نفری جدید این کشور یاری رسانده است. علاوه بر این موارد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صدها تن مستشار نظامی و تکاور به میدان جنگ سوریه فرستاده است که این عامل باعث شده علی رغم عقب نشینی‌های مکرر اخیر ارتش سوریه،



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۲/۱

ایران و روسیه: رابطه مبتنی بر تلاش متقابل

مترجم
صبا اسلیمی



کشورهای عرب همسایه ایران روابط حساسی دارند، در این شرایط همسایه‌ی شمالی ایران یعنی روسیه در دراز مدت به تنها راه پشت سر گذاشتن شرایط و محدودیت‌های اعمال شده بر ایران و تنها همسایه قابل اتکای ایران در منطقه بدل شده است. روسیه همچنین یکی از مهم ترین منابع ایران برای ورود برخی از فناوری‌های مورد نیاز، امکانات و مبادلات و صادرات محصولات تبدیل شده است. در این شرایط ایران معمولاً موضع طرفدار روسیه را داشته و قبل از رسیدن به توافق هسته‌ای نیز این موضع بسیار نمایان بوده است. امروز اگرچه ایران به توافق هسته‌ای رسیده است و تحریم‌ها و محدودیت‌های اعمال شده علیه ایران هم تا حد زیادی کاهش پیدا کرده است ولی ایران، به خصوص محافظه کاران مذهبی مخالف آمریکا به خاطر درس‌های گذشته‌ای که از رابطه با آمریکا گرفته‌اند هنوز هم به طور کامل به روابط دو کشور اطمینان ندارند، آن‌ها معتقدند حتی اگر وضعیت بین المللی متزلزل شود، نمی‌توان همکاری با روسیه به عنوان «راه دسترسی اضطراری امنیتی» را ساده انگاشت، به همین دلیل هم چنان به روابط دو جانبه میان ایران و روسیه اهمیت می‌دهند. علاوه بر این، مشکل هسته‌ای قابل حل است و

روسیه به حریم هوایی ترکیه» چه به وضوح چه با ابهام راه و روش ترکیه را تایید می‌کردند، کشوری که ادعای روسیه مبنی بر «عدم ورود جنگنده به حریم هوایی روسیه» و «سرنگون کردن هواپیمای روسی توسط ترکیه کمک به تروریسم است» را تایید می‌کرد به غیر از منتفع اصلی حضور نظامی روسیه در سوریه یعنی بشار اسد، تنها ایران و به خصوص آیت الله خامنه‌ای به عنوان نماینده دین گرایان ایران بود. در نتیجه این مسئله بحثی در میان مردم جامعه بالا گرفت که آیا ایران و روسیه می‌توانند رابطه مشترک بین دو کشور را افزایش دهند؟ آیا اتحاد بین این دو کشور می‌تواند به یک رابطه ازلی و خدایی که از دهان مسولان روس می‌شنویم برسد؟ به دلیل مواضع ضد آمریکایی و جدل‌های مرتبط با مسئله‌ی هسته‌ای، ایران در مدتی طولانی توسط اروپا و آمریکا تحت تحریم بوده است، همچنین دولت ایران دولتی شیعه است و تا امروز تلاش برای دگرگون کردن انقلاب را رها نکرده است و با کشورهای سنی مذهب حوزه خلیج که در آن‌ها قدرت در دست گروه‌های سنی بوده ولی همچنان دارای نیروهای شیعه داخلی نیز هستند روابط متشنجی دارد، اکثریت نژاد ساکن در ایران فارس هستند و با

دوم آذرماه، ولادمیر پوتین رئیس جمهور روسیه در سفر به ایران با رهبر ایران، آیت الله خامنه‌ای دیدار کرد. در این دیدار، آیت الله خامنه‌ای به انتقاد از آمریکا و تایید سیاست‌های ضد تروریستی پوتین در خاورمیانه به ویژه اتخاذ سیاست‌های خوب و سازنده در زمینه‌های مختلف در نیم سال گذشته و خنثی کردن توطئه‌های ایالات متحده آمریکا پرداخت، پوتین نیز از ایران به عنوان کشور دوست و متحدی قابل اعتماد یاد کرد. کمتر از ۲۴ ساعت بعد، یک جنگنده سوخو ۲۴ روسی که در حال انجام عملیات بر علیه تجاوزات زمینی در سوریه بود به دلیل نقض حریم هوایی و نادیده گرفتن هشدارها، مورد حمله‌ی نیروهای ترکیه قرار گرفته و منهدم شد که این مسئله منجر به تیره شدن روابط میان ترکیه و روسیه و پیچیده تر شدن اوضاع سوریه شد، که این باعث شد «اتحاد جهانی ضد تروریسم» که پس حملات تروریستی ماه نوامبر پاریس و دیگر حملات تروریستی شرارت بار در سراسر جهان مطرح شده و توسط رسانه‌ها مانور زیادی روی آن داده شده بود بیش تر و بیشتر به یک وعده توخالی تبدیل شود، تمامی کشورها در این جریان جانب احتیاط را رعایت کردند، اما در مساله «ورود یا عدم ورود جنگنده



برخی از تبعیض‌های سیاسی را می‌توان کاهش داد؛ اما بدگمانی، سوءظن، تبعیض، تضاد و رقابت موجود میان شیعه و سنی و فارس و عرب طی سال‌های زیاد روی هم جمع شده و به سختی قابل حل است. وضعیت انزوای ایران در جغرافیای سیاسی به خاطر امضای توافق نامه‌ی هسته‌ای و کاهش تحریم‌های غرب، به سرعت تغییر نخواهد کرد، در مقابل، به دلیل ظهور قدرتمندانه‌ی داعش و ادامه جنگ‌های داخلی در سوریه، عراق و یمن، پدیده ژئوپلیتیکی «اتحاد سنی در مقابل اتحاد شیعه» که از قدیم وجود داشته است وارد مرحله جدیدی شده، به گونه‌ای که ایران به عنوان هسته با همراهی نیروهای دولتی سوریه، شبه نظامیان شیعه‌ی عراق، نیروهای حزب الله در لبنان و شبه نظامیان یمن با محوریت مذهب شیعه، خاری در چشم قدرت‌های سنی نزدیک به غرب که حمایت مالی شورای همکاری خلیج فارس را دارند شده‌اند و از آن جایی که اتحاد سنی‌ها با غرب رابطه بهتری دارد و اتحاد شیعه از وضعیت بین‌المللی مناسبی برخوردار نیست، از سوی مقابل، روسیه برای حفظ تنها پایگاه نظامی خود در خارج از محدوده‌ی کشورهای مستقل مشترک المنافع (بندر طرطوس سوریه) و همچنین با استفاده از فرصت «مبارزه با تروریسم» باید جایگاه انزوای بین‌المللی که ناشی از بحران اوکراین است را در هم شکند و برای افزایش نفوذ خود در خاورمیانه مجبور به تکیه بر «محور شیعی» است. در زمینه‌ی انزوای بین‌المللی و ژئوپولیتیک، بقای ارتباط سودمند متقابل بر پایه‌ی کمک و همکاری‌های چند جانبه است، هم چنین به دلیل نگرش انعطاف‌ناپذیر آمریکا و کشورهای اطراف در مورد مسائلی مانند آینده سیاسی بشار اسد، این عملکرد روسیه روز به روز قوی‌تر می‌شود. میتوان گفت روابط نزدیک امروز ایران و روسیه یک نوع رابطه مبتنی بر تلاش دو جانبه است و نه رابطه‌ای ذاتی و دلیل آن علاوه بر موارد فوق بوده، بیشتر به این دلیل است که نه تنها ایران بلکه روسیه نیز در این همکاری‌ها منافع خود را دارند.

هرچند پوتین قول داده است که «به متحدان خود از پشت خنجر نزند»؛ اما ایرانیان غرق در تاریخ، نمی‌توانند به طور کامل به این امر اطمینان داشته باشند. در طول تاریخ، روسیه نه تنها به سرزمین پهناور ایران تجاوز داشته، بلکه توسط قزاق‌ها برای کنترل دولت ایران تلاش کرده و در قلمرو ایران با حمایت از رژیم دست‌نشانده‌ی خود سعی بر ایجاد تفرقه و کسب منافع

داشته است. در زمان جنگ جهانی دوم و بعد از آن به دنبال کسب امتیازات ویژه در قلمرو ایران بود و در زمان جنگ افغانستان نیز فعالیت‌های جاسوسی و نفوذی خود در ایران را افزایش داد. در دوران پوتین، ایران و روسیه اگرچه به دلیل منافع متقابل نیاز دارند که همکاری را اساس کار خود قرار دهند، اما پشتیبانی‌های روسیه از ایران بسیار محتاطانه بوده است. در بحرانی‌ترین، سخت‌ترین شرایط و درست در زمانی که ایران در شدیدترین انزوای بین‌المللی قرار داشت، روسیه از تحویل موشک‌های ضد هوایی و دیگر سلاح‌های از پیش سفارش داده شده‌ی صنایع ایران که در لیست تحریم‌ها نبودند، امتناع کرد. برای مدت طولانی پروژه‌ی همکاری نیروگاه هسته‌ای ایران را کنار گذاشت و تمام این وقایع همچنان در حافظه تاریخی ایران باقی مانده است. ایرانیانی که اطلاعات تاریخی کمی دارند هم می‌دانند که روس‌ها از دیرباز به اقیانوس هند طمع داشته‌اند و مصرانه خواهان پیدا کردن راهی به بندر اقیانوس هند بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین این راه‌ها ایران است. با توجه به عملکرد سنتی روسیه در رفتار با متحدان و هم‌پیمانان خود و همچنین برخورد با مردم مصیبت‌زده در فراز و نشیب‌ها، ایران «دنیا دیده» و «سرد و گرم چشیده» مسلماً در زمان همکاری با روسیه، جوانب احتیاط را رعایت خواهد کرد.

از منظر اقتصاد، ایران و روسیه کاملاً مکمل هم نیستند، به غیر از صنایع نظامی، انرژی هسته‌ای و برخی زمینه‌های دیگر، در بسیاری از زمینه‌های اقتصادی مانند انرژی بسیار قدرتمند بوده و یا در زمینه‌هایی مانند صنایع سبک رابطه بسیار ضعیفی دارند. در گذشته، در زمان تحریم‌ها،

ایران به ناچار برای حل مشکلات اساسی خود نیازمند اتکا به روسیه و تحمل شرایط نامطلوب ناشی از این روابط بود که در حال حاضر این شرایط تا حد زیادی بهبود یافته است. ایران دیگر به اندازه‌ی گذشته نیازمند نیست و علاوه بر این در ایران احساسات ضد آمریکایی بیشتر در محدوده محافظه کاران مذهبی متمرکز شده است و در جامعه مدنی نمود کمتری دارد.

دیدگاه روسیه نیز اینگونه است: بخش مهمی از دلیل حضور پوتین در خاور میانه به دلیل رهایی از فشار و انزوای ایجاد شده بر اثر بحران اوکراین است و در این شرایط روسیه نمی‌تواند در رابطه با داد و ستد خود در منطقه محتاط نباشد. اگرچه ایران در جغرافیای سیاسی و نقشه بین‌المللی نفت، نقش اساسی دارد، ولی به همان میزان روسیه به عنوان صادرکننده‌ی بزرگ نفت نیز شرایط ویژه شرایط خاص خود را دارد. روسیه نیاز زیادی به عبور از تنگه هرمز ندارد بلکه بیشتر نیازمند کانال خروجی امنی برای ارسال منابع انرژی به سمت غرب است و در این زمینه اهمیت ایران برای روسیه به پای اهمیت ترکیه، یونان، اوکراین و حتی لهستان نمی‌رسد.

با توجه به وضعیت جغرافیایی و سیاسی کنونی جهان و شرایط حاکم بر ایران و روسیه، آن‌ها همچنان در رابطه با همکاری‌های بلندمدت دو کشور، حمایت و تأیید متقابل و یا حتی در رابطه با خطاب هم به عنوان کشور متحد، دچار تردید هستند که این نیز تنها به دلیل نوع رابطه این دو کشور است که رابطه‌ای است «مبتنی بر تلاش متقابل دو جانبه» و احتمالاً هیچ وقت به سطح «رابطه همکاری ازلی» نخواهند رسید، اگرچه گاهی اوقات سیاستمداران دو کشور به ناچار اینگونه از یکدیگر نام می‌برند.



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۶/۱/۳

بازی‌های سیاسی پس از توافق هسته‌ای ایران:

با پافشاری ایران بر توسعه برنامه موشکی این کشور، نتیجه توافق هسته‌ای پایدار خواهد ماند؟



مترجم
سوزان السادات صدراالدینی

امریکا برای اعمال دور جدید تحریم‌ها، باعث شده است که روابط ضعیف میان این دو کشور حتی پس از توافق هسته‌ای با دور جدیدی از بازی‌های سیاسی مواجه شود.

برنامه موشکی ایران در حوزه توافق نیست

دور جدید تحریم‌های اعمال شده از طرف دولت آمریکا بر علیه ۱۲ نفر ایرانی و نیز تعدادی شرکت مرتبط با برنامه موشکی ایران در کشورهای ایران و امارات متحده عربی و سایر کشورهای منطقه است. براساس این تحریم‌ها، بانک‌های آمریکا اموال و دارایی اشخاص و سازمان‌های مرتبط را بلوکه خواهد کرد و انجام معاملات و داد و ستد با کلیه این سازمان‌ها و افراد برای تمام شهروندان آمریکا ممنوع است. در صورت معتبر شدن تحریم‌های جدید، این اولین دور از تحریم‌ها علیه ایران پس از توافق همه جانبه بر سر برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود.

در برابر مواضع متجاوزانه آمریکا، مقامات ایران، گسترش برنامه موشکی ایران را صرفاً با هدف تقویت قدرت دفاعی کشور دانسته و اظهار



صادر کرد، وی همچنین در توئیتر خود اعلام کرد: این نوع عملکرد از جانب دولت آمریکا، بدون شک باعث تاثیر بر چشم انداز عملی توافق ماه ژوئیه سال گذشته خواهد شد.

در برابر رفتار قاطعانه ریاست جمهوری ایران، دولت آمریکا نیز عقب نشینی نکرده و فقط به میزان اندکی مواضع خود را تلطیف کرد و اظهار داشت به دلیل نیاز به «اضافات تکنیکی و اقدامات دیپلماسی» زمان اجرای تحریم‌ها را به تعویق خواهد انداخت. اما دولت آمریکا در کل تاکید داشت که در حال حاضر برنامه‌ای برای لغو دور جدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران ندارد.

از یک سو پافشاری ایران برای گسترش برنامه موشکی خود و از سوی دیگر، اشتیاق دولت

در ماه ژوئیه سال گذشته، شورای امنیت سازمان ملل متحد به دنبال توافق هسته‌ای ایران، با طرح لغو تحریم‌های ده ساله علیه ایران موافقت کرد. بر اساس گزارش‌های رسمی دولت اوپاما، بر پایه‌ی فعالیت‌های مهم ایران برای کنار گذاشتن فعالیت‌های هسته‌ای، در بهترین شرایط از ژانویه‌ی امسال، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بصورت مرحله به مرحله لغو خواهند شد، اما نهایتاً تغییراتی در برنامه وجود نخواهد داشت.

در ۳۰ دسامبر سال گذشته، وزارت خزانه داری آمریکا به مجلس سنا و نمایندگان اعلام کرد به دلیل نقش داشتن ایران در «برنامه ساخت موشک‌های بالستیک» علیه شرکت‌ها و افراد حقیقی ایرانی، اماراتی و غیره که مرتبط با برنامه‌ی موشکی ایران باشند تحریم‌های جدید اقتصادی اعمال خواهد شد.

در حالی که تحریم‌های قبلی هنوز لغو نشده اند، تحریم‌های جدید نیز مکرراً به تحریم‌های گذشته افزوده می‌گردند. ۳۱ دسامبر، رئیس جمهور ایران، حسن روحانی، فرمان توسعه برنامه موشکی ایران را خطاب به وزیر دفاع



منصور حقیقت پور، نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی ایران،

و توجه بسیاری دارند. در ماه اکتبر سال گذشته، انگلیس و آلمان نیز با آمریکا متحد شده و از شورای امنیت سازمان ملل متحد درخواست کردند در رابطه با اجرای برنامه آزمایش موشک‌های بالستیک در ایران اعمال تحریم کند.

توافق هسته‌ای ایران تا چه زمانی پا برجا خواهد ماند؟

به غیر از مسئله‌ی برنامه آزمایش موشک‌های بالستیک ایران، یکی از سخنگویان وزارت دفاع آمریکا نیز از فرصت استفاده کرده و از فعالیت‌های تحریک آمیز ایران در روزهای اخیر انتقاد کرد. وی مدعی شد، نیروی دریایی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران؛ اخیراً در نزدیکی یک ناو جنگی آمریکا در تنگه هرمز موشک‌های خود را آزمایش کرده، سپاه پاسداران این اظهارات را رد کرده است.

اگرچه دوطرف بر گفته‌های خود پافشاری می‌کنند، اما مسئله‌ی غیرقابل انکار این است که تمامی موارد ذکر شده در زمان وجود تنش‌های فراوان میان دو دولت ایران و آمریکا رخ داده است. احتمالاً عدم وجود هماهنگی میان این دو دولت، منجر به تاکید بسیار زیاد جامعه‌ی جهانی برای دستیابی به توافق هسته‌ای شده است.

خوشبختانه، دولت ایران نیز در جهت اجرای توافق هسته‌ای اقدامات عملی انجام داده است، به عنوان مثال در حال حاضر میزان سانتریفیوژهای خود را به ۱۰۰۰ کاهش داده، همزمان غلظت اورانیوم غنی شده خود را نیز کاهش داده است. علاوه بر این، با در نظر گرفتن منافع حاصل از فروش نفت و گاز ایران پس از رفع تحریم‌ها، برخی از تحلیل‌گران

داستند این برنامه هیچ گونه مغایرتی با قوانین بین‌المللی ندارد. مقامات ایرانی همچنین اعلام کردند که برنامه موشکی ایران در حوزه‌ی توافق اخیر نیست.

روحانی این رفتار آمریکا را دخالت محض نامیده است

«اگر آمریکا خواستار ادامه‌ی دخالت غیر قانونی در برابر تقویت قدرت دفاعی ایران است، پس نباید ما را برای زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی سرزنش کند، برنامه‌ی موشکی ایران همچنان با سرعت پیش خواهد رفت». روحانی افزود: «ما درباره‌ی قدرت دفاعی کشور خود با سایر کشورها مذاکره نخواهیم کرد، هم چنین هرگونه تحریم جدید علیه ایران را نخواهیم پذیرفت».

پس از توافق جامع هسته‌ای ایران در ماه ژوئیه سال گذشته، ایران در اکتبر و نوامبر سال گذشته، دو بار پرتاب آزمایشی موشک‌های بالستیک خود را اجرا کرده است.

نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی ایران، منصور حقیقت پور، گفته است، موشک‌های آزمایش شده‌ی اخیر توسط ایران، مطابق با کلیه استانداردهای رایج بین‌المللی بوده و ایران اقدام به تحقیق و توسعه‌ی موشک‌های حامل کلاهک هسته‌ای نخواهد کرد. یکی دیگر از نمایندگان مجلس ایران، اسماعیل کوثری، اظهار داشت، ایران امکانات نظامی خود را تقویت خواهد کرد و از تقویت قدرت دفاعی خود منصرف نخواهد شد. همچنین یکی از مقامات دولتی ایران گفت: آمریکا همواره به اعمال فشار علیه ایران و نیز وضع تحریم‌ها بهانه‌های مختلف پرداخته است و این امر مانع عملی شدن توافق جامع هسته‌ای ایران خواهد شد.

یکی از سخن‌گویان وزارت امور خارجه آمریکا اظهار داشت: آمریکا نمی‌خواهد نسبت به رویکرد جدید دولت ایران واکنش نشان دهد. البته، آمریکا در موضع مقابله با توسعه‌ی برنامه موشکی ایران حمایت تعدادی از متحدان خود در اتحادیه اروپا را نیز کسب کرده است. یکی از مقامات دولتی فرانسه در ماه دسامبر سال گذشته اظهار داشت، آن‌ها نسبت به تمام عملکردهای ایران پس از توافق هسته‌ای دقت

اروپایی و آمریکایی بر این باورند که ایران جرات مقابله با جامعه جهانی را نداشته و توافق هسته‌ای را نوعی از تحریم‌های جدید آمریکا نامیده‌اند.

البته عملکرد همراه با شک و تردید دولت آمریکا در رابطه با وضع تحریم‌های جدید علیه ایران باعث نارضایتی برخی از نمایندگان جمهوری خواه در آمریکا شده است. از نظر آن‌ها، ایران تا کنون برنامه‌ی پرتاب آزمایشی موشک‌های خود را به انجام رسانده، آن‌ها همچنین عملکرد دولت اوپاما در رابطه با مسئله وضع تحریم علیه ایران را ناکارآمد و ضعیف خوانده‌اند.

از منظر دولت ایران، علاوه بر جنگ لفظی با دولت آمریکا بر سر تحریم‌های جدید، مهم‌ترین مسئله در حال حاضر، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات مجلس خبرگان است که اولی می‌تواند لایحه‌های دولت را رد کند و دومی برای انتخاب رهبر ایران تصمیم خواهد گرفت.

توافق هسته‌ای ایران، علاوه بر کاهش تضاد میان ایران و غرب به واقع باعث چند قطبی شدن قدرت‌های سیاسی در درون ایران شده است. محافظه‌کاران در ایران نگران به چالش کشیده شدن جایگاه رهبری توسط حسن روحانی به عنوان یک اعتدال‌گرا با استفاده از محبوبیت به دست آمده در پی توافق هسته‌ای هستند. اگرچه تاثیر نتیجه انتخابات آتی بر عملی شدن این توافق محدود است، اما رهبر ایران آیت‌الله خامنه‌ای نیز در نهایت این توافق را تایید کرده است. در صورتی که گروه محافظه‌کار در انتخابات جدید جایگاه اکثریتی کسب کنند، بدون شک باعث ایجاد محدودیت در اعمال سیاست‌های دولت حسن روحانی شده و همچنین باعث تضعیف تاثیر توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌های اقتصادی بر علیه ایران خواهند شد.





حمله‌ی ارتش آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران در سال ۱۹۸۰؛ امتناع از پذیرفتن حقیقت یک معما



مترجم
زهرا مختاری

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۰/۱۶

معاون رئیس جمهور وقت آمریکا در سازمان ملل متحد، علت این حادثه را قرار گرفتن در شرایط جنگی بیان کرد و گفت، خدمه‌ی ناو جنگی وینسنس با توجه شرایط آن زمان مناسب‌ترین اقدام را انجام دادند. پس از آن در طی رقابت‌های ریاست جمهوری، او در این باره اعلام کرد: «من هرگز به نمایندگی از ایالات متحده عذر خواهی نخواهم کرد و پی بردن به حقیقت این مسئله برایم مهم نیست». دولت آمریکا اظهار داشت که وینسنس هواپیمای مسافربری A۳۰۰ را به اشتباه یک جنگنده‌ی F۱۴ تشخیص داده، زیرا این پرواز از فرودگاه بندر عباس که در آن زمان هم برای پروازهای مسافربری داخلی و هم به عنوان پایگاه جنگنده‌های F۱۴ مورد استفاده قرار می‌گرفت پرواز کرده بود.

کمی بعد، در یادار ویلیام فوگارتی، یک گزارش تحت عنوان «تحقیقات و بررسی رسمی وضعیت سقوط پرواز مسافربری ۶۵۵ ایران ایر در سوم ژوئیه ۱۹۸۸» منتشر کرد که باز هم قویا نیروی دریایی آمریکا را تبرئه می‌کرد. در این گزارش آمده است، قبل از شلیک موشک هدایت شونده، ناو جنگی وینسنس چندین بار

حمل و نقل‌های دریایی کشورهای دوست و بی طرف در منطقه خلیج حفاظت خواهد کرد و این امر مسیر را برای فاجعه‌های بعدی هموار کرد. سوم ژوئیه ۱۹۸۸ پرواز ۶۵۵ ایران ایر که از تهران پایتخت ایران به سمت دبی در حال پرواز بود با شلیک دو موشک هدایت شونده‌ی «استاندارد ۲» از ناو جنگی «وینسنس» متعلق به نیروی دریایی آمریکا سرنگون شد و تمام ۲۹۰ سرنشین آن (شامل ۶۶ کودک و ۱۶ خدمه) جان باختند. این سانحه‌ی هوایی از نظر میزان تلفات انسانی، هشتمین حادثه‌ی هوایی مرگبار تاریخ تا قبل از سانحه‌ی سقوط هواپیمای MH۱۷ اوکراین (با ۲۹۸ جان باخته) است و همچنین یک سانحه‌ی هوایی با بیشترین آمار کشته شدگان در منطقه خلیج است.

این سانحه‌ی تلخ هوایی بار دیگر باعث آغاز آشوب‌های جدی در رابطه ایران و آمریکا شد. بر اساس تحقیقات انجام شده پس از این حادثه، کمی بعد از شلیک موشک، خدمه ناو جنگی وینسنس به اشتباه خود در هدف گیری پی می‌برند و متوجه می‌شوند که یک هواپیمای مسافربری را مورد هدف قرار داده اند، اما دولت آمریکا اصرار بر عدم اشتباه داشت. بوش،

نتایج بررسی‌های کمیسیون امنیت هلند در رابطه با سانحه‌ی هوایی پرواز MH۱۷ مالزی که در سیزدهم اکتبر منتشر شد، نشان دهنده این است که موشک هدایت شونده‌ی «بیج» روسیه این هواپیمای مسافربری را مورد هدف قرار داده است. نتایج این تحقیقات نارضایتی روسیه را در برداشت، روسیه بر این باور است که تحقیقات هلند دارای جهت گیری عمیق سیاسی است و روس‌ها بلافاصله نتایج تحقیقات خود را منتشر کردند. چنین اتفاقی تنها این بار نیست که رخ داده است، در اواخر دهه هشتاد میلادی، پرواز شماره‌ی ۶۵۵ ایران پس از سرنگون شدن توسط نیروی دریایی آمریکا نیز تمام جوانب تحقیقاتش بحث برانگیز بوده و تا به امروز ایالات متحده در رابطه با این حادثه رسماً عذر خواهی نکرده است.

بوش: من هرگز در ارتباط با این مسئله عذر خواهی نخواهم کرد.

در دهه هشتاد قرن بیستم، ایران و عراق جنگ سختی را در سال‌های پی در پی داشتند، آتش جنگ حتی به نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری کشورهای همسایه نیز سرایت کرد. ۲۹ آوریل ۱۹۸۸ نیروی دریایی آمریکا اعلام کرد از تمام



تلاش کرد تا با هواپیمایی که در حال نزدیک شدن بود ارتباط برقرار کند. وینسنس هفت بار با فرکانس‌های هواپیمایی نظامی و ۳ بار با فرکانس‌های هواپیمای مسافربری سعی در برقراری ارتباط با پرواز ۶۵۵ ایران را داشته اما موفق نشده است. این هواپیمای قابلیت دریافت فرکانس‌های نظامی را نداشته، در حالی که با استفاده از فرکانس اضطراری می‌توان با هر هواپیمایی ارتباط برقرار کرد. تحت تاثیر چنین شرایطی برای حفظ امنیت خود در سوم ژوئیه ساعت ۱۰:۲۴ دقیقه رزم ناو وینسنس موشک‌های ضد هوایی را از فاصله‌ی ۱۱ مایلی به هواپیمای مسافربری ایران شلیک کرد.

ایران: این یک اقدام جنایتکارانه است.

آنچه که به سادگی چشم جهان خارج را برانگیخت این بود که اگر چه وینسنس هواپیمای مسافربری ایران را به اشتباه مورد هدف قرار داده بود، اما با این حال به منظور قدردانی از «انجام درست وظیفه در منطقه جنگی»، از طرف ارتش ایالات متحده آمریکا به ناخدای ناو وینسنس نشان لیاقت اعطا شد. علاوه بر این، فرمانده تاکتیکی داخل کشتی، سرهنگ دوم اسکات لاستینگ نیز مدال افتخار نیروی دریایی را دریافت کرد.

در مقابل گفته‌های دولت آمریکا، ایران مخالفت صریح خود را اعلام کرد. دولت ایران اظهار داشت، ناو جنگی وینسنس با هدفی از پیش تعیین شده پرواز مسافربری ۶۵۵ ایران ایر را مورد هدف قرار داده که این یک اقدام جنایتکارانه است. ایران به طور ویژه از آمریکا در رابطه با «تشخیص اشتباه» این کشور پاسخ خواست. بنا به گفته‌ی ایران، وینسنس از پیشرفته‌ترین سیستم دفاع ضد بالستیک آجیس برخوردار بوده و قادر به ردیابی دقیق هدف و مکان و شماره آن بوده است؛ در آن زمان دو ناو «سایدز» و «مونتگمری» که در نزدیکی حریم آبی ایران بودند هم اعلام کردند که پرواز شماره‌ی ۶۵۵ ایران ایر یک هواپیمای مسافربری است و همچنین در خطوط هوایی

بین المللی پیش بینی شده در حال پرواز است. ایران با انتقاد از آمریکا اعلام کرد، حمله‌ی اشتباه نیروی دریایی آمریکا با هدف یافتن فرصت برای اشکار کردن توان رزمی اش رخ داده است. حتی اگر این هواپیمای یک جنگنده‌ی F۱۴ هم بود، آمریکا اجازه‌ی حمله به آن را نداشت، زیرا این هواپیمای در حال پرواز در آسمان ایران بود. هواپیمای مسافربری در آن لحظه بر فراز خلیج فارس و در خطوط هوایی عادی در حال پرواز بود. قبل از وقوع این حادثه، ناو وینسنس به حریم آب‌های ایران وارد شده بود و همچنین هنگام شلیک موشک در داخل آب‌های سرزمینی ایران مستقر بود. در هر صورت آمریکا باید مسئولیت اقدام خلاف قوانین بین المللی خود را بپذیرد. علاوه بر این، حافظه سیستم راداری آجیس که بر روی ناو وینسنس نصب شده بود نشان می‌دهد که در هنگام وقوع حادثه، هواپیمای مسافربری ایران در حال اوج گرفتن بوده و در حالت کاهش ارتفاع برای حمله نبوده است و امکان نداشته که ناو وینسنس این مسئله را به اشتباه متوجه شده باشد. در داخل ایران هم افراد زیادی بر این باور بودند که پرواز شماره‌ی ۶۵۵ غامدانه توسط آمریکا مورد حمله قرار گرفته و این بیان گر مداخله آمریکا و پشتیبانی این کشور از عراق در جنگ بین ایران و عراق است.

آمریکا: پرداخت غرامت را می‌پذیریم اما اشتباه خود را نه

در نتیجه‌ی مخالفت ایران و آمریکا با نظرات طرف مقابل در مورد حادثه‌ی سقوط هواپیمای بسیاری از افراد و سازمان‌های مستقل نیز در رابطه با این فاجعه تحقیق و بررسی‌های متوالی خود را آغاز کردند. در نتیجه‌ی تحقیق و بررسی جان بری و راجر چارلز در مجله‌ی آمریکایی «نیوزویک» آمده است، ناخدای ناو جنگی وینسنس، ویلیام راجرز اقدام عجولانه را در پیش گرفت و دولت آمریکا نیز سعی در مخفی کردن حقیقت این حادثه دارد. تحلیل‌های سازمان غیر دولتی انجمن مطالعات راهبردی بین الملل نشان می‌دهد که استقرار یک ناو جنگی پیشرفته‌ی دارای سیستم آجیس در منطقه‌ی جنگی یک حرکت غیر مسئولانه است و «نیروی دریایی آمریکا برای شروع کردن جنگ حقه‌ی پستی را بکار برده بود». در داخل نیروی دریایی آمریکا وینسنس با نام مستعار «ناو مکانیکی» (برگرفته از فیلم علمی تخیلی «روبوکاپ») شناخته می‌شود. این نه تنها بیان گر مجرم بودن ناو به سیستم راداری

ضد موشکی است بلکه به تمایلات خشونت آمیز کاپیتان راجرز نیز اشاره دارد.

سه سال پس از وقوع این حادثه، ویلیام کرو فرمانده‌ی پیشین ستاد مشترک نیروی دریایی آمریکا در برنامه‌ی «خط شب» برای اولین بار این مسئله را پذیرفت که وینسنس به هنگام شلیک موشک‌های هدایت شونده در حریم آبی ایران قرار داشت که این صحبت‌ها با ادعاها و تکذیب‌های پیشین نیروی دریایی آمریکا در تضاد بود. ناخدا دوم دیوید کارلسون، فرمانده‌ی ناو سایدز که در زمان وقوع حادثه در نزدیکی ناو وینسنس قرار داشت، نابودی هواپیمای ایرانی به دست ناخدا راجرز را نقطه‌ی اوج پرخاشگری وی دانست که از ۴ هفته قبل شروع شده بود. منظور کاپیتان کارلسون حادثه‌ی ۲ ژوئن بود که در آن ناو وینسنس بیش از حد به یک ناوچه‌ی ایرانی نزدیک شده بود که به دنبال آن راجرز فرمان داد تا بر چند قایق کوچک ایرانی آتش بگشایند. کارلسون همچنین درباره‌ی مواجه شدن خود با نیروهای نظامی ایران گفت: «به وضوح تهدیدی نداشتند». بررسی‌های مجله‌ی نشنال ژئوگرافیک نشان می‌دهد که پرواز ۶۵۵ ایران ایر تمام پیام‌های مخابره شده توسط ناو وینسنس را نادیده گرفت، هواپیمای علائمی را حاکی از دوست یا دشمن بودن خود فرستاد و نشان داد که یک هواپیمای مسافربری است، اما با این حال کاپیتان راجرز در مصاحبه‌ای گفت: «تنها فرستادن یک علامت نمی‌توانست ثابت کند که آن هواپیمای دشمن نیست»، وی دستور منهدم کردن هواپیمای را «با هدف حفاظت از امنیت ناو و حفظ جان خدمه صادر کرد».

در مواجه شدن با سوالات درباره نتایج تحقیق و بررسی‌های زیادی که صورت گرفته، آمریکا همچنان بر دیدگاه خود پافشاری می‌کند. در یاسالار فوگارتی در سال ۱۹۹۳ دومین بخش گزارش رسمی خود را منتشر ساخت که در این گزارش آمده است: «براساس شواهد موجود، کاپیتان راجرز شیوه‌ی هوشیارانه‌ای را در پیش گرفت و تمام اقدامات وی مطابق با جایگاه یک کاپیتان نیروی دریایی آمریکا بوده است».

فوریه سال ۱۹۹۶ آمریکا پذیرفت مبلغ ۱۳۱/۸ میلیون دلار را به ایران بپردازد تا از این طریق مانع از طرح مجدد دعوی ایران در محاکم بین المللی شود. اما در تمام این سال‌ها دولت آمریکا از ایران عذرخواهی رسمی نکرده و تقصیر خود را در این اشتباه نیز نپذیرفته است، واشنگتن نیز تنها برای مرگ صدها نفر احساس تاسف کرد.

حافظه سیستم راداری آجیس که بر روی ناو وینسنس نصب شده بود نشان می‌دهد که در هنگام وقوع حادثه هواپیمای مسافربری ایران در حال اوج گرفتن بوده و در حالت کاهش ارتفاع برای حمله نبوده است و امکان نداشته که ناو وینسنس این مسئله را به اشتباه متوجه شده باشد



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۴/۱۳

تأثیرات شگرف توافق هسته‌ای ایران بر روی چین

مترجم
داوود پورمیرزایی



روشنفکر ایران به توافق، دو عامل مهم تغییر موضع ایران به حساب می‌آیند. در حال حاضر حدود دو تا سه ماه به امضای نهایی توافق هسته‌ای زمان باقیست که این اصلاً به این معنا نیست که مسئله‌ی هسته‌ای ایران به طور کامل نهایی شده است. در این فاصله زمانی، موانع بسیار زیادی وجود دارد و هیچ چیز قابل پیش بینی نیست و هر لحظه امکان از هم پاشیدن و قرار گرفتن توافق در یک شرایط نابسامان وجود دارد. صرف نظر از اشتیاق فراوان اسرائیلی‌ها برای ضربه زدن به ایران، حتی کنگره آمریکا نیز به وضوح اعلام کرده که این توافق را تصویب نخواهد کرد و حتی اگر دولت آمریکا این توافق نامه را امضا کند نیز فایده‌ای نخواهد داشت. اما در مورد موضع ایران، این کشور در حال حاضر چشم‌های خود را به لغو سریع تحریم‌های سخت گیرانه از طرف آمریکا دوخته است، اگر آمریکا و اروپا تحریم‌ها علیه ایران را لغو نکنند، همچنان انتخاب‌های دیگری برای ایران وجود خواهد داشت و ایران می‌تواند با اتخاذ تدابیر فوق العاده، برنامه‌ی ساخت سلاح هسته‌ای خود را آغاز کند؛ در هر صورت ایران مطمئناً فناوری هسته‌ای خود را حفظ خواهد کرد و شرکت‌ها و کارخانجات سوخت هسته‌ای نیز دست نخورده

اورانیوم را از ۱۹۰۰۰ به ۵۰۶۰ کاهش دهد و به منظور اطمینان از تولید نکردن فلز پلوتونیوم با گرید تسلیحاتی، راکتور آب سنگین در حال ساخت نیز بازسازی خواهد شد. ایالات متحده و اروپا که در گذشته ایران را وادار به کنار گذاشتن تلاش برای توسعه‌ی فناوری هسته‌ای می‌کردند امروز با ایران در شرایطی سازش و مصالحه کرده‌اند که ایران اجازه‌ی حفظ حق توسعه‌ی فناوری هسته‌ای بدون نیاز به بستن کارخانه‌های غنی سازی اورانیوم را داشته و توافق برای لغو تدریجی تحریم‌های سختگیرانه‌ی اجرا شده علیه ایران صورت گرفته است. پس از دست یابی به توافق، آمریکا اشاره کرد: «مرحله اول لغو تحریم‌ها علیه ایران در سال جاری، چندین ماه بعد عملی خواهد شد.» صنعت نفت ایران پایه‌ی اقتصاد ملی این کشور است، با توجه به تحریم‌های بین المللی در سال‌های اخیر، توقف تولید در بسیاری از میادین نفتی موجب رکود اقتصادی شده است. روحانی رئیس جمهور ایران پس از به قدرت رسیدن، به منظور بهبود زندگی مردم با تمام توان توافقات مناسبی را برای لغو تحریم‌های جامعه بین الملل علیه ایران صورت داد. موثر واقع شدن تحریم‌ها و تمایل رهبران سیاسی

طرفین مذاکرات هسته‌ای ایران در روز دوم آوریل در لوزان سوئیس به چارچوب توافق دست پیدا کردند. در روز سوم، آمریکا متن توافقنامه را در چهار صفحه منتشر نمود. توافقنامه‌ای که در آن به ایران اجازه داده شد تا حق نگهداری از تاسیسات هسته‌ای، تحقیق و توسعه فعالیت‌های فناوری هسته‌ای و نظارت مرتبط را داشته باشد که با مقررات دقیق و جامع تدوین شده بود و همچنین به وضوح ذکر شده بود که اگر ایران به تعهدات خود عمل نماید، جامعه بین المللی تحریم‌های سخت علیه ایران را لغو خواهد نمود. این دوره از مذاکرات هسته‌ای ایران به مدت ۱۸ ماه روند طولانی را تجربه کرد که می‌توان این دوره را دوره‌ی پر مشقته نامید. پافشاری ایران بر مواضع خود در مسائل کاهش سانتریفیوژها، رفع تمامی تحریم‌ها و سایر مسائل دیگر و پذیرفتن چنین توافقی از سوی اروپا و آمریکا مهم ترین موانع بر سر راه مذاکرات بودند. در نهایت ایران سازش بسیار بزرگی انجام داد و توافق بین طرفین حاصل شد. در توافقنامه ایران متعهد شده است تا اورانیوم غنی شده با غلظت بالا (۲۰ درصد) را به اورانیوم غنی شده با غلظت پایین (۳ درصد) تبدیل کرده و هم چنین تعداد سانتریفیوژ فعال غنی سازی

باقی خواهند ماند.

ایران یک قدرت منطقه‌ای است، به عنوان سرمنشا انقلاب اسلامی در این کشور احساسات دینی شدیدی وجود دارد. اگر ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد بدون شک به «سلاح هسته‌ای اسلام» تبدیل خواهد شد که دامنه‌ی هدف موشک‌های هدایت شونده‌ی حامل کلاهک هسته‌ای ایران، پاریس، رم، برلین و لندن را در بر خواهد گرفت. در آینده، موشک‌های هدایت شونده‌ی مسلح به کلاهک هسته‌ای ایران تبدیل به کابوس رهبران سیاسی اروپا و آمریکا خواهند شد و خواب را از چشمانشان خواهد گرفت.

با توجه عملکرد چین در به ثمر نشستن چارچوب توافق هسته‌ای ایران، طبیعی است که خوشبین باشیم. حفظ و یا عدم حفظ صلح در مرزهای ایران در مسائل اقتصادی و امنیتی برای چین بسیار مهم است. ایران تامین کننده‌ی اصلی نفت چین است، به محض این که آمریکا و اروپا با ایران وارد جنگ شوند، امنیت انرژی چین بدون تردید به خطر خواهد افتاد؛ مضاف بر این، ایران همسایه‌ی چین نیز به حساب می‌آید و در صورتی که دامنه‌ی جنگ گسترده شود بعید نیست که روی چین نیز اثر بگذارد. شاید پکن بر این باور است که مادامی که اروپا و آمریکا نتوانند مساله‌ی هسته‌ای ایران را حل کنند، نخواهند توانست روی مسائل آسیا-اقیانوسیه تمرکز کنند و باید مساله هسته‌ای



ایران را حل کنند. با توجه به این مسائل، حل و فصل مسئله‌ی هسته‌ای ایران به سود چین خواهد بود.

در واقع تبدیل شدن ایران به کشور دارای سلاح هسته‌ای برای امنیت منافع چین چالش بزرگی خواهد بود و این چالش کمتر از چالش موجود برای اروپا و آمریکا نخواهد بود. تحلیل زیر را مطالعه کنید:

نخست، کشورهای اطراف آمریکا هیچ کدام سلاح هسته‌ای ندارند. انگلیس و فرانسه در امتداد همسایگی مرکز و شرق اروپا با روسیه هستند، روسیه از طریق دو اقیانوس به آمریکا وصل می‌شود، از طریق شرق و مرکز اروپا با انگلیس همسایه است و با چین نیز مرز مشترک

دارد. تنها چین است که در هر چهار طرف خود کشورهای دارای سلاح هسته‌ای را می‌بیند. واقع شدن چین در چنین منطقه‌ای یک وضعیت بی‌مانند را برای این کشور به وجود می‌آورد.

مضاف بر این، در مرز چین با کشورهای اطراف که دارای سلاح هسته‌ای هستند تنها یک رشته کوه و یا یک رودخانه وجود دارد. همان گونه که همگان مطلع هستند، اگر میان کشورهای همسایه منازعات مرزی هم چون جدل‌های قومیتی در گیرد به سختی قابل حل و فصل خواهد بود و در صورتی که دو کشور مسلح به سلاح هسته‌ای باشند و علیه یکدیگر از سلاح هسته‌ای استفاده کنند، وضع به بحرانی‌ترین حالت خود در خواهد آمد. از این جهت، چین در وضعیت بسیار بدی قرار دارد و این یک بار اضافه برای چین به حساب می‌آید.

به این ترتیب، ایران به عنوان همسایه‌ی چین در صورتی که سلاح هسته‌ای داشته باشد، دیر یا زود برای چین یک تهدید بزرگ خواهد بود. باید توجه داشت که مناسب بودن یا نبودن روابط بین دو کشور یک مسئله‌ی موقتی است و به اصطلاح «جهت باد همیشه یکسان نخواهد ماند»، با این اوصاف نقش ژئوپلیتیک و استراتژیک ایران ریشه در تاریخ دارد.

دوم، در ایران قدرت در اختیار مسلمانان شیعه است که با تمام قوا بنیادگرایی اسلامی خود را صادر می‌کنند، تصور کنید ایران یک کشور دارای سلاح هسته‌ای باشد و در آن صورت



حفظ و یا عدم حفظ صلح در مرزهای ایران در مسائل اقتصادی و امنیتی برای چین بسیار مهم است. ایران تامین کننده‌ی اصلی نفت چین است، به محض این که آمریکا و اروپا با ایران وارد جنگ شوند، امنیت انرژی چین بدون تردید به خطر خواهد افتاد؛ مضاف بر این، ایران همسایه‌ی چین نیز به حساب می‌آید و در صورتی که دامنه‌ی جنگ گسترده شود بعید نیست که روی چین نیز اثر بگذارد.



بدون تردید باعث برانگیخته شدن حس مخالفت کشورهای عربی (در اکثر این کشورها مسلمانان سنی مذهب در راس قدرت هستند) خواهد شد. بی ثباتی در خاورمیانه و حوزه خلیج برای امنیت انرژی چین خطر بسیار بزرگی است و این مسئله بسیار فراتر از بی ثباتی در ایران است.

سوم، فعالیت‌های جنبش ترکستان شرقی بسیار وحشیانه است. فعالیت‌های آن‌ها برای دستیابی به بمب کثیف هیچ گاه از دید افکار عمومی پنهان نبوده است. تضادهای در میان سین جیانگ‌ها بسیار شدید است، دین اسلام به عنوان یک دین منحصر به فرد و خاص، قدرت پیوستگی بسیار زیادی دارد. سال ۱۹۷۹ پس از ظهور انقلاب اسلامی ایران و گسترش بنیادگرایی اسلامی در سراسر جهان باعث شدت یافتن فعالیت‌های جنبش مستقل ترکستان شرقی و به وجود آمدن وضعیت نامناسب «سیاسی سازی دین و دینی سازی سیاست» گردید، امنیت سین جیانگ بدتر و بدتر شده و تا امروز که به نقطه اوج خود رسیده است.

سین جیانگ تنها منطقه‌ای آزمایش هسته‌ای چین است، همچنین بخشی از تاسیسات هسته‌ای چین نیز در شمال غربی این کشور وجود دارد. امروزه دستیابی به فناوری هسته‌ای روز به روز آسان تر می‌شود به گونه‌ای که تروریست‌ها به راحتی می‌توانند بمب کثیف تولید کنند. پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مقدار قابل توجهی از مواد هسته‌ای و حتی سلاح هسته‌ای در کشورهای آسیای میانه باقی ماند که تا امروز ردی از آن‌ها پیدا

نشده است. علاوه بر این، صرف نظر از قوم و مذهب، جنبش ترکستان شرقی و قدرت‌های تروریستی منطقه‌ای آسیای میانه همه دارای منشا یکسان هستند و خواسته‌های سیاسی آن‌ها به مرور زمان به یکدیگر نزدیک شده است. با این وضعیت بنیادی جامعه، امکان دستیابی جنبش ترکستان شرقی به بمب کثیف و حتی بمب هسته‌ای یک پیش بینی و طالع نحس است.

ایران سرمنشا بنیادگرایی اسلامی است. مواضع محکم ایران نسبت به اسرائیل ناشی از تصور ایران مبنی بر ریاست این کشور بر جهان اسلام است. «سلاح هسته‌ای اسلام» یک شمشیر دو لبه است که نه تنها بر علیه اروپا و آمریکا استفاده خواهد شد، بلکه ممکن است علیه دشمنان و مخالفان دین اسلام هم استفاده شود. اگر اختلافات ترکستان شرقی با پکن شدید شود و ترکستان شرقی در موضع ضعف قرار گیرد از ایران درخواست کمک خواهد کرد و در آن زمان نمی‌توان احتمال حمایت ایران از ترکستان شرقی را با استفاده از سلاح هسته‌ای رد کرد. از این رو، مبارزه دولت چین با گروه ترکستان شرقی می‌تواند نمایانگر یک روند بین المللی باشد.

علاوه بر این، اگر ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد برای جنبش ترکستان شرقی به مثابه یک داروی تقویتی به حساب می‌آید و از آن به عنوان یک سپر محافظ استفاده خواهد کرد و باعث غرور و نخوت هرچه بیشتر این گروه خواهد شد و در نتیجه چالش‌های بیشتری برای پکن ایجاد خواهند کرد. در صورتی که

جدایی طلبان ترکستان شرقی سلاح هسته‌ای و یا بمب‌های کثیف را به پکن منتقل کنند حکومت مرکزی را وادار به پذیرفتن استقلال منطقه‌ای سین جیانگ خواهند کرد و یا حداقل دولت را وادار به آزادسازی زندانیان سیاسی خواهند کرد؛ در غیر این صورت از سلاح هسته‌ای و یا بمب کثیف استفاده خواهند کرد. در سال‌های اخیر، پرونده‌های خلاف کاران مربوط به مواد منفجره در درون کشور چین افزایش چشم گیری داشته است و خلاف کاران حتی می‌توانند با حمل مواد منفجره دست به ارتکاب جرم بزنند. با این اوصاف، اعضای جنبش ترکستان شرقی بدون در نظر گرفتن جان و مال مردم، بمب‌های کثیف و سلاح هسته‌ای را آزادانه با خود حمل خواهند کرد و راهی هم برای جلوگیری از این کار آن‌ها نخواهد بود.

حتی اگر یک بمب کثیف در مرکز شهر پکن منفجر شود، منجر به ایجاد یک سیاه چاله‌ی بزرگ در این شهر خواهد شد که هیچ موجود زنده‌ای برای هزاران سال در آن محل رشد نخواهد کرد و این یک مانع بزرگ بر سر راه توسعه‌ی اقتصاد و زندگی مردم خواهد بود؛ اینگونه پکن در یک وضعیت آشفتگی قرار خواهد گرفت. در این هنگام، پکن مورد انتقاد مردم کشورهای غربی قرار خواهد گرفت و حرفی برای گفتن در مقابل این مصیبت عظیم نخواهد داشت.

در خاتمه، می‌توان این گونه گفت که به اتمام رساندن ساخت سلاح هسته‌ای ایران، برای چین یک چالش بسیار بزرگ خواهد بود.



خوا لی مینگ: گفتگوهای ایران و آمریکا دست کمی از بازدید نیکسون از چین ندارد



مترجم
حسین امیری

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۷/۱۹

جشن گرفته و به شادی پرداختند. من شخصا ۳۶ سال قبل انقلاب اسلامی ایران را تجربه کردم، آن زمان هم به همین صورت تمام مردم به شادی پرداختند و پس از ۳۶ سال این صحنه مجددا تکرار شد.

بنابر این می توان نتیجه گرفت که مردم ایران نیازمند بهبود معیشتی و توسعه ای اقتصادی هستند و دست آورد توافق تاثیر زیادی بر توسعه ای اقتصادی و پایداری سیاسی ایران دارد. در صورتی که غرب به تحریم های خود ادامه دهد تهدیدی برای مشروعیت نظام جمهوری اسلامی به شمار خواهد رفت. برخی این مذاکرات را با سفر چهل سال پیش رئیس جمهور نیکسون به چین مقایسه می کنند که به نظر من نیز می توان چنین مقایسه ای را انجام داد. پس از بازدید نیکسون، درهای روابط آمریکا و چین گشوده شد، این بار درهای روابط ایران و آمریکا به گونه ای دیگری از مذاکرات گشوده شده است. البته مشکلات میان دو کشور به صورت کامل حل و فصل نگردیده اما پنجره ای گشوده شده و اقتصاد ایران می تواند خود را بازسازی کند و همچنین تهدیدات پایداری سیاسی نیز کم رنگ تر گشته است.

دیده بان: کیسینجر سوالی را مطرح می کند، تغییر مواضع ایران در مسئله هسته ای استراتژیکی است و یا تاکتیکی؟ به نظر شما توافق هسته ای استراتژیکی است و یا تاکتیکی؟

خوا لی مینگ: کیسینجر دیپلمات با سابقه ای است و این سوال بسیار به جا و اساسی است. در اینجا تغییرات استراتژیکی مدنظر نه تنها ترک برنامه تولید سلاح بلکه تعلیق کامل تکنولوژی و برنامه هسته ای است. تغییرات تاکتیکی به معنای اتخاذ راه حلی میانه است؛ به صورتی که سطح

داخلی این کشور داشت. در چنین وضعیتی ایران به توافق دست یافت. چه رابطه ای میان توافق و وضعیت اقتصادی و سیاسی ایران وجود دارد؟ **خوا لی مینگ:** هم اکنون ۳۶ سال از انقلاب ایران می گذرد اما این کشور همچنان به نوعی در حالت انقلابی به سر می برد. منابع بسیاری در جهت مقابله با آمریکا و غرب، توان هسته ای، موشکی و پشتیبانی از ارکان انقلاب و مقدار اندکی از آن صرف اقتصاد و زندگی مردم شده و راه عادی توسعه را طی نکرده است. با اضافه کردن تحریم های غرب به این موارد، عموم مردم و عوام شروع به زیر سوال بردن دستاوردهای انقلاب اسلامی کردند، همه امیدوار بودند تا وضعیت معیشتی بهبود یابد. بنابر این در انتخابات سال ۱۳۹۲، روحانی رای زیادی آورد و به قدرت رسید.

روحانی پس از به قدرت رسیدن، هدف مشخصی داشت و آن توسعه اقتصادی ایران بود. اما به دلیل ابرقدرت بودن آمریکا کلید توسعه اقتصادی ایران نیز ارتقا روابط با آمریکا بوده و دلیل مشکلات دیپلماتیک و اقتصادی ایران نیز مقابله با آمریکا است. بنابر این روحانی به روشنی اذعان به بهبود روابط با آمریکا جهت توسعه اقتصادی ایران نمود. این رفتار علامت قوی ای برای اوپاما نسبت به تمایل ایران برای بهبود روابط بود. آمریکا نیز به سرعت پاسخ این علامت را داده و حتی گروه مخفی ویژه ای نیز به ایران فرستاد که نتیجه آن مذاکرات اخیر هسته ای بود، البته این بدان معنی نیست که قبلا مذاکراتی صورت نگرفته اما در این سری از مذاکرات جدیتی حاکم بود که در نهایت به توافق انجامید.

من تصاویر تلویزیونی را مشاهده کردم. پس از اعلام نتایج مذاکرات، تقریبا تمام مردم تهران

۱۴ ژوئن، وین اتریش، بالاخره لبخند بر لبان وزیر امور خارجه - ظریف نشست. پس از ۱۲ سال ماراتن مذاکرات، در نهایت کشورهای ۱+۵ و ایران بر سر مسئله هسته ای به توافقی تاریخی دست یافتند که به معنای گسستن زنجیرهای تحریم بر روی ایران است. آیا این به منزله گشوده شدن دری جدید به سوی خاورمیانه است و یا گشوده شدن جعبه پاندورا (مشکلات و معضلات بیشتر)؟ امضای توافق چه تاثیری بر سیاست و اقتصاد درون ایران دارد؟ آیا روابط ایران و آمریکا توسعه می یابد؟ آیا دو طرف بر سر مسئله تروریسم همکاری خواهند کرد؟

تاثیر آن بر پایداری منطقه خاورمیانه و همچنین «یک کمربند، یک راه» چین چیست؟ پاسخ تمام این سوالات را در مصاحبه سایت دیده بان با سفیر سابق چین در ایران، آقای خوا لی مینگ بخوانید.

خوا لی مینگ در اواسط سال ۱۳۵۶ به عنوان دیپلماتی جوان به سفارت چین در ایران فرستاده شد. در سال های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ به عنوان سفیر چین در ایران فعالیت کرد و شاهد انقلاب اسلامی ایران، وقایع تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان و همچنین جنگ ایران و عراق بوده است. تجربه غنی دیپلماتیک موجب حصول درک عمیق و هوشیاری و تیزبینی وی در رابطه با مسائل مربوط به ایران و خاورمیانه گردیده است.

دیده بان: توافق هسته ای ایران پس از گذشت ۱۲ سال حاصل گشت و در طول مدت این ۱۲ سال، ایران رشد اقتصادی آهسته ای را شاهد بود و این امر حتی تاثیراتی بر پایداری سیاسی



هم اکنون آمریکا به این نتیجه رسیده است که نایبستی تمرکز استراتژی‌های جهانی اش بر روی ایران بلکه بایست بر روی آسیا و چین باشد. آمریکا نمی‌تواند دو دستی تمام مناطق مختلف جهان را بچسبد و چیزی را از قلم نیندازد و در نتیجه موفق به عملیاتی کردن آن نخواهد بود.

که این مسئله را در دوران ریاست جمهوری خود حل کرد. توضیحی که اوباما به کنگره داد این بود که تنها راه حل پیش روی آمریکا مذاکرات است و انتخاب دیگری وجود ندارد و برای اعمال سیاست‌های جهانی آمریکا بایستی مسئله ایران را حل کرد.

البته این به معنای خروج آمریکا از خاورمیانه نیست زیرا خاورمیانه برای هژمونی جهانی آمریکا بسیار مهم است. آمریکا تنها اندکی تغییر در سیاست‌ها خواهد داشت و همانند دوره پس از جنگ جهانی دوم نخواهد بود. آمریکا سرمایه گذاری زیادی در خاورمیانه کرده است و هم اکنون توان مجدد برای این کار را ندارد و در صورتی که مسئله هسته‌ای حل نشود آمریکا مجبور است وارد جنگ جهانی سوم در خاورمیانه شود که توان آن را نیز ندارد. بنابر این آمریکا می‌بایست از مسئولیت‌های خود بکاهد اما این به معنی ترک خاورمیانه و یا از دست دادن کنترل آن نخواهد بود، اما تمرکز و توان خود را به سمت آسیا معطوف خواهد کرد. در گذشته اتکا آمریکا به قدرت اسرائیل، عربستان سعودی و مصر بود و ایران مورد اتکا نبود. هم اکنون و با کاهش فشارها بر روی ایران، اتکای آمریکا به دیگر کشورهای منطقه تعدیل خواهد شد و این استراتژی آمریکا است.

دیده بان: مسئله هسته‌ای ایران در آمریکا دو دستگی به وجود آورده است، علی‌الخصوص کنگره، توافق هسته‌ای ایران با چه موارد پیشبینی نشده‌ای درون آمریکا روبرو خواهد شد؟

خوا لی مینگ: اوباما به صورت خردمندانه با مسئله‌ی هسته‌ای برخورد می‌کند، اما یک اشتباه کرده است و آن متقاعد نکردن خواص و جلب نظر عموم مردم قبل از توافق است. او این آماده

مقابل بر اساس راستی آزمایی اتخاذ می‌گردد. **دیده بان: اما اوباما جهت امضای توافق پافشاری دارد، این پافشاری و تعجیل چه تاثیری بر اعمال استراتژی آمریکا در خاورمیانه و همچنین دنیا دارد؟**

خوا لی مینگ: مسئله‌ی هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۲ پدیدار شد و تا به حال ۱۲ سال به طول انجامیده است. در سال ۱۳۸۲ توانایی هسته‌ای ایران بسیار ناچیز بود و در کل حدود ۳۰۰ سانتریفیوژ داشت. اما امروز تعداد آن به ۱۹۰۰۰ عدد رسیده است. اگر در همان سال آمریکا با ایران به گفتگو می‌پرداخت، ایران به سادگی توان هسته‌ای خود را کنار می‌گذاشت، اما آمریکا آن فرصت را از دست داد. امروز ایران دست پر و بالا را دارد و آمریکا نمی‌تواند از ایران بخواهد که توان هسته‌ای خود را تمام و کمال کنار بگذارد. هم اکنون آمریکا به این نتیجه رسیده است که نایبستی تمرکز استراتژی‌های جهانی اش بر روی ایران بلکه بایست بر روی آسیا و چین باشد. آمریکا نمی‌تواند دو دستی تمام مناطق مختلف جهان را بچسبد و چیزی را از قلم نیندازد و در نتیجه موفق به عملیاتی کردن آن نخواهد بود. بنابر این بایستی از مسئولیت‌های خود در خاورمیانه بکاهد. مسئله ایران، منابع خارجی، استراتژیکی، مالی و نظامی زیادی صرف خود می‌کند، پس آمریکا به این نتیجه رسیده تنها در صورت حل مسئله ایران می‌تواند به اعمال سیاست‌های جهانی خود بپردازد. بنابرین از این نقطه نظر، اوباما به دنبال دستیابی به منافع جهانی آمریکا است و به نظر من رئیس‌جمهور بعدی آمریکا هم بنا به دلایل فوق و منافع استراتژیک آمریکا به سادگی تغییری در این رویه نخواهد داد. اوباما فردی زیرک و خردمند است

حداقلی غنی سازی و تولید سوخت هسته‌ای را ادامه داده و در صورت وجود تهدید برای امنیت خود به تولید سلاح هسته‌ای روی آورد. به نظر من تغییرات فعلی ایران تاکتیکی است و در واقع آن را کنار نگذاشته است. در این دور از مذاکرات با آمریکا، یکی از مشکلات بزرگ، تعیین زمان مورد نیاز برای دستیابی به سلاح هسته‌ای از طرف آمریکا برای ایران است. زمان مدنظر آمریکا ۱۲ ماه است اما ایران بر روی ۶ ماه پافشاری می‌کند. بنابرین در صورتی که ایران احساس کند امنیتش در خطر است به ۱۲ ماه زمان نیاز خواهد داشت تا بتواند سلاح هسته‌ای تولید کند. از نظر تاکتیکی ایران امتیازات بزرگی داده است اما ایران هیچ گونه تمایلی به کنار گذاشتن تکنولوژی هسته‌ای و حق انتخاب خود ندارد. بنابرین کیسینجر نکته به جایی را مطرح کرده است. اگر ایران بخواهد به طور زیربنایی تکنولوژی هسته‌ای را کنار بگذارد بایستی بر اساس الزامات اسرائیل غنی سازی صفر درصد باشد و تماما غنی سازی اورانیوم را کنار بگذارد. همانند قذافی در آن دوران، تمام تاسیسات هسته‌ای را برچیده و به آمریکایی‌ها تحویل دهد، اما ایران اینچنین عمل نکرده است. در تاریخ ۱۵م جولای، اوباما در سخنرانی خود در کاخ سفید اعلام کرد گفتگوهای ایران و آمریکا بر اساس اعتماد نیست و بر اساس راستی آزمایی بنا شده است. از این رو می‌تواند کاملاً فهمید که میان ایران و آمریکا اعتماد متقابل وجود ندارد و اینچنین است که نیازمند راستی آزمایی هستند و مرحله به مرحله ایران راستی آزمایی می‌گردد و در صورت اقدامات ایران است که تحریم‌ها نیز برداشته خواهند شد. به نظر من این سخن اوباما بسیار کلیدی بوده و چون هم اکنون اعتماد متقابل میان ایران و آمریکا وجود ندارد، توافق



سازی را انجام نداده است. ایران در آمریکا به صورت شیطان به تصویر کشیده شده و در نظر عموم مردم ایران محور شرارت است و نه یک کشور دوست؛ بنابراین در این حالت کنگره به راحتی می‌تواند اوباما را به خیانت به منافع آمریکا و امتیاز دادن زیاد به ایران متهم کند. کنگره به سادگی می‌تواند اوباما را سرزنش کرده و در جهت محدود کردن اوباما، اکثر حمایت‌ها را به خود جلب کند.

البته اوباما هم خود را آماده این مسئله کرده، منابع و انرژی زیادی را در این مسئله سرمایه‌گذاری کرده و در صورتی که کنگره توافق را رد کند، اوباما آماده استفاده از حق و تو خود است تا توافق تأیید گردد. قبلاً اوباما از حق و تو خود تنها در مسائل داخلی همچون لایحه بهداشت عمومی، مهاجرت و ... استفاده کرده بود و به ندرت در مورد مسائل خارجی استفاده شده بود. این مسئله خود نشان دهنده عزم راسخ اوباما در حل این مسئله است.

پس از انتخابات سال گذشته، جمهوری خواهان اکثریت صندلی‌های کنگره را تصرف کردند. در کنگره دو حزب سیاسی وجود دارد و تمام آن‌ها مخالف سیاست‌های اوباما نیستند. جمهوری خواهان مخالف سیاست‌های اوباما چه داخلی و چه خارجی بوده و خواستار جلوگیری از آن‌ها هستند؛ بنابراین اوباما از این روش یعنی وتوی ریاست جمهوری استفاده خواهد کرد. این مسئله ممکن است انتخابات دو سال بعد ریاست جمهوری آمریکا را نیز تحت تأثیر قرار دهد. اگر سیاست‌های جمهوری خواهان بسیار غیرمعتاد باشد ممکن است به سود دموکرات‌ها و به نفع هیلاری کلینتون باشد. احتمالاً استراتژی اوباما اینگونه است که عمداً جمهوری خواهان را در جبهه ناعدالتی به دام بیناندازد تا در آینده بازنده انتخابات باشند.

دیده بان: با توجه به مسئله گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، حل و فصل شدن مسئله هسته‌ای ایران در این بازه زمانی و همچنین منافع مشترک آمریکا و ایران در مبارزه با تروریسم، آیا دو طرف روابط خود در جهت مبارزه با تروریسم را افزایش می‌دهند؟

خوا لی مینگ: در مواجهه با داعش، طالبان افغانستان و دیگر گروه‌های تروریستی، منافع ایران و آمریکا همپوشانی دارد و بدون در نظر گرفتن آینده‌ی روابط این دو کشور، در این رابطه هماهنگی و همکاری‌هایی خواهد بود. اگرچه همچنان مشکلات حل نشده‌ی زیادی از جمله برنامه موشکی ایران، سوریه، یمن، حمایت ایران از حزب الله لبنان و حماس

فلسطین میان ایران و آمریکا وجود دارد که باعث کشمکش سختی بین دو کشور است. با توجه به این شرایط، سخن گفتن از ابعاد همکاری ایران و آمریکا در موضوع مبارزه با تروریسم بسیار سخت است. هدف ایران از مذاکرات با آمریکا به صورت ویژه برداشته شدن تحریم‌ها است و عجله‌ای برای گسترش روابط با آمریکا ندارد. اختلاف نظر ایران و آمریکا در مورد این مسئله زیاد است اما با وجود باز شدن درها و رفع تحریم‌ها، خیلی از شرکت‌های اروپایی می‌توانند وارد ایران شوند و این برای اقتصاد ایران بسیار سودمند است.

دیده بان: با توجه به کشمکش موجود قدرت‌ها در خاورمیانه و از دست دادن بخشی از اوکراین به نفع روسیه، سهل گرفتن به ایران توسط آمریکا، در راستای کشمکش‌ها میان آمریکا و روسیه در منطقه خاورمیانه است؟

خوا لی مینگ: تغییر سیاست‌های آمریکا و مذاکرات هسته‌ای با ایران در نهایت به منزله اعمال موفق سیاست‌های جهانی آمریکا است. تعیین خوب یا بد بودن این مسئله برای روسیه دشوار است؛ زیرا ایران برای روسیه دارای اهمیت بسیاری است و اهمیت آن کمتر از اوکراین نیست. روسیه خواستار مستقل و ضد آمریکایی ماندن ایران است و این حالت برای روسیه بسیار سودمند است. در طی مذاکرات هسته‌ای، ایران این دو خصوصیت خود را از دست نداده است بنابر این در حال حاضر روسیه نگران این موضوع نیست. برخی می‌گویند از این پس ایران دیگر ضد آمریکا نخواهد بود و به آغوش غرب خواهد رفت. اما به نظر من این حالت بسیار دور است. اگرچه با مدیریت اوباما روابط با کوبا، برمه و ویتنام بهبود یافته اما تا ایجاد روابط ایران و آمریکا راه زیادی مانده است.

دیده بان: در حال حاضر ما به ترویج «یک کمربند، یک راه» مشغول هستیم، یکی از دغدغه‌های قبلی این طرح مشکل اجرای آن در ایران بود، هم اکنون و با حل شدن این مشکل و امضا شدن توافقنامه هسته‌ای، چه فرصت‌ها و چالش‌هایی میان روابط ایران و چین به وجود می‌آید؟

خوا لی مینگ: حل شدن مسئله هسته‌ای خبر خوبی برای استراتژی «جاده ابریشم» است. پس از برداشته شدن تحریم‌ها، دست و بال ما برای سرمایه‌گذاری در ایران باز می‌شود. می‌توانیم سرمایه‌گذاری تعداد زیادی پروژه‌های بزرگ و زیرساختی و ساخت و ساز و تولیدی را انجام دهیم. البته در این رقابت با

تعداد زیادی کشور اروپایی مواجه خواهیم شد. کشورهای غربی و علی‌الخصوص شرکت‌های چند ملیتی بزرگ اروپایی پس از شنیدن خبر برداشته شدن تحریم‌ها به ایران سرازیر شده و رقابت سختی با چین به وجود خواهد آمد. اما در کل من نگران این مسئله نیستم چون صنایع بزرگ تولیدی دنیا و زیرساخت‌های تولیدی سطح بالا تماماً در چین است و ایران در این زمینه همچنان بایستی به سراغ چین بیاید.

دیده بان: ایران کشور بزرگی در منطقه خاورمیانه است که توسعه‌ی این کشور همواره توجه همسایگان را به خود جلب کرده است. با حل شدن مسئله هسته‌ای، عربستان سعودی و اسرائیل بسیار ناخشنود خواهند شد. در صورت قوی تر شدن و برخاستن ایران، این امر چه تاثیری در ثبات منطقه خواهد داشت؟

خوا لی مینگ: در واقع در صورت وجود و یا عدم وجود مذاکرات هسته‌ای، برخاستن و رشد ایران پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است. پس از سال ۱۳۸۲ و جنگ آمریکا در عراق و افغانستان، جایگاه ایران در خاورمیانه به شدت ارتقا یافته است. با برداشته شدن تحریم‌ها و منابع غنی نفتی و همچنین جمعیت با سطح تحصیلات بالاتر، جایگاه استراتژیک ایران در خاورمیانه قطعاً ارتقا خواهد یافت و تبدیل به قدرت مهمی خواهد شد و انتظار دارم تبدیل به اقتصادی بزرگ در دنیا شود. در آینده قابل پیش بینی، آمریکا به صورت مرحله‌ای از خاورمیانه خارج خواهد شد و جایگاه عربستان سعودی و اسرائیل تنزل یافته و جایگاه ایران ارتقا خواهد یافت و تغییرات ژئوپولیتیک بزرگی در خاورمیانه رخ خواهد داد. پس از تضعیف نقش رهبری آمریکا، بازی شدیدتری میان قدرت‌های منطقه شکل خواهد گرفت و روابط ایران و عربستان و اسرائیل در آینده پیچیده تر خواهد شد.

در واقع، در حال حاضر ایران شروع به تغییر موازنه‌ی قوا در خاورمیانه کرده است. به عنوان نمونه بدون حمایت‌های ایران از سوریه، رژیم سوریه سقوط می‌کرد. در مسئله‌ی عراق، آمریکا جای خود را به ایران داده و عراق عرصه‌ی تحت تأثیر ایران است. قدرت ایران در یمن در حال توسعه است و موارد مشابه در آینده خاورمیانه اتفاق خواهد افتاد. حزب الله لبنان به صورت کامل توسط ایران پشتیبانی می‌شود. همچنین حماس در فلسطین نیز پشتیبانی ایران را داراست و قدرت تأثیرگذاری ایران به قلب منطقه‌ی عربی نفوذ کرده است. قدرت‌های منطقه‌ای و موازنه‌ی قوا در خاورمیانه در حال تغییرند.



نقش «شیخ نمر» در قطع رابطه عربستان و ایران

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۶/۱/۶

مترجم
محمدعلی احمدی مش



بسیار سخت و خشن بود و در سیاست‌های داخلی عربستان سعودی بالاخص نوع برخورد عربستان سعودی با استان شرقی، حملات سختی در سخنرانی‌هایش انجام می‌داد. سال ۲۰۰۹ وی در ملا عام اعلام کرد اگر حقوق شیعیان عربستان مورد احترام خاندان سلطنتی عربستان قرار نگیرد، این استان از عربستان جدا خواهد شد. پس از ظهور بهار عربی در سال ۲۰۱۱، شیخ نمر چندین بار علنا علیه سیاست‌های عربستان سعودی سخنرانی تند ایراد کرد و مورد حمایت معترضان شیعه‌ی بحرین نیز قرار گرفت، پیش‌بینی‌ها حاکی از این بود که اگر عربستان فشار بیشتری بر اعتراض و تظاهرات مردمی شیعیان وارد آورد، این عربستان سعودی است که در نهایت از هم خواهد پاشید.

مواضع سیاسی شیخ نمر در مجموع به سه بخش تقسیم می‌شود:

- ۱- انتقاد به سیاست‌های عربستان، وی بر این باور بود که عربستان سعودی هیچ احترامی به امور داخلی کشورش مخصوصا به حقوق شیعیان استان شرقی نمی‌گذارد، شیعیان را تحت فشار قرار می‌دهد، همچنین دولت را تهدید کرد که «اعتقاد ما از مسئله‌ی وحدت ملی با ارزش تر است».
- ۲- وی مردم را از طریق اعتراض صلح آمیز علیه سیاست‌ها تبعیض آمیز عربستان به نشان

را بشکنند و به سمت ساختمان سفارت تکه‌های سنگ و کوکتل مولوتف پرتاب کنند. در پی خشم فزاینده ایرانی‌ها و مقامات این کشور نسبت به کشتن شیخ نمر، عربستانی‌ها متقابلا با اقداماتی از روی خشم باعث به وجود آمدن مشکل بزرگی در رابطه بین دو کشور شدند.

التبه، درباره قطع روابط دیپلماتیک بین ایران و عربستان، می‌شود تحلیل‌های مختلفی ارائه کرد، مسئله‌ی «استان شرقی عربستان»، شیعه و سنی، سیاست خارجی عربستان، رابطه با ایران، سودای کسب قدرت ایرانیان، سودای قدرت‌های بزرگ خلیج عربی و از این دست مسائل؛ اما ما بر این باوریم که در شرایط فعلی باید «شیخ نمر» را به عنوان موضوع دعوای ایران و عربستان مورد بررسی قرار داد، اعدام شیخ نمر تعیین کننده‌ی وضعیت تنش برانگیز فعلی عربستان و ایران و نتیجه نهایی ارتباط متزلزل ایران و عربستان است.

تحرکات شیخ نمر

به عنوان طرف اصلی این مسئله، سرنوشت شیخ نمر مورد توجه هر دو طرف قرار است. شیخ باقر در سال ۱۹۵۹ میلادی، در شهر «العوامیه» شهری شیعه نشین و نزدیک به شهر قطیف در شرق عربستان به دنیا آمد. او یکی از رهبران مهم شیعه در منطقه بود. لحن سخنرانی شیخ نمر

در چند روز اخیر روابط دیپلماتیک بین دو کشور بزرگ خلیج فارس یعنی ایران و عربستان رو به تیرگی نهاده، عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان روز ۱۳ دی ماه ضمن اعلام قطع روابط این کشور با ایران، ۴۸ ساعت به اعضای سفارت ایران در ریاض فرصت داد تا عربستان را ترک کنند. البته پیش از اعلام قطع روابط دیپلماتیک، کارمندان سفارت عربستان در تهران پس از مورد حمله قرار گرفتن توسط ایرانی‌ها از طریق امارات به کشورشان بازگشته بودند.

دلیل این بحران دیپلماتیک، اعدام روحانی و رهبر مشهور شیعیان یعنی آیت الله نمر بود. عربستان به اتهام تروریسم تصمیم به اعدام ۴۷ نفر گرفت که یکی از آن‌ها آیت الله نمر بود. اگرچه همراه با شیخ نمر ۴۶ نفر دیگر هم اعدام شدند اما جرم نمر با تمامی آن‌ها متفاوت بود، علت اصلی اعدام شیخ نمر، اقدام علیه امنیت ملی و ارتباطات خارج از مقررات با کشورهای خارجی بوده است. اعدام شیخ نمر موج عظیمی را در بین تمامی شیعیان جهان ایجاد کرد به طوریکه تظاهرات مقابل سفارت این کشور در تهران منجر به حمله به سفارت شد، همچنین در شرق ایران در مشهد هم کنسولگری این کشور مورد هجوم قرار گرفت. در مقابل سفارت عربستان در تهران، تظاهر کنندگان خشمگین توانستند حصار ایمنی نیروهای پلیس



دادن عدم رضایت از وضع موجود فرامی خواند او معتقد بود اگر سیاست عربستان «تکیه بر فشنگ و زندان است ما باید بر قدرت عدالت تکیه کنیم» ۳- او مخالف استفاده خشم در اعتراض‌ها بود و حامی اعتراض صلح امیر علیه فشارهای دولت بود، وی اعتقاد داشت «ما نباید از اسلحه استفاده کنیم، در آن صورت شکست خواهیم خورد، قدرت کلام از گلوله بیشتر است»

سخنرانی‌های شدید و کوبنده شیخ نمر باعث جذب شیعیان استان شرقی بالاخص جوانان می‌شد. به عنوان زبان گویای شیعیان و منتقد جدی سیاست‌های حکومت، شیخ نمر در کانون توجه‌های دولتمردان سعودی قرار گرفت و در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶ دو بار دستگیر شد اما خیلی زود آزاد شد. در جریان دستگیری سال ۲۰۰۶ شیخ نمر مدعی شد که توسط پلیس و نیروهای امنیتی عربستان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.

در ماه فوریه سال ۲۰۰۹ در شهر مذهبی مدینه یک درگیری مذهبی به وقوع پیوست، تفاوت مراسم مذهبی بین شیعه و سنی باعث شد تا بر سر یک سری مسائل حساس درگیری ایجاد شود و در نهایت منجر به فعالیت‌های اعتراضی در استان شرقی و سپس دستگیری تعدادی از معترضین شیعه توسط دولت انجامید. در این زمان، شیخ نمر با قاطعیت اعلام کرد «هویت ما به خطر افتاده است... اگر نتوانیم آن را احیا کنیم راهی جز جدایی باقی نمی‌ماند». پس از این سخنرانی دیری نپایید که شیخ نمر توسط پلیس سعودی دستگیر شد.

در فوریه سال ۲۰۱۱ به دنبال گسترش بی وقفه‌ی بهار عربی در منطقه خاورمیانه، شیخ نمر نیز سخنرانی‌های متعددی ایراد کرد که این حساس شدن دولت عربستان را در پی داشت. در بازه‌ی سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ شیعیان استان شرقی عربستان تظاهرات اعتراض آمیز گسترده‌ای را رقم زدند و دولت عربستان نیز علیه این فعالیت‌های معترضانه سرکوب و فشارهای زیادی را اعمال کرد، شیخ نمر در واکنش به فشارهای دولت سعودی خواستار «توقف خونریزی» شد. دولت سعودی چندین بار سعی در به سوی خود کشیدن شیخ نمر کرده بود، از طریق دوستان نزدیک وی امیدوار بود که از سخنرانی‌های کوبنده وی علیه خود جلوگیری کند که با پاسخ منفی وی مواجه شد. دولت عربستان سریعاً اقدام به دستگیری شیخ نمر کرد و در جولای ۲۰۱۲ وی دستگیر شد، بر اساس خبر وزارت کشور شیخ نمر هنگام دستگیری اقدام به درگیری با نیروهای امنیتی کرد که مورد آسیب پلیس قرار گرفته و سرانجام

وقتی صحبت از شیعه می‌شود به ناچار صحبت از ایران نیز به میان می‌آید، این قضیه در مورد نمر نیر صادق است.

شیخ نمر سال‌ها پیش برای تحصیل به ایران و سوریه رفته بود، در ایران شاگرد عالم ایرانی محمد حسینی شیرازی و در عراق شاگرد محمد تقی مدرسی بود. محمد حسینی شیرازی و محمد تقی مدرسی هردو در انقلاب ۱۹۷۹ ایران نقش به‌سزایی ایفا کردند، حتی حسینی شیرازی مدت زیادی متصدی امر کمک‌های خارجی انقلاب بود و با شیعیان بحرین و عراق ارتباط تنگاتنگی نیز برقرار و حفظ کرد.

در دوره انقلاب حتی وی دوشادوش خمینی به مبارزه می‌پرداخت اما پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران این روابط رو به تیرگی و سردی نهاد. وی معتقد بود که دانش مذهبی و جایگاهش از خمینی اندکی بالاتر است به همین دلیل به خیلی از مسائل انتقاد داشت، پس از فوت خمینی، ارتباط شیرازی با رهبر ایران خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی نیز خوب نبود. در مقایسه با خمینی و خامنه‌ای عقاید و سیاست‌های شیرازی بسیار رادیکالی بود و به همین دلیل در اوج انقلاب، هنگامی که جامعه به عقلانیت نیاز داشت، شیرازی توسط سیاسیون اصلی ایران به تدریج کنار گذاشته شد.

همانند حسینی شیرازی، محمد تقی مدرسی هم در انقلاب ایران فعالانه شرکت داشت. مدرسی در جامعه‌ی کنونی عراق نیز بسیار اثرگذار است و پس از سیستانی از جایگاه علمی و اثرگذاری بالایی بر شیعیان عراق برخوردار است. به عنوان یک عالم برجسته که در شهر زیارتی کربلا متولد شده است، مدرسی هم سنگر مهم خمینی بود و هم زمان متحد سیاسی شیرازی هم بود. هنگام جنگ ایران و عراق، مدرسی از ایران حمایت کرده و گروهی برای خود در عراق بنا نهاد که به ایران در جنگ کمک می‌کرد تا امکانات نظامی و غیر نظامی عراق را نابود کند او حتی یکبار در سال ۱۹۸۰ سعی در ترور طارق عزیز معاون نخست وزیر عراق کرد.

به گواه تاریخ، او همکاری‌های زیادی با دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ایران داشته و هم چنین ارتباط نزدیکی با سپاه پاسداران داشته است؛ به همین دلیل اواخر سال ۱۹۸۰ به تبع بوم شناسی سیاسی ایران مبنی بر حذف تدریجی رادیکالیسم، محمد تقی مدرسی کم کم از هسته‌ی اصلی تصمیم‌گیری ایران کنار زده شد. اواخر دهه ۱۹۸۰ مدرسی شروع به انتقاد به سیاست‌های خمینی کرد، او حتی مخالف بالا بردن خامنه‌ای به عنوان قائم مقام رهبری بود و علناً از شیرازی

دستگیر شده است.

خبر دستگیری شیخ باعث به وجود آمدن موج تظاهرات شیعیان استان شرقی عربستان شد که توسط نیروهای پلیس عربستان سرکوب شد. دولت عربستان خیلی زود محاکمه نمر را آغاز کرد، اتهامات وارده بر او «خیانت به پادشاه»، «تحریک کردن به مبارزات حزبی» و «تشویق، رهبری و شرکت تظاهرات» و چند مورد دیگر شمرده شد. محاکمه‌ی نمر تقریباً یک محاکمه‌ی تشریفاتی بود، او هیچ دفاع عادلانه‌ای دریافت نکرد، حتی یک بار هم در محکمه حاضر نشد، دولت نیز هیچ اطلاعی به خانواده و وکیل مدافع او نداد. در اکتبر سال ۲۰۱۴ به اتهام ارتباط غیر مجاز با خارج، خیانت به پادشاه و مقاومت مسلحانه در مقابل دستگیری، حکم اعدام شیخ نمر صادر شد. در اکتبر سال ۲۰۱۵ دیوان عالی عربستان درخواست فرجام شیخ نمر را رد کرد و حکم اعدام را تایید کرد. خانواده‌ی شیخ نمر امیدوار بودند که ملک سلمان شیخ نمر را عفو کند و راهی برای زنده ماندن او باقی گذارد، اما نهایتاً ۲ ژانویه سال ۲۰۱۶ مجازات اعدام اجرا شد.

اگر بخواهیم منصفانه صحبت کنیم، حکم اعدام شیخ نمر تا حدی درست بود اما او خودش امید داشت که از طریق سخنرانی‌های عمومی نه برنامه ریزی مخفیانه و زیر زمینی، دولت عربستان را ترغیب کند تا وضع داخلی عربستان و شیعیان این کشور را بهبود ببخشد. اعتراض و انتقادهای شیخ نمر به سیاست‌های عربستان از طریق سخنرانی عمومی و نوشتن مقالات بود، اگر چه در سال‌های اخیر ارتباطات بیشماری با ایران داشت (بعدا به آن اشاره خواهیم کرد)، اما از دید واقع بینانه که بنگریم خواهیم دید شیخ نمر در هیچ فعالیت خشونت آمیزی علیه عربستان شرکت نداشته است؛ به همین دلیل وضع شیخ نمر بیانگر تناقضات بین آزادی بیان روشنفکران شیعی و حراست دولت از ثبات سیاسی است. عربستان و ایران، وضعیت غیرقابل بازگشت

خارجی عربستان بیانگر تشویش و اضطراب و ناامنی در منطقه به ویژه برای ایران به عنوان یک کشور توسعه یافته شیعی است. از دید عربستان، شیخ نمر به عنوان رهبر اصلی و گردنکش شیعیان استان شرقی، مواضع ضد دولتی او باعث می‌شد اعتبار و حاکمیت دولت سعودی با چالشی بزرگ مواجه شود، بالاخص پس از سال ۲۰۱۱ ارتباط مذاهب داخلی عربستان روز به روز ملتهب تر شد و پیشینه‌ی ارتباط پیچیده اجتماعی آن‌ها، وجود شیخ نمر را به خطری نهان و مستور برای آینده‌ی سیاسی عربستان مبدل می‌ساخت. با این پس زمینه، کشتن اپوزیسیون داخلی، تصمیم عربستان مبنی بر قطع رابطه با ایران در مقابل اعتراضات و رسوایی بزرگ دیپلماتیک این کشور، تصمیمی معقول است.

از نظر ایران، لحن شدید و خویشتن داری در عمل واقعا هیچ کمکی نمی‌کند. گروه خاص «ناامیدان» سیاسی در پس زمینه با گروه‌های تندروی داخل ایران ارتباطاتی داشته است که این باعث تبدیل شدن نمر به یک شخصیت مهم در ایران شده است، او نه تنها «خویشاند دور» گروه‌های تندرو داخل ایران به خصوص سپاه پاسداران به حساب می‌آید، بلکه همواره بخشی از منازعات سیاسی نیز بوده است. با این پیش زمینه، اگر ایران نسبت به سرنوشت نمر بی تفاوت باشد، بحران سیاسی‌ای توسط طبقه‌ای از جامعه ایجاد خواهد شد و اگر ایران واکنش بسیار شدیدی به این واقعه نشان دهد ممکن است ثبات سیاسی درون این کشور تحت تاثیر قرار گیرد. در هنگامی که ایران به صورت شفاهی اعتراض خود را در مقابل وقایع داخل و خارج از کشور اعلام کرد، این عمل توسط عربستان تحریک آمیز تلقی شد که در نهایت قطع روابط طرفین اجتناب ناپذیر بود.

قطع روابط عربستان و ایران، اگرچه می‌تواند پس از منازعات ژئوپلیتیک خاورمیانه پس از سال ۲۰۱۱ یک اقدام نمادین به حساب می‌آید، اما درباره خود شیخ نمر، قطع رابطه‌ی رخ داده بین ایران و عربستان اصلا نمی‌تواند به خاطر نمر باشد. به هرت ترتیب عربستان به خاطر «دخالت در امور داخلی» به ایران هشدار داده است و ایران نیز باید به خاطر ارتباط گروه‌های تندرو داخلی با شیخ نمر و «شخصیت انقلابی» وی ناراضی‌ای سیاسی خود را اعلام کند. قطع رابطه‌ی ایران و عربستان، بیش تر برخاسته از «فضای رقابتی» بین دو کشور و جزو «تراژدی»‌هایی است که هردو کشور در فضای داخلی و خارجی خود با آن درگیر هستند.



ایران کرده بود و بر این باور بود که ایران در بسیاری از موقعیت‌ها از برادران شیعه‌اش حمایت نمی‌کند و اظهار داشت سیاست خارجی ایران مبتنی بر اخلاق و عدالت نیست بلکه مبتنی بر منافع ملی است.

خبر اعدام شیخ نمر در جهان تشیع جنبش شدیدی ایجاد کرد، حتی در سایت رهبر عالی ایران خامنه‌ای عکسی منتشر شد که کشته شدن شیخ نمر را با جنایات داعش مقایسه می‌کرد و این طرح باعث ناراضی‌ای عربستان شد. اما ما باید این گونه نیز نگاه کنیم که در حمله‌ی تهاجمی تحت نظر خامنه‌ای، دولت ایران رفتاری عقلائی داشت. رئیس جمهور ایران حسن روحانی با ناشایست خواندن این حرکت، از حمله مردم به سفارت عربستان اعلام ناراضی‌ای کرد. می‌توان گفت ایران به دنبال راهی مسالمت آمیز بین مخالفت شدید و مخالفت نرم برای اعلام عصبانیت خود است که عاقبتی چون نابودی رابطه بین ایران و عربستان نداشته باشد.

اگرچه تدابیر زیادی برای کنترل کردن رابطه دو طرف وجود دارد اما ایران و عربستان هنوز راهی موثر برای متعادل کردن دشمنی‌های دو جانبه پیدا نکرده‌اند. پس از سال ۲۰۱۵ عربستان سیاست خارجی خود را به تدریج از «کند» و «میانه روی» به «تند و رادیکالی» و «فعال» تغییر داد. با وجود مداخله در یمن، مخالفت با توافق هسته‌ای، مسئله سوریه و ایجاد ائتلاف منطقه‌ای، سیاست

حمایت کرد. فقط به همین دلیل پس از فوت خمینی دستگاه امنیتی ایران به سرعت شيرازی را در خانه محبوس کرد و مدرسی نیز کم کم از دیده‌ها کنار رفت.

سال ۲۰۰۳ پس از سقوط صدام، مدرسی بلافاصله به عراق بازگشت و پس از بازداشت کوتاه توسط نیروهای آمریکایی آزاد شد. او پس از بازگشت به عراق با تاسیس «حزب عمل اسلامی» وارد فعالیت‌های سیاسی شد و با دیگر احزاب سیاسی شیعه «ائتلاف ملی عراق» را بنیان نهاد. او پس از بازگشت به کربلا زندگی آرامی را در پیش گرفت و به جز شرکت در مسائل سیاسی گاه در سخنرانی‌های عمومی به منازعات سیاسی ایران نیز می‌پرداخت، او همچنین سفرهایی به اروپا و آمریکا نیز داشته است. در یک مصاحبه رسانه‌ای محمد تقی مدرسی اظهار داشت: چه برخاسته از بایدهای سیاسی و چه برخاسته از تغییرات صادقانه، دموکراسی چیز خوبی است و می‌تواند مشکلات خاورمیانه را حل کند.

به عنوان شاگرد محمد تقی مدرسی و محمد حسینی شیرازی، شیخ نمر هم در واقع با افراطیون ایران ارتباطاتی داشت. از این رو توضیح رفتار افراطیون ایران یعنی سپاه پاسداران در هنگام اعلام صدور حکم قتل شیخ نمر در اکتبر سال ۲۰۱۴ و اعلام تلافی این حرکت سخت نخواهد بود. اما شیخ نمر بارها عموماً اظهار ناراضی‌ای از



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۳/۱

تنش ایران و عربستان، فقط به خاطر یک نفر؟

مترجم
آریس کبان ایشی



دخالت در امور داخلی عربستان کرد. عربستان سعودی همچنین از دولت ایران خواست تا بر اساس معاهدات بین الملل، نسبت به حفاظت و تامین امنیت سفارت عربستان در ایران و کارمندانش متعهد بماند و باعث جلوگیری از آسیب‌های خصمانه‌ی احتمالی شود. با فرا رسیدن روز سوم ژانویه جنگ لفظی میان دو کشور شدت یافت. وزارت خارجه‌ی عربستان در بیانیه‌ای محکوم کردن این اعدام توسط ایران را حمایت از تروریسم خواند. طرف ایرانی نیز به هیچ وجه کوتاه نیامد. رهبر ایران آیت الله خامنه‌ای هشدار داد که رویکرد عربستان سعودی باعث مواجه شدن با انتقام الهی خواهد شد. همچنین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز رویکرد عربستان را با حملات گروه افراط‌گرای داعش مقایسه نمود.

با گردهمایی مقابل سفارت عربستان، تظاهراتی را در اعتراض به دولت سعودی به راه انداختند. از میان آنها برخی سنگ و مواد آتش‌زا به طرف سفارت پرتاب میکردند، تعدادی از تظاهرکنندگان به زور وارد سفارت شده، درها و پنجره‌ها را شکستند و هم چنین داخل ساختمان را به آتش کشیدند که دود غلیظ حاصل از این صحنه در آسمان موج میزد.

بر اساس مشاهدات خبرنگار شین هوا در تهران در صبح روز سوم ژانویه مقابل سفارت عربستان، تقریباً نیمی از دیوار مقابل سفارت به خاطر سوختگی سیاه شده و تمام پنجره‌ها شکسته شده بودند، بیرون در سفارت حدود ۳۰ نفر پلیس مسلح در حال حفاظت از سفارت بودند و در اطراف پلیس‌های بیشتری به صورت پراکنده در حالت آماده باش حضور داشتند. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران در این حوادث ۴۰ نفر دستگیر شده‌اند و تلاش‌ها برای دستگیری سایر عوامل حمله به سفارت عربستان ادامه دارد.

«جنگ لفظی»

بعد از اعلام اعدام این شخصیت مذهبی از سوی عربستان، وزارت خارجه‌ی ایران سفیر عربستان را برای اعلام مراتب اعتراض احضار کرد. البته طرف عربستانی نیز سفیر ایران را احضار نموده و دولت ایران را به خاطر اظهارات انتقادی، متهم به

به دلیل ناراضی‌تبی از اعدام یک شخصیت برجسته‌ی مذهب شیعه توسط عربستان سعودی، برخی معترضان ایرانی شب دوم ژانویه با حمله به سفارت عربستان در ایران و پرتاب سنگ و مواد آتش‌زا باعث آتش‌سوزی قسمت‌هایی از ساختمان سفارت شدند.

«حمله به سفارت»

وزارت کشور عربستان دوم ژانویه اعلام کرد که در همان روز دستگاه قضایی آن کشور ۴۷ مجرم محکوم به جنایات تروریستی را اعدام کرده است. این افراد از قوانین اسلامی تخطی کرده، خشم و نفرت را میان فرقه‌های مذهبی برانگیخته و ثبات و امنیت ملی را تضعیف نموده‌اند. خبرگزاری نیمه رسمی دانشجویان ایران گزارش کرد شب دوم ژانویه تعدادی معترض

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران در این حوادث ۴۰ نفر دستگیر شده‌اند و تلاش‌ها برای دستگیری سایر عوامل حمله به سفارت عربستان ادامه دارد.



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۶/۱۷

مخالفت گروه‌های سنی، مشکل بزرگ ایران

مترجم
امیرحسین رضاییان



ایران نقشی اساسی در سوریه، عراق و یمن دارد و با استفاده از قدرت‌های نوپای شیعه به مقابله با حکومت سنتی گروه‌های سنی منطقه می‌پردازد. کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نگران این مسئله هستند که دستیابی به این توافق باعث افزایش تجاوزگری‌های منفعت طلبانه ایران در منطقه گردد. همچنین آنان معتقدند که توافق برای ایران همانند یک ضربه گیر است که خیال ایران را از احتمال جنگ با آمریکا راحت می‌کند و توجه ایران را به کشورهای همسایه اش جلب می‌کند. از دید آن‌ها، توافق باعث می‌شود مسئله‌ی تهدید از جانب ایران در جایگاه برجسته تری قرار گیرد. آنان می‌ترسند که در نتیجه‌ی این توافق آمریکا عقب نشینی کرده و تحریم‌ها علیه ایران برطرف شوند، که بدون شک لغو تحریم‌ها علیه ایران نگرانی عمده‌ی آن‌ها خواهد بود.

اقدامات تهران نیز باعث کاهش این نگرانی‌ها نبوده است، هنگامی که کشورهای غربی تمامی تمرکز خود را بر روی مسئله‌ی هسته‌ای ایران متمرکز کرده‌اند، ایران سرسختانه پیگیر منافع خود در منطقه بوده است. در سوریه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران به یکی از نیروهای اصلی فشار اسد تبدیل شده است. آن‌ها نه تنها ناظر پیشرفت‌های نیروهای دولتی

است، اما در صورت دستیابی توافق، ایران نیز از مزایای آن برخوردار خواهد شد. شواهد پیشین این گونه نشان می‌دهد که اگر ایران به طرح‌های تحقیقاتی محدود بسنده کرده، میزان تولید خود را کاهش داده و پذیرای نظارت‌های سختگیرانه باشد، مذاکرات باعث از میان برداشته شدن سریع قسمتی از تحریم‌ها علیه ایران خواهد شد. در صورت وقوع این امر، امید به پیشرفت اقتصادی ایران وجود داشته و دولت نیز قادر به استفاده بیشتر و بهتر از منابع خود خواهد بود. دستیابی به این توافق همچنین باعث افزایش اعتبار ایران در جامعه‌ی جهانی خواهد شد. این یک فرصت مناسب برای ایجاد روابط با آمریکا و کشورهای غربی است که می‌تواند باز گشای درب‌های سرمایه گذاری و تجارت با کشورهای غربی باشد. اگر این وضعیت نگران کننده حل و فصل شود، ایران می‌تواند توان و انرژی خود را بر روی مسائل و چالش‌های مهم دیگر در حوزه ارتباطات خارجی، به خصوص در حوزه‌ی خاورمیانه متمرکز سازد.

خاورمیانه اکنون در بحران به سر می‌برد و تمامی کشورها درگیر جنگ‌های اخیر هستند. از منظر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تمام مشکلات منطقه از سلطه طلبی ایران بر منطقه نشئت می‌گیرد. آنان بر این باورند

روز به روز به زمان تعیین شده توسط شش طرف درگیر در مسئله‌ی هسته‌ای ایران نزدیک تر می‌شویم. ما باید بیندیشیم که در صورت حصول توافق، این امر چه تأثیرات بالقوه‌ای بر منطقه‌ی خاورمیانه و کشور ایران خواهد داشت. تصور عموم بر این است که حصول توافق به نفع هر دو طرف خواهد بود. نخست، از منظر آمریکا، منافع حاصله از این توافق کاملاً مشهود است که مهم ترین نفع آن، کاهش خطر شروع جنگ با ایران است. علاوه بر این، دیگر نیازی به کشته شدن انسان‌ها نیست، هزینه‌های ناشی از جنگ ذخیره می‌شوند، احتمال گسترش سلاح هسته‌ای توسط ایران کاهش یافته و زمان احتمالی برای دستیابی ایران به پیشرفت‌های هسته‌ای افزایش می‌یابد و همچنین روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی ایران بهبود خواهد یافت. مسائل خاورمیانه از طریق جنگ حل نمی‌شود و این قضیه پس از وقوع جنگ‌های متعدد در منطقه بر همگان مبرهن گشته است، در حال حاضر شاید راهبردهای دیپلماسی روشی مناسب برای حل مشکلات باشد.

شاید ایران بر این باور است که دستیابی به این توافق عادلانه نیست و این کشور برای حصول توافق از خودگذشتگی‌های زیادی انجام داده



خاورمیانه اکنون در بحران به سر می برد و تمامی کشورها درگیر جنگ های اخیر هستند. از منظر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، تمام مشکلات منطقه از سلطه طلبی ایران بر منطقه نشئت می گیرد.

اینکه نگران تغییر تفکرات و نظریات سیاسی و مذهبی توسط ایران در منطقه باشند، می ترسند ایران باعث سرنگونی حکومت های پادشاهی در منطقه گردد.

کشور های عربی حاشیه خلیج فارس نگرانند که با به نتیجه رسیدن مذاکرات هسته ای ایران، آن ها متحمل ضرر شوند؛ اگر روزی ایران به سلاح هسته ای دست پیدا کند، دیگر از آمریکا نمی ترسد و اقتصاد ایران نیز پیشرفت خواهد کرد. آن ها در پشت پرده و مخفیانه می گویند که آمریکا در دام ایران افتاده است. شناخت جدیدی که اخیرا در این کشورها اشاعه یافته بر این باور است که اگر آن ها می خواهند در مقابل تاثیرات ایران مقاومت کنند می بایست خود به صورت مستقیم وارد عمل شوند. آن ها نمی توانند منتظر تحریم های آمریکا باشند، می بایست مسئولیت خود را قبول کرده و راه حلی برای مقابله با ایران پیدا کنند. آن ها می خواهند خود با ایران مقابله کنند و دیگر منتظر مهار ایران توسط آمریکا نباشند. آن ها موفقیت رفتارهای غیرمتعارف ایران (مانند جنگ نیابتی) را دیده اند، پس به آن ها ثابت شده که باید با روش آتش در مقابل آتش با ایرانیان مقابله کنند، پس جنگ بر علیه متحدان ایران را آغاز کرده اند. شرایط آینده ممکن است حتی وخیم تر نیز باشد، جنگ های منطقه ای تبدیل به ابزارهای فرقه گرایی در خاورمیانه خواهند شد، شیعیان ایران ممکن است خواستار براندازی موقیعت گروه های سنی در منطقه خلیج و بالابردن جایگاه شیعیان در منطقه باشند و این تلاش ها به مرور زمان شفاف تر می شوند. از آنجا که این پیش بینی ها به اینجا رسیده، کشورهای منطقه خلیج بر این باورند که گروه های سنی ساکن منطقه باید تهدید ایران و متحدان شیعه ای او را بپذیرند. آن ها مشکلات فرقه ای موجود را می بینند و معتقدند ایران نیز دیدگاه یکسانی با

فارس، حوثی های یمن همواره مانند عروسک خیمه شب بازی ای هستند که توسط ایران کنترل می شود.

ایران بر این باور است که اقداماتش در منطقه مشروع بوده و کمک های ایران به سوریه و عراق برای مقابله با تروریست های منطقه بوده و در یمن نیز این کمک ها برای مقابله با نیروهای القاعده است. ایران همچنین عربستان سعودی را متهم به ظلم و ستم و تحریک افراط گرایان سنی علیه شیعیان می داند و این اقدامات عربستان سعودی را علیه منافع خود در منطقه می داند. ایران ممکن است عملکرد گذشته خود را در آینده نیز ادامه دهد و توافق هسته ای نیز به سختی می تواند مداخلات خارجی ایران را تغییر دهد. ایران برای پیشبرد اهداف خود در جامعه ی بین الملل با محدودیت های فراوانی رو به رو است اما این توافق باعث کاهش فعالیت های برون مرزی ایران نخواهد شد. اما داعش و گروه های افراطی سنی هنوز هم تهدیدی برای ایران هستند. در خاورمیانه نیز قدرت سومی برای جلوگیری از حمایت های مالی و نظامی ایران به هم پیمانانش وجود ندارد.

کشورهای عربی حوزه خلیج قطعا بر تمامی این مسائل آگاه هستند و همگی می خواهند خود در مقابل ایران قرار بگیرند. به تازگی نشستی در کمپ دیوید برگزار شد که در آن رهبران شورای همکاری خلیج فارس با اوپاما رئیس جمهور آمریکا توافقاتی در زمینه ی خرید سلاح و همکاری نظامی علیه ایران امضا کردند. پاسخ آمریکا به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نسبتا مثبت بوده اما این پاسخ همچنان با انتظارات طرف مقابل فاصله ی قابل ملاحظه ای دارد. آمریکا متعهد شده که در زمینه ی مقابله نظامی با ایران با این کشورها همکاری کند اما این امر باعث توقف تاثیر ایران در داخل این کشورها نخواهد بود. این کشورها بیش از

سوریه بوده اند، بلکه همزمان نیروهای حزب الله و شبه نظامیان عراق را نیز برای شرکت در جنگ، به سوریه آورده اند. هنگامی که داعش جنگ در عراق را آغاز کرد، اولین واکنش ایران به این اقدام ارائه مشاوره نظامی، اعزام نیرو، تامین تجهیزات و کمک های نظارتی و اطلاعاتی به دولت عراق بود. فرمانده سپاه قدس، سرلشگر سلیمانی فرماندهی نیروهای نظامی شیعیان عراق، به عنوان ارتش اصلی مبارزه با داعش شناخته می شوند، در این میان، سرلشگر سلیمانی در شبکه های اجتماعی نیز به فردی پر قدرت تبدیل شده است. ایران عمدتا کمک های مالی خود را در اختیار شبه نظامیان شیعه در عراق قرار داده است و آن ها در اثر این حمایت ها از نیروی دولتی عراق که تحت حمایت ایالات متحده هستند، پیشی گرفته و به نیروهای اصلی در مبارزه با داعش تبدیل شده اند. در یمن، عملکرد سپاه پاسداران کمرنگ تر بوده است، ولی ایران در زمینه های آموزش، تامین بودجه و تامین سلاح برای حوثی های یمن فعالیت داشته است که این گونه کمک ها ممکن است در مبارزات نیروهای حوثی با طرفداران رییس جمهور سابق این کشور، از اهمیت چندان بر خوردار نباشند. نفوذ ایران در یمن، در مقایسه با سوریه و عراق بسیار کمتر است اما برای کشورهای عربی حاشیه خلیج

برای کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، حوثی های یمن همواره مانند عروسک خیمه شب بازی ای هستند که توسط ایران کنترل می شود.

کشور گام بسیار مهمی است اما حلال تمامی مشکلات نیست و دستیابی به این توافق منجر به آرامش خاطر ایران در مواجهه با تهدیدات نظامی آمریکا خواهد شد. کاهش تحریم‌های اقتصادی نیز باعث کمک به اقتصاد ایران بوده و باعث می‌شود ایران منابع بیشتری برای رسیدن به هدف خود جهت تسلط بر منطقه در اختیار داشته باشد. اما دنبال کردن این هدف توسط ایران، احتمالاً باعث ناراحتی همسایگان ایران در منطقه خلیج فارس خواهد شد. تنها یک توافق نیز قادر نخواهد بود به پل ارتباطی میان ایران و همسایگان سنی این کشور مبدل گردد. اهداف متفاوت، سخت‌گیری‌های مذهبی و همچنین ربط دادن تمامی اشتباهات به تفکرات افراد، باعث ادامه آشفتگی‌ها در منطقه خواهد بود. این مسئله، ریشه‌ی تمامی مشکلات خاورمیانه است و تنها در میان همین مسائل میتوان راه برون رفتی برای این مشکلات پیدا کرد. برای حل این مشکلات، باید ایران و کشورهای عرب همسایه بپذیرند که سیاست‌های آن‌ها منجر به ایجاد این تعارضات در منطقه شده و نیز فرقه‌گرایی باعث ایجاد خشونت در خاورمیانه گشته است. هم چنین هر دو طرف می‌بایست در سیاست‌گذاری‌های خود عامل فرقه‌گرایی و نژاد پرستی متعصبانه را کنار بگذارند. اما کوتاه‌نظری‌های سیاسی اخیر و عدم بازخواست، دربردارنده نشانه‌هایی از تضعیف نیست. بدون توجه به موفقیت و یا عدم موفقیت در دستیابی به توافق هسته‌ای، در شرایط کنونی و با فقدان تغییرات اساسی، این توافق برای ایران و آینده‌ی منطقه خیلی مثبت و امیدوارکننده نخواهد بود.

کشورهای عرب منطقه خلیج معتقدند توافق با ایران باعث فریب آمریکا و منجر به کاهش اراده این کشور و در مقابل باعث تقویت ایران خواهد شد و پس آن‌ها نمی‌توانند بیش از این منتظر بمانند. به عنوان رقبای ایران در منطقه، این کشورهای عربی تصمیم گرفته‌اند به دخالت‌های ایران در منطقه پایان دهند. اگر پس از مذاکرات سخت و فشرده توافقی حاصل شود، آن‌ها به ناچار می‌بایست بررسی‌های موثری انجام دهند و کشورهای عربی منطقه خلیج با ابزارهای شدیدتری به مقابله با ایران خواهند پرداخت. در عربستان سعودی ما شاهد سیاست‌های شدید ضد ایرانی بوده ایم که در حمله این کشور به حوثی‌ها در یمن نمود پیدا کرده است. این اقدامات عربستان احتمالاً فقط شروعی برای مقابله با فعالیت‌های ایران در منطقه است. کشورهای عرب منطقه خلیج، احتمالاً برای مقابله با داعش خیلی مصمم نیستند و یا این که احتمالاً گروه‌های افراطی سنی را برای مقابله با ایران و متحدانش تشویق می‌کنند. این عملکردها احتمالاً باعث ادامه یافتن جنگ‌های فعلی در منطقه شده و یا باعث شروع جنگ‌های جدیدی در منطقه خواهند شد. در صورت وقوع این اتفاق، ثبات منطقه بیش از پیش دچار تزلزل خواهد شد و آمریکا نیز احتمالاً به منطقه خاورمیانه باز خواهد گشت.

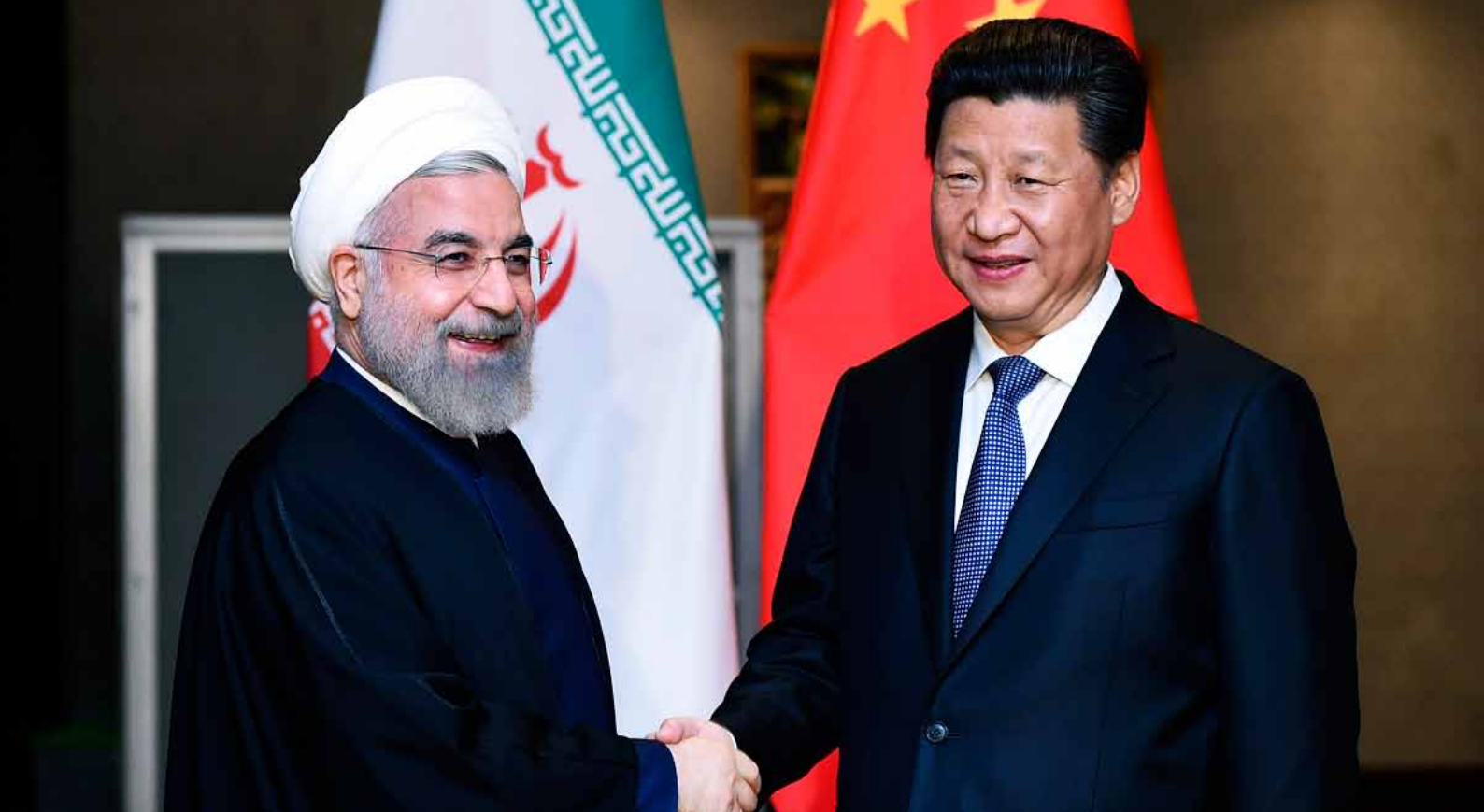
دستیابی به این توافق برای ایران، منطقه و نیز کشورهای غربی سودمند است و ارزش تمام این تلاش‌های انجام شده را دارد. از نظر ایران، حل و فصل مسئله‌ی هسته‌ای این

آن‌ها دارد. آن‌ها معتقدند تنها در صورتی که ایران سیاست‌های خود را در منطقه تغییر داده و شیعیان به موقعیت ضعیف قبلی خود باز گردند می‌توان تفکرات فرقه‌گرایی را کنار گذاشت. به عبارت دیگر، کشورهای عرب منطقه خلیج انتقاد ندارند که کاهش فرقه‌گرایی در منطقه کاری عقلانی است. گروه داعش نیز احتمالاً ناشی از یک اشتباه در منطقه بوده، اما با این حال ایران همچنان هدف اصلی است که باید مورد سرزنش قرار گیرد.

ایران به طرز فکر همسایگان عرب سنی مذهب خود اهمیتی نمی‌دهد و بر این باور است که فرقه‌گرایی سنیان خود مشکلی بزرگ است. ایران اعتقاد ندارد که سیاست‌های خود باعث تقویت افراط‌گرایی است. ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس هیچ کدام از اینکه ساختار سیاسی فرقه‌گرایانه خود بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات خاورمیانه به حساب می‌آید آگاه نیستند. ایران معتقد است که این مسایل فرقه‌گرایانه پس از پایان جنگ‌های سوریه و عراق به پایان خواهد رسید. در مقابل، کشورهای عرب نیز بر این باورند که تنها در صورت تغییر عملکرد ایران، قدرت موجود در دست گروه‌های شیعه به اتمام خواهد رسید. به هر حال، فرقه‌گرایی عامل اصلی سیاست‌گذاری در جو سیاسی فعلی خاور میانه است. در سالیان اخیر، عمده‌ی توجهات جامعه جهانی به ایران بر روی مسئله هسته‌ای این کشور متمرکز شده و جامعه جهانی به سایر فعالیت‌های ایران توجه چندانی نداشته است.

اقدامات عربستان احتمالاً فقط شروعی برای مقابله با فعالیت‌های ایران در منطقه است. کشورهای عرب منطقه خلیج، احتمالاً برای مقابله با داعش خیلی مصمم نیستند و یا این که احتمالاً گروه‌های افراطی سنی را برای مقابله با ایران و متحدانش تشویق می‌کنند. این عملکردها احتمالاً باعث ادامه یافتن جنگ‌های فعلی در منطقه شده و یا باعث شروع جنگ‌های جدیدی در منطقه خواهند شد.





مترجم
ساجده توکلی

تاریخ انتشار مقاله
۱۳۹۴/۵/۲۳

منافع چین از ایران در دوره پسا تحریم

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۲/۱۵

در رابطه با وضعیت کلی تجارت و اقتصاد چین، ایران نیازمند به حضور بیش تر و پررنگ تر در بازارهای بین المللی نفتی، افزایش میزان عرضه نفت، افزایش قدرت مهار قیمت نفت به سود کشور چین به عنوان بزرگ ترین وارد کننده نفت جهان است. به علاوه رسیدن به توافق نهایی در مسئله‌ی هسته‌ای ایران و اجرای استراتژی «یک کمربند یک جاده چین»، ارزش بسیار زیادی در راستای گسترش بیشتر روابط اقتصادی ایران و چین و افزایش روابط میان چین و خاورمیانه دارد.

اخیرا ایران به عنوان کشوری بزرگ در خاورمیانه مکررا توجه افکار عمومی را به سمت خود جلب کرده است، از یک سو، طی چند روز اخیر پس از پشت سر گذاشتن مذاکراتی دشوار، ایران در نهایت با شش کشور بزرگ آمریکا، چین، روسیه، فرانسه، انگلستان و آلمان در قالب گروه ۱+۵ در مورد چهارچوب مسئله‌ی هسته‌ای ایران به توافق رسید. از سوی دیگر، یکی از مقامات عالی رتبه وزارت نفت ایران در سفر اخیر خود به چین در رابطه با افزایش هرچه سریع تر صادرات نفت و از سرگیری پروژه‌های بزرگ چین در ایران اظهار امیدواری کرد. هم زمان ایران به عضو اصلی «بانک سرمایه گذاری آسیا» در چین نیز تبدیل شد. فرستاده ویژه چین در امور خاورمیانه طی سفر چند روز اخیر خود به ایران در مورد مسائل مربوط به استراتژی «یک کمربند یک جاده» به

بحث و گفت و گو نشست. تحت تاثیر یک سری تغییرات جدید در وضعیت بین المللی دولت‌های ایران و چین، این دو کشور پیوسته به یکدیگر نزدیک تر می شوند و به دنبال افزایش دو جانبه روابط تجاری اقتصادی، رابطه‌ی بین دو کشور صمیمی تر می گردد.

روابط خوب اقتصادی ایران و چین
کشورهای ایران و چین در طی تاریخ، همواره روابط تجاری و بازرگانی با هم دیگر داشته اند. امروزه نیز روابط سیاسی بسیار منظم و مستحکمی بین دو کشور حاکم بوده و همچنین روابط همکاری گسترده اقتصادی بین این دو کشور برقرار است. از دیدگاه کشور چین، ایران یکی از بزرگ ترین منابع واردات نفت این کشور است. میزان واردات نفت این کشور از ایران سهم ۱۰ درصدی در میان حجم کل واردات نفت چین را داراست. در سال ۲۰۱۴ حجم مبادلات چین و ایران به بالاترین میزان خود در طول تاریخ به ارزش تقریبی ۵۲ میلیارد دلار رسید. در طرح پیشنهادی «یک کمربند یک جاده» چین، ایران راهی است که لاجرم باید از آن گذشت، هم چنین ایران عضو ناظر سازمان همکاری‌های شانگهای نیز هست، هرنوع راه مواصلاتی بین شرق آسیا و اروپا اعم از راه ماشین رو، خط آهن، خطوط انتقال نفت و گاز و شبکه‌های ارتباطی همگی منجر به انتفاع ایران خواهد شد. ضمنا استراتژی «یک کمربند یک جاده» و «بانک

سرمایه گذاری آسیا» در تکمیل یکدیگر می توانند در آینده برای ایجاد زیر ساخت‌های اساسی ایران سرمایه تکمیلی فراهم کنند.

از منظر کشور ایران، چین بزرگ ترین شریک تجاری این کشور است. ایران خواستار سرمایه و حمایت فنی از سوی چین است. نخست، ایران دارای ذخایر عظیم نفتی است و امروزه در میان ده کشور بزرگ دارنده‌ی ذخایر نفتی جهان و پنج کشور صادر کننده نفت در خاورمیانه قرار دارد، این پنج کشور به ترتیب عبارتند از: عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت و امارات. در این میان میزان استخراج نفت ایران در حدود ۱۰ درصد از کل نفت جهان را شامل می شود و درآمد نفتی این کشور در حدود یک سوم در آمد کل کشور را در بر می گیرد. چین بزرگ ترین شریک تجاری ایران و نیز بزرگ ترین متقاضی نفت خام ایران است که از سال ۲۰۱۲ و با افزایش تحریم‌ها از جانب جامعه‌ی بین الملل، نیمی از حجم صادرات ایران به چین فروخته شد. علاوه بر این سایر منابع طبیعی ایران نیز بسیار حائز اهمیت هستند، سنگ آهن، آلومینیوم، مس، کروم و سلسنتین و سایر منابع معدنی یکی از زمینه‌های اصلی واردات صنایع معدنی چین هستند. شرکت سهامی ساخت و ساز فلزات غیر آهنی چین، گروه ساخت و ساز متالورژی چین و سایر صنایع بزرگ چین با ایران همکاری نزدیکی برقرار کرده اند. گرچه از نظر نسبت کلی واردات، سهم واردات

تحریم شدید علیه ایران را اجرا کردند، در این زمان وابستگی شدید اقتصادی ایران به صادرات نفت و گاز اوضاع را بدتر کرد. نرخ تورم اقتصادی داخل ایران به سرعت بالا رفته و تحریم اقتصادی به سایر زمینه‌های جامعه ایران سرایت کرد. نماینده شرکت هواپیمایی ایران در برابر رسانه‌ها اعلام کرد: به خاطر وجود تحریم اقتصادی متوسط سن ناوگان هوایی ایران بیست و یک سال است و از آن گذشته قادر به دریافت لوازم ضروری نیستیم، لذا امنیت پرواز مورد تهدید قرار گرفته است.

در حال حاضر شرایط اقتصادی داخلی ایران بسیار سخت است. از زمان انقلاب اسلامی تا به امروز طی چندین دهه ایران حدود چهار بار مورد تحریم غرب قرار گرفته است، به ویژه چهارمین دور تحریم‌ها در سال ۲۰۱۲ که شدیدترین تحریم علیه ایران تلقی می‌گردد، در آن زمان اتحادیه اروپا کشتی‌های نفتکش ایران را توقیف کرد و دارایی‌های موسسات مالی ایران همگی مصادره شدند. در سال ۲۰۱۳ و با آغاز دوره ریاست جمهوری حسن روحانی نرخ تورم داخلی به حدود ۴۰ درصد رسیده بود، شاخص رشد اقتصادی منفی بود و نرخ بیکاری تا ۱۲/۶ درصد افزایش یافت، در این حال اگر ما از رکود و تورم برای توصیف وضعیت اقتصادی ایران استفاده کنیم، اصلا اغراق آمیز نیست.

با آغاز سال‌های دهه نود، نرخ تورم در ایران همواره روند افزایشی داشته است اما تفاوت موجود با شرایط حال حاضر در این است که در اقتصاد ایران در چند سال اخیر برای اولین بار پدیده رشد منفی اقتصادی و تورم به طور هم زمان بروز کرده است. سال ۱۹۹۶ در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی گرچه نرخ تورم ایران هم چنان تا میزان ۴۹ درصد افزایش یافت اما نرخ رشد اقتصادی نیز به ۳ درصد رسید. در سال ۱۹۸۷ در زمان نخست وزیری موسوی نرخ تورم ایران به ۲۳ درصد رسید اما میزان رشد اقتصادی نیز در سطح ۹ درصد باقی ماند.

گسترش و بهبود شرایط اقتصادی کشور، ارتباط مستقیمی با جامعه و مردم دارد. هم اکنون در ایران حجم زیادی از پروژه‌های ناتمام وجود دارد، بر اساس آمارها در سرتاسر ایران بیش از سه هزار پروژه ناتمام وجود دارد که شروع مجدد و اتمام همه‌ی پروژه‌ها نیازمند حجم عظیمی از سرمایه جهت پشتیبانی از اجرای پروژه‌هاست. راهکارهای اتخاذ شده از جانب دولت روحانی نسبتاً عملی تر و امن تر هستند و تأکید بیشتری بر سرمایه گذاری برای پروژه‌های نزدیک به اتمام دارد، به این ترتیب سیاست اتخاذی دولت مشکل پروژه‌های ناتمام را تا حدودی حل خواهد

است. در ایران تعداد بسیار زیادی از ساخت‌های زیر بنایی اثری از وجود شرکت‌های چینی در خود دارند؛ به عنوان مثال آزاد راه تهران-شمال، پروژه‌ی راه آهن بین شهری مشهد، شیراز، اصفهان، تبریز، اهواز و سایر شهرهای ایران همگی نشانه‌هایی از حضور شرکت‌های چینی در خود دارند. علاوه بر این پروژه متروی تهران (یک بار به دلیل انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ به پروژه‌ای ناتمام بدل شد) که ساخت و اتمام آن را شرکت‌های چینی برعهده گرفتند باعث شد که تهران اولین شهر دارای متروی خاورمیانه شناخته شود.

در آخر، ایران به صنعت و علم و تکنولوژی چین احتیاج دارد. زیر بناهای صنعتی ایران در سطح خاورمیانه در جایگاه بسیار مناسبی قرار دارد اما در مقایسه با سطح پیشرو جهانی، بسیار ضعیف و آسیب پذیر هستند. ایران در بخش عمده‌ای از مواد اولیه و متعلقات نیازمند واردات است، اما به دلیل تحریم اقتصادی طولانی مدت دسترسی ایران برای دریافت حمایت فنی و تکنیکی از غرب محدود بوده، بنابر این چین به منبع مهم دریافت حمایت علمی و تخصصی برای ایران بدل گردیده است. در میان محصولاتی که از چین به ایران صادر گردیده بیشترین میزان مربوط به محصولات با ارزش افزوده زیاد و محتوای علمی فناوری بالاست. علاوه بر این، کمبود در صنایع اصلی ایران باعث جلب تأثیر گسترده شرکت‌های چینی در سایر بازارهای ایران شده است. ساینو تراک چین، دانگ فنگ موتور، شرکت‌های خودرو سازی چری، فاو، یوتونگ، لیفان و سایر خودروهای چینی در بازار ایران، بسیار مورد استقبال قرار گرفته است. هم چنین شرکت‌های کشتی سازی دولتی چین، شرکت کاتیک و سایر شرکت‌های چینی با ایران روابط همکاری بسیار نزدیکی دارند. وابستگی ایران به تکنولوژی و محصولات صنعتی چین پایه و اساس اصلی گسترش روابط مساعد و متداوم دو جانبه دو کشور چین و ایران در آینده است.

تنها گزینه انتخابی ایران

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، اقتصاد داخلی ایران همواره شرایط نامطلوبی داشته است. علاوه بر آن به دلیل طبقه بندی اقتصادی ناعادلانه در جامعه، مردم به شدت نیازمند اصلاحات هستند، گرچه بعد از سال‌های دهه نود، تمام دولت‌های پیشین ایران در تلاش بودند تا از طریق اصلاحات، گسترش روز به روز تضاد طبقاتی را تغییر دهند اما نتیجه این شد که هرچقدر به سمت تغییرات پیش می‌رفتند اوضاع بدتر می‌شد. سال ۲۰۰۶ آمریکا و غرب برنامه‌ی



منابع معدنی از ایران در بین میزان کلی واردات مواد معدنی چین نسبتاً کم است، اما در شرایط افزایش روز افزون تنش و کاهش منابع، واردات سنگ معدن و سایر منابع طبیعی از ایران از نظر کشور چین هنوز هم از اهمیت استراتژیک بسیار خوبی برخوردار است.

دوم، ایران به تکنولوژی نفت چین نیازمند است. ایران همواره چین را در جهت مشارکت در پروژه‌های نفت و گاز داخل کشور ترغیب کرده است. به خاطر تحریم‌های اقتصادی طولانی مدت اعمال شده بر ایران از جانب آمریکا و کشورهای غربی، ایران جهت تضمین تداوم بهره برداری از نفت خام به اکتشاف منابع جدید نفت و گاز و تکنولوژی‌های تولید نیاز مبرمی دارد. با توجه به چنین پیش زمینه‌ای، شرکت‌های همکاری بین المللی مثل؛ پتروچاینا، شرکت نفت فلات قاره چین و سایر شرکت‌های چینی در تعداد زیادی از پروژه‌های منابع نفت و گاز ایران مشارکت داشته اند. ایران هم چنین امیدوار است که کشور چین در زمینه‌ی پروژه‌های توسعه میدان‌های گازی، ساخت کارخانه، تأسیس ترمینال‌های صادرات و واردات و سایر مجموعه همکاری‌های مشترک، مشارکت بیشتری داشته باشد و برای توسعه‌ی پایدار صنعت انرژی ایران به عنوان محرک و نیروی کمکی عمل نماید.

سوم، ایران متقاضی حمایت و کمک چین در زمینه‌ی ساخت و تجهیز زیر ساخت‌های کشور



کرد.

شرایط کنونی اقتصادی ایران با شرایط بین المللی ارتباط نزدیکی دارد و اعمال تحریم اقتصادی و انزوای سیاسی از جانب جامعه بین المللی سبب رکود اقتصادی این کشور شده است؛ بنابراین لغو تحریم‌های اقتصادی جامعه بین الملل، باعث پیشرفت قابل توجه در اقتصاد ایران خواهد شد. براساس پیش بینی‌های دولت، با وجود تحریم‌های اقتصادی بین المللی، درآمد حاصل از نفت ایران ۲۲ درصد رشد خواهد داشت. در صورت لغو تحریم‌های اقتصادی، تولیدات صنعت کشاورزی طی مدت زمان کوتاهی جان دوباره خواهد گرفت. در چند سال اخیر، ارزش ریال ایران در مقابل دلار آمریکا بسیار افت داشته است و این مسئله بیان گر این است که ایران شرایط اقتصادی خوشایندی ندارد، اما این مورد برای صادرات کالای داخلی امتیاز قیمت قابل رقابت را فراهم می‌کند. منابع نفت و گاز ایران بسیار غنی بوده و بازده تولیدات صنایع فولاد و سیمان نیز رضایت بخش است. طی سالیان اخیر به خاطر تحریم‌های اقتصادی آمریکا نفت خام ایران به حد متوسط صادرات دست نیافته است لذا حجم زیادی از منابع نفت خام ایران ذخیره شده است. چنانچه جامعه بین الملل تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را لغو کند، تولیدات اقتصادی این کشور به موقعیت مناسب توسعه اقتصادی دست خواهد یافت. علاوه بر این روابط تجاری ایران با کشورهای غربی نیز فعال تر خواهد شد، میزان اعتماد تاجران و صنعتگران بالا می‌رود و وضعیت نامناسب توزیع کالا در داخل کشور نیز بهبود می‌یابد، افزایش بی وقفه قیمت کالا نیز اصلاح خواهد شد و میزان نرخ بیکاری کاهش خواهد یافت.

شرایط نامساعد اقتصادی ایران مستلزم این است که ایران در مذاکرات هسته‌ای تدابیری با ابتکار عمل بالاتر اتخاذ نماید تا بدین وسیله تحریم‌های جامعه بین المللی به ویژه تحریم‌های غرب به سرکردگی کشور آمریکا لغو گردند. اما با توجه به توافقات اخیر ایران در مورد مسئله هسته ای، ایران به خواست خود برای لغو همه جانبه تحریم‌ها دست نیافته است. در چهارچوب این توافق آمریکا و کشورهای غربی فقط کاهش تدریجی تحریم‌ها علیه ایران را پذیرفته اند، اما اجرای این عهد منوط به انجام فعالیت تصریح شده در توافق هسته‌ای است؛ چنان چه فعالیت‌های هسته‌ای ایران از سر گرفته شود، آمریکا و کشورهای غربی تحریم سخت تری علیه ایران اعمال خواهند کرد. در شرایط کنونی از یک جهت وجود رابطه

همکاری بلند مدت تجاری بین ایران و چین و از جهت دیگر، محاصره اقتصادی آمریکا و کشورهای غربی؛ اقتصاد ایران را در مورد انتخاب خارجی با محدودیت رو به رو کرده است. خصوصا در شش ماهه دوم سال گذشته قیمت جهانی نفت خام افت شدیدی داشت و سود حاصله از نفت خام ایران به طور نگران کننده‌ای روز به روز کاهش یافت. به خاطر پافشاری ایک و سایر توزیع کننده‌های اصلی بر ایجاد برنامه توزیع، هم چنین تقاضای پایین منطقه اروپا، چین و ژاپن برای انرژی، روند افزایش قیمت نفت در دوره‌ی اخیر ممکن است تنها یک دوره زودگذر رخ دهد. بنابر این ادامه‌ی همکاری اقتصادی با چین، باعث دست یافتن به سرمایه مورد نیاز برای زیر ساخت‌های اساسی از طریق پیوستن به بانک سرمایه گذاری آسیا و تحکیم همکاری با صنعت نفت چین که باعث افزایش میزان صادرات نفت خام ایران و دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته می‌شود، که تنها انتخاب استراتژیک ایران در حال حاضر است.

خطرات روابط متقابل تجاری

نکته قابل توجه این است که روابط تجاری ایران و چین در آینده ممکن است با چالش‌های بزرگی رو به رو باشد.

نخست، توسعه‌ی پایدار روابط تجاری چین و ایران اساسا از اصل عدم مرزبندی سیاسی کشور چین و هم چنین تمرکز و ملاحظات کاربردی چین بر روی منفعت رسانی به مردم از طریق توسعه‌ی اقتصادی متقابل بهره می‌برد. مسلما به این ترتیب روابط تجاری ایران و چین با آزمونی بزرگ مواجه خواهد بود، به جز مسئله‌ی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده از جانب آمریکا و کشورهای غربی که موجب شده تشکیلات اقتصادی چین در صورت تجارت با ایران با خطر سیاسی عظیمی رو برو باشند، تاثیر فضای داخلی ایران بر چین نیز نیازمند تحکیم و پیشرفت بیش از پیش است.

دوم آن که ایران و چین در طی توسعه‌ی تجارت خود در آینده ممکن است با رقابتی که ناشی از تشکیلات اقتصادی غرب است مواجه شوند. ممکن است در آینده پس از لغو تحریم‌ها، سرمایه و تکنولوژی غرب به سرعت وارد ایران شود. درحقیقت پس از روی کار آمدن روحانی چندین بار از هیت نمایندگان کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس در زمینه نفت، تاسیسات و ساخت‌های زیر بنایی، علم و فناوری جهت بازدید از ایران دعوت به عمل آمده است. ایران بیش از سی سال از جانب آمریکا و اروپا مورد تحریم واقع شده است و به طور محسوسی باعث شده تا سرمایه، امکانات

و محصولات مصرفی چین در بازار ایران رقیبی نداشته باشند. اگر حجم تحریم‌ها کاهش یابد شرایط تغییر خواهد کرد که در آن موقعیت علاقه نسبت به انتخاب ناچارانه تولیدات چین کاهش خواهد یافت و به طور ناخواسته اولویت انتخاب کالای غربی توسط مشتری ایرانی افزایش می‌یابد، حتی ممکن است که در شرایط برتری کالای چینی، مشتری هم چنان دست به انتخاب غیر منطقی بزند، در چنین شرایطی ما باید به سرعت سطح کیفیت تجارت با ایران را بالا ببریم. اگر بتوانیم به به موقع کیفیت تجارت با ایران را افزایش دهیم؛ شکست حصار تحریم‌ها برای تجارت بین ایران و چین تبدیل به یک موقعیت و انگیزه می‌شود.

به علاوه، بندر چابهار ایران ممکن است برای پروژه بندر گوادر چین-پاکستان ضربه شدیدی ایجاد کند. از شین جیانگ چین تا امتداد بندر گوادر پاکستان موقعیت جغرافیایی خطرناکی قرار دارد که مدت‌ها مورد آزار و تجاوز طولانی مدت گروهک طالبان و گروهک‌های جدایی طلب بلوچ قرار داشته است، بهبود امنیت منطقه در آینده‌ی نزدیک بعید است. در مقابل، پیش برد پروژه‌ی بندر چابهار ایران و هند امتیازات آشکاری دارد. از نظر موقعیت جغرافیایی فاصله بندر چابهار ایران تا بندر گوادر پاکستان تنها چند صد کیلو متر بوده و شرایط طبیعی بندرگاه بسیار مساعد است. جامعه‌ی ایران از نظم نسبی با ثباتی برخوردار است، تنها مسئله مواجهه‌ی ایران با حصار تحریم‌های طولانی مدت غربی هاست که باعث شده تا بندر گوادر در مقایسه با بندر چابهار برتری سیاسی داشته باشد. اگر تحریم‌ها علیه ایران برداشته شود، پس از آن پروژه بازسازی بندر گوادر توسط چین ممکن است تحت تاثیر بندر چابهار قرار بگیرد.

از نظر وضعیت کلی تجارت و اقتصاد چین، نیاز ایران به حضور بیشتر و پررنگ تر در بازارهای بین المللی نفتی، افزایش میزان عرضه نفت، افزایش قدرت مهار قیمت نفت به سود کشور چین به عنوان بزرگ ترین وارد کننده‌ی نفت جهان است. به علاوه رسیدن به توافق نهایی در مسئله‌ی هسته‌ای ایران، اجرای استراتژی یک کمر بند یک جاده چین ارزش بسیار زیادی در راستای گسترش بیش تر روابط اقتصادی ایران و چین داشته و روابط کلی تجاری چین و خاورمیانه را نزدیک می‌کند. اما در مواجهه با بروز خطرات احتمالی اقتصادی سیاسی حال و آینده، ما باید آگاه و هوشیار باشیم، مناسب ترین پیش بینی و تصمیم را داشته باشیم و قدرت بیان و توانایی رقابت خود را در روابط دو جانبه افزایش دهیم.

فرهنگ و اجتماع بخش سوم





مترجم
کیانا شیرازی

تعجب مردان چینی از قانون چندهمسری در ایران؛ تضمین مالی زن توسط مرد

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۸/۱۴

یکی از دوستان چینی من بیش از ده سال است که در ایران زندگی و کار می‌کند و سنش از چهل سال عبور کرده است، او وقت نداشت برای انتخاب همسر به چین برگردد، بین چینی‌هایی که در ایران بودند هم تقریباً دختر مجردی وجود نداشت، به همین دلیل این مسئله مدام به تعویق می‌افتاد. در چند سال اخیر تصمیم گرفت با یک دختر ایرانی ازدواج کند، دوستان و آشنایان چند نفر را به او معرفی کردند، در نهایت سال گذشته یک دختر را انتخاب کرد، من هم چندباری آن دختر را ملاقات کردم، فوق العاده زیبا بود، از نظر اخلاقی هم عالی بود و انگلیسی را هم روان صحبت می‌کرد، دوست من نیز بسیار راضی بود.

در این مدت من سرم بسیار شلوغ بود تا دیروز که ناگهان یاد این دوستم اقدام، نمی‌دانستم ازدواج کرده یا نه، فقط پارسال خبر داشتم که در حال انجام مراحل ثبت ازدواج است. با او تماس گرفتم و متوجه شدم که او هنوز در حال انجام این پروسه است! تا به حال گواهی مجرد بودن، شهادت نامه‌ی دینی و غیره بررسی و تصدیق شده و در حال حاضر در مرحله آخر به سر می‌برند و پس از ثبت می‌توانند مراسم عروسی را برگزار کنند.

در لحن او هیچ گونه خوشحالی دیده نمی‌شد، او گفت: «خواهر، انقدر سختی کشیدم که نمی‌توانم توصیف کرد!»

در حقیقت اگر نمی‌گفت هم می‌توانستم حدس بزنم، این دختر ۴ خواهر دارد که یکی از آن‌ها ازدواج کرده، پدرشان سال پیش به دلیل ناراحتی قلبی فوت کرد، دوست من آن زمان از نظر مالی حمایتشان کرد، الان که بحث ازدواج به صورت رسمی مطرح شده و آن دختر قرار است با یک شخص خارجی ازدواج کند، من حدس می‌زدم که خانواده‌ی او بیشترین منفعت مالی را طلب کنند. دوستم با اینکه بیش از ده سال در ایران کار کرده و حقوقش در چند سال اخیر افزایش یافته ولی قیمت خانه هم در این مدت چندین برابر شده و او تازه توانسته خانه‌ای اجاره و زندگی کند. معمولاً می‌گویند بعد از ازدواج خانه‌ای اجاره کرده و با هم زندگی کنید، بعد از چندین سال خانه بخرید، ولی اکنون خانواده‌ی دختر می‌گویند برای ازدواج باید خانه بخری و سند خانه را به نام دختر کنی؛ بنابراین فشار و استرس روی او خیلی زیاد است.

در ایران از سنت خواستگاری پیروی می‌کنند. معمولاً دختر و پسرهای جوان در دورهمی‌های خانوادگی همدیگر را می‌بینند، اگر دو طرف نسبت به هم احساس خوبی داشته باشند و شرایط خانواده‌ها نیز مناسب باشد، خانواده‌ی پسر می‌توانند بحث خواستگاری را پیش بکشند. در خواستگاری معمولاً باید بزرگان خانواده حضور داشته باشند. در اولین ملاقات شرایط خود را توضیح داده و درباره‌ی تصمیم‌های آینده شان صحبت می‌کنند. اگر پدر و مادر مشکلی نداشته باشند به دختر و پسر اجازه می‌دهند که باهم تنها صحبت کنند. در صورتی که باهم تفاهم داشتند می‌توانند با اطلاع خانواده‌ها سر قرار بروند، بعد از مدتی خانواده‌ها به صورت رسمی دور هم جمع شده و درباره‌ی شرایط ازدواج صحبت می‌کنند.

این جلسه‌ی بحث بسیار شبیه به مذاکرات تجاری است، بر اساس ارزش خانه و ماشینی که خانواده‌ی پسر تهیه می‌کنند، خانواده‌ی دختر موظف است تمام وسایل مورد نیاز زندگی را تهیه کند، از وسایل بزرگ مثل یخچال و تلویزیون گرفته تا وسایل کوچک مانند ظروف آشپزخانه و قاشق و چنگال، از جنس‌های خارجی گرفته تا جنس‌های ایرانی. اگر دو خانواده با هم آشنا یا فامیل باشند این روند کمی ساده تر می‌شود، اگر غریبه باشند روز خواستگاری پدر دختر با دقت شرایط خانواده‌ی پسر را بررسی می‌کند، برای مثال: میزان تحصیلات، طبقه‌ی شغلی، حقوق، تمام دارایی خانواده و مواردی از این دست، البته فقط شنیدن این توضیحات از طرف پسر کافی نبوده و برای تحقیق به محله‌ی آن‌ها رفته و از همسایه‌ها پرس و جو می‌کنند، خانواده‌ی پسر هم می‌توانند شخصی را برای تحقیق به محل زندگی دختر بفرستند.

این شرایط مخصوص ایران است و دوست من نمی‌توانست آن را درک کند، در جامعه‌ی امروزی روابط بین همسایه‌ها بسیار سرد و بی‌روح شده، وقتی هرکس فقط برف جلوی خانه‌ی خود را پارو می‌کند چطور می‌توان از حال همسایه‌های دیگر باخبر بود، اما همسایگی در ایران متفاوت است. برای تضمین مالی دختر باید درباره‌ی یک رقمی که در سند ازدواج هم نوشته می‌شود بحث کرد که نام آن «مهریه» است، یک تضمین مالی است که پسر به دختر می‌دهد و رقم آن هم کم نیست.

در ایران معمولاً برای مهریه از سکه طلا استفاده می‌شود که این مبلغ هنگام طلاق توسط دادگاه قسط بندی شده و پسر باید پرداخت کند. هر سکه حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار قیمت دارد. در حال حاضر دخترها معمولاً ۵۰۰ سکه درخواست می‌کنند، برخی هم بر اساس سال تولدشان تصمیم می‌گیرند؛ برای مثال اگر در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی متولد شده باشد، ۱۳۵۸ سکه درخواست می‌کند. خوشبختانه براساس سال میلادی سکه تعیین نمی‌کنند و گرنه تعداد سکه‌ها چندصد برابر می‌شد. مهریه را نمی‌توان همیشه مطالبه کرد، تنها هنگام طلاق زن می‌تواند مهریه خود را طلب کند و چون رقم آن نسبتاً بالاست معمولاً قسط بندی می‌کنند، هر ماه براساس حقوق مرد، باید سکه نیم بهار یا یک یا دو سکه بهار آزادی پرداخت کند.

گفته می‌شود برخی از دخترها از این شرایط سوءاستفاده کرده و از آن به عنوان روشی برای فریب دادن پسر استفاده می‌کنند. من درباره‌ی چنین دختری شنیده‌ام که تاکنون سه بار ازدواج کرده، هر دفعه بعد از ۶ ماه شروع به بد رفتاری می‌کند به طوری که مرد ترسیده و خود بحث طلاق را پیش می‌کشد، مشتاقانه خانه را به نام زن کرده یا کل مهریه را درجا پرداخت می‌کند تا هرچه زودتر از این دردسر خلاص شود. زن پس از گرفتن مهریه اسباب کشی کرده و دنبال شخص دیگری می‌گردد، زیرا برای خانم‌ها پول جذابیت می‌آورد، جذب مردان دارای قدرت مالی به عنوان خواستگار هم به یک کسب و کار موفق تبدیل شده است. نامزد دوست من هم از او خواسته خانه بخرد؛ در این صورت حاضر است ۵۰۰ سکه مهریه را لغو کند.

همسر من پس از شنیدن این موضوع گفت به نظر می‌رسد خانواده‌ی دختر خیلی زیرک باشند، وقتی خانه فوراً به اسم دختر شود، مهریه امر غیر قابل دسترسی به نظر نمی‌رسد، حتی اگر طلاق بگیرند هم نمی‌توانند فوراً کل مهریه را بگیرند. او گفت تا به دوستم هشدار دهم که درباره‌ی خانواده‌ی دختر تحقیقات کامل و جامعی انجام دهد. من فکر می‌کنم اکنون که تا مرحله‌ی ثبت ازدواج پیش رفته، قبل از آن حتماً به طور کامل بررسی کرده است. من برای او آرزوی خوشبختی و شادکامی دارم.



تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۵/۱۸

خواسته‌های عجیب دختران ایرانی از همسران چینی

تاریخ انتشار مقاله
۱۳۹۴/۵/۲۳

مترجم
عطالته حسین پور



ازدواجی داشته اند، چنانچه قصد ازدواج مجدد داشته باشند، با مشکلاتی روبرو گشته و احتمالا قادر به ازدواج مجدد نخواهند بود. چند سال پیش در تهران، مردی چینی در هنگام رانندگی به علت بی دقتی با یک خانم مسن تصادف کرد. آن خانم درخواست خسارت نکرده و به بیمارستان نیز نرفت، بلکه تنها خواسته‌ی او از مرد چینی انتخاب یکی از دو دختر مجرد او و در آینده آل ترین حالت هر دو دختر او برای ازدواج بود. مرد چینی مدت‌ها گرفتار این مسئله بود و در نهایت توانست به ماجرا پایان دهد. در ایران، فاصله‌ی طبقاتی افراد فقیر و ثروتمند نسبتاً زیاد است. خصوصی شدن زمین‌ها و املاک، باعث افزایش قیمت خانه‌ها شده است. قیمت هر متر مربع خانه در تهران ۷۰ الی ۸۰ هزار یوان بوده و به علت وقوع جنگ و اعمال تحریم‌ها توسط غرب در طی سی و چند سال اخیر توسعه‌ی چندانی نداشته و ساختمان‌های نوساز به ندرت دیده می‌شوند. قوانین ایران بسیار سخت گیرانه است؛ راهنمای تور به ما گفت در ایران دزد وجود ندارد؛ چرا که در صورت دستگیر شدن، دست یا انگشت او را قطع می‌کنند و این باعث می‌شود که پس از آن در تمام طول زندگیش، در میان مردم به عنوان یک دزد شناخته شود. زنان ایرانی مورد تبعیض بسیار قرار می‌گیرند. آن‌ها نمی‌توانند به تنهایی بیرون بروند، هنگام بیرون رفتن باید چادر سیاه بپوشند و زنان شاغل نیز موظفند لباس‌های نسبتاً گشاد بر تن کنند. همچنین موها و اندام بدن باید پوشیده باشند. آن‌ها نمی‌توانند با مردان تماس فیزیکی داشته

ایرانی عموماً با دختران کوچک تر از خود ازدواج می‌کنند، احتمالاً یک میلیون و دویست و پنجاه هزار دختر فرصت ازدواج را از دست خواهند داد. بر اساس گفته‌های رسانه‌های ایران، حتی اگر تمامی مردان ایرانی نیز ازدواج کنند باز هم بیش از یک میلیون از دختران ایرانی ناگزیر خواهند بود تا پایان عمر مجرد باقی بمانند. بنابراین، در ایرانی که زنان اساساً جایگاه بالایی ندارند، پسران از مزیت‌های بسیار بیشتری برخوردارند. پسرها قادرند به راحتی دوست دختر انتخاب کنند و حتی اگر همزمان با چند دختر دوست باشند نیز سرزنش چندانی متوجه آنان نخواهد بود. زنان در خانه نیز از حق تصمیم گیری برخوردار نیستند و حتی برای به تنهایی مسافرت رفتن نیز تنها پس از دریافت اجازه‌ی همسر می‌توانند برای خرید بلیت هواپیما یا قطار اقدام کنند. طبق قوانین ایران، هر مرد می‌تواند چهار همسر اختیار کند، با این حال در بعضی از مناطق دورافتاده، ازدواج یک مرد با بیش از ده زن نیز اتفاق تازه‌ای محسوب نمی‌شود. علاوه بر این، یک الگوی ازدواج قراردادی خاص دیگر تحت عنوان ازدواج موقت نیز وجود دارد که در حقیقت یک نوع قرارداد هم خانگیست. بدین ترتیب که مرد و زن با مراجعه به وکیل یک قرارداد ازدواج بدون محدودیت زمانی مشخص امضا می‌کنند و هر یک از طرفین بدون نیاز به مراجعه به دادگاه می‌توانند در زمان دلخواه قرارداد مذکور را فسخ نمایند. هر چند این نوع ازدواج در نگاه اول عادلانه به نظر می‌رسد، اما در حقیقت، زنان مطلقه و یا دخترانی که چنین

در کشور ایران، بین مرد و زن تفاوت‌هایی وجود دارد. برای مثال در بخش گیت‌های بازرسی، مسیری ویژه به بانوان اختصاص داده شده، در متروها واگن مخصوص و در مساجد فضایی جداگانه مختص زنان وجود دارد، هم چنین در باشگاه‌های ورزشی ساعت تمرین خانم‌ها و آقایان متفاوت است. از آن جایی که ایران یک کشور اسلامی است، دیدگاه تفاوت دختر و پسر بسیار حائز اهمیت است. در بحث ازدواج، دختران اغلب واقع بین هستند. بسیاری از دختران در پاسخ به این سوال خبرنگار مینی بر اینکه: «اگر مردی عاشق شما و خانواده تان بوده و هم چنین خوش قیافه و با شخصیت باشد اما تنها از وضع مالی خوبی برخوردار نباشد، آیا مایلید با او ازدواج کنید؟» بدون درنگ پاسخ منفی دادند. با وجود اینکه بسیاری از دختران ایرانی پیدا کردن شغل را به کناری انداخته و تنها به دنبال یافتن یک همسر خوب هستند، واقع بین بودن موجب شده تحقق یافتن این آرزو بسیار دشوارتر از آنچه که به نظر می‌رسد، باشد. جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، موجب شد ایران قریب به ششصد هزار نفر از پسران جوان و نوجوان خود را از دست بدهد. پس از پایان جنگ، توازن نسبت تعداد مردها و زن‌ها شدیداً بر هم خورد. طبق گزارشی از سازمان جوانان کشور ایران، در حال حاضر، تعداد زنان رده‌ی ۲۰ الی ۲۹ سال، شش میلیون و دویست هزار نفر و تعداد مردان رده‌ی ۲۵ الی ۳۴ سال، تنها چهار میلیون و هشتصد هزار نفر است. علاوه بر این، از آنجایی که بر طبق عرف، پسران

و نمی‌توانند به راحتی و بدون توجه سوار هر ماشینی شوند. اگر رابطه‌ی نامشروع میان یک مرد و زن ثابت شود، مرد به دار آویخته شده و زن نیز در حالی که تا گردن در زمین دفن شده است، سنگسار می‌شود. بر اساس شنیده‌ها زن‌های ایرانی در خانه لباس‌های برندهای معروف را می‌پوشند، آواز می‌خوانند، می‌رقصند و انجام کارهای مدرن امروزی را پذیرفته‌اند. مردهای ثروتمند ایرانی ممکن است با چهار زن ازدواج کنند اما در برابر هر چهار همسر باید عدالت را رعایت نمایند، با این حال به محض طلاق گرفتن مرد تمامی سرمایه‌ی خود را از دست خواهد داد.

کریم، تاجر لوازم خانگی با مریم که آرایشگر است در خیابان خیلی صمیمی دست یکدیگر را گرفته و قدم می‌زنند و مانند یک زوج واقعی با هم صمیمی هستند ولی در واقع این گونه نیست. آن‌ها به واسطه صیغه با یکدیگر ارتباط دارند و مدرک ازدواج خود را نیز به همراه دارند و این گونه آن‌ها می‌توانند با یکدیگر بیرون بروند، یکدیگر را در آغوش بگیرند و به هم محرم باشند.

اگر برخی افراد کنجکاو رابطه‌ی آن‌ها را به پلیس گزارش دهند و یا پلیس از آن‌ها راجع به رابطه‌شان سوال کند، آن‌ها می‌توانند با نشان دادن مدرک ازدواج، مشکل را حل کنند، ولی اگر زن و شوهر نباشند و یا بدون داشتن صیغه نامه در خیابان دست در دست هم راه بروند، بازداشت می‌شوند و شلاق می‌خورند، در صورتی که زن و مرد مرتکب زنا شده باشند آن‌ها را سنگسار می‌کنند.

البته، ایران برای ازدواج موقت قوانین صریحی دارد، طبق این قوانین زن باید بیوه یا مطلقه باشد. اگر دختر، ازدواج نکرده باشد باید حتما رضایت پدر را جلب کند و مردان چه مجرد و چه متاهل نیازی به رضایت پدر و مادر ندارند. پس از رضایت طرفین، زن و مرد می‌توانند زمان ازدواج را تعیین کنند، مرد بهای زن (مهریه) را پرداخت کند و طرفین عقدنامه را امضا کنند. پس از آن زن و مرد با در درست داشتن شناسنامه و عکس به دفتر ثبت ازدواج مراجعه می‌کنند و ازدواجشان

را ثبت می‌کنند، سپس به مسجد می‌روند و یک روحانی را شاهد ازدواج خود می‌گیرند و پس از برگزاری یک مراسم ساده همسر قانونی

همدیگر می‌شوند. این نوع ازدواج می‌تواند تا ده‌ها سال ادامه پیدا کند و برای تمدید شدن تنها به رضایت طرفین نیاز دارد.

یکی از دوستان چینی من بیش از ده سال در ایران زندگی کرده است، وی هم اکنون وارد چهل سالگی شده و مشکل ازدواج او همچنان حل نشده باقی مانده است. او برای بازگشت به کشور و یافتن همسر وقت ندارد، همچنین تعداد دختران مجرد چینی که در ایران زندگی می‌کنند، بسیار کم است و این باعث تاخیر در ازدواج او گشته است.

چند سال پیش وی تصمیم گرفت که با یک دختر ایرانی ازدواج کند. دوستان و اطرافیان، تعدادی دختر به او معرفی کردند و او سرانجام سال پیش تصمیم خود را عملی ساخت. دختری که انتخاب کرده بود را من قبلاً چندبار دیده بودم، او دختر زیبایی بود و برخلاف اکثر دختران ایرانی، آرایش نمی‌کرد و حتی رژ لب هم نمی‌زد، بسیار روان انگلیسی صحبت می‌کرد و انسان سخاوتمند و بخشنده‌ای بود و بدین ترتیب قلب

دوست من سرشار از رضایت شده بود. اخیراً سرم بسیار شلوغ بود به یکباره به یاد دوستم افتادم. نمی‌دانستم او ازدواج کرده است یا خیر، چرا که من تنها اطلاع داشتم که او مدت هاست مشغول فراهم کردن مقدمات ازدواج است و اکنون نزدیک به یک سال از آن زمان می‌گذرد، بنابراین با او تماس گرفتم. او همچنان در حال پیگیری مراحل ثبت ازدواجش بود. پیش از ثبت ازدواج تمامی مدارک از جمله گواهی تجرد، گواهی تشریف به دین اسلام و غیره باید به صورت محضری و رسمی تأیید گردند. در حال حاضر او در حال گذراندن آخرین مرحله‌ی این کار است و پس از ثبت رسمی مدارک، می‌تواند جشن عروسی خود را برگزار کند.

دوستم با لحن نه چندان خوشحالی گفت: «خواهر، چیزهایی هست که در حال حاضر نمی‌توانم در مورد آن‌ها صحبت کنم، مسائل بسیاری وجود دارد که نمی‌توانم بگویم!»

من خیلی برای گفتن این مسائل به او اصرار نکردم چرا که بدون این که او چیزی بگوید هم می‌توانستم حدس بزنم. این دختر چهار خواهر و برادر داشت، یکی از خواهران او پیش از این ازدواج کرده بود و پدرش سال پیش به علت عارضه‌ی قلبی از دنیا رفت. دوست من از نظر مالی به خانواده‌ی آن



ایرانی که متولد سال ۱۳۵۸ است، ۱۳۵۸ سکه به عنوان مهریه تقاضا می‌کند. جای شکرش باقیست که ایرانی‌ها از تقویم میلادی استفاده نمی‌کنند، در غیر این صورت معلوم نبود چند صد سکه به این تعداد اضافه می‌شد!

در اغلب ازدواج‌ها، مهریه تنها یک رسم محسوب شده و بسیار به ندرت پرداخت می‌شود. زن تنها در هنگام طلاق، مهریه اش را از مرد مطالبه می‌کند. از آن جا که میزان مهریه زیاد است به طور معمول قسط بندی می‌شو و هر ماه از یک نیم سکه تا یک یا دو سکه با توجه به میزان درآمد مرد، پرداخت می‌شود.

زنانی نیز وجود دارند که از این موضوع به عنوان حربه‌ای برای به دام انداختن مردان استفاده می‌کنند. در ارتباط با این مسئله شنیده‌ام که زنی سه بار ازدواج کرده است و هر بار پس از گذشت شش ماه از ازدواج، تظاهر به دیوانگی نموده و مرد نیز از شدت ترس با طلاق موافقت می‌کند، سپس خانه را به نام او کرده یا مهریه اش را تمام و کمال می‌پردازد تا از دست او خلاصی یابد. زن پس از برداشتن اموال خود، خانه را ترک می‌کند و سپس به دنبال سوژه‌ی بعدی می‌گردد و از آن جا که ثروتمند بودن جذابیت می‌آورد، به راحتی مردان موفق و ثروتمند را جذب می‌کند.

همسر دوستم به عنوان مهریه از او تقاضای خانه کرده است و برای این موضوع حاضر است ۵۰۰ سکه مهریه‌ی قبلی خود را به صورت محضری لغو نماید. لائو هو به خوبی از این زیرکی همسرش آگاه است، زیرا خانه به سرعت جزو اموال و دارایی او می‌گردد اما مهریه ممکن است هیچ گاه به او پرداخت نشود. اگر در آینده طلاق بگیرند نیز مهریه به صورت یکجا به او تعلق نخواهد گرفت. لائو هو از من درخواست کرد که شخصی را برای یک تحقیق جامع و گسترده از خانواده‌ی دختر مأمور کنم اما من معتمد او پیش از انجام مراحل ثبت ازدواج باید بررسی‌های لازم را انجام می‌داد.

آشنا باشند، مراحل آشنایی و گفتگو راحت تر انجام می‌پذیرد. در غیر این صورت خانواده‌ی دختر تعداد و زمان ملاقات‌ها را افزایش می‌دهند تا بتوانند با شرایط پسر مانند نحوه رفتار، شغل، درآمد، دارایی‌ها و موارد دیگری از این قبیل بیشتر آشنا شوند.

تنها شنیدن توضیحات پسر کافی نیست و خانواده‌ی دختر به محل زندگی پسر مراجعه کرده و از طریق اهالی محل و همسایگان درباره‌ی او تحقیق می‌کنند. خانواده‌ی پسر نیز از طریق فرستادن افرادی به محل زندگی دختر درباره‌ی او تحقیق می‌نمایند.

این موضوع بسیار رایج در بین ایرانیان، برای بسیاری از دوستان قابل درک نیست. آن‌ها معتقدند در جوامع امروزی که همسایه‌ها هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند و همه درگیر زندگی و مسائل خود هستند، چه کسی از اوضاع و شرایط همسایه اش مطلع است؟ در پاسخ به این سوال باید در نظر گرفت در ایران همسایگان این گونه نیستند.

در ازدواج اسلامی، به منظور حفظ منافع اقتصادی زن، یک مسئله‌ی مهم و ناگزیر از بحث که باید به صورت واضح در عقد نامه ثبت گردد، «مهریه» نام دارد. مهریه در واقع مبلغی پول یا یک دارایی با ارزش است که پسر به منظور حمایت مالی از دختر به او می‌دهد. اکثر ایرانیان سکه‌ی طلا را به عنوان مهریه در نظر می‌گیرند. دختر می‌تواند در طول مدت زمان تأهل مهریه‌ی خود را مطالبه کند (حال آن که این موضوع به ندرت مشاهده می‌گردد).

در بیشتر مواقع زمانی که دو نفر طلاق می‌گیرند، مهریه توسط دادگاه قسط بندی می‌شود. قیمت یک سکه‌ی طلا حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ دلار است و امروزه مهریه‌ی دختران به طور معمول حدود ۵۰۰ سکه است. هم چنین بعضی دختران از سال تولد خود برای تعیین مهریه استفاده می‌کنند. برای مثال یک دختر

دختر کمک می‌کند. من گمان می‌کنم حالا که زمان صحبت‌های اصلی ازدواج فرا رسیده است، از آن جا که دوست من یک فرد خارجیست، دختر قصد دارد بیشترین منفعت مالی را به دست آورد.

اگر چه دوست من بیش از ده سال است که در ایران کار می‌کند، اما حقوق او تنها چند سال است که افزایش قابل توجهی یافته، اما از سوی دیگر قیمت خانه در تهران نیز چندین برابر گشته و بنابر این او هم چنان اجاره نشین است. به طور معمول بنا بر این است که پس از ازدواج، برای مدتی در خانه‌های اجاره‌ای زندگی کرده و پس از گذشت چند سال خانه می‌خرند. اما هم اکنون خانواده‌ی دختر مسئله‌ی ضرورت خریدن خانه در ابتدای ازدواج را مطرح نموده‌اند. علاوه بر آن، خانه نیز باید به نام دختر گردد (چرا که اتباع خارجی حق برخورداری از اموال غیر منقول را ندارند). بنابر این تصور میزان فشاری که این مسائل بر دوست من وارد می‌کند، آسان است.

در حال حاضر در ایران، ملاقات دختر و پسرهای غریبه عرف محسوب نمی‌شود. دختر و پسرهای جوان معمولاً در مهمانی‌ها و مناسبت‌های خاص یکدیگر را می‌بینند و اگر از هم خوششان آمد و از نظر پیشینه‌ی خانوادگی با یکدیگر متناسب باشند، پسر به خواستگاری دختر می‌رود و این در حالیست که عموماً والدین دو طرف نیز آن‌ها را همراهی می‌کنند. ملاقات اول عموماً به شرح و معرفی اهداف زندگی آینده و شرایط طرفین می‌گذرد و در صورتی که والدین دو طرف مشکلی نداشته باشند به دختر و پسر اجازه داده می‌شود که مدتی به تنهایی صحبت کنند. اگر به تفاهم برسند، می‌توانند با آگاهی خانواده‌ها، با یکدیگر ملاقات داشته باشند. پس از آن در زمان مناسب، والدین به طور رسمی درباره‌ی شرایط ازدواج با یکدیگر صحبت می‌کنند.

این گفتگو بسیار شبیه به مذاکرات تجاریست، بر اساس توان خانواده‌ی پسر برای فراهم آوردن ماشین و مسکن در مقابل خانواده‌ی دختر نیز وسایل مورد نیاز زندگی را فراهم می‌کند، از وسایل بزرگ مانند یخچال و تلویزیون تا وسایل کوچکی چون کاسه و ملاقه و قاشق و ماهیتابه، داخلی و خارجی در انواع و اقسام گوناگون باید فراهم گردد. اگر دو خانواده با یکدیگر





تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۱۲/۲

مترجم
لادن حبیبوند



سطح جدیدی از قوانین عجیب و غریب در ایران؛

هر رابطه عاشقانه‌ای بین دختر و پسر نیاز به سند و مدرک دارد.

شوهر نباشند و یا بدون داشتن صیغه نامه در خیابان دست در دست هم راه بروند، بازداشت می‌شوند و شلاق می‌خورند، در صورتی که زن و مرد مرتکب زنا شده باشند آن‌ها را سنگسار می‌کنند.

البته، ایران برای ازدواج موقت قوانین صریحی دارد، طبق این قوانین زن باید بیوه یا مطلقه باشد. اگر دختر، ازدواج نکرده باشد باید حتما رضایت پدر را جلب کند و مردان چه مجرد و چه متأهل نیازی به رضایت پدر و مادر ندارند. پس از رضایت طرفین، زن و مرد می‌توانند زمان ازدواج را تعیین کنند، مرد بهای زن (مهریه) را پرداخت کند و طرفین عقدنامه را امضا کنند. پس از آن زن و مرد با در درست داشتن شناسنامه و عکس به دفتر ثبت ازدواج مراجعه می‌کنند و ازدواجشان را ثبت می‌کنند، سپس به مسجد می‌روند و یک روحانی را شاهد ازدواج خود می‌گیرند و پس از برگزاری یک مراسم ساده همسر قانونی همدیگر می‌شوند. این نوع ازدواج می‌تواند تا ده‌ها سال ادامه پیدا کند و برای تمدید شدن تنها به رضایت طرفین نیاز دارد.

ایران کشوری با حکومت دینی است، در مقایسه با کشورهای سنی مذهب زنان ایران محدودیت‌های کمتری دارند، به طور

رافسخ کنند.

این روش در نگاه اول منصفانه به نظر می‌آید اما درحقیقت زنی که از چنین رابطه‌ای بیرون می‌آید و یا در کل سابقه ازدواج را داشته باشد احتمال کمی وجود دارد که بتوانند دوباره ازدواج کند. در سال‌های اخیر به دلیل وضعیت بد اقتصادی ایران، افزایش آمار طلاق و موانع موجود بر سر راه جوانان در ازدواج، تمایل به ازدواج موقت افزایش پیدا کرده است.

مراحل انجام ازدواج موقت بسیار ساده است. کریم، تاجر لوازم خانگی با مریم که آرایشگر است در خیابان خیلی صمیمی دست یکدیگر را گرفته و قدم می‌زنند و مانند یک زوج واقعی با هم صمیمی هستند ولی درواقع این گونه نیست. آن‌ها به واسطه صیغه با یکدیگر ارتباط دارند و مدرک ازدواج خود را نیز به همراه دارند و این گونه آن‌ها می‌توانند با یکدیگر بیرون بروند، یکدیگر را در آغوش بگیرند و به هم محرم باشند.

اگر برخی افراد کنجکاو رابطه‌ی آن‌ها را به پلیس گزارش دهند و یا پلیس از آن‌ها راجع به رابطه شان سوال کند، آن‌ها می‌توانند با نشان دادن مدرک ازدواج، مشکل را حل کنند، ولی اگر زن و

از زمان‌های گذشته، هر زنی پس از ازدواج متعلق به همسر خویش به حساب می‌آید و در روابط بین زن و شوهر کارهایی همچون گرفتن دست همدیگر و بغل کردن امری رایج و تغییر ناپذیر است، اما ایرانی‌ها سنت عجیبی دارند و اگر مرد و زنی بخواهند یکدیگر را ببوسند یا در آغوش بگیرند باید سند ازدواج داشته باشند در غیر این صورت مجرم تلقی شده و دستگیر خواهند شد. اما دلیل آن چیست؟ آیا دختر و پسر جوانی که به یک دیگر علاقه مند هستند در ملاقات با یکدیگر حتی نمی‌توانند دست یکدیگر را بگیرند؟

ایران کشور مسلمان‌های شیعه است و در امر ازدواج همچون کشورهای سنی مذهب است. طبق قوانین ایران یک مرد می‌تواند ۴ همسر داشته باشد و در برخی مناطق دور افتاده افزایش این رقم تا ده‌ها زن نیز چیز تازه و عجیبی نیست. علاوه بر این، شکل دیگری از ازدواج در ایران وجود دارد که در واقع نوعی هم‌خانگی قانونی است. در این نوع از ازدواج زن و مرد قرارداد ازدواج را برای مدتی نامشخص نزد وکیل امضا می‌کنند و حتی نیازی نیست که به دادگاه مراجعه کنند و درواقع هر زمان که مایل باشند می‌توانند قرارداد ازدواج



مثال زنان، تنها چادر یا مانتو می‌پوشند و از روبند استفاده نمی‌کنند، ولی در مورد دخترهایی که هنوز ازدواج نکرده‌اند سخت‌گیری بیشتری به خرج داده می‌شود. پدر و مادر شدیداً دختران مجرد خود را کنترل می‌کنند و به آن‌ها اجازه نمی‌دهند هر زمان که بخواهند جنس مخالف را ملاقات کنند، آن‌ها نمی‌توانند با هر مردی دست بدهند. اگر پدر و مادر موافق نباشند آن‌ها اجازه ندارند دوستی از جنس مخالف داشته باشند. در مدرسه معلمان مرد نمی‌توانند به دخترهای بالای ۱۰ سال درس بدهند و همچنین معلمان زن نیز نمی‌توانند در مدرسی که پسرهای بالای ۱۰ سال هستند تدریس کنند. در بیمارستان‌ها برای مردان و زنان درهای مجزایی برای ورود و خروج زنان و مردان طراحی شده است. در اتوبوس مرد و زن از هم جدا هستند، مردها در قسمت جلویی و زن‌ها در قسمت عقب اتوبوس می‌نشینند.

در ایران، حتی عده‌ای از وکلای محافظه کار ضمن بیان صریح دیدگاه خود در مورد ازدواج موقت این سوال را مطرح می‌کنند که اشکال ازدواج موقت چیست؟ ازدواج موقت بسیار بهتر از زنا کردن است. کسانی که قاطعانه از این قانون حمایت می‌کنند حتی بر این باور هستند که از آن جایی که ازدواج موقت همگام با قانون است پس فرزند حاصل از این رابطه هم مانند فرزند خانواده‌های عادی است و می‌تواند از سایر حقوق قانونی مانند ارث پدری بهره‌مند شود.

در حال حاضر جمعیت جوانان زیر ۲۵ سال ایران، ۶۵ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می‌شود در حالی که تعداد قابل توجهی از آن‌ها شغلی ندارند و بسیاری از آن‌ها توانایی مالی لازم برای ازدواج را ندارند ازدواج موقت راه حل خوبی برای رفع مشکلات روابط جنسی بین جوانان است.

امروزه عده‌ای از فمینیست‌های ایران، روحانیون و دولت‌مردان به شدت از ازدواج موقت حمایت می‌کنند. آن‌ها بر این عقیده هستند که در حال حاضر جمعیت جوانان زیر ۲۵ سال ایران، ۶۵ درصد از جمعیت کل کشور را شامل می‌شود در حالی که تعداد قابل توجهی از آن‌ها شغلی ندارند و بسیاری از آن‌ها توانایی مالی لازم برای ازدواج را ندارند ازدواج موقت راه حل خوبی برای رفع مشکلات روابط جنسی بین جوانان است.

البته عجیب نیست که در ایران تعداد زیادی از مردم ازدواج موقت را مورد انتقاد قرار می‌دهند، آن‌ها بر این باور هستند این کار، محدوده‌ی چهار همسری که اسلام برای مردان تعیین کرده است را در هم می‌شکند و این باعث می‌شود گروهی از مردهای خوش‌گذران برای رسیدن به اهداف خود آزادی عمل داشته باشند و به هر تعداد که بخواهند همسر اختیار کنند. چنین قوانینی ارزش‌های اخلاقی را زیر سوال برده و به جامعه و حریم خانواده آسیب‌های زیادی وارد کرده‌اند.

نویسنده‌ی مشهور یکی از مجلات زنان ایران تعدادی از فواید ازدواج را اینگونه برشمرده است:

۱. باعث آزادی بیشتری در روابط بین جنس زن و مرد می‌شود.
۲. زن و مرد اجازه دارند از راه قانونی نیازهای جنسی خود را برطرف کنند.
۳. وقت فراغت جوانان کمتر می‌شود، در نتیجه آمار مزاحمت‌های خیابانی کاهش می‌یابد.
۴. باعث می‌شود تا تعصب بی‌جا از سمت خانواده نسبت به دخترهای باکره رفع شود.

جوانی که تمایلی به افشای نام خود نداشت به خبرنگار ما گفت، او امسال ۲۳

ساله شده است، اگر بخواهد با زنی ازدواج موقت کند و بعد از سه سال با او قطع رابطه کند و به دنبال دختر دیگری برای ایجاد رابطه برود آیا دیگران این کار را از او می‌پذیرند؟ او همچنین گفت، بر اساس درک او، بخش اعظمی از مردان مایل به تشکیل خانواده با زنی که تجربه ازدواج موقت داشته نیستند، جدای از اینکه اصلاً مایل نیستند پدر فرزندی شوند که از ازدواج موقت به دنیا آمده است.



کارگردان ایرانی برنده خرس طلایی چرا تبدیل به تابو شده است؟



مترجم
کیمیا معلمی

تاریخ انتشار مقاله
۲۰۱۵/۲/۱۸

تصادفی به نظر می‌آید، بر بستر اتفاقاتی در هم تنیده و متصل به هم رخ می‌دهد: اولین کسانی که سوار ماشین می‌شوند یک خانم معلم و یک مرد جوان هستند که به بحث درباره‌ی یکی از موضوعات جامعه‌ی ایران می‌پردازند، سپس یک سی دی فروش سوار ماشین می‌شود که او با یک نگاه، راننده که جعفر پناهی است را می‌شناسد، کمی جلوتر تاکسی با یک صحنه تصادف روبرو می‌شود و زن که بی‌قرار است، همسر غرق در خونش را سوار تاکسی می‌کند، تاکسی جلوی بیمارستان، مسافران آسیب دیده را پیاده می‌کند و به راه خود ادامه می‌دهد، در راه مدام با افراد جدیدی چون دختر بچه‌ای که فیلم‌سازی می‌خواند، دو پیرزن که تنگ ماهی قرمز در دست دارند، همسایه‌ی قدیمی، پسرک آشغال جمع کن، شریک پیشین و غیره روبرو می‌شویم، وسط راه، تاکسی خواهرزاده‌ی جعفر پناهی که از مدرسه مرخص شده است را نیز سوار می‌کند. گپ و گفت‌های کوتاه مسافران با راننده گاهی باعث خنده و گاهی باعث به فکر فرو رفتن مخاطب می‌شود، در نهایت پناهی و خواهرزاده‌اش برای پس دادن کیف پول پیرزن که در ماشین افتاده بود از ماشین پیاده می‌شوند، زمانی که ماشین خالی می‌شود، ماشین توسط دزدهای موتورسوار مورد سرقت قرار می‌گیرد و در حین سرقت، لنز دوربین داخل ماشین که در حال فیلم برداری است ناگهان سیاه می‌شود و این گونه فیلم پایان می‌یابد. به دلیل این که فیلم غیر قانونی ساخته شده، به جز شخص کارگردان، اسامی هیچ یک از عوامل فیلم و بازیگران در تیتراژ فیلم نشان داده نمی‌شود که این کار نیز تدبیر کارگردان برای حفاظت از عوامل فیلم است.

کسب کند. جعفر پناهی به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی به ۶ سال حبس تعزیری و ۲۰ سال ممنوعیت از فیلمسازی، فیلم نامه نویسی، مصاحبه و خروج از کشور محکوم گردید. با همه‌ی این سختی‌ها او همچنان اصرار به ساخت فیلم دارد. برخی از چهره‌های سینمایی موفق ایران مانند: محسن مخملباف کارگردان فیلم «قندهار» و مجید شهابی کارگردان فیلم «من در ایران بزرگ شده‌ام» وطن را ترک کرده‌اند، اما وطن همواره هسته‌ی فیلم‌سازی آن‌هاست. «ممکن است بتوانید یک ایرانی را از کشورش دور کنید، ولی هرگز نمیتوانید یاد کشورش را از قلبش پاک کنید».

پناهی قصد ترک ایران را ندارد و امیدوار است بتواند در ایران فیلم‌سازی کند. با اینکه از سال ۲۰۰۶ به بعد دولت بارها درخواست‌های فیلم‌سازی او مثل «هزار خورشید تابان» را رد کرده است، پناهی می‌گوید: «من کارم را متوقف نکرده‌ام، من با فیلم‌سازی زنده‌ام».

«تاکسی» چگونه فیلمی است؟

فیلم تاکسی یک ایده نو و بسیار صادقانه دارد: جعفر پناهی شخصاً در فیلم نقش راننده تاکسی را بازی می‌کند و راننده‌ای است که در خیابان‌های تهران مسافر کشی می‌کند، اشخاص مختلفی یکی پس از دیگری در مقابل دوربین پناهی قرار می‌گیرند. این فیلم به عنوان یک اثر هنری که واقعیت جامعه ایران را در قالب جدی نشان می‌دهد، کارگردان غرق در موعظه کردن نشده، او به سادگی، با استفاده از شوخ طبعی ملایم، جامعه‌ی زنده را به تصویر کشیده است. این فیلم «مستند» که در ظاهر یک فیلم

در جشنواره فیلم برلین، فیلم «تاکسی» از جعفر پناهی کارگردان ایرانی جایزه خرس طلایی را به دست آورد که او به دلیل ممنوع الخروج بودن توسط دولت ایران نتوانست در محل جشنواره حضور پیدا کند. روز ۱۴ فوریه، ساعت ۷ بعداز ظهر مراسم اختتامیه شصت و پنجمین جشنواره فیلم برلین در کاخ برلیناله برگزار گردید. در آخر، جعفر پناهی کارگردان ایرانی که در فیلم تاکسی تجربه‌ای خلاصه از خلق و خو و رفتار ایرانی را در فیلمش به نمایش گذاشته بود به مقام اول رسید. این کارگردان ایرانی همچنین با فیلم‌های «آفساید»، «پرده» و «تاکسی» توانست سه گانه‌ی جوایز خود در جشنواره فیلم برلین را با کسب جایزه ویژه هیات داوران، جایزه بهترین فیلم نامه و خرس طلایی بهترین فیلم تکمیل کند. پناهی به علت ممنوع الخروج بودن نتوانست برای دریافت جایزه خود در جشنواره فیلم برلین حضور پیدا کند. خواهرزاده‌ی او هانا سعیدی که بازیگر خردسال فیلم تاکسی نیز بود به جای پناهی در حالی که اشک می‌ریخت خرس طلایی را دریافت کرد

جعفر پناهی کیست؟

جعفر پناهی یکی از معروفترین کارگردان‌های عصر حاضر ایران است. جناح محافظه کار در ایران او را دشمن نظام می‌دانند، زیرا او در فیلم هایش کارهای ممنوع در کشورش مثل: شرب خمر، خود فروشی و فحشا و فشار نسبت به زنان جامعه را به تصویر می‌کشد. این دومین باری بود که پناهی توانست در یکی از سه جشنواره فیلم بزرگ اروپا مقام اول را کسب کند، وی در سال ۲۰۰۰ به خاطر کارگردانی فیلم «دایره» توانست جایزه شیر طلایی جشنواره فیلم ونیز را

原文



经济制裁取消后，伊朗或将扩大能源战场

汇通网10月16日讯——正如之前详细讨论的那样，一旦美国和欧盟对伊朗的经济制裁明年开始取消，已经供过于求的全球原油市场将出现供应激增。

当前世界原油产量每天约9660万桶，加上伊朗的增量，原油日产量将再增加约50万桶。

尽管原油市场供应的飙升可能会进一步加剧全球供需差距，伊朗仍有可能向其他关键资源市场的份额发起争夺，尤其是在天然气市场。

波斯湾另一个天然气来源？

先看看卡塔尔的情况。虽然卡塔尔是石油输出国组织(OPEC)中贡献最小的成员国之一，但是这个小国家是液化天然气的最大出口国。

卡塔尔已探明的天然气储量接近890亿立方英尺，使之成为世界上第三大天然气生产国。

卡塔尔几乎所有的天然气集中于“北方气田”，再加上伊朗的“南帕尔斯”气田，成为世界上最大的天然气储藏地。

虽然卡塔尔一直能够成功地和道达尔、埃克森美孚和壳牌等公司在天然气领域进行开发与合作，但是伊朗迄今在这方面的落后主要归因于减少海外投资的制裁措施，以及因国际制裁所造成的技术缺乏。

尽管如此，随着最新的南帕尔斯天然气的开采，伊朗的天然气产量在2014年出现增长。该项目由帕尔斯石油和天然气公司操作，该公司现在正在寻找新的外商投资。

事实上，帕尔斯石油和天然气公司公司的董事阿克巴尔(Ali Akbar Shabanpour)计划今年访问伦敦，以吸引潜在的投资者在南帕尔斯投资。荷兰皇家壳牌和道达尔这类已经开始在伊朗投资的公司是主要目标。

印度也表示，其对在伊朗投资近150亿美元的新项目有兴趣。连南非也在计划未来投

资伊朗的液化天然气项目。随着欧洲、亚洲和非洲对伊朗投资的兴趣不断上升，伊朗正整装待发，增加南帕尔斯的天然气产量。此外，伊朗还预期最早能在2020年将天然气出口至欧美等地区。

考虑到这点，卡塔尔北方气田暂停的新项目可能马上重启，不久后或可看到卡塔尔和伊朗这两个中东国家就液化天然气出口展开竞争。

那些可再生能源公司对伊朗感兴趣？

制裁取消后，伊朗也试图提高其可再生能源领域的发展。伊朗能源部长纳姆久(Hamid Chitchian)指出，伊朗希望在2018年之前将其可再生能源产能提高到5000兆瓦(当前为150兆瓦)。

西班牙可再生能源公司贝斯特最近和伊朗国有企业Sunir签署了合作协议。贝斯特将在开发可再生技术方面和Sunir进行协商，尤其是太阳能方面。

伊朗发电和输电公司董事总经理黑瑞(Homayoon Haeri)指出，伊朗大部分的电力通过化石燃料的发电产生，但根据能源部长的政策倾向于使用可再生能源。考虑到德国在伊朗建立能源工厂的经验，伊朗希望能和德国展开合作。

德国可再生能源公司已经开始投资伊朗的可再生能源领域，特别是风电行业。一个德国伊朗合资称为阿尔万德的可再生能源公司计划在伊朗西南部建立一个48兆瓦的风力发电厂。

伊朗一家名为阿巴丹的公司在同一个自由贸易区建立了一个20兆瓦的太阳能发电厂。随着这些进展步入正轨，在不久的将来，伊朗可能会和阿联酋、沙特阿拉伯和卡塔尔这些中东地区可再生能源最重要的市场一比高下。

考虑到这一切，很明显伊朗完全回归国际经济将产生重大的经济影响，其影响将远超出全球石油行业。

伊朗解禁后的油气投资机遇

美国总统奥巴马18日发布备忘录，下令政府开始采取措施解除对伊朗的制裁，以履行美方在伊朗核问题全面协议中的承诺。欧盟也在同日通过了针对伊朗制裁的法律框架。至此，美国和欧盟都开始履行涉及对伊朗解除制裁的承诺。这将冲击外国石油公司在伊朗的投资。

2015年7月14日，经过多次马拉松式的谈判协商，“5常+1”（美、英、中、法、俄及德）与伊朗就《联合全面行动计划》达成共识，并签署协议以确保伊朗核计划的和平使用。7月20日，联合国安理会表决通过了《联合全面行动计划》，要求国际原子能机构对伊朗落实情况开展核查和监督。按照该计划，如果国际原子能总署(IAEA)确认伊朗遵守协议承诺，美国、欧盟及联合国将逐步解除针对伊朗经济、金融、航运、汽车、能源等方面的制裁。制裁解除后，拥有全球第四大石油储量的伊朗将重返全球油气市场，石油公司迎来在伊油气领域投资的历史性转折。

伊朗政府将修改财税条款

油气工业是伊朗国家财政的重要支撑。随着“伊核问题”有关协议的全面达成，伊朗政府势必大力推动本国油气产业的快速发展：一方面，巩固国内现有原油和天然气产能，保障油气资源出口恢复至2012年欧盟制裁前230万桶/日的水平；另一方面，将修改当前过于严苛的财税条款，吸引更多境外投资参与伊朗国内油气资源的勘探开发活动。预计伊朗新出台财税条款有助于引用境外长期投资并营造更好的投资环境，具体内容包括但不限于以下四个方面。

第一，保障伊朗国家石油公司与境外石油公司长期合作。一是合同期限将延长至20~30年。二是境外石油公司将被允许与伊朗国家石油公司组建合资公司共同参与其境内油气勘探开发活动。其中，合资公司由伊朗国家石油公司控股，参股各方按股份比例分配经营收益并承担潜在风险。第二，为石油公司创造储量登记条件。根据美国证监会(SEC)有关规定，伊朗现行回购合同条款难以满足上市公司在年报内登记储量和产量的

要求，不利于国际石油公司在资本市场上吸引投资者。新条款将修改合同类型，为国际公司在伊朗经营项目的储量实现登记创造条件。第三，优化油气合同类型。未来与伊朗开展油气合作的合同类型将介于服务合同和产量分成合同之间。作业者在更高投资回报率下，依据油价变化、产量目标完成情况和各油气区块资源条件等获得浮动报酬，且可以通过获取“份额油”等形式领取报酬。第四，鼓励实施勘探活动。如果在现有勘探许可下没有获得勘探发现，石油公司将有权优先选择邻近勘探区块作为部分补偿。

根据现有资料，“伊核问题”有关协议的全面达成前，伊朗政府已与埃克森美孚、壳牌、BP和康菲等国际石油公司和日本帝国石油等国家石油公司等密切接触。一是商讨制裁结束后重返伊朗进行油气经营的有关事宜；二是就修改伊朗油气财税条款向上述公司征求意见。

伊朗油气投资的五大领域

早期油田开发项目。伊朗境内现有主要早期开发油田主要包括南北阿扎德甘油田、雅达油田、亚兰油田和Azar & Changuleh油田等。这些油田大多横跨伊朗和伊拉克两国，资源条件良好，开发成本极低，且管道等基础设施相对完整。2015年上半年伊朗国家石油公司曾披露，上述油田中部分区块的作业成本仅2.5美元/桶当量。其中，南北阿扎德甘油田和雅达油田原始地质储量分别高达310亿桶和340亿桶，被伊朗政府寄予厚望；伊朗国家石油公司初步计划解除制裁后上述两大油田的产量目标分别提升至75万桶/日和30万桶/日。咨询公司伍德麦肯兹则预测，早期油田开发项目能够为伊朗带来100万桶/日的新增产能。

老油田提高采收率项目。目前，伊朗国内有世界上最大的原油提高采收率项目——位于伊朗西南部的阿加贾里油田天然气回注提高采收率项目，通过将每天从南帕尔斯气田向阿加贾里油田注入20亿立方英尺的天然气来日产5000桶石油。根据阿加贾里油田现有的经验，提高采收率技术能够在较短时间内大幅提高伊朗成熟油田原油产量；在向阿

加贾里油田注入天然气以后，该油田预计在今后25年里能够多采出21亿桶的原始原油。据业内估测，阿瓦兹、马伦和加吉沙朗三大油田的采收率能够提高1%，可为伊朗带来超过18亿桶的商业储量；但成熟油田二次采油和提高采收率活动的实施，当前明显受制于提高采收率技术落后、钻完井和注采设备缺乏等不利因素。

天然气开发项目。伊朗天然气开发相对缓慢，截至2015年5月，伊朗天然气总产量仅为常规天然气储量规模的8%。为满足未来国内用气和对周围各国天然气出口的需要，制裁解除后伊朗必将大力开发天然气资源。伊朗天然气开发主要集中在南帕斯气田，未开发天然气地质资源量8.45万亿立方米，未开发原油地质资源除了141.4亿桶，现有产量占该国总产量的45%。其中，南帕斯气田第12期开发项目于2014年建成投产，产能约260亿立方米/年；但受国际社会油气制裁影响，南帕斯气田第15、16、17、18期开发严重缺乏相关专业技术和投资，工期进展缓慢，已比原计划投产时间延迟近4年，预计于2017年达产，并为伊朗天然气生产提供近340亿立方米/年的产能；而南帕斯气田第13、14、19、22、23、24六期开发项目尽管已确定作业者，但同样受技术和投资不足等因素制约，目前处于工程停滞状态。除南帕斯气田外，伊朗的北帕斯气田、基什(Kish)气田等也拥有规模巨大的天然气储量等待开发。

油气勘探项目。伊朗境内由面积巨大的未勘探区域，但受国际制裁影响，国际石油公司大多退出伊朗上游经营，2011年以来尚未有新增油气发现。从2010年和2011年新增油气发现的区域判断，波斯湾地区最具勘探潜力。此外，伊朗濒里海地区、与伊拉克交界地区以及与土库曼斯坦交界的马什哈德附近地区，都可能产生规模较大的新增油气发现。

炼化项目。首先，伊朗油气开发中，天然气液产量相对较高，为使用乙烷加工乙烯提供了优质的低成本原料。从价格上测算，伊朗乙烷制乙烯价格比其国内乙烯平均生产成本低200美元/吨；比我国用石脑油生产乙烯的平均成本低500美元/吨。伊朗政府充分认识到本国在乙烯生产中的成本优势，计划至2025年完成新增乙烯产能300万吨。其

次，伊朗现有9座炼厂，炼化加工能力为180万桶/日，且大多数炼厂为设备长期没有升级的拔顶加氢型炼厂；伊朗波斯湾炼厂是近期唯一的新建炼厂，计划2016年投产并于2017年达到36万桶/日的最大加工量。

伊朗油气投资面临四大风险

首先，尽管油气制裁即将解除，但在伊朗经营油气仍可能面临较大政治风险。本轮伊核协议达成在美国和伊朗都遭受了各自保守势力的批评或谴责：美国在7月23日举行的国会参议院外交委员会听证会上，一些共和党议员使用强烈措辞对伊核协议进行攻击，表示反对该协议在国会通过；伊朗国内保守势力也不想看到制裁解除。伊朗总统鲁哈尼去年年底亲口承认伊朗国内有部分群体不希望制裁解除。相对来说，伊朗国内执行核协议的阻力比美国要小。伊核协议签订之后，伊朗最高精神领袖哈梅内伊发表了一份公开信，信中赞扬了伊朗总统鲁哈尼以及他的谈判团队，认为核协议的签订是伊朗国家历史上“重要一步”。但哈梅内伊也警告一些谈判国家(指美国和西方)并不友好，无法完全信任。即使美国与伊朗国会批准核协议，但在未来协议的履行过程中，美伊双方难免会对条款的理解有所分歧从而相互指责、出现摩擦，甚至会出现美欧启动制裁恢复机制。这种情况完全有可能。尽管谈判达成一致，但美伊双方并未建立政治上的互信。奥巴马总统在协议达成后多次强调，核协议“不是基于信任，而是基于严密的核查”。美国对伊朗伊斯兰共和体制的敌意以及伊朗对美国的警惕都根深蒂固，难以消除。一旦协议履行过程中出现问题，美欧启动制裁恢复机制，外国石油公司在伊朗上游的投资难以进行。所以在伊朗相关义务履行过程中，存在很大的不确定性，可能直接冲击外国石油公司在伊朗上游行业的投资，增加投资的政治风险。

其次，投资伊朗油气将面临国内经济与财税风险。从经济的角度分析，伊朗饱受国际经济制裁，经济发展停顿，通货膨胀率高；汇率不稳定、波动性大。伊朗政府各部门之间缺乏协调、办事效率不高，审批进度缓慢；伊朗国家石油公司同样存在效率低下的问题。根据世界经济论坛发布的《2013—2014全球竞争力报告》，伊朗全球竞争力指



数在全球148个具有竞争力的国家中排在第82位，主要因为国内通货膨胀、外汇管制、财税政策不稳定等。从财税的角度分析，伊朗对现行油气合作中“回购合同”和“产量分成合同”内容严苛，伊朗国家石油公司获取了项目经营几乎全部收益。尽管伊朗政府表示已启动财税条款的修订工作，但并无确定的出台时间且修订后的财税条款内容的优惠性仍有待观察。因此，即使美国和欧盟的油气制裁彻底结束，赴伊朗从事经营活动仍将面临财税方面的潜在风险。此外，与委内瑞拉和阿根廷等南美国家类似，伊朗国家石油公司在油气经营中完全占主导地位，在该国经营油气同样将面临财税条款临时变动甚至油气资产被收归国有等不确定风险。

再次，制裁解除后在伊朗投资油气将面临国际石油公司激烈的竞争风险。壳牌、道达尔、埃尼等西方石油公司本已进入伊朗，迫于欧美对伊朗制裁的压力而退出伊朗。一旦对伊能源和金融制裁取消，壳牌、埃尼等西方石油公司预计会进入伊朗。伊朗政府也希望欧美石油公司投资于伊朗的上游领域，引进欧美石油公司的先进技术和设备。据外媒报道，早在2013年年底伊核谈判期间，伊朗对外界发声称如果国际制裁取消，希望西方石油公司能够回到伊朗，并点出了七家欧美石油企业。目前伊核谈判有望达成全面协议，壳牌、埃尼已于伊朗官员商讨油气合作。壳牌和伊朗商讨了合作的潜在领域，埃尼宣称如果制裁取消，将会对重返伊朗产生浓厚兴趣。鉴于俄罗斯石油市场因制裁而关闭，具有丰富资源的伊朗替代俄罗斯显得很有吸引力。一旦伊朗制裁取消，在伊朗的邀请下，许多欧美油企会进入伊朗，而且主要是老牌、具有竞争力的壳牌和埃尼等石油公司，并不排除埃克森美孚、康菲等美国石油企业。届时在伊朗上游行业开展业务的不仅仅是中石油、中石化两家企业，众多国际石油公司在伊朗争夺份额，上游领域的投资竞争将变得激烈。

最后，在伊朗投资油气也将面临基础设施风险和地缘风险等其他不确定因素的制约。美国和欧盟对伊朗实施制裁前，伊朗石油产业较为发达，各类工程设备和输送管网建设较为完备。但美国和欧盟对伊朗的制裁沉重打击了该国的石油工业，导致油气生产设备老化、油气管网运送能力大幅降低、炼

油设备亟待升级等，将严重影响石油公司在伊朗的油气投资效率。地缘风险方面，“伊核问题”协议全面达成后，以色列在第一时间表达了对中东地区核安全的担忧，沙特阿拉伯、埃及、土耳其和部分其他中东国家也持有相同的观点。同时，伊朗和沙特、土耳其、伊拉克等国家还在叙利亚、也门、库尔德以及打击ISIS极端势力等诸多地缘问题上纠缠不清。因此，随着伊朗国力恢复、国际油价持续走低，以及伊朗与沙特、伊拉克等国原油出口竞争加剧，伊朗与周边国家矛盾可能激化，导致重大地缘政治事件乃至战争的爆发。

当前，我国石油公司中石油和中石化都在伊朗境内有在实施的油气开发项目。其中，中石油分别以17.6亿美元和11亿美元的价格签下位于伊朗北阿扎德甘和南阿扎德甘两个油田的油气开发项目；中石化则以20亿美元的代价拿下伊朗雅达油田开发项目。但受合同条款和国际社会制约等因素影响，上述项目收益平平。据伍德麦肯兹估算，中石油两个项目的内部收益率仅为1.2%和0.1%；中石化雅达项目内部收益率略好，为2.5%，但同样大幅低于埃尼、道达尔和壳牌等公司在伊朗项目8%~10%的内部收益率水平。因此，现阶段我国石油公司投资伊朗油气应从提高现有项目投资回报做起，同时注意规避相关风险。

优先做好在伊朗现有项目，伺机寻找新的上游投资机会

综合上文分析，目前伊朗油气资源发展面临的重大问题不是资源和技术，而是有效投资不足。一是由于制裁导致其政府和石油公司投资资金缺乏；二是由于制裁迫使大部分国际石油公司撤出该国经营领域。协议达成后，从伊朗国内撤出的国际石油公司将重返伊朗，而另一批国际石油公司也将“挤进”伊朗从事油气经营，可能使该国上游油气投资竞争加剧。

在此背景下，我国石油企业争夺伊朗优质新项目可能相对较小；即使全力争夺，得到项目也将付出高额成本。因此，我国石油公司应优先做好现有在伊朗经营项目，包括中石化在雅达油田投资项目以及中石油在南阿扎德甘和北阿扎德甘两个油田的投资项目。一是要密切关注伊朗相关财税条款修订

进展，及时对新条款跟踪分析并评估其对雅达项目和南、北阿扎德甘油田在实施项目生产经营活动的影响；二是要以伊朗政府修改财税条款为契机，适当与伊朗国家石油公司沟通并调整合同内容，降低现有合同对我国石油企业在伊朗生产经营中工期时间、工作量和投资水平等方面的严苛约束，尽快提高该项目的产量水平；三是要发挥现有在伊朗项目的“先入优势”和中石油、中石化在伊朗项目部的“前哨”作用，加强与伊朗政府及伊朗国家石油公司的联系，积极争取以较为合理的合同条款获得雅达项目二期和南北阿扎德甘油田内的新投资机会。

关注“伊核问题”协议达成可能带来的原油贸易及其他投资机会

油气贸易方面，一是建议利用当前低油价和制裁解除后伊朗全力销售库存原油的有利时机，尽量压低购买伊朗原油的交易价格，增加我国石油企业的原油储备；二是以伊朗原油为议价参考，争取与其他国家原油交易的合理价格。

炼化投资方面，建议国家研究进口伊朗NGL替代石脑油生产乙烯的可能性；建议我国石油公司研究在伊朗直接投资炼厂生产乙烯和汽油、柴油的可行性，通过优化下游销售渠道保障在伊上游油气项目经济性。

管网配套方面，建议我国石油公司投资伊朗国内油气管道等基础设施建设，并研究各公司工程技术板块扩大在伊朗经营规模的可行性。

充分认识并合理规避对伊朗投资地缘政治风险

根据上文分析，我国石油企业在伊朗投资经营面临的主要风险是财税风险和地缘政治风险。考虑到伊朗政府明确表态将修改财税合同条款并已征求包括部分我国石油公司在内的国际石油公司的意见，所以认为当前在伊朗经营面临的最大潜在风险是地缘政治问题。

首先，尽管谈判达成，但美伊双方并未建立政治上的互信。美国对伊朗伊斯兰共和体制的敌意以及伊朗对美国的警惕都根深蒂固，如果协议履行过程中出现问题，美欧启动制裁恢复机制，外国石油公司在伊朗上游的投资难以进行。其次，沙特、以色列等中

东国家与伊朗“积怨已久”。从中长期看，伊朗国力持续恢复有可能导致与沙特和以色列等邻国产生新冲突。

因此，一是建议我国石油企业充分评估在伊朗经营油气可能面临的地缘风险，完善在包括伊朗在内的地缘政治敏感地区开展油气经营的应急响应机制，做好应急预案和相关准备；二是结合国家“一带一路”的战略构想，在外交、信息和金融等方面争取国家对我国石油企业投资伊朗的支持。

扎实做好长期在低油价下实施海外经营的准备

在原油需求增长乏力、供给持续提升、美元不断走强的市场背景下，伊朗原油逐步回归国际市场必将在中长期抑制油价；判断未来数年内国际油价重返80~100美元/桶，甚至更高价格水平的概率极小。考虑到我国油气对外依存度持续攀升，从事海外油气经营在低油价下仍将维持“常态”，建议我国石油企业从四个方面扎实做好长期在低油价下实施海外经营的准备工作。一是要统一认识，坚持“提高发展质量和发展效益”的经营理念，增强各石油企业海外经营共渡“油价寒冬”的危机感和紧迫感；二是要加强管理，完善各项管理制度并确保落实，提高生产效率、降低经营成本，向管理要效益，努力提升包括在伊朗项目在内的各大海外在实施项目的收益水平；三是要加大科技研发投入，学习国际石油公司低油价下增加科研投资的经验，以技术进步降低生产成本，向科研要效益；四是要优化经营策略，特别要明确在低油价下，公司海外经营油气资源的发展结构、发展区域和发展顺序，适时并购或剥离有关资产。（中国石油石化杂志17期）

伊朗重返原油市场再进一步

伊朗核问题全面协议于18日如期生效，被困已久的伊朗近期也打算在国际原油市场一展宏图。

18日是联合国安理会自7月20日批准伊朗核问题全面协议后的第90天，意味着伊朗和伊核问题六国签署的《共同全面行动计划》“采纳期”的结束，此后协议开始“生效”。当天早些时候，美国总统奥巴马发布备忘录，下令政府开始采取措施解除对伊朗的制裁，以履行美方在伊核问题全面协议中的承诺。紧随其后，欧盟也于当日通过旨在解除针对核问题对伊朗制裁的法律框架。

不过，美欧对伊朗制裁解除方案的先后通过并不意味着伊朗的真正“松绑”。奥巴马表示，涉及对伊朗制裁解除的措施将在国务卿克里确认伊方已履行相关承诺后开始执行。欧盟也强调，只有伊朗落实伊核问题全面协议，并得到国际原子能机构（IAEA）认可，解除对伊制裁的法律框架才会生效。

眼见束缚渐松，进入“后制裁时代”的伊朗也开始盘算着在国际原油市场施展一番拳脚了。不过，伊朗归来的时刻似乎不那么美好。世界上最大的油田服务供应商斯伦贝谢刚刚公布三季度财报结果显示每股收益为0.78美元，同比下降11%，数据显示能源行业前景暗淡。

面对今年以来国际油价大跌的形势，伊朗石油部长比詹·赞加内近日表示，对目前的油价水平“谁都不会满意”，为了应对当前行情，OPEC应做出减产决定，以便将油价推高至每桶70-80美元。

而OPEC目前的情况是，为了在全球供应过剩的情况下捍卫销量，该组织日产能已连续16个月超出官方预定的3000万桶，并已达到9660万桶的日产能。这导致布伦特原油作为全球基准指标已经在过去12个月中下滑41%，目前维持在每桶50美元左右。

然而，一旦美国和欧盟对伊朗的经济制裁明年开始取消，伊朗的重返原油战场将导致已经供过于求的全球原油市场出现供应激增。伊朗国家石油公司总经理贾瓦迪此前曾表示，伊朗可在制裁解除的一周内将石油日出口量提高50万桶，并在6个月内将石油日出口量提高100万桶。若伊朗计划顺利，到2021年该国原油日产能将提高至470万桶。

中国成了伊朗石油最大主顾：“三桶油”还要继续买

参与谈判的消息人士表示，在美国主导的各项制裁解除之前，伊朗正在采取措施增加石油出口，除了与中国的两个主要客户续签了2016年合同，并开始与其他潜在买家洽商。

作为石油输出国组织(OPEC)原来的第二大出口国，伊朗急于夺回被欧美制裁期间丢失的市场份额，并计划到2016年初把日产量提高50万桶，相当于现在出口的50%左右。消息人士称，亚洲最大炼油业者中石化(0386.HK)，以及中国国有石油贸易公司珠海振戎，2016年将合计从伊朗进口原油约50.5万桶/日，与今年相同。今年这两家进口量约为伊朗出口总量的一半。

中国今年前10个月对伊朗原油的日购买量为53.65万桶，较上年同期下降1.9%，因为第三家固定客户——独立的石化企业腾龙芳烃在福建省的工厂4月发生大火后，因安全检查而暂停采购。

由于预期西方国家在2016年初结束对伊朗的制裁，伊朗上周公布大约50个油气项目可供外资开发，并在周末发布了期待已久的合同修正方案，旨在吸引投资者。

寻找新买家

三位参加磋商的消息人士称，伊朗石油部门官员过去两个月会见了中国石油和中海油代表。中海油与皇家荷兰/壳牌石油集团RD.AS联合经营一家石油化工厂。

由于伊朗受到西方制裁，中国的国有能源企业一直对提高伊朗合约规模或签约新交易讳莫如深，唯恐引发国际反响。但是随着制裁取消的指日可待，他们对政治面影响的担忧也变得越来越轻。“这些公司都在等待有关取消制裁的更确切消息，再行做出任何承诺，”一位贸易经理称。珠海振戎一位发言人证实了与伊朗的2016年协议。中石化拒绝置评。伊朗国家石油公司(NIOC)尚未回覆置评要求。

今年10月前后，中国石油母公司——中国石油天然气集团公司已开始在伊朗北阿扎德干(North Azadegan)油田开采石油，估计日产量为7.5万桶。据公司消息人士称，制裁放松后，该公司有望开始提高其生产份额。

伊朗期待入“上合”，原因何在？

消息人士称，根据伊朗与中国两个主要客户续签的2016年合同，预计珠海振戎平均日进口量24万桶，中石化为26.5万桶。中石化的协议主要针对原油和一小部分凝析油。

2015年伊朗是中国第六大原油供应国，但面临着沙特阿拉伯和伊拉克等对手的竞争。中海油一位资深交易员称，伊朗石油较中东其他供油国相同品级的石油更昂贵，因其含硫量少，而且汽油产量略高。交易员称，石化产品生产商腾龙芳烃(Dragon Aromatics)是伊朗凝析油主要买家之一，该厂在4月火灾后还不知道什么时候重启，伊朗希望韩国、日本及中国的新买家填补这一缺口。

这些交易员称，中海油-壳牌在广东省的一家石化厂可能将成为凝析油的替代买家。该工厂在2012年中期被迫取消一项定期供应协议，因当时欧盟禁止交易伊朗石油。

据伊朗伊斯兰共和国通讯社报道，伊朗总统鲁哈尼日前在会见到访的吉尔吉斯斯坦总统阿坦巴耶夫时表示，伊朗希望成为上海合作组织正式成员国。这是伊朗在伊核协议达成后首次做出这一明确表态。

伊朗此时公开自己要求正式加入上合组织的意图十分明显。首先是出于地缘政治原因。虽然在伊核全面协议达成后，伊朗的战略安全环境改善了很多，但并未完全改变自己在国际上的孤立处境。目前，由伊朗担任主席国的伊斯兰合作组织在国际上影响力很小；在石油输出国组织（欧佩克）中，伊朗的话语权目前还微不足道。因此，伊朗急需在政治上加盟较有影响力的国际组织。伊朗认为，上合组织是世界上最有影响力的跨区域国际组织之一，成为上合组织正式成员国对伊朗的意义重大。随着印度与巴基斯坦加盟上合组织的程序正式启动，以及伊核全面协议的达成，伊朗认为自己加入上合组织的条件与时机渐趋成熟。

其次是为了经济利益。上合组织是新兴工业化国家的结合体，中国、俄罗斯和印度这三个金砖国家都是上合组织的正式成员。伊朗希望与印度和中国展开能源合作，更希望借助这两个国家帮助其开发较为落后的东部地区，打通伊朗东西和南北国际经济走廊。伊朗多次强调，愿意将中国的“一带一路”战略与伊朗本国不同地区的各个发展战略接轨。从经济意义上讲，如果伊朗快速加入上合组织，对于伊朗从东、南、北三个方向全面推进自己的经济发展战略十分有利。国际石油机构估计，到明年下半年之前，伊朗石油供应不会进入全球市场，到访的西方石油公司代表在伊朗也是看的多，下决心投资与合作的少。因此伊朗更希望通过加入上合组织在经济上快速解困。

最后是出于安全考虑。伊朗西面靠近伊拉克和叙利亚的地区是打击“伊斯兰国”的主战场；东面的阿富汗塔利班、基地组织和“伊斯兰国”既不断发动恐怖袭击，又不断内斗。伊朗东、西两翼的安全形势均堪忧，加之土耳其国内的安全形势起伏较大，伊朗迫切希望增强自身反恐能力和周边安全感。鉴于伊朗目前不可能加入美国领导的多国反“伊斯兰国”联盟，那么要依靠国际反恐力量壮大自己，加入上合组织就成了伊朗外交的首选。（本报德黑兰9月8日专电 记者 周戎）

伊朗 最后一个未融入全球体系的大型经济体

中金网12月17日讯，国际原子能机构特别理事会会议15日通过决议，在有关伊朗核计划未决问题最终评估报告的基础上，决定结束对伊朗是否秘密研发过核武器等问题长达12年的调查。分析人士预计，未来几年伊朗经济会出现显著变化，并对世界经济产生影响。

这项决议为联合国及西方解除对伊经济制裁驱散了不确定性。伊朗外长扎里夫在决议通过后立即表示欢迎，并表示只要伊核问题六国遵守伊核协议，伊朗也将全面执行该协议。根据伊核协议，如国际原子能机构核实无误，对伊经济制裁应予以解除。一般预计，制裁解除将在明年1月开始。

伊朗被认为是“最后一个未融入全球体系的大型经济体”。自2003年伊核问题爆发以来，12年间西方对伊朗实施过数轮制裁，特别是2011年开启的制裁，在油气出口、金融往来等关键领域实行严厉限制。伊朗经济在2012年和2013年连续负增长。

如今，伊朗即将重新融入全球经济体系。分析人士预计，未来几年伊朗经济会出现显著变化，并对世界经济产生影响。

首先，伊朗经济状况将趋于稳定。经济学家预计，在油气出口解禁、冻结资金回流以及海外投资涌入后，伊朗通胀率将回调至

个位数，汇率有望结束数年的贬值，趋向稳定，经济预计在2016年实现正增长。

其次，伊朗增加原油出口将使已经处于历史低位的国际油价继续承压。伊朗拥有世界第一大天然气储量和世界第四大石油储量，但在西方经济制裁下，伊朗每日出口原油被限制在100万至150万桶。伊朗石油部长赞内加表示，西方经济制裁解除后，该国将立即每日增加50万桶原油出口量，未来数年内还会继续增加。

再次，西方国家对伊朗市场的竞争将更加激烈。最近几个月，德国、法国、英国、意大利等国家的经贸代表团接连访问伊朗。由于来访商人太多，德黑兰的高级酒店7月以来价格普遍上涨近一倍。酒店业方面，法国雅高集团已经捷足先登，在德黑兰开设两家酒店，预计后续竞争者将改变德黑兰目前只有两家五星级酒店的状况。民航业方面，伊朗客机普遍老化、超期服役，每年有将近100架新增客机的需求，如今空客和波音公司都已把目光投向伊朗市场。

当前，全面协议执行准备工作总体进展顺利，六国与伊方都以实际行动体现了对协议的政治支持。中方愿与其他各方一道，坚持按照全面协议办事，加紧推进各项准备工作，推动协议“执行日”早日到来。

以色列与伊朗：从恩人盟友到对头

近年来，随着伊朗核问题的加剧和中东安全局势的不断恶化，人们对以色列与伊朗关系的未来充满了各种猜测。

从历史上看，犹太民族与波斯人(伊朗人)的联系并不十分密切。而近现代以来的以色列与伊朗的主要联系集中在1948年以色列建国以后一直到目前这一阶段。

伊朗与以色列的渊源

以色列犹太人的先祖与伊朗人的先祖波斯人的历史渊源可以追溯到2500多年以前。公元前11世纪古以色列王大卫统一犹太各部落，建立以色列王国，定都耶路撒冷。之后分裂为南北两国，以色列王国和犹太王国。公元前586年，新巴比伦王国国王尼布贾尼撒攻克犹太王国都城耶路撒冷，城中财富被洗劫一空，圣殿被付之一炬，巴比伦人将犹太人押往巴比伦为奴，史称“巴比伦之囚”。

波斯人在公元前2000年进入了今天的伊朗境内。公元前550年波斯国王居鲁士建立了波斯帝国。居鲁士征服了巴比伦王国以后，把历代巴比伦国王掳掠来做奴隶的各民族的人释放，并派军队护送他们回故乡，并以人力物力支援重建他们的家乡和文明。其中，沦为“巴比伦之囚”的古犹太人正是得益于居鲁士的“民族解放”政策而得以回到故土复国。

开明的居鲁士还把尼布贾尼撒掠夺的5400余件耶和圣殿圣物交给了犹太人，这让犹太人尤为感激。因此居鲁士在犹太人心目中的地位和威望可想而知。回到故国的犹太人在第一圣殿的废墟上重建了圣殿，史称第二圣殿，同时恢复了国家，并持续了400余年的自治。

波斯帝国无疑是“巴比伦之囚”的解放者，因此从某种意义上甚至可以说如果没有今天伊朗人的先祖波斯王居鲁士大帝的解放，可能就没有后来的犹太人，也就没有今天的以色列。犹太人对波斯人在民族感情上应该存有好感。

公元前330年，盛极一时的波斯帝国被亚历山大大帝所灭，伊朗先后遭到希腊人、阿拉伯人、突厥人、蒙古人、阿富汗人的入侵和统治。近代伊朗又沦为英国和沙俄的半殖民地。

1921年2月，军官礼萨汗·巴列维发动政变，夺取政权，建立巴列维王朝。第一次复国后的犹太国家也历经亚历山大大帝的入侵、托勒密王朝的管辖和塞琉古王朝的统治。

公元前65年巴勒斯坦地区被罗马帝国占领，犹太人的国家不复存在。犹太人开始了背井离乡、流浪异地的长期民族漂泊史，一直到以色列建国。

两国间的准同盟关系

从以色列建国一直到伊朗巴列维王朝倒台的三十多年里，以色列与伊朗关系一直很亲密，有人认为这是一种准同盟关系，也有人将这一时期界定为两国关系史上的战略联盟期。

1948年以色列建国后，以色列曾利用伊朗作为一个中转站，把伊拉克的犹太人送往以色列。1950年3月伊朗在事实上承认了以色列国的地位，但两国建立正式外交关系的努力受到了伊朗国内保守的伊斯兰宗教势力什叶派势力的强烈反对。

伊朗作为中东的非阿拉伯伊斯兰国家对以色列抱有一定程度的同情。在联合国投票反对以色列进入联合国，但同时也表示不愿介入阿以冲突。

1957年底，伊以重修旧好，两国关系得到了较快发展。由于伊朗国内宗教势力及激进阿拉伯国家的反对，当时巴列维国王只能将与以色列的关系维持在事实上承认的框架内，这也为伊朗和以色列关系确定了基本模式。

上世纪50年代的以色列虽然在巴勒斯坦战争和苏伊士运河战争中取得了军事上的胜利，但这并没有使以色列获得真正的安全。1958年以色列提出了“外围联盟”

的政治策略，希望与包括伊朗在内的中东地区非阿拉伯国家结成联盟。

巴列维国王着眼于地区安全格局，认识到伊朗的安全在以色列的“外围联盟”框架内能够得到最好的维护。加之1963年巴列维开始推行的以“土地改革”为中心的“白色革命”导致了伊朗国内的不稳定。与此同时，伊朗与阿拉伯国家的关系也不断恶化。

面对内忧外患，巴列维国王加快了大力发展与以色列关系的步伐。伊朗向以色列大

量出口石油，以色列帮助伊朗发展农业并向伊朗出口武器装备。可以说，共同的安全和经济利益是这一时期以伊两国关系繁荣发展的根本推动力。

1973年第4次中东战争期间，阿拉伯国家运用石油武器使巴列维国王对阿拉伯国家的力量有了进一步认识。巴列维国王开始意识到，伊朗国家的长治久安和地区大国地位的实现，必须要获得阿拉伯国家的承认。

同时，全球国际关系在上世纪70年代整体趋向缓和，虽然以色列在巴列维国王的战略思维中仍占据重要地位，但已经不像以前那么紧迫。因此，伊朗在继续加强与以色列传统关系的同时，开始重视培养伊朗与阿拉伯国家的友谊。但当时两国所面临的地缘政治环境并未发生根本性变化，从长远角度看，两国都不希望看到双方离得太远，因此在很多领域也有很多新的合作。

伊朗与以色列逐渐交恶

1979年1月，伊朗发生伊斯兰革命，巴列维国王被迫流亡国外，宗教领袖霍梅尼回国建立了政教合一的伊斯兰共和国。由于巴列维王朝与美国的特殊关系和美国在阿以问题上对以色列的偏袒和支持，霍梅尼把反对巴列维国王的斗争总是与反美反以交织在一起，因此霍梅尼对以色列国家的理解与认识就决定了伊朗与以色列的关系与巴列维时期相比必然会发生根本性改变。

在新世纪以来的以色列和伊朗双边关系中，有两个关键性的节点，第一个节点就是“9·11事件”。“9·11事件”后美国发动全球反恐战争，把伊朗列在支持国际恐怖主义国家的黑名单之首，还把伊朗称为“邪恶轴心”。

从地缘政治看，“9·11事件”后的阿富汗战争和伊拉克战争使得美国和以色列已经在事实上形成了对伊朗的包围态势，从而导致了伊朗的地缘安全环境急剧恶化，随着伊朗安全环境的恶化，伊朗国内保守派势力进一步加强。

由于阿拉伯世界一致认为美国在中东和平进程中一直偏袒以色列，伊朗也认为以色列是美国在中东的代理人。伊朗国内逐渐强势的保守派也一贯指责美国在中东的霸权行径是为了以色列的利益，可见后“9·11时代”的伊朗和以色列关系的恶化就绝非双边关系层面那么简单，复杂的地区安全格局和宗教意识形态等外部因素导致了后“9·11时

代”伊以关系的持续恶化。

新世纪以来的以伊双边关系中的第二个关键节点就是“伊朗核问题”。2003年初伊朗宣布提炼出核电站燃料铀；2004年11月底，伊朗宣布中止铀浓缩，这使得伊朗核问题一度缓解。

可是到了2006年年初，伊朗再次恢复了已中止两年多的核燃料研究。伊朗核问题再次引发局势紧张。

对伊朗可能拥有核武器的忧虑让以色列人倍感焦虑，以色列官员和军事将领多次在公开场合呼吁国际社会向伊朗施加政治和经济压力，并且暗示，如果国际社会施压无法阻止伊朗核武器计划，以色列可能将单方面动用武力，打击伊朗的核设施；而伊朗也不甘示弱，对以色列进行口诛笔伐，指责以色列的霸道和蛮横。

针对以色列不断的武力恫吓，伊朗国防部长曾经针锋相对地明确警告说，如果以色列敢于袭击伊朗核设施，伊朗将以牙还牙，摧毁以色列的迪莫纳核基地，并让“这个犹太国家在地球上不复存在”。

就目前形势而言，以伊两国在可预见的将来真的会兵戎相见吗？回答这个问题，除了要考察以色列和伊朗双方的意愿和实力外，大国因素，尤其是美国因素在两国“战与和”这一问题上的作用是决定性的。

美国在对伊朗“战与和”问题上面临着两难困境，这也是以色列政府必须要面对的。考虑到以色列与美国的特殊关系，很难想象以色列在没有美国的默许或支持的情况下会对伊朗动武。换句话说，如果以色列要想对伊朗发动像伊拉克战争那样的全面进攻，如果没有美国的全面参与是绝对不可能的。

但是凭以色列的国家实力和意愿，在可见的将来在美国默许的情况下，以色列单方面对伊朗采取局部打击核设施的攻击的可能性是不能完全排除的，当然这样做的前提是伊朗核问题持续恶化导致了地区格局的全面失衡或者伊朗直接对以色列的国家安全造成了巨大的可见的现实威胁。

以色列一旦对伊朗全面开战，不仅会对中东局势产生深远影响，而且对地区地缘环境和全球安全格局都将产生重大而直接的震动和影响。以色列和伊朗两国间的问题绝非单纯的双边关系那么简单，因为在该地区，地缘政治和大国博弈因素永远是主导性的。

伊朗是叙战局变化关键因素

根据伊朗媒体报道，正在叙利亚参与作战的伊朗革命卫队高级指挥官萨米达尼日前被“伊斯兰国”武装分子杀害。伊朗最高国家安全委员会表示，萨米达尼的牺牲对伊朗伊斯兰革命卫队和打击“伊斯兰国”极端主义事业是重大损失，伊朗将对萨米达尼的牺牲复仇。

萨米达尼据称是在叙利亚北部阿莱波地区阵亡的。伊朗方面称，萨米达尼在叙利亚扮演了十分重要的军事顾问角色，尤其是在前线指挥和协调叙利亚军队抗击“伊斯兰国”武装方面功不可没。

在俄罗斯开始空中打击叙利亚之前，伊朗是叙利亚现政府最主要的支持者。伊朗不仅动员黎巴嫩真主党派3000精兵前往叙利亚助战，还协助剽悍的伊拉克什叶派民兵组成志愿军奔赴叙利亚作战。伊朗还帮助叙利亚总统阿萨德组建、训练和装备了1万人的叙利亚新军和叙利亚阿拉维派民兵。不仅如此，伊朗伊斯兰革命卫队还派遣数百名军事顾问和突击队员亲赴叙利亚作战，这正是前一段时间叙利亚政府军虽然节节败退但依然坚挺的原因。

根据西方媒体的爆料，伊朗是劝说俄罗斯下决心在叙利亚实现空中打击的主要国家。伊朗著名的海外作战英雄、伊斯兰革命卫队突击队司令苏莱曼尼将军曾亲自向普京陈述利害，表达一旦叙利亚政府军溃败，俄罗斯的海军基地塔尔图斯将难保，俄罗斯与伊朗在叙利亚的利益将遭受灭顶之灾。

俄罗斯在叙利亚发动针对极端组织的空中打击后，伊朗立即派遣更多的军事顾问和有经验的前线指挥官赶赴叙利亚，帮助协调和统一指挥包括伊朗伊斯兰革命卫队、叙利亚政府军、伊拉克什叶派民兵、黎巴嫩真主党多国武装力量发动对“伊斯兰国”的反击，同时瓦解叙利亚反对派的自由军。根据最近几日的媒体报道，至少有500名叙利亚自由军官兵倒戈政府军。随着俄罗斯空中军事打击的速度加快、规模加大，多国联合部队的反攻势头也同时加强，在这方面，伊朗的作用不可替代。

在伊核协议签署后，伊朗总统鲁哈尼和外长扎里夫都做出愿意与美国就叙利亚问题进行

谈判的表态，但最高决策者哈梅内伊对此予以否决。事实上，哈梅内伊从未公开对伊核协议表示支持。路透社7日报道称，哈梅内伊宣布禁止伊朗与美国进行任何进一步的谈判，并展示出更加强硬的反美立场和决心。在伊美继续谈判的大门关闭后，伊朗进一步加强了对俄罗斯的工作，继续通过伊斯兰革命卫队的海外突击队支持叙利亚、黎巴嫩真主党、巴勒斯坦哈马斯、也门胡塞武装的“正义事业”。人们在关注俄罗斯对叙利亚“伊斯兰国”势力的空中打击时，不能忘掉伊朗在地面战场上发挥的作用，更不能忽略一个事实，即任何中东重大危机，没有伊朗的参与都很难得到解决。

（本报德黑兰10月10日专电）

伊朗-俄罗斯：人作之合

11月23日，俄罗斯总统普京走访伊朗，和伊朗最高精神领袖哈梅内伊举行了会谈。会谈中哈梅内伊抨击美国并称赞普京的中东及反恐政策，尤其是过去一年半中在很多问题上采取了“非常好且有创造性的”政策，“挫败了美国打击异己的阴谋”，而普京则称伊朗为“可靠的盟友”。

不到24小时后，因一架俄罗斯在叙利亚执行对地攻击任务的苏-24战斗轰炸机被土耳其空军战斗机以“侵犯领空且罔顾警告”为由击落，导致俄土关系和叙利亚局势骤然紧张，一度因“11.13”巴黎系列恐怖袭击案等恶性恐怖事件在全球范围内普遍爆发而被炒热的“全球反恐大联盟”变得越来越像一句空话，各国虽普遍保持谨慎，但在“俄被击毁军机是否进入土耳其领空”问题上则或明确认同土耳其口径，或含糊其辞，公开认同俄“军机自始至终未过界”、“土击落俄军机是帮助恐怖主义”说法的除了俄在叙军事行动的直接受益人叙利亚巴沙尔政府，也就只有伊朗、尤其哈梅内伊为代表的伊朗宗教界了。

鉴于许多人热烈议论，伊朗和俄罗斯会否进一步加强彼此间的同盟关系？他们之间的联盟会否如某些俄罗斯官员口中所言的“天作之合”？

由于反美立场和伊朗核问题上的争议，伊朗曾长期被美欧制裁、禁运，且伊朗是什叶派，又至今未放弃“输出革命”的学说和尝试，和周边逊尼派掌权但国内存在什叶派力量的海湾诸国关系紧张，伊朗的主体民族是波斯族，和多为阿拉伯国家的邻国也往往关系微妙，在这种情况下，隔着里海对望的俄罗斯，在很长一段时间里几乎成为伊朗摆脱被包围状态、打破孤立的唯一可靠且不用担心被堵死的通道，也是伊朗输入某些急需技术、设备，输出换汇产品的最重要目的地。在这种情况下，伊朗常常表现出一种“亲俄”姿态，且在今年7月伊朗核协议达成前，有时显得十分露骨。

如今伊朗核协议虽然达成，对伊制裁、禁运也有很大缓解，但伊朗、尤其长期反美的宗

教保守派鉴于既往经验教训仍然心有余悸，认为即便国际处境松动，也不能轻易放松对俄罗斯这一“安全备份通道”的经营，因此仍然重视俄伊双边关系。

不仅如此，伊朗核问题可以解决，某些政治分歧可以缓解，但什叶派和逊尼派、波斯人和阿拉伯人间的猜忌、分歧、矛盾和竞争，却是相沿已久、积重难返的，伊朗在地缘政治上的孤立地位不会因伊朗核协议的签署和西方制裁的松动而随之改变，相反，由于ISIS的崛起和叙利亚、伊拉克、也门等地战争的持续燃烧，中东地缘政治中古老的“逊尼派联盟对什叶派联盟”模式再度以崭新形式被唤醒，以伊朗为核心，包括叙利亚政府军、伊拉克什叶派民兵、黎巴嫩真主党和也门胡塞民兵等在内的“什叶派轴心”成为以“海合会”为金主的逊尼派势力的眼中钉、肉中刺，且由于后者和西方关系密切，“什叶派轴心”的国际处境相对困难，适逢俄罗斯为保住其在独联体外唯一军事基地（叙利亚塔尔图斯港）和借“反恐”打破因乌克兰危机所造成的国际孤立地位，也有意加大其中东地区的投入并不得不倚靠“什叶派轴心”，两股国际上孤立、地缘政治上存在互利关系的势力就这样“抱团取暖”，并因欧美和周边国家在诸如巴沙尔政治前途等问题上的僵硬态度而不得不越抱越紧。可以说，伊朗和俄罗斯今天的密切关系，是“人作之合”，而非什么天作之合。

之所以这么说不仅因为前述种种，更因为不论伊朗还是俄罗斯，在合作中都有所保留。普京虽然信誓旦旦“不在盟友背后捅刀子”，但历史积淀深厚的波斯人可不敢这样大意：历史上俄罗斯不仅吞并了波斯/伊朗大片领土，还曾通过哥萨克试图控制伊朗政府，在伊境内扶植傀儡政权试图制造分裂从中渔利，二战期间和之后曾竭力谋求在伊境内特权，阿富汗战争期间也曾大搞渗透和间谍活动。普京时代俄伊虽因相互利益需要以合作为主，但俄罗斯对伊朗的支持是有保留的，在伊朗最困难、最孤立无援的关键时刻，俄罗斯撕毁协议拒不交付伊朗业已订购

后伊核时代博弈：伊朗执意发展导弹 核协议成果能否保住？

的防空导弹等不在制裁名单之列的武器，长期搁置核电站合作项目，都让伊朗朝野记忆犹新。自沙俄时代至今，俄罗斯人一直做着“温暖海洋”的梦，一心打通通往印度洋的出海口，稍有历史常识的伊朗人都知道，俄罗斯人最觊觎的“温暖海洋出海口”，其中就包括伊朗。鉴于俄国熊在对待盟友、盟约时的“传统作风”，饱经沧桑的“老江湖”伊朗当然会一边合作、一边保持一定的警觉。

经济上，伊朗和俄罗斯缺乏互补性，除了军工、核电等个别领域外，大多数经济领域要么都强（如能源）要么都弱（如轻工），昔日被制裁时伊朗为解决“温饱”，可以捏着鼻子“挂俄罗斯盐水”，如今情况毕竟改善许多，有粥喝，“盐水”也便不那么稀罕了。更何况在伊朗，反美情绪更多集中在宗教保守派范围内，民间社会反美、反西方热情并不高涨。

对俄罗斯而言也是如此：中东很大程度上是普京“围魏救赵”、改善因乌克兰危机而被孤立处境的一个次要方向，俄在当地根基浅薄，不能不考虑投入产出比。伊朗在地缘政治和国际石油版图上虽举足轻重，但同样是石油出口大国的俄罗斯却偏偏情况特殊——后者不太需要打通霍尔木兹海峡，却更需要向西通往欧洲的安全能源输出通道，在这个方面，伊朗对俄罗斯的重要性不如土耳其、希腊、乌克兰，甚至波兰。

鉴于当前国际暨地缘政治形势，以及俄伊两国的现实处境，它们恐还会在相当长时间内“抱团取暖”、相互称赞和扶持，甚至以“盟友”互称，但这只是“人作之合”，且很可能永远也达不到“天作之合”的水准——尽管两国政治家有时需要这样说。

一方是执意要发展弹道导弹项目的伊朗，一方是急不可耐要再次挥起制裁大棒的美国，美伊之间由伊核协议维系的脆弱平衡又将面临新的博弈。

去年7月，联合国安理会一致通过伊朗核协议，长达10年的伊朗制裁将被取消。原本奥巴马政府已放出风声，鉴于伊朗的实质性弃核行动，计划最早在今年1月逐步取消对伊朗的经济制裁，但是，计划终究赶不上变化。

美国财政部在去年12月30日通知国会，以伊朗参与“弹道导弹计划”为由，将对包括伊朗、阿联酋等国家和地区与该计划相关的公司和个人实施新的经济制裁。

旧制裁尚未取消，新制裁又接踵而至。12月31日，伊朗总统鲁哈尼下令伊国防部加速国内弹道导弹建设项目。他还在社交媒体推特上写道，美国此举毫无疑问将使去年7月达成的伊朗核协议落实前景蒙上阴影。

面对鲁哈尼的强硬态度，美国政府也没有松口，只是稍稍退让一步，表示基于“额外的技术与外交工作”仍需准备，将推迟制裁实施的时间。但美国方面始终强调，目前尚无打算取消这一轮新的经济制裁。

一方是执意要发展弹道导弹项目的伊朗，一方是急不可耐要再次挥起制裁大棒的美国，美伊之间由伊核协议维系的脆弱平衡又将面临新的博弈。

“导弹计划不属于协议范围”

此次美国计划实施的新制裁主要针对12名伊朗人以及在伊朗、阿联酋等地与“弹道导弹计划”相关的企业。按照制裁措施，美国的银行将冻结有关人员及企业的资产，并禁止美国的个人和企业与其做生意。新制裁若生效，将是去年7月伊核问题全面协议达成以来伊朗遭遇的首次制裁。

面对美国咄咄逼人的态势，伊朗官方回应道，伊朗发展“弹道导弹计划”只是出于防御目的，没有违反国际法，而且“弹道导弹的建设也不属于伊核协议范围”。

鲁哈尼则将美国的行为称之为“赤裸裸的干涉”。



“如果美国继续要对伊朗发展防御的行动进行非法干涉，那么就别怪我们不客气，新的弹道导弹项目将加速建设，”鲁哈尼说道，“我们不会就我们的防御能力与外界讨价还价，也不会接受任何新的制裁。”

自伊核问题全面协议去年7月达成以来，伊朗于去年10月和11月进行了两次弹道导弹试射。

伊朗议会议员曼苏尔说，伊朗目前测试的导弹是符合国际标准的传统导弹，伊朗不会研发可以携带核弹头的导弹。另一名议员伊斯梅尔·考萨里表示，伊朗将强化军事设施，不会放弃自我防御的能力。也有伊朗政府官员称，美国一直在向伊朗施压，并通过种种借口制造问题，以便对伊朗发动制裁，这将阻碍全面协议的最终落实。

美国国务院的一位发言人表示，美国不会对伊朗政府的最新表态进行回应。当然，美国在针对伊朗发展导弹问题的立场也得到了其他西方盟友的力挺。法国政府官员去年12月表示，他们对伊朗在核协议达成后的一举一动密切关注。去年10月，英国与德国也与美国站在一起，呼吁联合国安理会就伊朗进行导弹试射对后者进行制裁。

伊核协议成果能保持多久？

除了伊朗试射导弹外，美国中央司令部的一位发言人也借机痛陈伊朗军方近日种种的“挑衅行为”。这位发言人提到，伊朗革命卫队的海军最近在霍尔木兹海峡的美国军舰附近试射火箭。伊朗革命卫队随即否认了这一说法。

尽管双方各执一词，不可否认的是，上述事件都发生在美伊双边关系高度紧张的时刻。双方稍有不合，极有可能使得国际社会为伊朗核协议达成的努力付之东流。

好在，伊朗方面也为核协议的落实迈出实质性步伐，比如伊朗政府正在退役数千台铀浓缩离心机，逐渐从之前的1.9万台向协议规定的6104台目标迈进。同时，开始降低现有浓缩铀的浓度等。再加上制裁取消后伊朗所能享受的石油红利，部分美欧分析师乐观认为，伊朗不敢冒天下之大不韪，拿伊核协议叫板美国的新制裁。

当然，美国在针对伊朗新制裁方面犹犹豫豫的态度也引发了美国国内部分共和党议员的不满。在他们看来，伊朗已经进行了导弹试

射，而奥巴马政府在制裁问题上不坚决的态度被批评为“无能”与“软弱”。

对于伊朗而言，除了与美国就新制裁问题大打口水战外，真正要担心的还是今年2月26日即将到来的议会选举和专家会议选举。前者可以否决伊朗议会法案，后者将决定伊朗最高领袖的人选。

伊核协议在逐渐弥合伊朗与西方之间分歧的同时，却在无形中加深了伊朗内部政治势力的分化。

保守派担心，温和派的鲁哈尼将借助达成伊核协议所赢得的极高人气挑战目前的精神领袖哈梅内伊的地位。尽管选举结果对伊核协议的落实影响有限，但毕竟哈梅内伊也已首肯该协议。不过，如果保守派在新议会中占据主导将无疑会使鲁哈尼所强调的改革政策的实施遭到制约，也会使因伊核协议达成而取消经济制裁的效果大打折扣。

80年代美军击落伊朗客机：拒不承认 真相成谜

荷兰安全委员会13日公布马来西亚航空MH17客机坠毁事件的最终调查结果，认为是俄罗斯“山毛榉”导弹击落了这架客机。这一调查结果引起俄罗斯不满，俄方认为荷兰的调查有浓重的政治倾向，并迅速拿出相反的调查结论。无独有偶，上世纪80年代末，伊朗航空655号航班被美国海军击落后，各方调查也曾饱受争议，直至今日，美国也未就这次误击事件正式道歉。

布什：我永远不会为此道歉

20世纪80年代，伊朗与伊拉克爆发连续数年的激烈冲突，战火甚至扩展至对邻国油轮和商船发动攻击。1988年4月29日，美国海军宣布为海湾地区的所有友好中立航运提供保护，这为后来的悲剧埋下伏笔。7月3日，从伊朗首都德黑兰飞往阿联酋迪拜的伊朗航空公司655号航班被美国海军导弹巡洋舰“文森斯”号发射的两枚“标准-2”防空导弹击落，机上所有290人(包括66名儿童和16名机组人员)全部死亡。这起航空事故是航空史上死亡人数排第8位的事件，同2014年7月17日发生在乌克兰的MH17坠毁事件(298人死亡)基本相当，也是海湾地区死亡人数最多的航空事故。

如此严重的空中悲剧立刻在美国和伊朗之间引发轩然大波。根据事后调查，导弹刚发射，“文森斯”号的舰员就发现目标错误指向了民航客机。但美国政府坚持不认错。时任美国副总统布什在联合国强辩这次击落事件属战时事故，“‘文森斯’号船员在当时的情况采取了适当行动”。在随后的总统竞选活动中，他对此事表态说：“我永远不会为美国道歉，我不关心事实是什么。”美国政府声称，“文森斯”号把这架A300型客机错误识别为伊朗的F-14重型战斗机，而且该客机起飞的阿巴斯港机场，除了服务商用民航机外，也用作伊朗F-14战机的基地。

不久之后，美国海军少将威廉·福加蒂发布一份题为《1988年7月3日伊朗航空655号航班坠毁情况正式调查》的报告，更是极力为美国海军辩解。该报告称，在发射导弹前，“文森斯”号曾多次试图同这架正在靠近的飞机联络，其中7次用军事应急频率联

络、3次用民用应急频率联络，但都未能成功。这架伊朗客机上没有配备军事频率，而民用应急频率原本可以联络任何飞机。在这种情况下，为了保护自身安全，7月3日上午10时24分，“文森斯”号巡洋舰向距离11海里的这架伊朗客机发射了防空导弹。

伊朗：这是一种犯罪行为

更容易挑动外界怒火的是，尽管“文森斯”号误击了伊朗民航客机，但该舰官兵却被美国军方授予作战勋带，以表彰他们“完成在战区的任务”。不仅如此，舰上的空战协调员斯科特·勒斯蒂格中校还得到海军荣誉勋章。

对于美国政府的说法，伊朗方面激烈反驳。伊朗政府表示，“文森斯”号故意击落伊朗航空655号航班，这是一种犯罪行为。伊朗对美国“识别错误”的说法尤其表示质疑。伊朗方面称，“文森斯”号巡洋舰配备有最先进的宙斯盾雷达，完全能正确追踪来袭目标的方位和型号；当时附近海域的另两艘美国军舰“塞兹”号和“蒙哥马利”号也已确认伊朗航空655号航班是一架民航客机；而且它正飞行在国际公认的空中走廊内。

伊朗指责说，美国海军这次“误击”是故意寻找机会来展示其实力。即使该机是伊朗F-14战斗机，美国也没有权力击落它，因为它当时正在伊朗领空内飞行。客机当时正飞行于波斯湾的伊朗领海上空，且是在按常规的飞行路线飞行。在这起事件发生前，是“文森斯”号进入伊朗领海，而且发射导弹时处于伊朗领海内。无论如何，美国应该对其军舰违反国际法的行为承担责任。此外，“文森斯”号的宙斯盾作战系统记录显示，事件发生时这架伊朗客机正在爬升，而非攻击状态下的俯冲，并没有可能引发“文森斯”号误解的动作。伊朗国内很多人认为，655号航班被击落是美国的故意攻击，表明美国准备站在伊拉克那边介入两伊战争。

美国：同意赔偿但拒绝领罪

由于美伊双方对这起坠机事件意见对立，很多独立机构和人士也相继对这起悲剧展开调查。美国《新闻周刊》的约翰·巴里和罗



杰·查尔斯在1992年7月13日的调查报道中写道，“文森斯”号舰长威廉·罗杰斯上校行事鲁莽，而且美国政府有意掩盖真相。国际非政府组织国际战略研究协会分析称，在战区部署一艘宙斯盾巡洋舰是不负责任的举动，“美国海军为开火设置了一个很低的门槛”。在美国海军内部，“文森斯”号的绰号叫“机械战舰”（取自科幻片《机械战警》），这不仅指舰上配备的宙斯盾作战系统，还暗指舰长罗杰斯的明显攻击性倾向。

在这起事件发生3年后，刚卸任的美军参联会主席威廉·克罗上将在美国电视节目“夜线”上首次承认，“文森斯”号发射导弹时位于伊朗领海，这同美国海军之前的声明矛盾。事件发生时，距离“文森斯”号最近的美舰“塞兹”号的指挥官戴维·卡尔森中校也披露，击落那架客机“标志着罗杰斯上校的攻击性达到巅峰，这种攻击性在4周前就开始出现”。卡尔森中校提到，早在6月2日，罗杰斯就指挥“文森斯”号接近一艘伊朗护卫舰，随后向这艘伊朗船只开火。卡尔森承认，他在那片海域遭遇过的伊朗军事力量“明显是无威胁的”。美国国家地理频道的调查澄清，伊朗655号航班并非对“文森斯”号的呼叫完全不理睬，该机曾发送过敌我识别代码，表明自己是一架民航客机，但罗杰斯舰长在接受采访时却坚持说，“单单这样一个代码无法证明那架飞机是非敌对的”，他下令击落该机“旨在保护自己的军舰以及船员生命安全”。

面对多个调查结果的质疑，美国仍坚持己见。福加蒂少将在1993年发布官方调查报告的第二部分，称罗杰斯舰长“基于可用信息，用谨慎方式采取行动，他的所作所为符合美国海军舰长的身份”。1996年2月，美国同意支付伊朗1.318亿美元，以终止伊朗在国际法院及美国-伊朗求偿法庭的上诉。但长期以来，美国政府一直没有向伊朗作出正式道歉或承认在该事件中犯下罪行，华盛顿方面只是对数百人死亡表示遗憾。

华黎明：美伊谈判，意义不亚于当年尼克松访华

当地时间7月14日，奥地利维也纳，伊朗外交部长扎里夫的脸上终于露出了笑容。

经过12年马拉松式谈判，在伊核问题上六国终于与伊朗达成历史性协议，这意味着，多年来套在伊朗头上的制裁枷锁终于可以解下了。

然而，这到底是为中东打开了一扇新大门，还是打开了潘多拉盒子？伊核协议的签订，会对伊朗国内政治经济发展带来什么影响？美伊关系会如何发展，双方真的会在反恐问题上展开合作吗？对于中东地区稳定、中国的“一带一路”又会带来哪些影响？观察者网专访前驻伊朗大使华黎明，为您解答以上问题。

1977年底，华黎明以一名青年外交官的身份被派往中国驻伊朗使馆工作，并在1991年-1995年担任中国驻伊朗大使。他曾亲历伊朗革命，和后来发生的伊朗学生占领美国大使馆及两伊战争的爆发。丰富的外交经历让他对伊朗、对中东问题常常有入木三分的见地，是国内不可多得的既有外交实践经验、又有深厚学理知识的中东问题专家。

观察者网：伊核协议历时12年最终达成，这12年里，伊朗经济发展缓慢，甚至波及到国内政治稳定，那么伊朗做出妥协签订协议，和它目前国内的经济和政治局势之间有什么关系？

华黎明：伊朗革命到现在已经36年了，但这36年间它依旧处在一种革命状态。和美国、西方的对抗耗费了大量资源，国家资源都用来发展核能、导弹，或者支持他国的革命，投入到民生、经济方面的很少，迟迟不能走上一条正常发展的道路。再加上西方的制裁，伊朗百姓普遍开始疑虑：革命到底给他们带来了什么？大家都希望能够改善民生。所以2013年伊朗大选的时候，鲁哈尼这样的人能得到高票支持当选。

上台之后，鲁哈尼有一个很明确的目标，就是要发展伊朗经济。而发展伊朗经济的关键在于改善同美国的关系，因为美国是世界上最大的霸主，伊朗之所以陷入外交和经济困境，主要是因为和美国的对抗造成的。所以鲁哈尼也很明确地提出要缓和对美国的关系，发展伊朗经济。这种态度实际上给美

国奥巴马政府一个强烈的信号，就是伊朗是愿意同美国改善关系的。美国很快也给伊朗发出了信号，包括派秘密特使去伊朗，这才有了最近这一年多以来关于伊朗的核谈判，不是说过去没有谈判，而是这次是真的认真在谈，并且最终达成了协议。我看了电视镜头，谈判结果一宣布，德黑兰几乎万人空巷，老百姓都非常高兴地在庆祝。36年前，我曾亲身经历了伊朗革命，当年的情景也是这样，万人空巷举国欢庆，36年后，这一幕又重现了。

由此我们也可以看出，伊朗老百姓现在非常需要民生建设，需要发展经济，所以这次协议的达成对伊朗的经济政治稳定都有很重大的关系，如果西方再继续制裁下去，很可能会威胁到伊斯兰革命政权的合法性问题。有人甚至将这次谈判比作四十年前尼克松访华，我觉得可以有这么一比。尼克松访华之后，中美关系打开大门，这次伊美关系用另外一种谈判的方式，打开了一扇门，当然它们之间的问题还没有完全解决，但毕竟是开了一个窗口，伊朗经济可以获得新生，对政治稳定的威胁也会减弱。

观察者网：基辛格曾经有个问题，伊朗在核问题上的调整究竟是战略性的还是战术性的。您认为这次伊朗签订协议是属于战略性的还是战术性的？

华黎明：基辛格不愧是老练的外交家，他这个问题很到位，问到了点子上。所谓的战略性调整，是指伊朗完全放弃核能量甚至核武器，不再追求核技术，也不再搞核计划了；所谓战术上的调整，是说伊朗目前只是采取一种让步的办法，但还是会保留最小限度的核浓缩铀和核燃料，以备在自身安全受到威胁时制造核武器。

我认为伊朗目前的调整是属于战术性的，它并不会真正放弃。这次同美国谈判，一个非常关键的问题是，美国给伊朗跨过核门槛的时间是12个月，伊朗则坚持6个月，所谓跨过核门槛，是说在这段时间内，如果伊朗一旦感觉自己的安全受到威胁了，还是要发展核武器，那么以伊朗现有的核能力，可能需要12个月的时间才可以再搞出一颗核弹来。那么这个从战术上来讲，伊朗做出了重大让

步，但伊朗无意放弃的核技术和和选择。所以基辛格这个问题问到了点子上。如果伊朗从根本上放弃核技术了，就应该按照以色列要求的那样实现零浓缩，完全放弃浓缩铀，就像卡扎菲当年那样，把所有的核设施全部拆除，然后把图纸也交给美国人，但伊朗并没有这样做。

7月15日，奥巴马在白宫讲话中提到，美伊这次谈判不是建立在信任的基础上，而是建立在核查的基础上，这就讲得很明白了，美伊双方还是不信任，因为不信任才需要核查。通过一步步的核查看伊朗做到了没有，做到了才解除制裁。我觉得奥巴马这句话说得很有到位。美伊之间现在没有信任，完全就是靠核查来维持相互之间达成的协议。

观察者网：但是奥巴马也一直在推动核协议的签订，他的这个推动和美国在中东以及全球战略的调整上有没有什么关系？

华黎明：伊朗核问题从2003年浮出水面到现在已经十二年了。2003年时伊朗的核能力是很弱的，总共才有300台离心分离机，现在已经达到了19000台。当年如果美国愿意谈的话，可以轻而易举地让伊朗放弃核能，但美国错过了这个时机。现在伊朗手里有了筹码，美国不可能再要求它彻底放弃了。

而直到现在，美国才意识到，它的全球战略重点不在伊朗，而在亚洲，在中国。它不可能十个手指都按住世界上各个地方，哪一点都不放，结果哪一头都顾不上，所以它必须减轻中东的负担。伊朗问题要消耗美国很大的外交资源、战略资源、财政资源、军事资源，只有解决了伊朗问题，美国才能实现全球战略的大调整。

所以从这个角度讲，奥巴马的这个做法是符合美国全球利益的。而且我也相信，这样做了之后，下一任美国总统也不会轻易改变，因为这是美国战略利益的需要。奥巴马比较明智、智慧地在他任期内把这个问题解决了。奥巴马自己给国会的解释是，美国没有别的选择，只能用谈判的方法，但潜台词就是美国要调整全球战略，必须要解决伊朗问题。

当然，这也不意味着美国会从中东撤出，实际上，它也不会从中东撤出，因为中东对于美国的全球霸权地位还是非常重要的。美国无非就是想改变一下策略，不能像二战以后那样，在中东投入大量精力。美国现在已经

没有这个能力，承受不了这样的投入。如果因为核问题解决不了，美国在中东将要打第三次战争，这更是美国承受不了的。所以美国必须减少负担，但是并不意味着美国要撤离中东，或者放弃对中东地区的主导权，只是说它会把力量从中东抽一部分到亚洲来。过去在中东地区它依靠的力量是以色列、沙特、埃及，伊朗不是它的依靠对象，现在伊朗获得了减压，以此来平衡美国对其他国家的过度依赖。这就是美国的战略。

观察者网：美国国内对伊核问题至今分歧很大，尤其是国会方面，那么伊核协议的通过在美国国内还面临哪些变数？

华黎明：奥巴马在处理伊朗核问题上的做法是明智的，但他犯了一个错误，他在做这个事情之前，没有能够说服美国的精英集团和舆论，这个准备工作他并没有做好。伊朗在美国是一个被深度妖魔化的国家，美国多数舆论和民众都认为伊朗是邪恶轴心，并不认为它是个友善的国家。所以在这种情况下，美国国会很容易被煽动起来，指责奥巴马是在背叛美国的利益，对伊朗让步太多。国会这种指责很容易获得大多数支持，以此来制约奥巴马。

当然奥巴马自己也做好了准备，毕竟他为此投入了那么多的精力和资源，如果最后协议被国会否决，奥巴马也准备动用总统否决权，让协议最后获得通过。以前奥巴马都是在国内问题上动用这项权利，比如医改、移民法等，极少在外交问题上使用，也足见这次他的决心有多大。

去年中期选举之后，共和党占据了绝大多数议席，这次国会对奥巴马的牵制，不完全是在政见上的不同，还有两党政治因素在里面。共和党就是想要和奥巴马对着干，无论是国内政策还是国外政策，都要牵制着他。既然这样，奥巴马就采取这个办法，动用总统否决权。这可能会给两年后的美国大选带来影响，如果共和党的政策太离谱，可能会给民主党加分，得利的就是民主党的希拉里。可能奥巴马有这么一个策略，就是我故意陷你们于不义，将来你们共和党就会失票。

观察者网：眼下中东恐怖组织横行，伊核问题能够在这个时间窗口上解决，和美伊在反恐上的利益共同点也有关系。那么接下来，您认为双方在反恐上会展开哪些合作？

华黎明：在对付ISIS、阿富汗塔利班等恐怖组织上，美国和伊朗的利益是有重叠点的，不排除两国将来在这些方面会有一些协调、合作。但是美伊之间还有很多问题没有解决，包括伊朗导弹问题、叙利亚问题、也门问题，伊朗对黎巴嫩真主党支持的问题，对巴勒斯坦哈马斯的支持，这都是美国和伊朗之间斗争很激烈的问题。

在这个大气候下，美国和伊朗在对付恐怖组织的问题上有多大的合作，现在恐怕还很难讲。尤其伊朗方面，这次谈判的主要目的是解除制裁，它并不急于改善同美国的关系。因为美国在这些问题上和伊朗的分歧还很大，但是制裁的大门一打开，欧洲很多企业都可以进入到伊朗，这对伊朗经济是非常有利的。

观察者网：中东地区其实也一直是大国之间争权夺利的博弈场，乌克兰问题上美国输给俄罗斯一城，现在对伊朗松口，是否有在中东地区和俄罗斯继续抗衡的意思？

华黎明：美国在这次伊朗核谈判问题上调整了政策，成功地调整了全球战略，整体上是得分的。至于对俄罗斯是有利还是有弊，这个很难说。因为伊朗对俄罗斯来说是非常重要的，它的地位不亚于乌克兰。俄罗斯希望伊朗保持独立、反美，这是对俄罗斯最有利的。通过这次核谈判，伊朗的这两个特性还没有失去，所以目前俄罗斯还比较放心。有人说伊朗可能从此就不反美了，甚至是投入西方的怀抱，我觉得这还相当遥远。虽然奥巴马政府现在改善了和古巴、缅甸、越南等很多国家的关系，但美伊关系还有很长的路要走。

观察者网：我们目前正在推进“一带一路”，以前有个担忧就在于到了伊朗这里可能推动不下去，现在问题也迎刃而解了。那么，这次伊核协议的签订会给中国和伊朗双方带来哪些发展机遇和挑战？

华黎明：伊核问题的解决对于我们的“一带一路”来说是好消息，对伊朗的制裁被取消以后，我们就可以放开手脚在伊朗进行投资，进行大规模的基础设施建设方面的合作，制造业也准备在那边进行大量投资。当然在这个同时也会面临大量西方国家的竞争。西方国家特别是欧洲那些大型跨国公司，一听说伊朗取消制裁之后都蜂拥而至，对中国会构成强烈的竞争。但总体上来说我

并不担心，因为全世界制造业和基础实施建设的最高水平在中国，伊朗在这个方面还得找中国。

观察者网：伊朗是中东地区大国，它的发展一直受到近邻的关注，这次核问题的解决，也让周围的沙特和以色列非常不满和担心。如果伊朗借此崛起，会对地区稳定带来哪些影响？

华黎明：其实有没有这个核谈判，伊朗在这个地区的崛起已经是一个不可避免的现象。2003伊拉克战争和阿富汗战争之后，伊朗在中东的地位就已经大大提升了。这次取消制裁，再加上它丰富的石油资源，还有比较高的人口素质，伊朗在中东地区的战略地位肯定会上升，成为一个重要的力量，而且我预计它还会成为世界一个大的经济体。

在可以预见到未来，美国会逐步从中东抽身，沙特、以色列的地位在下降，伊朗的地位在上升，中东地区的地缘政治将会发生重大变化。在美国的主导权削弱之后，这些地区性大国之间的博弈会更加激烈，伊朗和沙特、以色列这些国家的关系，将来会更加复杂。

其实，伊朗目前已经开始在改变中东的力量对比地图。比如说叙利亚问题，如果没有伊朗的支持，阿萨德政权早就垮台了；伊拉克问题上，其实是美国替伊朗做嫁衣，伊拉克现在是伊朗的势力范围；伊朗在也门的势力发展也很快。类似这种事情，我估计将来在中东还会发生。因为黎巴嫩真主党是完全得到伊朗支持的，巴勒斯坦的哈马斯也是得到伊朗支持的，伊朗的影响力已经渗透到了阿拉伯地区的心脏地带，这几个大国在中东地区的力量平衡正在发生变化。

沙特伊朗断交的“奈米尔”因素

近日伊朗与沙特这两个海湾大国的外交关系急剧恶化，沙特外交大臣朱拜耳在3号宣布，沙特断绝与伊朗的外交关系，并且责令伊朗外交人员在48小时之内离境。而在沙特宣布断交之前，沙特驻伊朗的外交人员已经在沙特驻伊朗大使馆受到冲击之后，通过阿联酋迪拜撤回国内。

此次外交风波，源于近日沙特处决国内著名的什叶派领袖奈米尔（Nimr al-Nimr，又译尼米尔——观察者网注）。沙特以恐怖主义罪名处决了包括奈米尔在内的47人。尽管和其他46人一同被处死，但是奈米尔同其他46人的罪行并无关联，沙特政府处死奈米尔的主要罪名是“里通外国”“叛国”。对奈米尔的处决在整个什叶派世界引起了轩然大波，伊朗首都德黑兰的沙特大使馆很快遭到伊朗示威群众的冲击，伊朗东部城市马什哈德的沙特领事馆也遭到伊朗民众的冲击。在沙特驻伊朗大使馆门前，愤怒的伊朗示威者很快冲破了伊朗警察的围堵，并且向使馆建筑投掷了石块和燃烧瓶。随着伊朗在宣传上对于沙特处死奈米尔愈发强烈的表达不满，沙特的愤怒也在不断聚集，双方关系的破裂也似乎不可避免。

当然，关于沙特-伊朗断交，会有很多分析阐述沙特的“东方省”问题即沙特国内乃至世界范围内的什叶派-逊尼派关系问题、沙特外交政策问题、沙特伊朗关系问题、伊朗“大国梦”和沙特“海湾大国梦”冲突问题等等视角，但是我们认为，作为一个突发事件，我们更应当分析事件的当事人——奈米尔——的独特身份以及由此带来的沙特、伊朗紧张关系。奈米尔的特殊身份，决定了在当前紧张的沙特-伊朗关系中，双方关系破裂的最终结局。

活跃的奈米尔

作为此次事件的重要当事人，奈米尔的命运受到了各方的关注。奈米尔来自沙特东部省的阿瓦米亚赫镇，临近东部城市卡提夫，是一个什叶派聚居区。奈米尔生于1959年，是当地什叶派的重要领袖。他本人政治言语较为激烈，对于沙特内政尤其是沙特东部省的政策抨击颇多。2009年，他甚至公开宣称，

如果沙特国内什叶派的权利无法得到沙特王室的尊重，那么东部省将会分裂。2011年“阿拉伯之春”爆发之后，奈米尔曾经多次公开抨击沙特政府的政策，并且声援巴林境内什叶派民众的抗议活动，预测如果沙特政府对于什叶派民众示威活动进行打压，那么沙特将最终土崩瓦解。

奈米尔的政治立场，大体上可以分为三个部分，首先是对于沙特政府的批评，认为沙特并没有尊重国内尤其是东部省什叶派的权利，对于什叶派进行打压，并且威胁说“我们的信仰比国家统一更珍贵”。其次，奈米尔号召民众通过和平手段反抗沙特政府的歧视政策，以表达对于现政的不满，认为沙特政府“依靠子弹和监狱管理国家，我们需要依靠正义的力量”。第三，奈米尔反对使用暴力手段反抗沙特政府，主张通过和平手段向沙特政府施压，认为“我们不能使用武力，那样我们将会失败……语言的力量强过子弹的力量”。

奈米尔的大胆言论与高调抨击，吸引了东部省什叶派民众尤其是青年人的支持。作为沙特国内什叶派的“代言人”之一以及重要的政府批评者，奈米尔也受到了沙特政府的“重点关照”。2004年和2006年，他曾经先后两次被沙特官方逮捕，但是不久后被释放。在2006年的逮捕事件中，奈米尔声称受到了沙特警方和安全部门的殴打。

2009年2月，沙特圣城麦地那曾经爆发了一次教派冲突事件，当时什叶派和逊尼派民众在宗教仪式差异及其引发的一系列敏感问题上爆发冲突，最终导致了沙特东部省的抗议活动，沙特政府也因此逮捕了多名什叶派示威者。在此关头，奈米尔高调宣布“我们的身份正受到威胁……如果不能恢复，我们宁愿分裂”。此后不久，奈米尔就被沙特警方逮捕。

2011年随着“阿拉伯之春”在中东不断蔓延，奈米尔不断发声，引起沙特官方的警惕。2011年-2012年期间，沙特东部省什叶派爆发大规模的抗议示威活动，沙特政府对于示威活动进行了大规模的镇压，奈米尔批评沙特官方的镇压活动，要求“停止血腥屠杀”。沙特政府还曾经试图“拉拢”奈米

尔，通过他的朋友来同奈米尔接触，希望他能停止抨击沙特官方的言论，遭到了拒绝。很快沙特政府决定逮捕奈米尔，2012年7月奈米尔被捕，根据沙特内政部的消息，当时奈米尔还和逮捕他的沙特警方发生交火，最终他被沙特警方击伤后被捕。

奈米尔被捕的消息，在沙特国内什叶派引起轩然大波，东部省很快发生了大规模的什叶派抗议活动，但是很快被沙特警方镇压。不久后沙特官方开始审判奈米尔，罪名是“背叛君主”“煽动教派矛盾”和“鼓动、领导和参与示威”等。对于奈米尔的审判，几乎是“过场”而已，奈米尔并没有受到合理的辩护，甚至一次出庭，当局都没有通知他的家人和辩护律师。2014年10月，奈米尔被法院判处死刑，罪名是“里通外国”“背叛君主”以及“武力抗拒逮捕”。2015年10月，沙特最高法院驳回了奈米尔的上诉请求，维持死刑判决。奈米尔的家人希望萨勒曼国王能够“网开一面”，“赦免奈米尔”。但是最终，奈米尔还是在2016年1月2日被执行死刑。

公允地讲，奈米尔死刑罪名确实一定程度上存在，但是他本人更多的是希望通过“公开言论”而不是“秘密策划”来敦促沙特政府改善对国内东部省什叶派的政策。奈米尔对于沙特的批评都是通过公开的讲话和文章进行的，尽管其本人早年与伊朗有着千丝万缕的联系（我们下边将会谈到），但是从过往事实来看，奈米尔本人并没有参与任何针对沙特政府的暴力活动。因此，奈米尔案件代表的其实是什叶派知识分子“言论自由”和沙特政府维护“政治稳定”之间的矛盾而已。

沙特与伊朗，退无可退

说到什叶派，必然无法避开伊朗。奈米尔本人也一样。

奈米尔早年间曾经求学于伊朗和叙利亚，师从伊朗著名的什叶派学者希拉兹（Mohammad Hussaini Shirazi）以及伊拉克著名什叶派学者摩达雷西（Mohammad Taqi al-Modarresi）。希拉兹和摩达雷西都参与过1979年的伊朗伊斯兰革命，希拉兹曾经长期主管伊朗伊斯兰革命对外援助工作，并同巴林和伊拉克境内的什叶派保持着密切关系。

在伊斯兰革命期间，希拉兹曾经和伊斯兰革

命领导人霍梅尼并肩作战，但1979年之后，两人关系陷入僵局。希拉兹自认为自己的宗教知识和宗教地位要略高于霍梅尼，因此对于许多事务指手画脚；在霍梅尼去世之后，希拉兹同后来的伊朗领导人哈梅内伊以及拉夫桑贾尼也关系不佳。相较于霍梅尼和哈梅内伊，希拉兹的政治和宗教理念更加激进，因此在伊朗革命热情高涨退去、社会需要回归理性之时，希拉兹也逐渐被伊朗政治主流所抛弃。

与希拉兹的命运相类似，摩达雷西也曾经是伊朗伊斯兰革命的重要参与者。摩达雷西在当今的伊拉克影响力巨大，是伊拉克境内什叶派中影响力和学术地位仅次于西斯塔尼的重要学者。作为一个出生在伊拉克什叶派圣城卡尔巴拉的重要学者，摩达雷西曾经是霍梅尼的重要战友，同时也是希拉兹重要的政治盟友。在两伊战争期间，摩达雷西在伊朗的支持下，在伊拉克组建了自己的组织，并且在战争中帮助伊朗破坏伊拉克境内的军事和民政设施，甚至曾经在1980年试图暗杀伊拉克副总理阿齐兹。

由于历史上同伊朗在情报和安全方面有过不少合作，摩达雷西长期同伊朗伊斯兰革命卫队关系紧密，也因此随着上世纪80年代后期伊朗国内政治生态逐渐“去激进化”，而被逐渐淡出伊朗政治决策的核心层。80年代末，摩达雷西开始抨击霍梅尼的治国政策，并且反对讲哈梅内伊提升做“接班人”，公开支持希拉兹。也正因为如此，当霍梅尼过世之后，伊朗安全部门迅速将希拉兹“软禁”，而摩达雷西也渐渐淡出视野。

2003年萨达姆倒台之后，摩达雷西回到伊拉克，在被美国军方短暂拘捕后予以释放。摩达雷西回到伊拉克之后，组建了“伊斯兰行动党”参与政治活动，并且同其他什叶派政党一起组建了“伊拉克民族联盟”。回到卡尔巴拉之后，摩达雷西的生活“优哉游哉”，除了参与政事，还偶尔公开讲述当年自己在伊朗的政治斗争，而且还游历了欧洲与美国。在一次接受媒体采访时，摩达雷西——或是出于政治需要亦或是出于真心改变——认为“民主是个好东西”，“能够解决中东的许多问题”。

作为希拉兹和摩达雷西的学生，奈米尔同伊朗尤其是伊朗强硬派之间也确实存在着某些联系。这也不难解释为什么当奈米尔2014年



10月被判处死刑之时，伊朗国内的强硬派伊斯兰革命卫队发声将会对沙特进行报复。不过奈米尔却多次公开表达对于伊朗的不满，认为伊朗在很多场合没有支持“什叶派兄弟”，声称伊朗的对外政策没有依据“道义”，而是“自己的国家利益”。

奈米尔的死讯在广大什叶派世界引发了剧烈震动，伊朗最高领导人哈梅内伊的官网甚至贴出了图片，将沙特杀死奈米尔和“伊斯兰国”杀害俘虏相对照，以此来映射对于沙特的不满。但是我们也应当看到，在哈梅内伊咄咄逼人的攻势之下，伊朗政府显得相对理性。伊朗总统鲁哈尼用“不应当”来表达对于民众冲击沙特使馆行为的不满。可以说伊朗力图在“激烈反对”和“温和反对”之间寻求一条折中道路：既表明自己的“愤怒”，又不至于彻底毁坏伊朗-沙特关系。

不过尽管存在着诸多管控措施，伊朗和沙特仍然无法有效制衡彼此的敌意。沙特在2015年之后，其对外政策逐渐由过去的“温和”“迟钝”转为“激进”“主动”。无论是介入也门局势、反对伊朗核协议、叙利亚问题还是组建地区联盟，沙特的外交政策显示出其对于地区局势尤其是伊朗代表的什叶派扩张的不安和焦虑。对于沙特来说，作为动荡不安的东方省什叶派重要领导人，奈米尔的反政府言论将会极大的挑战沙特地方政治权威，尤其是在2011年之后，沙特国内教派关系日趋紧张，社会关系更趋复杂的背景下，奈米尔的存在势必将会成为未来政治动荡的隐患。在此背景下，处死国内的“反对派”，却遭致伊朗的谴责以及巨大的外交“羞辱”，沙特做出“断交”的举措，也似乎情有可原。

对于伊朗来说，当前的“言辞激烈”和“行动克制”确实最大的无奈。独特的政治“失意派”背景，以及同伊朗国内强硬派的些许联系，使得奈米尔成为了伊朗时刻关注的热门人物，他不仅仅是伊朗国内强硬派尤其是伊斯兰革命卫队的“远亲”，更是曾经政治斗争失败阵营的“支系”。在这样的背景下，如果对奈米尔的命运不管不问，那么势必引发国内深层的政治危机；如果反应太过激烈，更可能会撼动伊朗国内的政治稳定。当伊朗在口头上为了国内外形象进行抗议之后，却被沙特视作挑衅，双方的最终断交也不可避免。

沙特和伊朗的断交，尽管可以视作是2011年之后双方在中东地缘政治争夺的一个标志性事件，但是就奈米尔事件本身来讲，伊朗和沙特在此次事件上都不存在绝对“断交”的原因，但是沙特警惕伊朗“干涉内政”，伊朗却由于奈米尔同国内强硬派之间的关系以及“革命语境”的特殊身份，不得不表达政治不满。沙特和伊朗断交，更多的是双方出于“对抗语境”之下，各自国内外诸多政治考量下的“悲剧”。

伊朗的大麻烦是逊尼派对手

伊核问题六方谈判距离达成协议的预定日期越来越近了。我们该想一想如果协议达成，对中东地区、对伊朗有什么潜在的影响？一般认为，达成协议对各方都有好处。首先，对美国来说，好处是显而易见的。最重要的是，达成协议会降低与伊朗开战的风险。此外，还可以不用死人、省下一笔战争经费、阻止伊朗发展核武器、极大延长伊朗核能力取得突破性进展的时间、修补伊朗伊斯兰革命后的美伊关系。中东的问题不能用战争来解决，这是已经被多次战争证明了的。外交手段也许是一个恰当的解决之道。

伊朗可能认为将要达成的协议是不公平的，自己做出了太多牺牲。不过如果达成协议，伊朗自身也会有收获。早前一些迹象表明，如果伊朗能只保留有限的研究项目，降低生产规模，接受严格监管换入境监督，那么作为交换，可以对伊朗立即解除和放松一部分制裁。如果这样，伊朗经济有望回升，政府也有比现在更多的资源供使用。达成协议也可以为伊朗在国际社会提升声誉。这是一个与美国及西方世界建立联系的机会，可以为与西方投资、贸易敞开大门。如果紧张状态能够缓解，伊朗还可以把更多的精力放在别的外部挑战上，特别是该地区的。

中东现在处于危机中。每个国家都牵涉到目前的战事。从伊朗在海湾的阿拉伯邻居角度看，这个地区所有问题都来自伊朗追求地区霸权。他们认为，伊朗在叙利亚、伊拉克、也门发挥影响，试图用新的什叶派帝国来挑战传统上逊尼派主导的地区秩序。海湾阿拉伯国家害怕达成协议会让伊朗在求索自身利益时更加具有侵略性。他们觉得协议只是一个缓冲，让伊朗不再害怕与美国开战的风险，而把注意力放到邻国身上。从他们的视角来看，达成协议就以为把伊朗的威胁拿到台面上来。海湾阿拉伯国家担心，美国撤出，伊朗受的制裁缓解，毫无疑问后者会做大。

德黑兰的行动并没有降低这种担心。当西方国家的注意力更多集中在核问题上时，伊朗一直在顽固的追求他在此地区的利益。在叙利亚，伊朗的伊斯兰革命卫队已经成为了巴沙尔的基本作战力量之一。他们不仅监

视着叙利亚国防军的发展，也同时带领真主党和伊拉克民兵参加战斗。当IS在伊拉克发动战事，伊朗第一个做出反应，向伊拉克前线提供顾问、部队、物力、情报与监视设施。革命卫队圣城旅的指挥官，苏莱曼尼少将在战斗中指挥着包含伊拉克什叶派民兵在内的武装力量，成为对抗IS的主力。在这个过程中，苏莱曼尼也成为社交媒体上的红人。伊朗资助的主要是什叶派的受到欢迎的民兵部队。他们超过美国支持的伊拉克国防军，成为在伊拉克对抗IS的主力。在也门，革命卫队在胡塞武装中的作用相对小得多了。伊朗为胡塞武装提供武器、训练、资金。不过这些援助可能相对于胡塞武装占领与前总统萨利赫结盟没那么重要。伊朗在也门的影响比在叙利亚和伊拉克要小得多，但是对于海湾阿拉伯国家来说，胡塞武装只是木偶，而伊朗是操控者。

从伊朗的角度来说，他们认为自己的行为都是合法的。伊朗认为自己是帮助叙利亚、伊拉克政府对抗恐怖分子，而在也门则是帮助胡塞武装对抗基地组织。伊朗也可以做出一些辩解，指责沙特鼓励逊尼派极端分子残酷反对什叶派，而这些行动伤害了伊朗在本地区的利益。伊朗在过去的行为有可能延续到将来，而核问题达成协议很难改变伊朗的对外干预。伊朗在国外想做和能做的都有明显的限制，但是达成协议并不能减少伊朗在国外的活动。IS和逊尼派极端组织仍然是伊朗的威胁。中东也没有第三种势力阻止伊朗对盟友的军事和资金支持。

海湾阿拉伯国家当然知道这些，它们也打算自己面对伊朗。最近在戴维营峰会上，海湾合作委员会领导人向奥巴马总统寻求购买武器并签署防务合作协议用以在军事上抵御伊朗。美国对海湾阿拉伯国家的回应是比较积极的，但距对方的期望相去甚远。美国保证在军事上与海湾阿拉伯国家合作对抗伊朗，但这无法阻止伊朗在这些国家内部发挥影响。这些国家不止担心伊朗重塑本地区政治和宗教轮廓，更害怕伊朗推翻这些君主政权。

海湾阿拉伯国家担心他们会成为伊核谈判达成协议的受害者：如果伊朗有一天具备

核武能力，就不会再害怕美国，而且伊朗的经济也会有发展。它们在背后悄悄说，美国落入了伊朗的陷阱。一种新的认识慢慢在这些国家产生：如果想要抵抗伊朗的影响，他们必须直接动手。他们不能等美国限制伊朗了，必须担起责任，找到一个方法自己面对伊朗。他们想要自己反击伊朗，而不是等待美国的遏制。它们看到伊朗非常规行动（比如支持代理人）的成功，证明必须用以火攻火的方式反击伊朗人。针对伊朗的代理人战争就开始了。未来情况有可能更糟：该区域的战争变成中东教派角力的工具。伊朗的什叶派可能希望推翻逊尼派在海湾地区的统治地位，让什叶派上位，这一企图心越发明显了。因为预期到如此，海湾国家认为逊尼派和逊尼派阿拉伯人就要承受伊朗和它的什叶派同伙的攻击。他们看到冲突中的教派问题，而且相信伊朗也这么看。因此，他们并不认为教派主义是个问题，而认为这只是伊朗武装伊拉克什叶派的正常反应。他们认为只有伊朗改变地区政治政策，什叶派回到台下才能摆脱教派主义。换句话说，海湾阿拉伯国家并不认为他们有理由削弱本地区的教派主义。IS可能是一个不幸和错误的产物，但伊朗才是应该被谴责的根源。

伊朗并不在乎逊尼派阿拉伯邻居怎么想。伊朗认为逊尼派的教派主义是个问题。伊朗不认为自己的政策造成了极端主义的滋长。伊朗和海湾阿拉伯国家都没有意识到自己的教派主义政策构成了中东不稳定的最大威胁。伊朗认为这些很麻烦的教派主义事物会在伊拉克叙利亚战事结束之后过去。反过来，海湾阿拉伯国家认为，只有伊朗改变行动，什叶派不再掌权才能过去。不管怎样，教派主义成了目前中东决策的基本政治环境。

在过去的几年，外界对伊朗的大部分注意力都放在核问题上了。国际社会并没有仔细审视伊朗的其他活动。海湾阿拉伯国家认为协议会欺骗美国，使美国降低戒心，并对伊朗是个鼓励。他们无法再等待。作为伊朗在地区的手，这些阿拉伯国家决定结束伊朗对地区的干预。如果在艰难的谈判之后达成协议，却无法有效核查，那么海湾的阿拉伯国家可能会采取更加激烈的手段对伊朗进行反击。在沙特，我们已经看到坚决的抵抗伊朗的政策，这是通过打击胡塞武装来实现的。沙特的行动可能只是在本地区抗衡伊朗行动

的开始。海湾阿拉伯国家可能对打击IS更不热心，也可能支持逊尼派极端分子攻击伊朗及其盟友。这种心态可能使目前的战事延长，也可能制造新的战争。如果这样，地区稳定更加遥不可及，美国可能被迫回到中东。

达成核问题协议对伊朗，对该地区、对西方都是有利的，这值得努力。对于伊朗来说，解决核问题是重要的一步，但不是全部。达成协议会使伊朗在面对美国的军事威胁时感觉轻松一点。放松经济制裁也会帮助伊朗经济，使其有更多资源可以用于支撑地区雄心。但是，追求这些雄心可能会惹恼海湾阿拉伯邻居。一项协议也无法成为沟通伊朗和其逊尼派阿拉伯对手的桥梁。不同的愿望、宗教固执、把一切错误归咎于他人的思想会继续困扰这个地区。这是中东问题的根源，也只有在其中才能找到解决之道。解决问题需要伊朗和他的阿拉伯邻居承认他们的政策导致了冲突，教派主义正蹂躏着中东。需要双方在决策过程中去除教派沙文主义因素。但近视的政策和缺乏问责没有丝毫减弱的迹象。缺少根本性改变的情况下，对伊朗和这个地区的未来都不那么正面，无论是否达成核问题协议。

伊朗解除制裁，中国能获利多少

就中国经贸全局而言，伊朗需要更大规模进入国际石油市场，石油供给增多，对油价的抑制增强，有利于我国这个全世界最大石油进口国。而伊朗核问题最终协议的达成，以及中国“一带一路”战略的实施，也有利于中国-伊朗经济关系的进一步发展，密切整个中国-中东地

近日，中东大国伊朗引得舆论频频注意，一方面在数日之前，经过艰苦的谈判，伊朗终于和包括美国、中国、俄罗斯、法国、英国和德国在内的六大国，在“P5+1”框架下，达成了关于伊朗核问题的框架协议；另一方面，伊朗石油部高级官员在近日访问中国，希望尽快增加石油出口，并恢复中国在伊朗境内的大型项目；与此同时，伊朗成为了中国主导的“亚投行”意向创始成员国；中国中东问题特使宫小生也在近日到访伊朗，商讨“一带一路”事宜。在一系列变化的新国际形势之下，伊朗不断向中国趋近，两国关系也随着双方经贸往来的密切而进一步升温。

中伊良好的经济关系

中国与伊朗一直有着历史悠久的传统商贸联系，在当今更有着稳定正常的政治关系和广泛的经济合作关系。从中国的角度看，伊朗是中国进口石油最大来源国之一，从伊朗进口的石油占中国全部进口石油总额的10%。2014年中国和伊朗的贸易额达到了历史最高，约520亿美元。在中国倡导的“一带一路”战略规划中，伊朗是必经之路，是中国主导创建的上合组织观察员国，任何连接东亚至欧洲的公路、铁路、油气管道和通讯网络，都将使伊朗受益。同时，与“一带一路”相辅相成的“亚投行”也将为伊朗的基础设施建设提供可能的资金支持。

从伊朗的角度看，中国是伊朗最大的贸易伙伴，伊朗需要中国的资金与技术支持。首先伊朗拥有巨大的石油储量，在当前世界十大探明石油储量国中，中东就占据了五个国家，分别是沙特、伊朗、伊拉克、科威特和阿联酋。这其中伊朗的已探明储量就占据了世界总探明储量的10%。伊朗石油收入占其财政收入的三分之一左右。而中国是伊朗

最大的贸易伙伴和最大的原油需求国，2012年国际社会对伊朗制裁加码以来，伊朗出口石油半数销往中国。此外伊朗其他的资源储量也十分巨大，铁矿、铝矿、铜矿、铬矿和天青石等矿产资源是中国矿业进口的主要地区之一，中国有色金属建设股份有限公司、中国冶金建设集团等大型企业同伊朗保持着较为密切的合作。尽管从总体的进口比例上来说，伊朗的进口矿石在中国进口矿石的总比重中仍然较小，但是在资源日益紧张和稀缺的今天，伊朗的矿石和其他天然资源的进口对于中国来说仍然具有极其重大的战略意义。

其次，伊朗需要中国的石油技术。伊朗一直鼓励中国参与到伊朗国内的油气资源项目之中。由于伊朗长期受到美国和西方世界的经济制裁，因此亟需新的油气勘测和生产技术来保证原油开采的可持续性。在此背景下，如中石油、中海油和中信国际合作公司等中国企业参与到了伊朗国内不少油气资源项目。伊朗还希望中国能够更多的参与伊朗国内液化天然气项目如气田开发、工厂建设和进出口终端设置等一系列合作，以此带动和帮助伊朗国内能源产业的可持续发展。

第三，伊朗需要中国在国内基础设施建设方面提供帮助和支持。伊朗境内不少基础设施建设都有中国公司的影子，如北部高速公路德黑兰-索莫尔项目，马什哈德、色拉子、伊斯法罕、大不里士和阿赫瓦兹等城市间的铁路项目，都有中国公司的影子。此外，伊朗首都德黑兰的地铁工程(曾经由于1979年伊斯兰革命和1980年两伊战争而成为“烂尾”工程)也是由中国企业接手并完成建设，使得德黑兰成为中东第一个拥有地铁的城市。

最后，伊朗需要中国的工业与科学技术。伊朗工业基础在中东相当牛气，但和世界领先水平相比就很薄弱了，大部分工业原料和零部件都需要进口。但是由于长期受到经济制裁，伊朗从西方获得技术支持的途径有限，因此中国就成为了伊朗获得技术和科技支持的重要地区。中国向伊朗出口的产品中，大多数属于高附加值高科技含量的技术产品；此外伊朗大型工业缺乏，其市场也吸

引着中国企业在伊朗扩大影响。中国重汽、东风、奇瑞、一汽、宇通、力帆等汽车在伊朗市场都颇受欢迎，而中船集团和中航技等公司也同伊朗保持着密切的合作关系。伊朗对于中国工业产品和技术的依赖，也是未来中伊双边关系继续良好发展的重要基础。

伊朗的唯一选择

1979年伊斯兰革命之后，伊朗国内经济情况一直很糟糕，加上社会经济阶层分布不均，民众对于变革的要求十分强烈。尽管90年代以来，历届伊朗政府都试图通过“改革”来改变日益拉大的阶层分化，结果却“越改越糟”。2006年美国 and 西方实施了严厉的制裁方案，伊朗严重依赖油气出口的国内经济更是雪上加霜，国内通胀率直线飙升。经济制裁还波及到了伊朗社会其他领域，伊朗航空公司代表公开对媒体说，由于受到制裁，机队平均机龄21年并且无法获得必要的零件，已经威胁到飞行安全。

当下伊朗国内经济形势十分严峻。从伊斯兰革命至今的数十年间，伊朗先后四次被西方制裁，尤其是2012年的第四轮制裁更为严酷，当时欧盟对伊朗实施石油禁运，伊朗金融机构的资产也被冻结。2013年鲁哈尼上任伊始，伊朗国内的通货膨胀率达到了近40%，经济一直处在负增长，失业人口比率高达12.6%。如果说我们套用经济学上的“滞涨性通胀”来形容伊朗的经济状况，怕是一点也不为过。

从上世纪九十年代开始伊朗的通胀率就一直居高不下，但与当时情形不同的是，伊朗经济在近近年来第一次出现负增长与膨胀共同出现的现象。在1996年哈塔米执掌伊朗时期，伊朗的通胀率虽然高达49%，但是经济增长率也达到了3%；再向前推到1987年穆萨维担任总理期间，伊朗的经济通胀率达到了23%，但是其经济增长率却也保持在了9%的水平。

国内的经济发展情况，直接关系到社会和民生。当下伊朗国内确实存在着大量的“烂尾”工程。据统计伊朗全国仍有约3000多处没有完工的工程项目，如此庞大的工程“余额”，如果想要全部重启并完工，势必需要大量的资金进行支撑。鲁哈尼采取的是比较务实和稳妥的解决方案，即注重投资那些已经接近完工的项目，争取“先易后难”，一点点解决“烂尾”问题。

伊朗经济形势同当前所处的国际环境密切相关，经济衰退很大程度上是由于国际社会的经济制裁和政治孤立所引起的。因此倘若能够解除国际社会的经济制裁，伊朗经济势必能够获得巨大发展。根据政府预测，随着国际经济制裁的接触，伊朗所获得的石油收入将会增长约22%。

如果经济制裁一旦解除，国内的工农业生产将会在短时期内恢复生机。在过去数年之中，“里亚尔”同美元汇率持续贬值，这一方面表明伊朗经济形势不容乐观，但也为国内货物出口提供了更具竞争力的价格优势。伊朗石油、天然气资源丰富，钢铁和水泥产量也较为充足。在过去数年中，由于美国经济制裁，伊朗国内原油无法实现正常出口，因此伊朗囤积了大量的优质原油。如果国际社会的经济制裁一旦解除，伊朗经济生产一定会迎来发展的良好机遇。此外，一旦经济制裁解除，伊朗与西方的贸易将得到激活，工商业者信心得到强力提振，国内商品供应的紧张状态将得到缓解，物价高居不下的状况可能有所改善，失业率因此也可能出现下降。

严峻的国内经济形势要求伊朗在伊核问题谈判上采取更加积极主动的措施，来解除国际社会尤其是美国为首的西方社会的经济制裁。但是从不久前达成的伊核问题框架协议来看，伊朗并没有获得希望已久的“全面解除经济制裁”的条款。在框架协议中，美国和西方国家仅仅承认将会“逐渐减轻”对于伊朗的经济制裁，而且这个条款还要视伊朗履行核协议的具体行动来进行，如果伊朗的核活动重启，那么美国和西方国家将有可能进一步“加重经济制裁”。

一方面是中国和伊朗之间长期保持着的经贸合作关系，另一方面是美国与西方世界对于伊朗的封锁和限制，在此背景下，伊朗经济的对外选择确实有限。尤其是去年下半年开始国际原油价格大幅下跌，伊朗原本就可怜巴巴的“原油红利”更是日益缩水。由于欧佩克等主要供应方坚持既定的供应计划，而欧元区、中国和日本的能源需求依然低迷，油价近期的上涨势头可能只是昙花一现。因此寻求中国的经济合作，通过加入“亚投行”获得亟需的基础设施建设资金，再通过加强同中国石油企业合作来扩大原油出口，获取先进技术，这也就成为了伊朗当前

几乎唯一的战略选择。

双边经贸关系的风险

需要指出的是，中国对伊朗经贸关系，在未来仍然会面临巨大挑战。

首先，中国同伊朗经贸关系的持续发展，主要得益于中国不以政治划线，而更加侧重通过发展双边经济造福于民的现实考量。当然，中国同伊朗的经贸关系也因此面临巨大考验，除了美国和西方国家对伊朗的经济制裁，使中国企业在对伊业务中存在巨大的政治风险之外，伊朗国内对于中国的印象仍然需要进一步加强。

其次，中伊在未来经贸发展中可能会受到来自西方企业的竞争。一旦未来经济制裁放松，来自西方国家的资本和技术就会迅速流入伊朗。事实上，鲁哈尼上台以后，多次邀请法国、德国和英国等西方国家的石油、基础设施和科技代表团访问伊朗。伊朗遭受美欧贸易制裁30余年，客观上使得中国资本、设备、消费品等在伊朗市场上难遇对手。倘若制裁大幅度松动，情况将发生变化，届时长期被动选择“中国制造”带来的“审美疲劳”，会潜移默化地加强伊朗客户优先选择西方产品的倾向，甚至可能导致伊朗客户在中方交易条件占优时仍做出非理性选择。在这种情况下，我们不得不加快实现中伊经贸的提质升级。如果能及时提升对伊朗经贸的质量，那么伊朗突破禁运制裁对中伊经贸就是十足的动力和机遇。

此外，伊朗国内的恰巴尔港可能会对中国-巴基斯坦瓜达尔港项目造成巨大冲击。中国新疆至巴基斯坦的瓜达尔港沿途地势险恶，受到巴基斯坦境内塔利班组织和俾路支分离组织的长期骚扰，安全环境在未来难有改观。与之相比，印度和伊朗力推的恰巴尔港项目则具有明显的优势。从地理位置上讲，伊朗境内的恰巴尔港距离瓜达尔港仅数百公里，港口天然条件优良。伊朗的社会秩序相对好稳定，只是过去伊朗长期遭受西方禁运制裁，才使得瓜达尔港相较于恰巴尔港具有了一定的“政治优势”。如果伊朗一旦被解除制裁，那么中国援建的瓜达尔港项目则很有可能受到恰巴尔港的影响。

就中国经贸全局而言，伊朗需要更大规模进入国际石油市场，石油供给增多，对油价的抑制增强，有利于我国这个全世界最大石油进口国。而伊朗核问题最终协议的达

成，以及中国“一带一路”战略的实施，也有利于中国-伊朗经济关系的进一步发展，密切整个中国-中东地区的经贸往来。但是面对当前以及未来可能出现的政治经济风险，我们也要保持清醒的认识，做出相应的预判，提升自己在双边关系中的竞争力和话语权。

伊朗一夫多妻制让中国男人苦不堪言： 男方支付女方“保证金”

我的一位中国朋友在伊朗已经工作生活了十多年，现在已经过了四十，个人问题还没有解决，回国找对象又没有时间，在伊朗的华人里几乎没有单身女子，这事就一直耽搁下来。近年来，他下了决心要娶一位伊朗姑娘，周围的朋友都为他张罗介绍，终于在一年前把这事定了下来，女孩子我也见过几次，天生丽质，而且英文流利，气质大方，我朋友的虚荣心得到了极大的满足。

前一阵我忙得焦头烂额，昨天忽然想起这个朋友，不知他结婚了没有，因为我知道他一直在办理手续，这都快一年了，就打了个电话给他，才知道他居然还在办理结婚注册登记！在这之前，单身证明，入教证明等等，都要公证、认证，现在是最后一步了，登记完了就可以举行婚礼了。

朋友的语气中并没有太多的喜悦：“大姐啊，小弟我现在是有苦说不出啊！”

其实，不用说我也能猜到，这个女孩子家里有姐妹四人，一个已经出嫁，父亲去年心脏病去世，我朋友当时还在经济上资助了她家，现在正式谈婚论嫁，又是嫁给一个外国人，我估计女方一定会在经济上争取最大利益。

朋友虽说在伊朗工作了十几年，但也是这几年收入才有大幅度增长，可德黑兰的房价也翻了几番，所以他至今还是租房而居，原来说好结婚后先租房生活，过几年再买房，现在女方提出婚房必须是买的，而且房产证是要写女方的名字，朋友的压力可想而知。

伊朗至今沿袭着相亲的习俗，通常男女青年在家庭聚会上见面，彼此若有好感，家庭条件又相当，男方就会提出上门相亲，一般要有双方家长陪同，第一次见面介绍一下彼此的情况和未来生活的打算，父母都没有意见的话就让两个年轻人单独聊一下，如果两个人情投意合，就可以在双方父母都知情的情况下单独出去约会，时机成熟后双方父母就会坐下来正式商讨婚姻的条件。

这种商讨非常类似于商业谈判，根据男方所能提供的房子和车子的价值，女方要提供所有生活必需品，大到冰箱彩电家具，小到锅碗瓢勺，从进口货到国产货，档次不同。如果双方家庭彼此熟悉，这个过程就简单些，如果是陌生人，女方家长在男方来相亲时，

会仔细询问男方的家庭条件，受教育程度，工作性质，收入，所拥有的财产等等，光听他自己介绍还不够，事后还会到男方家所在地向四周邻居打听调查，男方家庭也会派人到女孩家附近打听女孩子的人品。

这一点很有伊朗特色，很多朋友不能理解，现代社会邻居之前的关系淡漠，个人自扫门前雪，谁还知道别的邻居的情况？不过伊朗的邻居有所不同。为保护女方的经济利益，有一笔必谈的数目，在结婚证书上要注明的，叫“mehriye”，是男方要支付给女方的一笔不小的类似“保证金”的财产，在伊朗大部分以金币的形式体现，这笔财产的用途，通常是在离婚时被法院判定分期支付，一个金币合美金4、5百，现在的女孩子一般都会要求500个金币，还有些用自己的生日的年份来定，比如伊朗历1358年出生的，就要1358个金币，还好这里不用公历，要不然不是又多出几百个金币！在大部分婚姻里，这个mehriye不过是一种形式，永远也不会兑现，只是在离婚的时候，女方才会要求男方支付，因为数目较大，一般都是分期支付，每月根据男方的收入状况，付半个到一两个不等。

据说，有女人利用了这一点，作为欺诈男人的手段，我听说过这么个女人，已经结了三次婚，每次婚后半年就开始装疯卖傻，男人被吓坏了，主动提出离婚，情愿把房子转让给她，或把mehriye一次性付清，好甩掉这个麻烦，女人拿了财产就搬家，再寻找下一个目标，因为有钱有姿色，吸引前来相亲的也都是事业有成，有经济实力的男人。朋友的对象现在要求他买房，为此愿意去公证处将500个金币的mehriye取消。

我丈夫听说后，说看得出女方很精明，房子是立即成为女方财产的，mehriye是看不到摸不着的，即使将来离婚，也不是马上能全部兑现的，他叫我提醒朋友要对女方家庭作一个充分调查，我想人家都在办理登记手续了，之前应该已经作了充分的考虑。我还是祝福他一切顺利，生活幸福吧！

嫁中国男人的伊朗女人对老公要求太惊人

伊朗是个男女有别的国家。出海关时有女士通道，地铁有女士车厢，清真寺有女士包间，健身房也有不同时间的男女专场。由于是穆斯林国家，伊朗的男女有别观念特别强。

在婚姻方面，很多伊朗女孩都非常现实。记者问过很多女孩同样的问题：如果一个男人非常爱你和你的家人，并且相貌英俊，人品也好，就是没有钱，你愿意嫁给他吗？她们无一例外地在第一时间说“NO”。

尽管很多伊朗女孩已经放弃了事业上的追求，一心只是想找个好老公，可现实却很难让她们如愿。

长达八年的两伊战争，使伊朗损失了近60万的青壮年男子。战后，男女比例严重失调。据一个伊朗全国青年组织的调查表明，目前20至29岁的年轻妇女有620万，而25至34岁之间的男性仅有480万。而且由于伊朗男子有寻找比自己年轻的女子结婚的习俗，因此有125万名女性可能会丧失结婚的机会。伊朗媒体说，就算是所有男子都结婚，也仍有100多万妇女要过单身生活。

很多伊朗女孩已经放弃了事业

因此，在妇女地位原本就不高的伊朗，男性享有了更多特权。男孩子们可以从容不迫地挑选女友，同时交好几个也不会受到任何谴责。妇女在家庭中没有决定权，连单独外出旅行都要丈夫签字批准才能买到车票或机票。

伊朗妇女连单独外出旅行都要丈夫签字批准才能买到车票

伊朗法律规定，一名男子可以娶四个老婆。但在一些偏远地区，娶十几个老婆也不是什么新鲜事。另外，还有一种独一无二的契约婚姻模式，其实就是合法同居。男女双方找律师签订婚姻合同，期限不定，连法院都不用去，任何一方都可以随时终止合同。这看上去很公平，但事实上，离过婚或是有过契约婚史的女性，想再嫁出去几乎不可能。

几年前，有个中国人在德黑兰开车不小心撞倒了一个伊朗老太太。老人家不要赔钱也不上医院，惟一的要求是让这个中国男子在她两个未出嫁的女儿里，任选一个娶回家，两个都娶更好。那个中国人被纠缠了很

久，最后才把事情平息。

伊朗贫富差距较大，土地财产私有化，房子非常的贵，德黑兰的房子折合人民币7-8万人民币一平米，由于战争和西方制裁30多年没有发展，很少看到有新盖房子的。伊朗法律非常的严格，导游告诉我们这里没有小偷不会丢东西，如果发现小偷逮住后会剃去手或手指，一生中永远让人们知道他是个小偷。

伊朗女人很受歧视，不能单独出门，外出要穿黑纱，职业女性也要穿半大风衣之类的，不要露着头发和臀部，不能和男人随便接触，不能随便搭车，如果发现和男人通奸，男人立即用吊车进行绞刑，女人立着活埋露着头部，要乱石砸死。据说他们也在家里也穿名牌服装，跳舞、唱歌接受现代的东西。伊朗的有钱男人可以娶四个老婆，对待四个老婆要平等，一旦要离婚法律规定男人要弄得倾家荡产。

如果看到家具商卡里木先生和理发员马尔亚姆女士手拉着手，亲亲热热地在街上走，真像一对恩爱夫妻。其实不然，他们是合同婚姻者。他们持有合同婚约，凭此可以约会、拥抱、亲昵。若有多管闲事的人检举或警察干预他们，他们只需出示随身携带的合同婚约，就万事大吉了。而如若既不是夫妻，也没有合同婚约，男女手拉手在街上走，在伊朗是要遭拘留和鞭打的；若男女通奸，则会被乱石砸死。

伊朗女人很受歧视，不能单独出门

当然，伊朗对合同婚姻有着明文规定，女方必须是寡妇，或是离异者。若是未婚女子，必须得到父亲的同意。男方不管未婚和已婚都可以。男女双方同意后，要签订合同婚约，明确期限、约会次数、男方支付给女方的钱数等等。然后，他们拿着身份证和照片到婚姻登记处签字盖章，再到清真寺由阿訇做证婚人，举行简单仪式后，就成为合法的合同婚姻者了。这种合同婚姻，长的可以持续几十年，只要双方同意，随时可以延长期限。

伊朗对合同婚姻有着明文规定，女方必须是寡妇，或是离异者

我的一位中国朋友在伊朗已经工作生活了十多年，现在已经过了四十，个人问题还

没有解决，回国找对象又没有时间，在伊朗的华人里几乎没有单身女子，这事就一直耽搁下来。

近年来下了决心要娶一位伊朗姑娘，周围的朋友都为他张罗介绍，终于在一年前把这事定了下来，女孩子我也见过几次，天生丽质，不同于大多数伊朗女孩爱化浓妆，她连口红都不擦的，而且英文流利，气质大方，我朋友的虚荣心得到了极大的满足。

前一阵我忙得焦头烂额，昨天忽然想起这个朋友，不知他结婚了没有，因为我知道他一直在办理手续，这都快一年了，就打了个电话给他，原来他还在办理结婚注册登记，在这之前，单身证明，入教证明等等，都要公证认证，现在是最后一步了，登记完了就可以举行婚礼了。

朋友的语气中并没有太多的喜悦：“阿姐啊，小弟我现在是有苦说不出，很多事情不能说啊！”

我没有追着问，不用问我也能猜到，这个女孩子家里有姐妹四人，一个已经出嫁，父亲去年心脏病去世，我朋友当时还在经济上资助了她家，现在正式谈婚论嫁，又是嫁给一个外国人，我估计女方一定会在经济上争取最大利益。

我朋友虽说在伊朗工作了十几年，但也是这几年收入才有大幅度增长，可德黑兰的房价也翻了几番，所以他至今还是租房而居，原来说好结婚后先租房生活，过几年再买房，现在女方提出婚房必须是买的，而且房产证是要写女方的名字（在伊朗外国人不能有不动产），朋友的压力可想而知。

伊朗女人不能露着头发和臀部

伊朗至今沿袭着相亲的习俗，通常男女青年在家庭聚会上见面，彼此若有好感，家庭条件又相当，男方就会提出上门相亲，一般要有双方家长陪同，第一次见面介绍一下彼此的情况和未来生活的打算，父母都没有意见的话就让两个年轻人单独聊一下，如果两个人情投意合，就可以在双方父母都知情的情况下单独出去约会，时机成熟后双方父母就会坐下来正式商讨婚姻的条件。

伊朗女人不能和男人随便接触

这种商讨非常类似于商业谈判，根据男方所能提供的房子和车子的价值，女方要提供所有生活必需品，大到冰箱彩电家具，小到锅碗瓢勺，从进口货到国产货，档次不同。

如果双方家庭彼此熟悉，这个过程就简单些，如果是陌生人，女方家长在男方来相亲时，会仔细询问男方的家庭条件，受教育程度，工作性质，收入，所拥有的财产等等。

光听他自己介绍还不够，事后还会到男方家所在地向四周邻居打听调查，男方家庭也会派人到女孩家附近打听女孩子的人品。这一点很有伊朗特色，很多朋友不能理解，现代社会邻居之前的关系淡漠，个人自扫门前雪，谁还知道别的邻居的情况？不过伊朗的邻居有所不同。

在伊斯兰婚姻中，为保护女方的经济利益，有一笔必谈的数目，在结婚证书上要注明的，叫“mehriye”，是男方要支付给女方的一笔不小的类似聘礼的财产，在伊朗大部分以金币的形式体现，这笔财产女方可以在婚姻期间索取（这种情况很少）。

大部分是在离婚时被法院判定分期付款，一个金币合美金4,5百，现在的女孩子一般都会要求500个金币，还有些用自己的生日的年份来定，比如伊朗历1358年出生的，就要1358个金币，还好这里不用公历，要不然不是又多出几百个金币？

在大部分婚姻里，这个mehriye不过是一种形式，永远也不会兑现，只是在离婚的时候，女方才会要求男方支付，因为数目较大，一般都是分期付款，每月根据男方的收入状况，付半个到一两个不等。

伊朗的有钱男人可以娶四个老婆

也有女人利用了这一点，作为欺诈男人的手段，我听说过这么个女人，已经结了三次婚，每次婚后半年就开始装疯卖傻，男人被吓坏了，主动提出离婚，情愿把房子转让给她，或把mehriye一次性付清，好甩掉这个麻烦，女人拿了财产就搬家，再寻找下一个目标，因为有钱有姿色，吸引前来相亲的也都是事业有成，有经济实力的男人。一旦要离婚法律规定男人要弄得倾家荡产

朋友的对象现在要求他买房，为此愿意去公证处将500个金币的mehriye正式取消，老侯看得出女方很精明，房子是立即成为女方财产的，mehriye是看不到摸不着的。

即使将来离婚，也不是马上能全部兑现的，老侯叫我提醒朋友要对女方家庭作一个充分调查，我想人家都在办理登记手续了，之前应该已经作了充分的考虑。

伊朗奇葩法律新高度 男女亲热竟要合同证明

自古以来，女子嫁给男人为妻，就算是丈夫的人了，平时拉手拥抱也是天经地义的事情。可是伊朗却有一个奇葩的习俗，要想亲吻拥抱，必须随身携带结婚证明，否则会当做犯罪被抓走。这究竟是为什么呢？如果青年男女谈恋爱连手都不能牵吗？

伊朗是穆斯林什叶派国家，在婚姻上和穆斯林逊尼派国家一样。伊朗法律规定，一名男子可以娶四个老婆。但在一些偏远地区，娶十几个老婆也不是什么新鲜事。另外，还有一种独一无二的契约婚姻模式，其实就是合法同居。男女双方找律师签订婚姻合同，期限不定，连法院都不用去，任何一方都可以随时终止合同。

这看上去很公平，但事实上，离过婚或是有过契约婚史的女性，想再嫁出去几乎不可能。近年来，由于伊朗经济不佳、男女离异增多和青年结婚困难等因素，合同婚姻出现了增加的趋势。

合同婚姻手续挺简单。家具商卡里木先生和理发员马尔亚姆女士手拉着手，亲亲热热地在街上走，真像一对恩爱夫妻。其实不然，他们是合同婚姻者。他们持有合同婚约，凭此可以约会、拥抱、亲昵。

若有多管闲事的人检举或警察干预他们，他们只需出示随身携带的合同婚约，就万事大吉了。而如若既不是夫妻，也没有合同婚约，男女手拉手在街上走，在伊朗是要遭拘留和鞭打的；若男女通奸，则会被乱石砸死。

当然，伊朗对合同婚姻有着明文规定，女方必须是寡妇，或是离异者。若是未婚女子，必须得到父亲的同意。男方不管未婚和已婚都可以。男女双方同意后，要签订合同婚约，明确期限、约会次数、男方支付给女方的钱数等等。

然后，他们拿着身份证和照片到婚姻登记处签字盖章，再到清真寺由阿訇做证婚人，举行简单仪式后，就成为合法的合同婚姻者了。这种合同婚姻，长的可以持续几十年，只要双方同意，随时可以延长期限。

伊朗是政教合一的国家，同逊尼派国家比较，妇女受的禁忌少一点，如妇女只穿黑袍，不戴面纱，但对未婚女子还是要求很严格。父母严格管教婚前女孩，不准她们随便

约会，不准同男性握手，不经父母同意，不得结交男朋友。在学校里，男老师不准教10岁以上的女孩，女老师也不能教10岁以上的男孩。医院设两个大门，分别为男、女出入。公共汽车上，男坐前车厢，女坐后车厢，泾渭分明。

当前，伊朗一些女权主义者、神职人员和政府官员推崇合同婚姻。他们说，伊朗25岁以下的青年占全国总人口的65%，但不少人失业，许多人没钱结婚，合同婚姻是解决青年性爱的好办法。

伊朗一家妇女杂志社的著名编辑还列举了合同婚姻的诸多好处：1. 使男女性关系更加开放；2. 是男女得到性满足的一个合法途径；3. 消耗青年人多余的精力，让他们少上街闹事；4. 有利于消除人们对处女膜破裂的偏见。

在伊朗，连一些保守的律师都会站出来表态说，合同婚姻有什么不对？这要比私通好多了。大声为合同婚姻叫好的人甚至认为，既然合同婚姻是合法的，那合同婚姻者所生的孩子也应像通常家庭中的孩子一样，享有一切正当权利，包括继承生父的财产。

当然不难想象，在伊朗同样也有不少人指责合同婚姻，认为这种做法超出了伊斯兰法允许的穆斯林男子可娶4个老婆的范围，一些贪色的男子可利用合同婚约为所欲为，想要多少女人就要多少女人。称这种合同婚姻破坏了道德规范，给社会和家庭带来了不可估量的损害。

一位不愿透露姓名的青年就曾告诉记者，他今年23岁，如果同一位女人签订合同婚约，3年后分手，再找一个女孩结婚，人家会同意吗？他还说，据他了解，绝大多数的男人都不想同有过合同婚姻经历的女人建立家庭，更不想成为合同婚姻所生孩子的父亲。

斩获金熊奖的伊朗导演，为何成为禁忌？

柏林电影节最高奖项金熊奖由伊朗导演帕纳西执导的《出租车》获得，他本人被当局限制出境，无法到场。

柏林当地时间2月14日晚7点，第65届柏林电影节的颁奖典礼在柏宫举办。最终，伊朗导演贾法·帕纳西略带实验气质的影片《出租车》拔得头筹。这位伊朗导演也用自己的《越位》、《闭幕》和《出租车》完成了在柏林的评审团大奖、最佳剧本奖和金熊奖的三连跳。

帕纳西因为被当局限制出境，无法到现场领奖。他的侄女哈娜·赛义，亦是在《出租车》中出演的小演员，手举金熊泣不成声。

贾法·帕纳西是谁？

贾法·帕纳西是伊朗当代最著名的导演之一。伊朗保守派视他为国家公敌，因为他的电影描绘的所有事情在他的国家都被视为禁忌：饮酒、卖淫，对妇女的压迫。

此次斩获金熊奖，是帕纳西第二次问鼎欧洲三大电影节最高奖，2000年他曾凭借《生命的圆圈》拿到威尼斯电影节金狮奖。由于被伊朗当局判定其拍摄禁片，贾法·帕纳西被以“危害国家安全”、“实施反对伊斯兰共和国的宣传”的罪名获刑6年，20年以内禁止制作或拍摄电影、编写剧本、接受任何媒体访问以及离开国境。尽管如此，他还是在夹缝中坚持电影创作。

一些成功的伊朗电影人都已经离开伊朗，比如《坎大哈》的导演莫森·玛克玛尔巴夫和《我在伊朗长大》的导演玛嘉·莎塔琵。但祖国永远是他们影片的核心，“你可以将一个伊朗人赶出他的国家，但你不能把他的国家从他心中抹去。”

帕纳西不想离开伊朗。他希望在这里拍电影。尽管政府自从2006年以后一再拒绝他的项目申请，包括改编电影《灿烂千阳》。“我没法停止工作。我拍电影，我才活着。”帕纳西说。

《出租车》是一部怎样的电影？

影片《出租车》想法新奇，又极度真实：贾法·帕纳西亲自出镜化身出租车司机，在伊朗德黑兰的街道上穿梭，各式各样的人纷纷进入帕纳西的流动摄影棚。作为一部展示伊

朗社会现实的严肃作品，导演没有落入说教的俗套，他举重若轻，用轻松幽默的手法描绘了一副生动的社会全景图。

这部貌似随意拍摄的“纪实”电影，被铺垫了一环扣一环的情节：最先上车的是一个混混和一个女教师，他们为一个伊朗社会事件而争论，接着上车的卖碟小贩一眼就认出了开车的贾法·帕纳西，不巧在他们前行的路上途经一个车祸现场，伤心欲绝的妻子拉着被撞得满身是血的丈夫临时上了出租车。车子在医院放下了车祸伤员，继续前进，陆续在路上邂逅了学电影的学生、两个放生金鱼的老女人、老邻居、拾荒的男孩、曾经的工作伙伴等，出租车还在中途接上了贾法·帕纳西刚刚放学的侄女。每个乘客和司机的谈天说地都令人捧腹和耐人寻味，最终贾法·帕纳西和侄女为了归还老女人落在车上的钱包，下了车，而空着的出租车被飞车党盗抢，车内的镜头在偷盗中突然一片漆黑，影片结束。

由于该片是“非法”拍摄，除了导演本人，所有参与摄制者都没有出现在演职员表名单中，这也是导演对其他电影工作者的一种保护手段。

无人领取的金熊也将被载入历史，2015年，通过自己的镜头自由表达观念，仍然未能实现。



دوره های کوتاه مدت آموزش
زبان چینی از مبتدی تا پیشرفته
با مدرک دانشگاه شهید بهشتی

شروع دوره جدید: پنجشنبه ۳ تیر ماه

تکمیل ظرفیت: تا ۲۰ خرداد ماه

محل برگزاری: دانشگاه شهید بهشتی

تلفن تماس: ۰۲۱-۲۲۴۱۳۴۷۸



听其言而观其行

观察



伊朗-俄罗斯：
人作之合



沙特伊朗断交的
“奈米尔”
因素



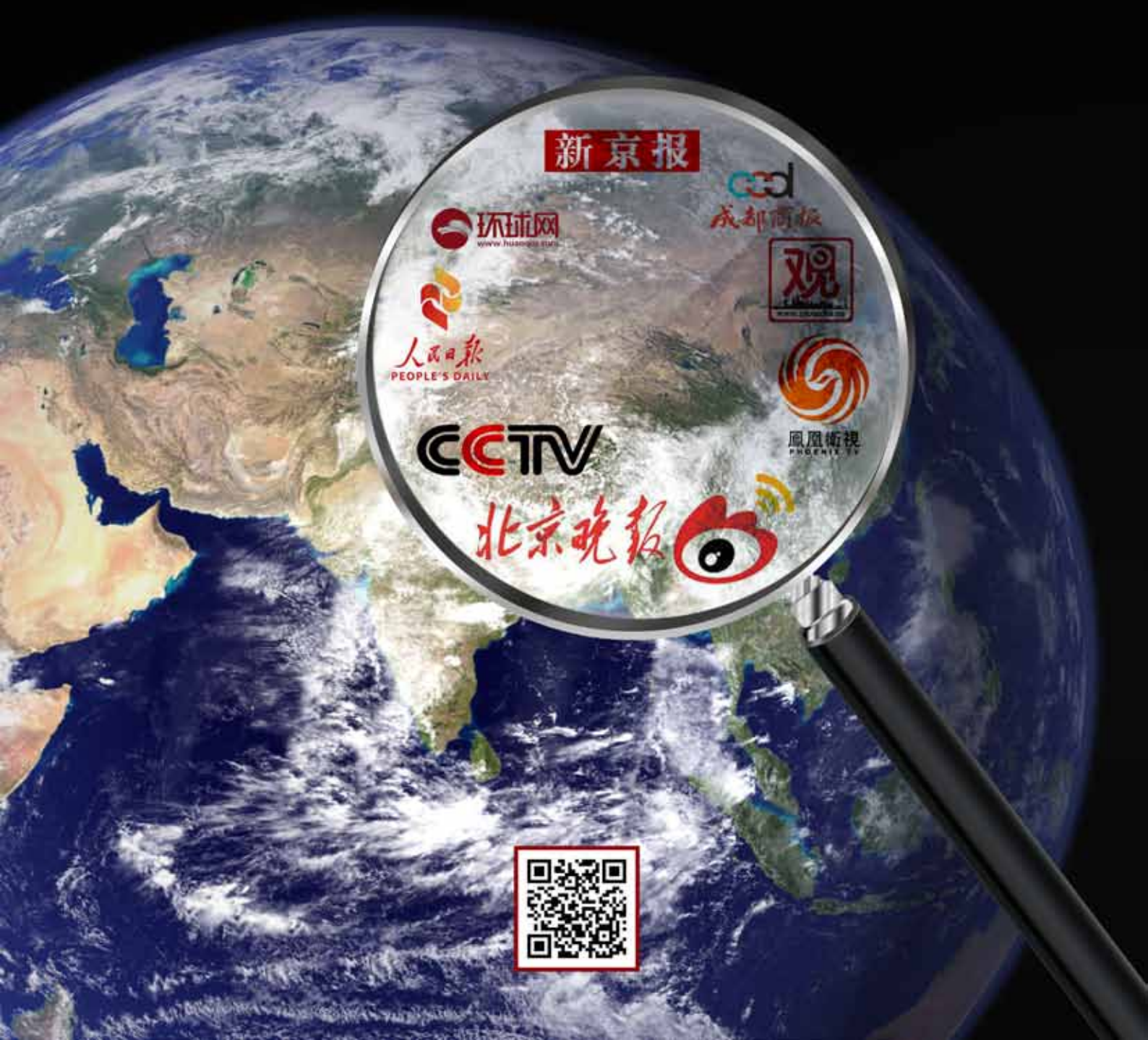
伊核协议对华
影响巨大



伊朗解禁后的
油气投资机遇



伊朗解除制裁，
中国能获利多少



新京报



人民日报
PEOPLE'S DAILY



凤凰卫视
PHOENIX TV

CCTV

北京晚报

